
تاریخ و آثار اسلامی
مکه مکرمه و مدینه منوره


بسم الله الرحمن الرحیم

تاریخ و آثار اسلامی مکه مکرمه و مدینه منوره ۱

نویسنده:

اصغر قائدان

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

تاریخ و آثار اسلامی مکه مکرمه و مدینه منوره

مشخصات کتاب

سرشناسه : قائدان اصغر، ۱۳۴۳ - عنوان و نام پدیدآور : تاریخ و آثار اسلامی مکه مکرمه و مدینه منوره اصغر قائدان [برای حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت . وضعیت ویراست : ویراست ۲. مشخصات نشر : تهران: مشعر ۱۳۸۵. مشخصات ظاهری : ۳۵۴ص.، [۶۱]ص. تصویر: مصور (بخشی رنگی)، نقشه جدول. شابک : ۱۸۰۰۰ ریال ۹۶۴-۶۲۹۳-۴۰-۹ : ؛ ۲۲۰۰۰ ریال چاپ هشتم ۹۷۸-۹۶۴-۵۴۰-۰۶۸-۰ : ؛ ۲۵۰۰۰ریال چاپ نهم ۹۷۸-۹۶۴-۶۲۹۳-۴۰-۳ : وضعیت فهرست نویسی : فاپا یادداشت : چاپ هفتم. یادداشت : چاپ هشتم: ۱۳۸۶ (فیپا). یادداشت : چاپ نهم: زمستان ۱۳۸۶. یادداشت : کتابنامه ص [۳۲۳] - ۳۳۴؛ همچنین به صورت زیرنویس. یادداشت : نمایه. مندرجات : بخش اول. ص. ۴۱ - ۱۶۶. تاریخ و آثار اسلامی مکه مکرمه.-- بخش دوم. ص. ۱۷۱ - ۳۲۰. تاریخ و آثار اسلامی مدینه منوره. موضوع : زیارتگاههای اسلامی -- عربستان سعودی -- مکه -- تاریخ موضوع : زیارتگاههای اسلامی -- عربستان سعودی -- مدینه -- تاریخ موضوع : مسجدها -- عربستان سعودی -- مکه -- تاریخ موضوع : مسجدها -- عربستان سعودی -- مدینه -- تاریخ موضوع : مکه -- آثار تاریخی موضوع : مدینه -- آثار تاریخی شناسه افزوده : حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت رده بندی کنگره : DS۲۱۱/ق۲ت۲ ۱۳۸۵ رده بندی دیویی : ۹۵۳/۸ شماره کتابشناسی ملی : م۸۵-۴۲۳۴۸

زیبایی حج

«مراتب معنوی حج، که سرمایه حیات جاودانه است و انسان را به افق توحید و تنزیه نزدیک می‌نماید، حاصل نخواهد شد مگر آن‌که دستورات عبادی حج به‌طور صحیح و شایسته، مو به مو عمل شود.» حضرت امام خمینی قدس سره حج، نمایشی با شکوه از اوج رهایی انسان موحّد از همه چیز جز او و عرصه پیکاری فرا راه توسن نفس و جلوه بی‌مانندی از عشق، ایثار، آگاهی و مسؤولیت در گستره حیات فردی و اجتماعی است. پس حج تبلور تمام عیار حقایق و ارزش‌های مکتب اسلام است. مؤمنان گرچه با این عبادت الهی آشنایی دیرینه دارند و هر سال با حضوری شورانگیز از سراسر عالم، زنگار دل با زمزم زلال توحید می‌زدایند و با حضرت دوست تجدید میثاق می‌کنند و گرچه میراث ادب و فرهنگ ما، مشحون از آموزه‌های حیاتبخش حجّ است، امّا هنوز ابعاد بی‌شماری از این فریضه مهمّ، ناشناخته و مهجور مانده است. پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، در پرتو اندیشه‌های تابناک امام خمینی- رضوان‌اللّه تعالی علیه- حج را نیز همچون دیگر معارف و احکام اسلامی، در جایگاه واقعی خویش نشاند و سیمای راستین و محتوای غنی آن را نمایاند. امّا هنوز راهی دراز در پیش است تا تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۶ فلسفه، ابعاد، آثار و برکات آن شناخته و شناسانده شود و مؤمن حج‌گزار با آگاهی و شعور دینی، بر آن مواقف و مشاعر، که محلّ هبوط ملائکهٔ اللّه و وقوف انبیا و اولیا است، گام بگذارد. در راستای تحقّق این هدف بزرگ، بعثه مقام معظّم رهبری با الهام از اندیشه‌های والا و ماندگار امام راحل رحمه الله، احیاگر حجّ ابراهیمی و با بهره‌گیری از رهنمودهای ارزشمند رهبر عزیز انقلاب اسلامی، حضرت آیهٔ‌اللّه خامنه‌ای- مدّظلّه‌العالی- با تأسیس معاونت آموزش و پژوهش، تلاش می‌کند فصل جدیدی فرا راه اندیشمندان مسلمان و علاقمندان به فرهنگ حج و زائران و راهیان حرمین شریفین بگشاید. از این رو، در عرصه پژوهش، تألیف و ترجمه، آثار گوناگون در باره حقایق و معارف حج، آشنایی با اماکن مقدس، تاریخ و سرگذشت شخصیت‌های بزرگ اسلام، بررسی رویدادها و عرضه خاطرات و به‌ویژه آموزش مسائل و آداب حج، تلاش‌هایی را آغاز کرده است. آنچه اکنون پیش روی خواننده قرار دارد، برگ سبزی است از این دفتر. بی‌گمان راهنمایی و همراهی اندیشوران، از نارسایی‌ها خواهد کاست و در این راه معاونت آموزش و پژوهش بعثه مقام

معظّم رهبری، از همکاری همه علاقمنـدان اسـتقبال کرده، دست آنان را به گرمی می‌فشارد. ومن اللَّه التوفیق و علیه التکلان معاونت آموزش و پژوهش بعثه مقام معظم رهبری تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۷ بسم اللَّه الرحمن الرحیم

مقدمه چاپ اوّل

إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِی بِبَکَّةَ مُبارَکاً وَ هُدیً لِلْعالَمِینَ (آل عمران: ۹۶) سپاس خدای- عزّ و جلّ- را که بر نگارنده منت نهاد و رهنمونش شـد تـا در بـاره تاریـخ و آثار اسـلامیِ امّ‌القری و حرم امن الهی (مکه) و حرم رسولش (مـدینه) دست به تألیف و نگارش زنـد؛ «مکه» ای که زمانی مهبط جبرئیل امین علیه السـلام و منزلگاه وحی سـرمدی بود و «مدینه» که موطن و مدفن خیرالبشـر و ذریه پـاک او است؛ همان جا که دین خـدا در آن «کامل» و ختم رسولانش به او «لاحق» گردیـد و خداونـد تبارک و تعالی بهترین مکان روی زمین؛ یعنی خـانه خود و قطعه‌ای از بـاغ بهشت یعنی «روضـهٔ النبی» را در آن قرار داد و هزارهـا سال، افضل مساجـد عالم یعنی «مسـجد الحرام» و کعبه آن همواره محل عبادت و تهجّـد انبیا، اوصـیا و پرسـتش خـدای یکتا بود و پس از اسـلام، مسـجد النبیِ آن، صـدها سـال مکـان عبـادت مسـلمانان و موحّـِدان بوده و خواهـد بود. مکّه، سـرزمین وحی و مـدینه شـهر رسول خـاتم، دل میلیون‌ها آرزومند و عاشق دلباخته را از اقصـی نقاط عالم به خود متوجه می‌سازد و همه ساله، امت اسـلامی را برگرد شمع وجود خود حیاتی دوباره می‌بخشـد. جای جای این سـرزمین بو و نشانی از پیامبرخدا صـلی الله علیه و آله، ائمه اطهار و صـحابه راستین و جلیل‌القدر او دارد. مکه زادگاه پیامبر صـلی الله علیه و آله و تاریخ و آثار اسـلامی، ص: ۱۸ مـدینه هجرت‌گاه او، کوله‌باری هزار و چهارصد ساله از وقایع تلخ و شیرین، زجرها و شکنجه‌ها، ایثارها و شهادت‌ها را پس از بعثت نبوی و هجرت محمّدی به دوش می‌کشد. در حقیقت هر گوشه از این خاک مقدس، خاطره‌ای دلنشین، آثاری گویا و شواهدی زنده از حضور بهترین مخلوق عالم داشته و یادآور خاطره جانفشانی‌ها و تلاش‌های آن حضـرت و صـحابه گرامی او در راه اعتلای اسلام است. اکنون ضروری است برای پاسداری از اصالت و هویّت تمدّن و فرهنگ اسلامی خود، آثار مقدس این سرزمین را بیابیم، بشناسیم و بشناسانیم و سرانجام در کتیبه قلب و اوراق دل، همچون لوحی محفوظ ثبت کنیم. رونـد تخریب بسیاری از این آثـار و اماکن اسـلامی، که طی سال‌های اخیر رو به گسترش است، نگارنـده را بر آن داشت تـا برای حفـظ و شـناسایی این پیشـینه تاریخی، به پژوهش و بررسـی کامل و مسـتندی دست زنـد، باشـد تا ان‌شاءاللَّه مورد عنایت و توجه محققان، پژوهشـگران و علاقمندان به تاریخ اسلام و زائران بیت‌اللَّه الحرام قرار گیرد. پژوهش حاضر، که بر اساس مسـتندترین و اصـیل‌ترین منابع تاریخی قرون اولیه اسـلامی و پژوهش‌های متأخر و جدید تهیه شده، سیر تاریخی آثار و اماکن مقدس مکّه و مدینه را از آغاز تا کنون در دو بخش مورد بررسـی قرار می‌دهد. از آنجا که بسـیاری از این اماکن- متأسفانه- بر اثر حـوادث طبیعی و یـا اهـداف مغرضـانه، دسـتخوش تخریـب و ویرانی گردیـده؛ لـذا فصل‌هـایی را هم به شـناسایی دقیـق آن‌ها اختصاص داده‌ایم. در پایان، شایسـته است از اهتمام معاونت محترم آموزش و پژوهش بعثه مقام معظم رهبری و دیگر کسانی که در تهیه، چاپ و نشـر این اثر سـهیم بوده‌اند، قدردانی کرده، از خداوند متعال توفیق روز افزون آنان را درخواست نمایم. والسلام علیکم ورحمهٔ اللَّه وبرکاته اصغر قائدان ۵/ ۹/ ۱۳۷۲ تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۹

مقدمه چاپ هفتم

اشاره

فِيهِ آيـاتٌ بَيِّنـاتٌ مَقامُ إِبْراهِيمَ وَ مَنْ دَخَلَهُ کانَ آمِناً وَ لِلَّهِ عَلَی النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْـتَطاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا .... (آل عمران: ۹۷) با عنایت و الطاف حضـرت ربوبی، پس از گـذشت یک دهه از چاپ نخست این کتاب، اکنون متن جدیـدی پیش روی شـما است که حاصـل

چندین سفر و ماه‌ها تلاش و کوشش است. از آنجا که روند تغییرات و تحوّلات آثار تاریخیِ دو سرزمین مقدّسِ مکّه و مدینه بسیار وسیع، سریع و پرشتاب است، ارائه هرگونه اطلاعات، پس‌از چندی مستلزم بازنگری و تجدید نظر خواهد بود. در مدّت نسبتاً طولانی که از نخستین چاپ این کتاب می‌گذرد، متأسفانه بسیاری از آثار تاریخی دستخوش تخریب و ویرانی و بسیاری نیز خوشبختانه احیا و بازسازی شده‌اند و سیر مراحل توسعه مسجدالحرام و مسجدالنبی، که از آن هنگام آغاز گشته بود، اکنون به پایان رسیده است. از این رو، با تشویق‌ها و مساعدت‌های معاونت محترم آموزش و پژوهش بعثه مقام معظّم رهبری جناب حجةالاسلام والمسلمین آقای سیدعلی قاضی عسکر، که خود از محقّقان فاضل و اندیشمند هستند، بحمداللَّه تألیف حاضر با اطلاعات و آمار و ارقام جدید به محضر تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۰ فرهیختگان و دانشوران تقدیم می‌گردد؛ امید است خوانندگان عزیز و زائران بیت اللَّه الحرام، اینجانب را مشمول دعای خیر خویش قرار دهند و هرگونه نقص و کاستی در این اثر را به دیده اغماض بر این کمترین فروگذارند یا منّت نهند و حقیر را از الطاف و عنایات روشنگرانه و عالمانه خود بهره‌مند سازند. در پایان لازم است از معاونت محترم آموزش وپژوهش بعثه مقام معظم رهبری، که مقدمات چاپ مجدّد این اثر را فراهم ساختند تشکّر کنم و از ویراستار محترم جناب آقای ورسه‌ای و نیز آقای امامی که متن را به دقّت نمونه‌خوانی کرده‌اند و سید صلاح موسوی و همکارانشان در مرکز تحقیقات حج، که صفحه‌آرایی اثر را برعهده داشتند و سایر عزیزان در نشر مشعر، سپاسگزاری و از خداوند سلامتی آنان را درخواست کنم. وعلی اللَّه التوکّل اصغر قائدان ۷/ ۷/ ۱۳۸۴

زمینه

موقعیّت جغرافیایی و تاریخی شبه جزیره عربستان

اشاره

شبه جزیره عربستان، در نیمکره شمالی، نیمکره شرقی و منتهی الیه جنوب غربی آسیا واقع شده و از مغرب به آفریقا و از شرق و شمال شرق به آسیا متّصل است. ازاین‌رو، آن را «شبه جزیره» خوانده‌اند که از سه سو به وسیله دریا محاصره شده و تنها سمت شمال آن خشکی است. دریاهایی که این شبه جزیره را محاصره کرده‌اند عبارت‌اند از: ۱. دریای سرخ یا قُلزم (بحر احمر) درمغرب ۲. دریای عرب در جنوب ۳. خلیج عدن در جنوب ۴. دریای عمّان در شرق ۵. خلیج فارس در شرق ۶. دریای مدیترانه درشمال غرب. با این توصیف، شبه جزیره، شکلی مربع مستطیل، با اضلاع نامتساوی، به خود گرفته و مجموع مساحت آن، به بیش از ۰۰۰ ۰۰۰ ۳ کیلو متر مربع می‌رسد. امروزه کشورهای عربستان سعودی، یمن، قطر، امارات متحده عربی، بحرین، عمّان، کویت، اردن، سوریه، لبنان و فلسطین، در مجموع، شبه جزیره را تشکیل می‌دهند. جغرافی‌دانان در تعیین «مرز شمالی» شبه جزیره، دچار اختلاف شده‌اند، لیکن بر این مطلب متفق‌اند که خطی ممتد از ساحل دریای مدیترانه تا کناره رود فرات، مرز تقریبی آن را تشکیل می‌دهد. در منتهی الیه شمالی دریای سرخ، دو خلیج به نام‌های «عقبه» در شرق و «السویس» در غرب، شبه جزیره را به «صحرای سینا» و سپس «آفریقا» تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۲ متصل می‌سازد. حداکثر طول شبه جزیره ۲۳ درجه یا ۲۵۰۰ کیلومتر و حداکثر عرض آن (میان دریای سرخ و خلیج فارس) هزار کیلومتر است. جغرافی‌دانان عرب، شبه جزیره را به شش بخش تقسیم کرده‌اند:

۱. تِهامَه

به قسمت غربی کوه‌های «سراة»، که از شمال به جنوب شبه جزیره به موازات دریای سرخ کشیده شده «تِهامه» می‌گویند که از دامنه آن، تا سواحل دریای سرخ را در بر می‌گیرد. نام دیگر آن «غَور» است. از آن رو «تِهامَه» نامیده‌اند که حرارت و گرمای آن زیاد و

باد آن کم است «۱» و دیگر آن که سرزمین پست و ساحلی است. جده، مکه و نیمی از مدینه را جزو تِهامه دانسته‌اند. «۲»

۲. حِجاز

به قسمت شرقیِ کوه‌های سراهٔ و حدّ فاصل میان ارتفاعات نجد و شرق تِهامه، «حجاز» گفته‌اند که به شمال یمن منتهی می‌شود. حجاز از «حَجَز» به معنای حاجِز و مانع است «۳» و چون میان تهامه و نجد فاصله و مانع ایجاد کرده است، آن را حجاز خوانده‌اند. «۴» شهر طائف و نیمی از مدینه در این بخش واقع است.

۳. نَجْد

نجد، ناحیه‌ای است مرتفع که پس از حجاز و میان یمن، صحرای سماوه، عروض و عراق واقع شده و چون از دیگر نواحی مرتفع‌تر است، آن را «نجد» خوانده‌اند. این قسمت از شمال به «بادیهٔ السَّماوه» و از جنوب به «یمن» محدود است و لذا تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۳ قسمت مرکزی عربستان را تشکیل می‌دهد. ریاض پایتخت عربستان، در این ناحیه قرار دارد.

۴. یَمَن

کشور یمن در جنوب حجاز و نجد؛ یعنی در منتهی الیه جنوب غربی شبه جزیره واقع است و از حاصل‌خیزترین نقاط شبه جزیره به شمار می‌رود. یمن از مجاورت نجد تا خلیج عدن و دریای عرب ادامه دارد و از طرف مشرق با «حَضْرَمَوتْ» و دریای عمّان همسایه است.

۵. عَروض

ناحیه عروض، شامل یمامه، عمّان، بحرین و احساء است. از این رو، «عروض» نامیده‌اند که میان نجد، یمن و عراق فاصله ایجاد کرده است. «۱»

۶. حَضْرَمَوت و الْمَهَرَه «۲»

ناحیه وسیعی است در شرق عدن و در کناره دریا با نام حضرموت، که صحرای «احقاف» در مجاورت آن بوده است. گویند حضرت هود در این منطقه به خاک سپرده شده است. بعضی آن را منتسب به «حَضْرَمَوت بن قحطان» دانسته‌اند. از این منطقه در تورات، با نام «حاضر میت»، یعنی نخستین ساکن، یاد شده است. «۳» همچنین حضرموت و الْمَهَره را منطقه‌ای وسیع در کنار عمّان و عدن دانسته‌اند. الْمَهَره از «مَهَرَهٔ بن حیدان» گرفته شده و نیز نام قبیله‌ای بوده است.

بیابان‌ها و صحراهای شبه جزیره

اشاره

بخش بیشتری از این شبه جزیره را صحراها و کویرهای خشک و سوزان تشکیل می‌دهد که نه تنها قابل سکونت نیست بلکه گذر از آن نیز به‌راحتی امکان‌پذیر نمی‌باشد. زمین شناسان، عربستان را دنباله صحرای بزرگ آفریقا می‌دانند که به وسیله رود نیل و دریای سرخ از هم جدا شده است. صحراهای آن عبارت‌اند از:

۱. بادیهٔ الشّام

و آن در شمال شبه جزیره است و از حدود فلسطین تا جنوب غربی عراق ادامه دارد. حدود جنوبی آن نسبتاً آباد و دارای واحه‌های قابل سکونت است. «۱» این بخش از صحرا را، که امروزه بخشی از سوریه است، «بادیهٔ السَّماوه» نیز نام نهاده‌اند.

۲. نَفُود «۲»

ناحیه نَفُود صحرایی است وسیع، با شنهای نرم و سرخ، که وسعت آن به هفتاد هزار کیلومتر مربع می‌رسد. این صحرا میان جوف، جبل شَمَّر و نجد واقع است. منطقه مذکور پر از توده‌های بزرگ ریگ و شن بوده و میان آن‌ها درّه‌های عمیقی است که هیچ‌گاه آب به اعماق آن نمی‌رسد.

۳. الدَّهْناء «۳»

این صحرا از شمال شرقی به جنوب شرقی عربستان امتداد دارد و در شمال تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۵ حَضْرَمَوتْ، میان الرُّبْع الخالی و نَفُود واقع شده و به صحرای سرخ نیز معروف است؛ کویری است بیکران و چندان سخت و صعب‌العبور که پای هیچ کس به آن نرسیده و حتی صحرانشینان نیز از پیمودن آن عاجزند. «۱» دهناء میان نجد، کویت و احساء واقع شده که از شمال غربی به سمت جنوب شرقی امتداد یافته است.

۴. الرَبْعُ الخالی

کویر بسیار وسیعی است به این نام که در قسمت جنوب شرقی شبه جزیره واقع شده، و تمام منطقه جنوب و جنوب شرقی عربستان، جز سواحل عمّان را فرا گرفته است. وسعت آن به ۵۰۰۰۰۰ کیلومتر مربع می‌رسد و از بزرگترین صحراهای شنی جهان است.

۵. احقاف

به صحراهایی واقع در شمال شرقی حَضْرَمَوت در مشرق یمن و دهنای جنوبی احقاف گفته می‌شود. گویند حادثه تاریخی که در سوره احقاف از آن یاد شده؛ یعنی هلاکت قوم عاد، در این منطقه رخ داده است. همچنین گفته‌اند قبر پیامبر آنان؛ حضرت هود نیز در این مکان است. «۲»

شبه جزیره در بستر تاریخ

اشاره

شبه جزیره، از هزاره اول قبل از میلاد، به سه قسمت عمده تقسیم می‌شده است:

۱. عربستان سعید (خوشبخت) «۳»

این بخش، یکی از متمدّن‌ترین بخش‌های سه‌گانه است که از هزاره اول قبل‌از میلاد دارای تمدّنی با شکوه بوده‌است. عربستان سعید در منتهی الیه جنوب شبه جزیره واقع تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۶ شده و دارای موقعیتی به شکل مثلث است که امروزه کشور

یمن در آن واقع است. در این قسمت، دولت‌های مَعینیان، قَتَبان، سَبا «۱»، حَضْرَمَوتْ، حِمْیَریان و حَبَشیان «۲» یکی پس از دیگری به حکومت رسیده‌اند و آخرین دولت آن مقارن ظهور اسلام، دست نشانده دولت ساسانی ایران بودند که نخستین حاکم آن وهرز دیلمی و آخرین آن بازان است. با نامه‌ای که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برای بازان نوشت، وی و ایرانیان ساکن در این منطقه، همه مسلمان شدند. آنان نقش بسزایی در دفع فتنه اسود عَنْسی- پیامبر دروغین- داشتند.

۲. عربستان صخره‌ای «۳»

بر اساس نظر بطلمیوس، این قسمت، از شبه جزیره سینا و دامنه متصل به آن؛ یعنی از فلسطین تا اردن بوده است. از حکومت‌های این سرزمین می‌توان به نبطیان اشاره کرد که پایتخت آنان «بِطرا» یا «پترا» بوده و بعدها «پالْمیرا» یا «تَدْمُر» رونق یافت و جای آن را گرفت. چون کاخ‌ها و خانه‌های مردم این منطقه در دل کوه حفاری شده، آن را «عربستان صخره‌ای» نامیده‌اند. شایان یادآوری است، در قرن نهم قبل از میلاد، حدّ شمالی آن، تا دمشق می‌رسیده است. «۴» امروزه شهر پترا از شهرهای توریستی کشور اردن است که همه شهر با قصرها، منازل، معابد، ورزشگاه و قبور در داخل کوه حفاری شده و در قرآن کریم هم از آن یاد شده است. وَکانُوا یَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبالِ بُیُوتاً آمِنِینَ. «۵»

۳. عربستان صحرایی «۶»

عربستان صحرایی، بیابان‌های وسیع حدّ فاصل میان عراق و شام؛ یعنی همان تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۷ بادیهٔالشام را شامل می‌شده است. رودخانه فرات مرز شرقی آن و عربستان سعید مرز جنوبی آن بوده و در سمت شمال غربی و غرب، به عربستان سنگی متصل می‌شده است. «۱» دولت‌های غساسنه و لَخَمیان در این مناطق حکومت می‌کردند که هنگام ظهور اسلام و انجام فتوحات در شمال شبه جزیره، منقرض و بسیاری از مردم آن به اسلام گرویدند.

عرب و اقسام آن

اشاره

اصطلاح «عرب» در اصل به معنای «بدوی» و صحرانشین بوده است؛ زیرا «عُربَه» در عبری به معنای صحرا است و عرب به معنای صحرانشین است. «۲» در کتیبه‌های شلمنصر سوم و دیگر کتیبه‌هایی که در جنوب و یا شمال شبه جزیره کشف شده، لفظ عرب به صحرانشینان یا بدویان- نه شهرنشینان- اطلاق شده است. در قرآن کریم نیز چندین بار لفظ عرب یا اعراب آمده است؛ از جمله: ... قالَتِ‌الْأَعْرابُ آمَنَّا قُلْ‌لَمْ‌تُؤْمِنُوا ... «۳»؛ الْأَعْرابُ أَشَدُّ کُفْراًوَنِفاقاً .... «۴» در این‌جا منظور از اعراب، بادیه‌نشینان هستند نه مردم ساکن شهرها و این که «تَعَرُّب بعد الهجرهٔ» منع شده؛ یعنی اعرابی شدن و صحرانشین شدن پس از هجرت و پذیرش اسلام، موجب کفر و خروج از دین است و اما در مورد آیه إِنَّا أَنزَلْنَاهُ قُرْآناً عَرَبِیّاً ... باید گفت: قرآن به لهجه عرب؛ یعنی ساکنان شهرها و به‌ویژه قریش نازل شده است. شایان گفتن است بعضی به سبب انتساب به «یعرب بن قحطان» آنان را عرب خوانده‌اند. تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۸ الف: تقسیمات نژادی عرب: بیشتر علمای انساب، عرب را به سه قسمت تقسیم کرده‌اند:

۱. عرب عاربه:

آنان عرب خالص‌اند که به سبب انتساب به یَعرب‌بن قحطان، «اعراب قحطانی» و به سبب سکونت در یمن «اعراب یمانی» نامیده

می‌شوند. «۱» عرب عاربه در مناطق جنوبی ساکن بودند و پس از خراب شدن «سد مَأرِب» به سمت شمال شبه جزیره رفتند و برخی در غَسّان، برخی دیگر در یثرب (مدینهٔ النبی صلی الله علیه و آله) ساکن شدند. دو قبیله اوس و خزرج که به انصار معروف‌اند، از اعراب قحطانی و عاربه هستند.

۲. عرب مُسْتَعْربه

آنان عرب‌ناخالص‌اندکه به‌سبب مجاور بودن بااعراب خالص و یا اختلاط و امتزاج با آنان، عرب شدند. «۲» عرب مستعربه بیشتر در مرکز شبه جزیره و حجاز زندگی می‌کردند و چون نسل ایشان به «عدنان»، جدّ بیستم پیامبر صلی الله علیه و آله می‌رسد، آنان را «اعراب عدنانی» و نیز ازآن‌رو که ازنسل اسماعیل علیه السلام هستند، «اعراب اسماعیلی» خوانده‌اند. قریش، که پیامبر صلی الله علیه و آله و بنی‌هاشم از میان آنان هستند و نیز ثقیف، از اعراب مستعربه می‌باشند.

۳. عرب بائده

اینان چون از میان رفته‌اند، عرب «بائده» نام گرفته‌اند. اقوام عاد، ثَمود، طَسْمْ، جُدَیْس، امَیم، جاسِم و عَبیل از این دسته هستند. «۳»
ب- تقسیمات اجتماعی عرب اعراب از لحاظ اجتماعی و حیات معیشتی، به دو دسته مهم تقسیم شده‌اند.

اهل وَبَر

این دسته به تمام اعرابی اطلاق می‌شود که در بیابان‌ها روزگار می‌گذرانند و حیات معیشتی آنان صحرایی است و به سرزمینی وابستگی ندارند. این گروه از اعراب، در خیمه‌هایی که از وَبَرْ یا پوست بافته می‌شود، به سر می‌برند. آنان همواره برای دستیابی به چراگاه‌های جدید و نیز تغذیه حیوانات خود، در حال جا به جایی از مکانی به مکان دیگر هستند. بدیهی است طبیعت خشك و بیابان‌های سوزان و کمبود آب، مراتع و نیز زندگی سخت، از آنان عناصری جنگجو، مبارز، مقاوم، خشن و انعطاف ناپذیر ساخته است.

اهل مَدَر

مَدَری‌ها کسانی هستند که در شهر ساکن بوده‌اند. مَدَر به معنای گِل و خشت است. چون آنان دارای خانه‌های ساخته شده از گِل و خشت بوده‌اند. بدیهی است زندگی شهرنشینی و ماندن در یك مکان، آنان را دارای زندگی و خصوصیاتی متفاوت از بادیه‌نشینان کرده وبه تبع آن، تا حدی ازنعمت سواد، فرهنگ و تمدّن برخوردار شده‌اند.

دین در شبه جزیره

اشاره

پیش از ظهور اسلام، در هر یك از اکناف و گوشه‌های شبه جزیره، نوعی پرستش و دین خاص رواج داشت. انواع پرستش و یا ادیان نسبتاً مطرح، از ابتدا تا مقارن ظهور اسلام عبارت بودند از:

۱. پرستش ارواح و مظاهر طبیعت

در این منطقه، نمادهای طبیعت و ارواح، پرستش می‌شدند. ستاره پرستی، آفتاب پرستی، پرستش ماه و زهره در میان اعراب جنوبی مرسوم بوده است. اعتقاد به روح، جن، فرشته و غول از مظاهر پرستش ارواح و اجسام در میان آنان تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۳۰ است. در قرآن کریم نیز به پرستش فرشتگان و ملائکه به عنوان «دختران خدا» «۱» و نیز پرستش «جن» در میان ایشان اشاره شده است. «۲» بنابراین، تعدّد خدایان و شرک در شبه جزیره رواج کامل داشته است.

۲. یهود

در مورد ورود یهود به شبه جزیره اختلافات فراوانی است و ما این مطلب را در بخش مدینه، به‌طور مفصل بررسی خواهیم کرد. یهودیان، بیشتر در حجاز؛ یعنی شهرهای یثرب، تیماء و خیبر و نیز در یمن زندگی می‌کردند. تعدادی از مردم حیره و غسّان نیز به این دین گرویده بودند. گفتنی است، یهودیان یاد شده، از آرامیان و عربان نو یهودی بوده‌اند، نه از نژاد اسرائیل فرزند ابراهیم علیه السلام. «۳»

۳. مسیحیّت

امپراتوری روم، همواره در پی فرصت بود تا بر بخشی از مناطق شبه جزیره، که از لحاظ سوق‌الجیشی برای مقابله با دولت ساسانیان دارای اهمیت فراوانی بود، از طریق اقدام نظامی و یا فرهنگی تسلّط یابد و چون بسیاری از اقدامات نظامی او به نتیجه نرسید، کوشید از راه اشاعه مسیحیت، جای پایی در این مناطق باز کند. نخستین گام را امپراتور روم کنستانتین برداشت و در سال ۳۵۶ میلادی هیأتی مسیحی به ریاست تئوفیلیوس به سوی جنوب شبه جزیره؛ یعنی یمن فرستاد. این هیأت کلیساهایی در عدن (سرزمین حمیریان) ساخت که معروف‌ترین آن‌ها کعبه نجران بود. مردم نجران در سال ۵۰۰ میلادی به وسیله فیلمون قدّیس با مسیحیت آشنا شدند. این منطقه پس از چندی از مهمترین پایگاه‌های مسیحیت شد و هنگام ظهور اسلام، پیامبر صلی الله علیه و آله مسیحیان این مرکز را به مباهله دعوت کرد، ولی آنان نپذیرفته و پرداخت جزیه را پذیرا شدند.

۴. زرتشتی‌گری

در شبه جزیره، اقلیتی پیرو دین زرتشت بوده و در میان اعراب به مجوس شهرت داشته‌اند. البته گفتنی است بیشتر زرتشتیان ساکن در شبه جزیره، ایرانیانی بودند که در یمن، عمّان وبحرین سکونت داشتند. همچنین گرایش‌هایی به مانویت نیز در بعضی اعراب قریش دیده می‌شده «۱» و در مناطق حیره نیز به سبب نزدیکی به ایران زرتشتی گری رایج بوده است.

۵. حنفا

تا کنون «حنیف» به عنوان دین مطرح نبوده و در گذشته کسانی را که پیرو دین ابراهیم علیه السلام بوده‌اند، حنیف یا حنفا خوانده‌اند. پایه‌های این اعتقاد بر یکتاپرستی و نفی شرک استوار بوده است. خداوند در قرآن کریم دین ابراهیم علیه السلام را این‌گونه وصف می‌کند: ما کانَ إِبْراهِیمُ یَهُودِیّاً وَ لا نَصْرانِیّاً وَ لکِنْ کانَ حَنِیفاً مُسْلِماً وَ ما کانَ مِنَ الْمُشْرِکِینَ. «۲» شایسته است گفته شود که پیروان این اعتقاد در شبه جزیره بسیار اندک بوده‌اند. آنان با تعقل و رأی و نظر خود، از پرستش بت‌ها و سایر خدایان خودداری کرده، به اعتکاف می‌پرداختند. برای بت‌ها قربانی نمی‌کردند و آنان را نمی‌پرستیدند. از عادات بد جاهلی به‌دور بودند و حج را همانند عصر ابراهیم علیه السلام انجام می‌دادند. آباء و اجداد پیامبر صلی الله علیه و آله همه بر این دین بوده‌اند.

۶. بت پرستی

از زمان بنای کعبه به دست حضرت ابراهیم علیه السلام، آیین توحیدی و دین حنیف در مکه رواج یافت و حضرت اسماعیل علیه السلام نیز آن را تداوم بخشید. مردم آن عصر تقدس و تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۳۲ احترام ویژه‌ای نسبت به کعبه قائل بودند و هرگاه کسانی از آنان به سفر رفته و یا مهاجرت می‌کردند، قطعه‌ای از سنگ‌های کعبه یا حرم را همراه خود می‌بردند و به آن تبرّک می‌جستند و آن قطعه از سنگ را برای بزرگداشت کعبه نزد خود حفظ کرده و محترم می‌شمردند. دیری نپایید که این سنگ‌ها را تراشیدند و به اشکال و صور مختلف درآوردند. به این صورت، بت‌پرستی در شبه جزیره رواج یافت. آغاز بت‌پرستی را باید از زمان تسلط قبیله «خزاعه» بر مکه و تبعید «جُرهمیان» دانست. «۱» با تسلّط عمرو بن لُحیّ خُزاعی بر مکه، برای نخستین بار آیین بت‌پرستی رواج یافت. بر اساس گفته پیامبر صلی الله علیه و آله، او نخستین کسی بود که دین حضرت ابراهیم علیه السلام را تغییر داد و بت‌ها را به پای داشت. «۲» از این زمان، هر قبیله و یا حتی هر خانواده‌ای برای خود بت‌هایی از سنگ، که به آن «وثن» و نیز بت‌هایی از چوب یا طلا و نقره، که به آن «صنم» گفته‌اند، می‌ساختند. بعضی از بت‌ها میان چند خانواده و یا حتی چند قبیله مشترک بود. بت «لات» ازمعروف‌ترین آن‌ها تا هنگام ظهور اسلام، به صورت سنگ چهار گوش سفید و مظهر انسان بود. بت لات، زیر مئذنه کنونی مسجد طائف قرار داشت مسلمانان پس از خراب کردن آن، در جایش مسجدی بنا نهادند؛ «۳» آن مسجد اکنون نیز موجود است. بت «مناة» از دیگر بت‌های مشهور عرب بود که قبیله اوس و خزرج در یثرب آن را می‌پرستیدند. هنگام ظهور اسلام نیز ۳۶۰ بت در داخل کعبه و ده‌ها بت نیز میان صفا و مروه بود که پیامبرخدا صلی الله علیه و آله با فتح مکه (سال هشتم هجری) وارد کعبه شدند و تمام بت‌ها را در هم شکستند. دیری نپایید با انجام سریه‌هایی به نقاط مختلف، شبه جزیره را از لوث وجود هرگونه بت‌پرستی و مظاهر شرک پیراستند. به رغم ترویج آیین بت‌پرستی، کما کان بعضی از آداب و رسوم دین حنیف؛ یعنی بزرگداشت کعبه، طواف بیت، انجام حج تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۳۳ در ماه‌های حرام و نیز انجام عمره، وقوف در عرفات، مُزْدَلَفه، قربانی و هَدْی شتران، تلبیه حج با آمیزه‌ای از شرک به اجرا در می‌آمد. برای نمونه، قبایل کنانه و قریش در هنگام مُحْرم شدن چنین تلبیه می‌گفتند: «لَبَّیْک، اللَّهُمَّ لَبَّیْک، لَبَّیْکَ لا شَرِیکَ لَکَ إِلَّا شَرِیکٌ هُوَ لَکَ، تَمْلِکُهُ وَ مَا مَلَک». باید افزود که هر یک از قبایل، برای خود تلبیه مخصوص داشتند. «۱» هنگامی که اسلام ظهور یافت. حج را جلوه‌ای دیگر بخشید و آن را از هرگونه شرک و عادات جاهلی و امتیازات نابایسته، که در دست اهل «حُمسْ» «۲» قرار داشت، پیراست و آن را به عبادتی خاص برای خداوند یکتا تبدیل کرد.

آشنایی با کشور عربستان

۱. حدود و موقعیّت طبیعی و جغرافیایی

کشور عربستان یکی از بزرگ‌ترین کشورهای محدوده شبه جزیره است که در جنوب غربی آسیا واقع شده و با ۰۰۰ /۲۴۰ /۲ کیلومتر مربع وسعت، دوازدهمین کشور جهان است و ۸۰٪ مساحت این شبه جزیره را به خود اختصاص داده است. این کشور از دو سو در محاصره دریا است؛ از غرب، دریای سرخ و از شرق، خلیج فارس آن را احاطه کرده است. همچنین کشورهای اردن، عراق و کویت در شمال و شمال غرب و امارات متحده عربی، قطر، عمّان در شرق و کشور یمن در جنوب از همسایگان آن هستند. عربستان میان طول ۵۶- ۴۰/ ۳۴ درجه و عرض ۳۲- ۳۰/ ۱۶ درجه در شمال خط استوا؛ یعنی در نیمکره شمالی و نیمکره شرقی واقع شده است. «مرز غربی» آن را سواحل دریای سرخ تشکیل می‌دهد که از خلیج عقبه در شمال تا میدی به طول ۲۴۰۰ کیلومتر امتداد می‌یابد و نیز از عقبه تا رأس مشعاب ۱۷۰۰ کیلومتر مسافت دارد. مرز ساحلی دریای سرخ در مجموع به ۱۸۰۰ کیلومتر می‌رسد. مرز

شرقی در امتداد آب‌های خلیج فارس از میان منطقه بی‌طرف (سعودی- کویتی) از سمت شمال آغاز و به دهکده «سولی» در جنوب، که ساحلی رملی است، ختم می‌گردد. طول مرز عربستان با خلیج فارس ۶۱۰ کیلومتر و طول ساحل شرقی از رأس تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۳۵ مشعاب تا قطر ۶۰۰ کیلومتر و از میدی تا خلیج فارس ۱۷۶۰ کیلومتر ذکر شده است. «۱» مرز شمالی از رأس شیخ حمید بر خلیج عقبه تا رأس الخفجی بر خلیج فارس ۱۳۶۰ کیلومتر ذکر شده است. از سمت جنوب نیز به مرزهای یمن متصل است که از جیزان تا الحدود، ۱۷۰۰ کیلومتر طول دارد. براساس آخرین آمارگیری جمعیت درسال ۲۰۰۵ م. (؟؟؟ ۱۴۲۶ ق./ ۱۳۷۱ ش.) جمعیت عربستان ۰۰۰/ ۵۰۰/ ۲۶ نفر بوده که شامل افراد بومی و مقیم (و غیر بومی) هستند. «۲»

۲. آب و هوای عربستان

عربستان داخل کمربند سرزمینهای مداری است. چون بادهای خشک شمال شرقی در آن می‌وزد؛ دارای آب و هوای خشک و سوزان است. البته به‌جز نواحی جنوب غربی (اقلیم عسیر)، که بین دو اقلیم موسمی؛ یعنی هند در شرق و حبشه (اتیوپی) در جنوب غربی قرار دارد. از آن‌جا که عربستان دارای بادهای این دو اقلیم است، گاهی باران‌های موسمی تابستانی در آن می‌بارد. قسمت‌های شمالی عربستان نیز از آب و هوای دریای مدیترانه و بادهای آن تأثیر می‌پذیرد. به سبب این موقعیت ویژه آب و هوایی، تفاوت دما در شب و روز و تابستان و زمستان آن زیاد است؛ مثلًا در ماه ژانویه (دی ماه) پایین‌ترین دمای هوای مدینه ۲ درجه و بالاترین آن ۶/ ۲۴ درجه است و نیز در ماه ژوئیه (تیر ماه) پایین‌ترین دما ۲/ ۱۷ درجه و بالاترین آن ۴۴ درجه است. «۳» رطوبت هوای عربستان بیشتر ناشی از بخار آب‌های دریای سرخ و خلیج فارس است. فصل بارندگی در این کشور از ماه اکتبر (مهر ماه) آغاز و در ماه می (اردیبهشت) پایان می‌پذیرد. به استثنای اقلیم عسیر در جنوب، که به سبب وجود بادهای موسمی تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۳۶ جنوب غربی، در فصل تابستان نیز بارندگی دارد. باران‌های عربستان به صورت ناگهانی و غافلگیرانه است و پس از جاری ساختن سیل‌های عظیم، در مدت کوتاهی ناگهان قطع می‌شود. شهر مکه و خانه کعبه تاکنون به سبب این سیل‌ها خسارت‌های جدّی دیده است. ریزش باران‌ها در طول سال منظم نیست. گاه اندک و گاه بسیار زیاد است. طول روزهای بارندگی در سال، از ۳ تا ۴۰ روز است. بالاترین میزان بارش شهر مدینه در دی ماه است که به ۳/ ۸ میلی‌متر می‌رسد و پایین‌ترین آن در آذر ماه، ۲ میلی‌متر و در بقیه ماه‌ها نیز بارندگی ندارد. مجموع بارندگی این شهر در سال به ۳/ ۱۴ میلی‌متر می‌رسد. «۱»

۳. تولیدات زراعی و صنعتی در عربستان

بهترین تولیدات زراعی و صادرات غذایی عربستان خرما است که بیش از ۱۵ میلیون نخله خرما در آن کشور وجود دارد. از دیگر محصولات آن عبارت است از: گندم، جو، ذرّت، توتون، قهوه و صیفی‌جات. مهم‌ترین صنایع و تولیدات صنعتی آن عبارت‌اند از تصفیه و پالایش نفت، صنایع آهن، سیمان، شیشه و پلاستیک، آلومینیوم، صنایع شیمیایی، پتروشیمی و استخراج سنگ مرمر. معادن مهم عربستان عبارت‌اند از: نفت (دوّمین تولید کننده نفت جهان)، گاز طبیعی، طلا، نقره، آهن، کرم، منگنز، سولفور، سرب، نمک، باروت و ... «۲»

۴- فرودگاه‌های عربستان

عربستان دارای چندین فرودگاه بین‌المللی و داخلی است که ارتباط این کشور با خارج و یا شهرهای داخلی را میسّر می‌سازد. این فرودگاه‌ها عبارت‌اند از: ۱. فرودگاه بین‌المللی جِدّه؛ این فرودگاه به نام «ملک عبدالعزیز» در فاصله ۱۹ کیلومتری شهر جدّه در زمینی به وسعت ۱۰۵۰ کیلومتر مربع بنا شده و یکی از تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۳۷ پیشرفته‌ترین فرودگاه‌های جهان است. این

فرودگاه که بر روی بیش از چهل شرکت هواپیمایی خارجی باز است، هر هفته پنجاه پرواز در آن انجام می گیرد. فرودگاه در سال ۱۹۸۱ م. (۱۳۵۸ ش. افتتاح شده و دارای سه پایانه (ترمینال) است: الف- پایانه جنوبی که مخصوص خطوط هوایی سعودی است. ب- پایانه شماره دو، که به مسافران شرکت‌های هوایی خارجی اختصاص دارد. ج- پایانه مخصوص زائران که برای جابه‌جایی هشتاد هزار نفر زایر در یک زمان پیش‌بینی شده است. ۲. فرودگاه بین‌المللی «ظهران» ۳- فرودگاه مدینه منوره، که در سال ۱۳۸۳ نخستین پرواز از زائران ایرانی به فرودگاه مدینه هم صورت گرفت. ۴- فرودگاه «طائف». ۵- فرودگاه «ریاض». این کشور همچنین دارای ۲۵ فرودگاه مخصوص پروازهای داخلی است که شهرهای عربستان را به یکدیگر مرتبط می‌سازد. «۱»

۵. بنادر مهم عربستان

عربستان دارای چندین بندر مهم در نواحی شرقی و غربی است: ۱- جُدِّه؛ از مهمترین بندرهای عربستان است. بعضی آن را به سبب وجود قبر حضرت حوّا، جَدّه انسانها «جَدِّه» نامیده‌اند؛ لیکن نام صحیح آن «جُدَّه»، به‌معنای مکان متصل به دریا است. گروهی آن را به «جُدّهٔ بن حزم‌بن ریان‌بن حلوان ... بن قضاعهٔ» نیز منتسب ساخته‌اند. «۲» این شهر اکنون به وسیله بزرگراهی به نام «هجرت» به مکه متصل می‌شود. طول آن ۶۰ کیلومتر و مسافتش تا مدینه ۴۲۵ کیلومتر است. این شهر به جهت داشتن فرودگاهی تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۳۸ بین‌المللی و بندری بزرگ موقعیتی ویژه دارد و مورد توجه است. فعالیت‌های اقتصادی و عمرانی در آن نسبت به گذشته به‌طور چشمگیری افزایش یافته و جمعیت آن بالغ بر ۰۰۰/ ۲۵۰/ ۱ نفر می‌باشد. ۲- ظهران؛ از دیگر بنادر مهم عربستان است که در ساحل خلیج فارس در سمت مشرق واقع شده و از مهم‌ترین مناطق و حوزه‌های نفتی این کشور است. نقشه؟؟؟

بخش اول: تاریخ و آثار اسلامی مکه مکرّمه

فصل اول: مکّه مکرّمه در بستر تاریخ

الف) موقعیّت جغرافیایی مکّه مکرمه

شهر مقدس مکّه، در غرب نجد واقع است و آن را جزو تهامه دانسته‌اند. این شهر از شمال به مدینه، از مشرق به نجد و ریاض، از جنوب به یمن و از مغرب به جدّه محدود می‌شود. طول‌آن ۷۸ درجه وعرض‌آن ۲۳ درجه است و در اقلیم دوم قرار می گیرد. «۱» ارتفاع تقریبی آن از سطح دریا ۲۷۰ متر است وفاصله‌اش تا جدّه، با بزرگراه جدیدی‌که احداث شده، به ۶۰ کیلومتر کاهش یافته و به وسیله بزرگراه هجرت با مدینه نیز ۴۲۵ کیلومتر فاصله دارد. شهر مکه میان دو رشته کوه محصور شده و ازاین‌رو، بنای آن از دور دیده نمی‌شود. این دو رشته کوه عبارت‌اند از: ۱. کوه فلق یا فلج؛ در شمال مکه واقع است که به سمت غرب ادامه می‌یابد. ۲. قُعَیْقُعان؛ رشته کوهی است که کوه‌های هندی، لُعْلُع، کَدَّی «۲» از جمله ارتفاعاتی هستند که در آن قرار دارند. شهر، از سمت شمال به جنوب حالت شیب و سرازیری دارد. سمت شمال را مَعْلاهٔ تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۴۴ و سمت جنوب را مَسْفَله گویند. شهر مکه ۲۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح علیه السلام محل توقف و اقامت کاروانیانی بوده که در راه یمن و شام رفت و آمد داشتند و از این رو، موقعیت بسیار ممتاز و سوق الجیشی به آن بخشیده است. از این شهر، سه راه اصلی به سوی سه نقطه مهم منشعب می‌شده که بر اهمیت آن می‌افزوده است. این سه نقطه، یمن، فلسطین و دریای سرخ هستند. مساحت کنونی مکه بیش از ۴۸۰۰ هکتار و جمعیت ساکن آن بیش از ۶۰۰ هزار نفر است. آب وهوای مکه خشک‌وسوزان و گرمایش آزارنده‌است؛ زیراکوه‌هایی‌که اطراف آن واقع شده، جلوی بادهای شمالی‌را سد کرده و صخره‌ها نورخورشید را منعکس می‌سازد و حرارت و دمای هوا را دو چندان می کند. در ماه‌های تیر، مرداد و شهریور حرارت آن فوق‌العاده زیاد است. بارندگی در آن غالباً مقطعی و در دی ماه است؛ زیرا در منطقه

مداری واقع است. «۱» وبه‌گاه بارش باران، چنان سیلی درچند ثانیه شهر را فرا می‌گیرد که تا ساعت‌ها و شاید روزها آثار آن باقی می‌ماند. این سیل از سمت شمال به جنوب سرازیر می‌شودوگاهی نیز اندرون مسجدالحرام را تا یک متر و اندی فرا می‌گیرد. برای جلوگیری از ویرانی‌های حاصل از سیل، سدی را در منطقه معلاهٔ ساخته‌اند.

ب) نام‌های مکّه مکرّمه

اشاره

اسامی فراوانی برای مکّه گفته‌اند. قاضی مجدالدّین شیرازی، تنها کسی است که بیشترین اسامی را در تألیف خود به‌نام «تَجبیر المُوشین فی‌التَّعبیر بالسِّیّن والشّین» آورده است که به برخی از آن نام‌های شصت‌گانه اشاره می‌شود: ۱. العَروض ۲. السَّیل ۳. مُخْرَجَ صِدْقٍ ۴. الْبَیِّنه ۵. الْمَعادْ ۶. امٌ رُحم ۷. امّ زُحْم ۸. امّ صُبح ۹. امُّ القُری ۱۰. الْبَلَدْ ۱۱. البَلدهٔ ۱۲. البلد الامین ۱۳- البلد الحرام ۱۴. الرَّتاج ۱۵. النَّاشر ۱۶. حرم اللَّه تعالی ۱۷. بلداللَّه تعالی ۱۸. فادان. ۱۹. الباسَّه. ۲۰. الناسَّه. «۲» تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۴۵ برای هر یک از این اسامی دلایلی است و ما به وجه تسمیّه سه نام از این شهر، که در قرآن کریم آمده، اشاره می‌کنیم:

۱- بَکّه:

إِنَّ أَوَّلَ بَیْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِی بِبَکَّهَٔ مُبارَکاً وَ هُدیً لِلْعالَمِینَ. «۱» گروهی «بکّه» را همان «مکّه» دانسته‌اند که «میم» آن تبدیل به «با» شده و از لحاظ مفهوم، به یک معنا هستند، گروهی دیگر، تفاوت اندکی برای آن دو قائل شده‌اند؛ به این صورت که مسجدالحرام یا کعبه را «بکّه» و نام شهر را «مکّه» دانسته‌اند. «۲» به نظر می‌رسد با توجه به آیه بالا، بکّه باید یکی از نام‌های شهر باشد. برای بکّه چندین معنا آورده‌اند؛ از جمله: بکّه، از «بکّ» مشتق شده؛ یعنی غرور گردن‌کشان و متکبران را در هم می‌کوبد و یا گردن آنان را می‌شکند. بکّه در جایی نیز به معنای ازدحام آمده است. «۳»

۲- مکّه

وَ هُوَ الَّذِی کَفَّ أَیْدِیَهُمْ عَنْکُمْ وَ أَیْدِیَکُمْ عَنْهُمْ بِبَطْنِ مَکَّهَٔ مِنْ بَعْدِ أَنْ أَظْفَرَکُمْ عَلَیْهِمْ .... «۴» برای مکّه نیز چند معنا گفته‌اند؛ از جمله: مکّه، از «مَکّ» به معنای کمی آب مشتق تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۴۶ شده و علاقه مردم به این شهر یا استفاده آنان از آخرین قطره آب را- که در این سرزمین بسیار کمیاب است- نشان می‌دهد. بعضی نیز آن را از «تمکَّکْتُ العِظم» دانسته‌اند که به مغز استخوان گفته می‌شود، گویی مکه وسط زمین است؛ همان‌گونه که مغز استخوان، در میان آن است. «۱» برای مکّه معنای دیگری گفته‌اند و آن این که: از «مکَّ یُمَکُّ» گرفته شده و به معنای هلاک شدن و کاستن است و گویند هرکس نسبت به آن قصد و نیت سوء داشته باشد، جز نابودی سرنوشتی نخواهد داشت یا اگر کسی به زیارت این خانه رود، از گناهانش کاسته می‌شود. «۲» برای مکّه، معانی دیگری چون بسط، گسترش و ازدحام نیز آورده‌اند. یونانیان نام مکه را «مَکْرُبا» ثبت کرده‌اند. شاید این واژه از لهجه ساکنان جنوبی شبه جزیره، به معنای مقدّس و محترم باشد؛ زیرا پادشاهان حکومت سبا را، که دارای تقدّس بوده‌اند، مُکَرَّبْ یا مُقَرَّب می‌خواندند. «۳»

۳- امُّ القُری

... وَلِتُنْذِرَ أَمَّ الْقُری وَ مَنْ حَوْلَها .... «۴» مکّه را از این رو «امُّ القُری» خوانده‌انـد که گفته شده هنگام آفرینش زمین، آب تمام سـطح آن را فرا گرفت و تنهـا مکـان کعبه، خشـک بود و این خشـکی انـدک انـدک از پیرامون کعبه بر آمـد تا به مقـدار کنونی گسترش یافت. در اصـطلاح لغوی و قرآنی، به این مسأله «دَحو الْارض» گوینـد که در قرآن کریم آمـده است: والْارْضَ بَعْدَ ذلک دَحیها. «۵» مکه را مادر زمین‌ها خوانده‌اند و قرآن نیز به این نام اشاره دارد.

۴- بلد الأمین

وَ التِّینِ وَ الزَّیْتُونِ* وَ طُورِ سِـینِینَ* وَ هـذَا الْبَلَدِ الْأَمِینِ. «۱» بلـد امین، به معنای سـرزمین و حرم امن الهی و یکی دیگر از نام‌های مکه است که خداوند در قرآن از آن یاد نموده و امنیّت و حرمتش را بیان کرده است.

ج. فضایل مکّه مکرّمه و مسجدالحرام

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «وَاللَّهُ إِنَّکَ لَخَیْرُ أَرْضِ اللَّهِ وَ أَحَبُّ أرض اللَّه إِلیّ، وَ لَو لا إِنِّی أُخرِجتُ مِنکَ ما خرجتُ» «۲» «به خـدا سوگنـد که تو [مکّه بهـترین و محبوبـترین زمین خـدا نزد من هستی؛ اگر ناچـار نبودم که از مکه خـارج شوم هرگز خـارج نمی‌شدم.» از امام صادق علیه السـلام نقل شده که بهترین زمین مکه است و هیچ خاکی نزد خدا محبوبتر از خاک مکه نیست و هیچ سنگی و درختـی و کوهی و آبی از آن نیز نزد خـدا محبوبتر نیست. «۳» بسیاری از محدّثان، مسجدالحرام را بر دیگر اماکن و بقاع، جز مکـان دفن پیـامبر صـلی الله علیه و آله، که به اجمـاع، بهـترین مکان‌هـا است، برتری داده و حتی گفته‌انـد مسـجدالحرام نخستین مسجدی است که روی زمین ساخته شد. «۴» روایات بسیاری در فضل و ثواب نماز در مسجدالحرام وارد شده است؛ از جمله: پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرمود: ثواب یک رکعت نماز در مسجد من، از هزار رکعت در تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۴۸ مساجد دیگر، جز مسـجدالحرام بیشتر است و نماز در مسـجدالحرام از نماز در مسـجد من بر صـد نماز افضل است. در روایت دیگری آمـده است: ثواب یک رکعت نماز در مسـجدالحرام، به اندازه یکصد هزار رکعت در مساجد دیگر است. «۱» و بعضی نیز هزار رکعت گفته‌اند. از پیامبر صـلی الله علیه و آله نقل شـده، کسـی که در مکّه بمیرد، خداوند در روز قیامت وی را امان دهد. «۲» تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۴۹ نقشه مکه؟؟؟ نقشه مکه مکرمه

فصل دوم: سیر تاریخی کعبه و مسجدالحرام

الف- کعبه «۱»نخستین خانه در زمین

إِنَّ أَوَّلَ بَیْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِی بِبَکَّهَ مُبارَکاً وَ هُدیً لِلْعالَمِینَ. «۲» «همانا نخستین خانه‌ای که برای مردم قرار داده شد، خانه‌ای در بکّه است که مبـارک گردانیـده شـد و آن هـدایتی برای جهانیـان است.» روایـات مـذکور در کهن‌ترین منبعِ تـاریخی؛ یعنی «اخبار مکّه» حاکی از آن است که کعبه پیش از آفرینش آسـمان‌ها و زمین، چون حُبابی روی آب بود و اندک اندک قسمت‌های دیگر زمین از زیر آن گسترده شـد و وسـعت یافت. «۳» به گفته برخی از روایـات، کعبه را حضـرت آدم علیه السـلام بنـا کرد. از امـام صادق علیه السـلام نقـل شـده که جای کعبه، سـکویی مرتفع از زمین و سـفید بود و از آن نوری چون نور خورشـید و ماه می‌درخشـید تا این‌که فرزند آدم، برادرش را کشت و آن زمین سـیاه شد. پس وقتی خداوند آدم علیه السـلام را به زمین هبوط داد آن را برجسته ساخت و به تاریخ و آثار اسـلامی، ص: ۵۴ نظر او رسانیـد. وی از خداوند پرسـید: آن قطعه سـفید درخشان چیست؟ خداوند گفت: آن زمین من است و آن را برای تو قرار داده‌ام تـا هر روز هفتصـد بـار پیرامون آن بگردی. «۱» هنگام طوفان نوح علیه السـلام کعبه از دیده‌ها

پنهان شد و از آن دوران تا زمان حضرت ابراهیم علیه السلام پنهان بود و تنها برخی جایگاه آن را می‌دانستند تا آن‌که خداوند مکان آن را به ابراهیم علیه السلام نشان داد. وَ إِذْ بَوَّأْنا لِإِبْراهِيمَ مَكانَ الْبَيْتِ ...، «۲» ایشان از شام به مکّه حرکت کرد و پسرش، اسماعیل علیه السلام و همسرش، هاجر علیها السلام را نیز همراه خود برد. اسماعیل علیه السلام در آن دوران، کودکی شیرخوار بود. ابراهیم علیه السلام با راهنمایی جبرئیل علیه السلام، آن دو را در کنار حِجر اسماعیل کنونی جای داد و سایه‌بانی برای آنان فراهم کرد و گفت: رَبَّنا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ «۳»؛ «خدایا! من ذُرّیّه خود را در این سرزمینِ بی‌کشت و زرع، در کنار خانه‌ات جای دادم.» آنگاه خود به سوی شام برگشت. چون آب زمزم فوران کرد، قبایلی از جُرهمیان، با دیدن پرندگان، به آن سو شتافتند. آنان کنار هاجر و اسماعیل علیهما السلام ساکن شدند و این نقطه بی‌آب و سوزان، آبادانی یافت. پس از چندی ابراهیم علیه السلام نزد فرزند خود بازگشت و همراه او، پایه‌های کعبه را در همان جای اصلیِ آن، بر افراشتند. «۴» حجرالأسود از کوه «ابوقُبیس» و از بهشت فرود آمد. ابراهیم علیه السلام در کنار کعبه برای اسماعیل سایه‌بانی از چوب‌های درخت فراهم کرد که خوابگاه گوسفندان او گردید و نیز کنار کعبه، که به صورت مکعّب ساخته شده بود، گودالی حفر کرد و آن را خزانه و محلّ نگهداری هدایای کعبه قرار داد. چون دیوارها بالا آمد، اسماعیل علیه السلام از کوه ابوقبیس سنگی را که اکنون مقام ابراهیم علیه السلام شناخته می‌شود، برای پدر آورد و ابراهیم علیه السلام روی آن ایستاد و کعبه را ساخت. «۵» از امام صادق علیه السلام نقل شده است که: «خداوند- عزّ و جلّ- زمین را از زیر کعبه گسترد تا تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۵۵ منا، سپس آن را از منا به سوی عرفات گسترانید. پس زمین از عرفات است و عرفات از منا است و منا از کعبه است.» «۱» نام دیگر کعبه، بیت‌اللَّه و عتیق است. از امام باقر علیه السلام پرسیدند: چرا کعبه را عتیق نامیدند؟ پاسخ داد: برای این‌که خانه‌ای آزاد و رها شده از مالکیّت مردم است که هیچ کس مالک آن نیست. «۲» گفتنی است از نام‌های کعبه- بیت‌الحرام- بیت و عتیق در قرآن کریم آمده است.

ب) مناصب کعبه هنگام ظهور اسلام

هنگام ظهور اسلام در شبه جزیره، برای هرچه بهتر برگزار کردن مراسم حج و پذیرایی زائران، مناصبی وجود داشت که میان قبایل و یا افرادی خاص تقسیم می‌شد. این مناصب که در طول تاریخِ خود، باعث تنش‌ها و برخوردهایی میان متصدّیان آن‌ها می‌شد، در آن هنگام عبارت بودند از: ۱- سِقایت؛ آب دادنِ حاجیان و زائران کعبه به عهده «عباس»، عموی پیامبر صلی الله علیه و آله از بنی‌هاشم. ۲- رِفادت؛ میهمانداری و پذیرایی زائران، به دست «حارث بن عامر» از بنی‌نَوفَل. ۳- عُقاب؛ پرچمداری در دست «ابوسفیان»، صخر بن حرب از بنی‌امیه. ۴- حجابت؛ دربانی، کلیدداری. ۵- سِدانت؛ پرده‌داری. ۷- لواء؛ ۸- دارالنَّدوه، به دست «عثمان بن طلحه» از بنی عبد الدّار. ۹- قُبَّه؛ انبار سلاح و محل جمع‌آوری مهمات و سلاح‌های جنگی، در دست «خالد بن ولید»، از بنی مَخْزوم. ۱۰- سفارت؛ در دست «عمر بن خطاب» ازبنی عَدی. ۱۱- ایسار وازلام؛ بخت آزمایی و شرط بندی، در دست «صفوان بن امیه» از تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۵۶ بنی‌جُمَحْ. ۱۲- قضا و داوری؛ که در میان افراد دست به دست می‌گشته است. ۱۳- حفاظت اموالِ متعلق به کعبه و بت‌ها؛ به عهده «حارث بن قیس» از بنی سَهْم. ۱۴- قیادت؛ سرداری و سرپرستی کاروان‌های بازرگانی، در دست «ابوسفیان» از بنی‌امیه. ۱۵- پرداخت دیه و غرامت؛ در اختیار طایفه بنی تَیم بن مُرَّه. ۱۶- اعِنّه؛ سرپرستی چارپایان و ستوران قریش به هنگام جنگ. ۱۷- عمارهْ؛ نگهبانی و بازسازی مسجدالحرام، به دست «شَیْبهْ بن عثمان» از بنی‌عبدالدار. «۱»

ج. سیر بنا و بازسازی کعبه

در دوران حضرت ابراهیم علیه السلام ارتفاع کعبه ۹ ذراع؛ یعنی حدود ۴۳/ ۴ متر و طول آن ۳۰ ذراع- ۷۹/ ۱۴ متر- و عرض آن ۲۲

ذراع– ۸۵/ ۱۰ متر– بوده است. در آن زمان کعبه سقف نداشت. قریش در دوره جاهلیّت– ۵ سال پیش از بعثت– هنگامی که کعبه بر اثر سیل خراب شد، ۹ ذراع دیگر بر ارتفاع آن افزودند و آن را به ۱۸ ذراع– ۸۷/ ۸ متر– رسانیدند و آن را مسقف کردند. «۲» از طول آن نیز حدود ۶ ذراع و یک وجب– حدود سه متر– کاستند که حِجر اسماعیل علیه السلام امروزی بخشی از آن است. «۳» این کار بدان سبب صورت گرفت که اموال حلال آنان برای بازسازی به اتمام رسید و قریش مال دیگری برای این کار نداشتند. بنابراین، طول کعبه از بنایی که ابراهیم علیه السلام ساخته بود، کمتر شد. آنگاه در داخل بیت پایه‌ای پی‌ریزی کرده، دیوار را بر آن قرار دادند، که بدین گونه حدود ۵۰ سانتی‌متر نیز دیوار کعبه به داخل رفت؛ همانجایی که امروزه به «شاذروان» تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۵۷ معروف شده و با سنگ سفید گرداگرد کعبه را احاطه کرده است. اطراف حِجر را هم سنگ چین کرده‌اند. از آن پس، طواف کنندگان از پشت آن طواف می‌کردند. درِ کعبه را هم بالاتر از زمین بردند و درِ پشت را بستند. بنای کعبه همین‌گونه بود تا آن‌که «عبداللَّه بن زبیر» در زمان یزید به کعبه پناهنده شد و این مکان مقدس به وسیله عامل یزید حُصَین بن نُمیر، که بعد از مسلم‌بن عقبه و کشتار مردم مدینه (واقعه حرّه) جانشین او شده بود، به منجنیق بست و تخریب شد. ابن زبیر پس از مرگ یزید، آن را بازسازی و به همان اساس ابراهیم علیه السلام برگرداند؛ یعنی ۳ مترِ کاسته شده را بار دیگر به کعبه ملحق ساخت. بر ارتفاع آن ۹ ذراع دیگر افزود و ارتفاع کعبه را به ۲۷ ذراع (۳۱/ ۱۳ متر) رسانید. درِ خانه را هم روی زمین قرار داد و پشت کعبه، درِ دیگری به موازات آن گشود. «۱» پس از آن‌که حجاج، عامل عبدالملک بن مروان، کعبه را با منجنیق به آتش کشید و ابن زبیر را به قتل رسانید، آن را از پایه خراب کرد. بخشی (حِجر اسماعیل) را، که ابن زبیر به بنای قریش افزوده بود، ویران و آن را به همان‌گونه که قریش ساخته بودند برگرداند؛ یعنی از طول آن کم کرد و دری را که پشت کعبه گشوده بود بست و درِ اصلی را بلندتر از زمین قرار داد که هنوز به همین وضع باقی است. در دوران‌های بعد تا عصر حاضر، تنها گاهی مرمّت‌های جزئی از قبیل تعویض سنگ‌ها و لایه‌کشی روی کعبه انجام می‌شده است. گفتنی است کعبه در طول تاریخ پس از بنای اولیه به دست آدم علیه السلام ۱۰ بار بازسازی شده که عبارت‌اند از: ۱. شیث بن آدم ۲. ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام ۳. عمالقه ۴. جُرهم ۵. قُصیّ بن کلاب ۶. قریش ۷. عبداللَّه بن زبیر ۸. حجاج بن یوسف ۹. سلطان مراد عثمانی ۱۰. سعودی در مورد آخرین بازسازی که در سال ۱۴۱۷ ق. به دستور فهد بن عبدالعزیز انجام شد، زیربنا و اساس کعبه تقویت و تحکیم و شاذروان مرمّت گشت و شکاف‌ها و روزنه‌های بین سنگ‌ها گرفته شد. سقف کعبه نیز با دو سقف جدید، بازسازی گردید. بنابراین، پس از آن بازسازی‌ها، ابعاد و اندازه‌های کعبه در حال حاضر عبارت‌اند از: تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۵۸ ارتفاع کعبه ۱۴ متر، طول آن از سمت ملتزم (سمت حجرالأسود) ۸۴/ ۱۲ متر، طول از سمت حِجر اسماعیل ۲۸/ ۱۲، بین رکن یمانی و حِجر اسماعیل؛ یعنی عرض ۱۱/ ۱۲ و میان دو رکن دیگر ۵۲/ ۱۱ است.

د. آثار مقدس کعبه و مسجدالحرام

۱– حَجَرالأسود و تاریخچه آن

حجرالأسود به سنگ سیاهی گویند که در رکن «اسود» یا «شرقی» نصب شده است. این سنگ تاریخی پرفراز و فرود دارد. روایاتی که ابن عباس و دیگران از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند، دلیل بر این است که «حجرالأسود» و «مقام ابراهیم»، هر دو از بهشت و از گوهرهای آن هستند و در زمین غیر از آن دو، چیزی از بهشت نیست؛ اگر مشرکان، به آن دو، دست نکشیده و آن را آلوده نساخته بودند، هیچ دردمندی آن را مسح نمی‌کرد جز آن‌که خداوند شفایش می‌داد. همچنین از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده که حجرالأسود یاقوتی سفید از یاقوت‌های بهشت بوده و خداوند آن را به سبب گناه گناهکاران دگرگون [سیاه کرده است. «ابوالولید ازرقی» از پدر بزرگش ... از ابن عباس نقل می‌کند که پیامبرخدا صلی الله علیه و آله فرمود: «خداوند در روز قیامت

حجرالأسود را با دو چشم، که به وسیله آن می‌بیند و زبانی که با آن سخن می گوید، مبعوث می‌کند و او به سود کسانی که با حق و راستی، آن را مسح کرده‌اند گواهی می‌دهد.» «۱» در روایات آمده است: این سنگ همانند دست راست خدا در زمین است که با بندگان خود به وسیله آن مصافحه می کند، همان‌طور که شما با برادران خود دست می‌دهید و هرکس که محضر پیامبر صلی الله علیه و آله را درک نکرده باشد و به این سنگ دست بکشد، مثل آن است که با خدا و پیامبرش بیعت کرده است. «۲» تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۵۹ ابوالولید از محمد بن ابی عمر ... از ابی سعید خدری، از امام علی علیه السلام نقل می کند: «... چون خدای- عزّ و جلّ- آدم علیه السلام را بیافرید، دست بر پشت او کشید و نسل او را بیرون آورد و برای ایشان مقدر کرد که او پروردگار است و آنان بندگان، و سپس آن پیمان را در صفحه‌ای نوشت و این حجرالأسود دارای دو چشم و یک زبان بود، خداوند آن عهد را داخل حَجَر قرار داد و آن را در این موضع نصب کرد و فرمود: روز قیامت نسبت به کسانی که با تو، به عهد خود وفا می کنند گواهی ده.» «۱» از صحابه روایت شده که جبرئیل علیه السلام حجرالأسود را از بهشت فرود آورد و همین‌جا نصب کرد؛ مادام که میان شما باشد خیر و نیکی همواره با شماست تا آن‌جا که می‌توانید به آن تمسّک جویید. ممکن است جبرئیل علیه السلام آن را همان‌جا ببرد که آورده است. همچنین از ابن عباس نقل شده که حجرالأسود و مقام ابراهیم علیه السلام همراه حضرت آدم علیه السلام فرود آمده‌اند؛ شبی که آدم علیه السلام هُبوط کرد، هنگام صبح، آن دو را شناخت و با آن‌ها انس گرفت. «۲» ابراهیم علیه السلام هنگام ساختن کعبه، از کوه ابوقبیس ندایی شنید که ای ابراهیم، برای تو امانتی است نزد من. ابراهیم رفت و حجرالأسود را گرفت و در رکن کعبه نصب کرد. «۳» این سنگ تاکنون چندین بار از جای خود برداشته شده است. پیش از اسلام در دوران «جُرهمیان، اياد، عمالقه و خُزاعه» چندین بار برداشته و دوباره نصب گردیده است. هنگام تجدید بنای کعبه به دست قریش- در دوران جوانی پیامبر صلی الله علیه و آله- بر سر نصب آن مشاجره‌ای جدّی میان قبایل قریش پدید آمد؛ آن حضرت با تدبیری حساب شده حجرالأسود را در جای کنونی نصب کرد؛ به این شکل، از یک سو همه قبایل را در این افتخار شریک ساخت و از سوی دیگر مانع یک خونریزی حتمی شد. «۴» تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۶۰ پس از ظهور اسلام، در بازسازی عبداللَّه بن زبیر و حَجّاج نیز این سنگ از جا برداشته ولی بار دیگر نصب شد. در قرن سوم هجری، قرامطه نیز آن را ربوده و به شام بردند ولی یک‌سال طول نکشید که آن را بازگردانده و در جای خود نصب کردند. «۱» در سال ۳۱۷ ق. باز قرامطه این سنگ را ربودند و در سال ۳۳۹ ق. آن‌را دوباره بازگرداندند. «۲» این سنگ، که نزدیک به پنجاه تکه است، با بست‌های فلزی و نقره‌ای به یکدیگر متصل و در یک قاب نقره‌ای قرار داده شده است. برای بوسیدن و استلام حجرالأسود، روایات بی‌شماری نقل‌شده‌است؛ به‌ویژه این‌که پیامبر صلی الله علیه و آله بیشتر آن را بوسیده و یا استلام می کردند. «۳» از ایشان نقل شده که دست کشیدن به آن، گناهان را می‌ریزد؛ لذا بسیاری از صحابه برای بوسیدن و استلام آن، خود را به زحمت می‌انداختند. روایاتی نیز از ابن عباس نقل شده، از جمله این‌که: «برای استلام حجر مسلمانی را آزار مده و مورد آزار هم قرار مگیر، اگر خلوت بود، آن را ببوس یا بر آن دست بکش وگرنه برو.» پیامبر صلی الله علیه و آله در فتح مکّه و نیز حَجّة الوداع با چوب‌دستیِ خود، آن را از دور استلام کردند و دوست نداشتند مردم را از آن کنار بزنند. بسیاری از صحابه نیز پس از استلام حجر دست‌های خود را می‌بوسیدند. «۴» (تصویر شماره ۱)

۲- ارکان کعبه و اندازه‌های بیرونی

گوشه‌های خانه کعبه را «ارکان کعبه» گویند که هریک به نام خاصی مشهور است. ۱/ ۲- رکن شرقی (اسود) این رکن در زاویه شرقی و همان جایی است که حجرالأسود در آن نصب شده تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۶۱ است. این رکن تقریباً در جانب کشورهایی چون عمان، هند، بنگلادش و ژاپن است. اندازه آن تا رکن شمالی ۸۴/ ۱۲ متر است. «۱» پیامبر صلی الله علیه و آله هرگاه رکن اسود را می‌دید، آن را استلام می کرد و هرگز از آن کار غافل نمی‌شد. «۲» بدان جهت که حجرالأسود در آن واقع شده

و بر اساس و قواعد حضرت ابراهیم بوده است. ۲/ ۲- رکن شمالی (شامی) در زاویه شمال شرقی، رکن شمالی است که حِجر اسماعیل از آنجا آغاز می‌شود؛ چون تقریباً میان عراق، سوریه و شام واقع شده، آن را شامی هم گفته‌اند. این دومین رکن کعبه پس از حجرالأسود است. فاصله آن تا رکن غربی، ۲۸/ ۱۱ متر می‌باشد. «۳» این رکن بر پایه ابراهیم علیه السلام نیست و قریش آن را تغییر دادند؛ لذا پیامبر صلی الله علیه و آله آن را استلام نمی‌کردند. «۴» ۳/ ۲- رکن غربی (مصری) این رکن در زاویه غربی و در سمت دیگرِ حِجر اسماعیل علیه السلام است که سومین رکن پس از حجرالأسود به شمار می‌آید. رکن غربی به سوی مصر و آفریقا است. فاصله آن تا رکن یمانی ۱۱/ ۱۲ متر است. رکن غربی نیز بر اساس بنای ابراهیم علیه السلام نیست و پیامبر صلی الله علیه و آله آن را استلام نمی‌کردند. «۵» ۴/ ۲- رکن جنوبی (یمانی) این رکن در زاویه جنوبی، تقریباً مقابل کشور «یمن» در جنوب شبه جزیره قرار دارد و فاصله آن تا رکن اسود ۵۲/ ۱۱ متر است. پیامبر صلی الله علیه و آله همواره رکن یمانی را استلام می‌کردند؛ چون بر پایه بنای ابراهیم علیه السلام قرار دارد. «۶» مستجار در گوشه این رکن است. تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۶۲ ؟؟؟ طرح نیم صفحه خالی

۳- شاذَرْوان

شاذروان برآمدگیِ کوتاهی است که دیوار کعبه را از بیرون احاطه کرده است. این برآمدگی که امروزه از سنگ سفید است، باقی‌مانده یا نشانه محل دیوار قبلی خانه خداست که پس از بازسازی کعبه در زمان قریش بیرون از خانه واقع شد و لذا از محیط داخلی کعبه کاست. ارتفاع آن در سمت شمال، ۵۰ و عرض ۳۹ سانتی‌متر. در غرب، ارتفاع ۲۸ و عرض ۸۰ سانتی‌متر. در جنوب، ارتفاع ۲۴ و عرض ۸۷ سانتی‌متر. و در شرق، ارتفاع ۲۲ و عرض ۶۶ سانتی‌متر است. «۱» تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۶۳ این‌که طواف بر شاذروان از آن رو صحیح نیست که حِجر اسماعیل علیه السلام و نیز شاذروان جزو کعبه است. خداوند امر کرد که «به خانه» طواف کنید نه «در خانه» [طاف بالبیت و لا فی البیت «۱» از روی شاذروان و از درونِ حِجر طواف کردن، مانند آن است که طواف «فی‌البیت» باشد، نه «بالبیت». برخی نیز گفته‌اند شاذروان را ابن زبیر ساخت تا دیوار کعبه استحکام بیشتری یابد و آب باران به پایه‌های آن آسیب نرساند و همچنین حلقه‌هایی در آن تعبیه شود تا پرده کعبه به آن وصل گردد. امروزه حلقه‌های زیادی در شاذروان قرار یافته تا طناب‌های پرده کعبه را نگه‌دارد.

۴- ناودان طلا (میزاب)

برای خارج ساختن آب باران از بام کعبه، میان شمال و غرب بام، ناودانی از طلا نصب شد که آب را به داخل حِجر اسماعیل علیه السلام هدایت کند. کعبه تا ۳۵ سال بعد از ولادت حضرت رسول صلی الله علیه و آله ناودان نداشت و نخستین ناودان را قریش در آن سال از چوب تراشیدند و بر بام آن نصب کردند. در طول سال‌ها، حکام و امرا ناودان‌هایی از نقره و در سال ۱۰۲۱ ق. نیز از طلا ساختند. ناودان طلای کنونی را «سلطان عبدالحمید عثمانی» به طول ۵۳/ ۲ متر و عرض ۲۶ سانتی‌متر در سال ۱۲۷۳ ق. به خانه کعبه هدیه کرد. «۲» امام باقر علیه السلام هرگاه به ناودان نگاه می‌کرد می‌گفت: «اللّهُمَّ أَعْتِقْ رَقَبَتِی مِنَ النَّارِ، وَ أَوْسِعْ عَلَیَّ مِنْ رِزْقِکَ الْحَلَالِ، وَ ادْرَأْ عَنِّی شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ، وَ أَدْخِلْنِی الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِکَ». «۳» تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۶۴ در روایات آمده است: دعای کسی در زیر این ناودان رد نمی‌شود؛ از این‌رو، نسبت به آن سفارش زیاد شده است. عکس ناودان؟؟؟؟

۵- باب کعبه

در دوران حضرت ابراهیم علیه السلام برای کعبه مدخلی قرار داده نشد و قریش هنگام تجدید بنا، مدخلی برای آن گشودند که

کمی بالاـتر از زمین قرار داشت و آن را به وسیله دری از چوب می‌بستند. عبـداللَّه بن زبیر آن در را، هم‌سطح زمین قرار داد و درِ دیگری نیز پشت کعبه گشود. حَجّاج بن یوسف ثقفی پس از آن‌که کعبه را بـا منجنیق خراب کرد، به بازسازی آن پرداخت و دری را که ابن زبیر در پشت کعبه گشوده بود بست و درِ اصلـی را مانند گذشـته بلندتر از زمین قرار داد که از آن هنگام تاکنون به همان حال باقی مانده است. در دوران‌های بعد، درهای بسـیار زیبایی برای کعبه ساختند و آن را، پس از آن‌که تزیین و مذهّب می‌کردند، بر کعبه می‌نهادند. تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۶۵ در سال ۱۳۶۳ ق. «ملک عبدالعزیز» دری ساخت و پس از وی «ملک خالد» آن را تعویض کرد که اکنون نیز بر کعبه قرار دارد. این در دارای دو جـدار یـا دو قسـمت خارجی و داخلی است. باب داخلی آن، به «باب التوبه» معروف است و از لحـاظ شـکل و نوع تزیین، با باب خارجی یکسان و مشابه است. وزن باب کعبه ۲۸۰ کیلوگرم می‌باشد که از عیار ۱۰۰٪ تهیه شـده و مبلغ ۰۰۰ /۴۲۰ /۱۳ ریال سـعودی برای آن هزینه شده است. طول باب کعبه ۱۰ /۳ متر، عرض آن ۹۰ /۱ متر، پهنای آن ۵۰ سـانتی‌متر، ارتفاع آن از کف، ۲۵ /۲ متر است. روی در کعبه به طرز بسـیار زیبـایی آیـات قرآن در چهار دایره و شش مربـع مسـتطیل بـه خـط ثلث منقـوش شـده است. این در به وسـیله قفلی که آیـات قرآن بر آن نقش بسـته، قفـل می گردد. قفل موجـود بـه جـای قفـل قـدیم کـه هفتـاد سـال قـدمت داشـته، نصـب شـده است. گفتنی است در عصـر جـاهلی، کلیـدداری کعبه، از منصب‌های مهم بود. هنگام فتح مکه، کلید کعبه در اختیار «عثمان بن ابی طلحه عبدی» بود و پیامبر صلی الله علیه و آله آن را از وی گرفت و با ورود به کعبه، تمامی بت‌ها را شکستند.

۶- درون کعبه

از آغاز ساخت کعبه به دست حضـرت ابراهیم علیه السـلام، قبایل، طوایف و پادشاهان، هدایایی را برای نصب در داخل کعبه ارسال می‌کردنـد. نخستین هدایا که درون آن آویزان گردید، دو «شاخ گوسـفند» یا قوچ بود که گفته می‌شد همان شاخ‌های «ذبیح ابراهیم علیه السـلام» است. این دو شـاخ در دوران «عبـداللَّه بن زبیر» از میان رفته است. «۱» در دوران اسـلامی، تقدیم هدایا افزایش یافت و «عمر بـن خطـاب»، خلیفه وقت پس از فتـح «مـداین»، دو نیم مـاه زرین را که برای او فرسـتاده بودنـد، در کعبه آویخت. پس از وی، خلفای اموی تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۶۶ و عباسـی از جمله عبدالملک بن مروان، ولیدبن عبدالملک، سفّاح و هارون نیز هدایایی تقدیم داشتند «۱» که طیّ سالیـان دراز، همواره زینت بخش کعبه بوده است. هم‌اکنون در درون کعبه سه سـتون چوبی متبّت کـاری شده از چوب عود و جود دارد که به موازات هم قرار گرفته و قُطر هر یک ۲۵ سانتی‌متر است. یکی از ستون‌های داخل کعبه که در زمـان حجـاج در آتش سوخت، در موزه حرم، واقع در حـدیبیه نگهـداری می‌شود. محـل تصویر درون کعبه؟؟؟ دیوارهای داخلی با حریر سبز و سـقف آن بـا پرده‌هـای زیبـا پوشـیده شـده و روی آن‌ها اسامی پروردگار و عباراتی چون: «لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»، «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» نوشـته شده است. گفتنی است همه ساله در روز هشـتم ذی‌حجه درون کعبه را با آب زمزم و گلاب قمصـر کاشان می‌شویند و پرده خانه را نیز تعویض می‌کنند. پیامبر صـلی الله علیه و آله برای نخستین بار به تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۶۷ هنگام فتح مکه، پس از شکسـتن بت‌ها و از میان بردن تصاویر نقش شده بر دیوار، داخل خانه را با آب زمزم شسـتند «۱» که این رسم تاکنون پابرجاست. کعبه دو سقف دارد؛ یکی در زیر، که از کف تا زمین آن سقف ۲۵ /۲ متر است و از آنجا تا سقف دوم نیز ۳۰ /۱۱ متر می‌باشد. ۸۰ سانتی‌متر نیز دیواره اطراف سـقف دوم است تا آب‌های باران در آن جمع شود و به وسـیله ناودان به داخل حِجر بریزد. برای روشـن شـدن سـقف دوم، در زمـان ابن زبیر چهار روزنه تعبیه و با سـنگ‌هایی که از یمن برای وی آورده بودنـد، تزیین شـده بود. ورود به کعبه و خواندن نماز در آن، فضـیلت فراوان دارد و در این مورد، پیامبر صـلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السـلام سـفارش‌های فراوان کرده‌اند. «۲»

۷– مُسْتَجار

مستجار به بخشی از دیوار پشت کعبه و کنار رکن یمانی گفته می‌شود. در «شفاء الغرام» آمده است: از این رو به این مکان مستجار گفته‌اند که پناه گیرنده به آن، «مستجارٌ مِن ذُنوب» است و گناهانش ریخته می‌شود. چون بعضی از صحابه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به این مکان التزام می‌جستند به نام «مُلْتَزَمْ» و «مُتُعَوّذ» نیز معروف است. «۳» این مکان بر اساس اتفاق منابع شیعی و برخی از منابع اهل سنت، شاهد حادثه‌ای عظیم بوده و به عظمت و قدرت الهی برای ورود فاطمه بنت اسد، مادر مولود کعبه (علی علیه السلام) شکافته شد. خداوند متعال این افتخار بزرگ را تنها نصیب او ساخت که در بهترین مکان در عالم، متولد شد. «۴» شایان یادآوری است در این قسمت، آثار ترمیم و بندکشی تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۶۸ دیده می‌شود که البته ارتباطی به شکاف یادشده ندارد؛ زیرا کعبه در عصر حَجّاج، از پایه خراب و دوباره ساخته شد و آثاری از مکان ورود فاطمه بنت اسد بر آن وجود ندارد.

۸– مُلْتَزَم

شیعه ملتزم را پشت کعبه می‌داند و برای این نظریه روایاتی وجود دارد؛ که در مبحث مستجار ذکر کردیم. «۱» اهل سنت به فاصله میان حجرالأسود و دَرِ کعبه «ملتزم» می‌گویند. «۲» در روایاتی از ائمه علیهم السلام نقل شده که هیچ بنده‌ای در این مکان التجا و پناه نمی‌گیرد جز آن‌که خداوند حاجتش را برآورده می‌کند. چون پیامبر صلی الله علیه و آله، ائمه اطهار و اصحاب، سر و صورت، دست‌ها و سینه خود را به این مکان چسبانیده و دعا می‌کردند؛ «۳» لذا به آن «ملتزم» گفته‌اند. «۴»

۹– مِعْجَنَه

گودالی است بر روی زمین به عمق ۳۰ سانتی‌متر و عرض ۵/ ۱ متر، نزدیک «شاذروان» و میان دِرِ کعبه و حجرالأسود. گویند که ابراهیم علیه السلام «يَعْجَنُ فيه المَلاط» یعنی ابراهیم در این گودال، آب و خاک را با هم مخلوط می‌کرد تا برای ساخت کعبه به کار گیرد. گفته‌اند: جبرئیل علیه السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله در این مکان نماز گزارده‌اند. کتیبه‌ای نیز از خلیفه عباسی، المستنصر به سال ۶۳۲ ق. در آن‌جا وجود داشته است؛ «۵» ولی بعدها که این گودال را پوشانیدند، آن کتیبه نیز برداشته شد.

۱۰– حَطیم

در محدوده حطیم اختلاف است؛ اهل سنت به مساحت محصور در نیم‌دایره حِجر اسماعیل گفته‌اند و شیعه نیز حطیم را میان حِجر اسماعیل، مقام ابراهیم و چاه زمزم دانسته است. «۱» به این علت آن را «حطیم» نامیده‌اند که از کعبه کاسته شده و کعبه در اینجا شکسته است. در دوران جاهلیت، در این مکان نفرین مظلومان در حق ظالمان مستجاب می‌شده و ظالمان به هلاکت می‌رسیدند؛ لذا این امر موجب شد مردم نسبت به یکدیگر ستم نکنند و سوگند خوردن در نظرشان حرمت داشته باشد. «۲» از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است: بهترین و پاکترین مکان‌های روی زمین نزد خداوند، فاصله میان رکن اسود و مقام ابراهیم علیه السلام است که این مکان باغی است از باغ‌های بهشت، پس کسی که چهار رکعت در آن نماز گزارد، از عرش ندا می‌رسد «ای بنده من، گناهان گذشته‌ات بخشیده شد». همچنین گویند در محدوده حطیم؛ یعنی میان رکن، مقام تا زمزم وحِجر اسماعیل علیه السلام، ۹۹ تن از پیامبران الهی؛ از جمله حضرت آدم، نوح، «۳» صالح، شعیب، اسحاق، یوسف، اسماعیل علیهم السلام و نیز دختران وی مدفونند. «۴»

۱۱– پوشش کعبه (الْکَسْوَةْ)

پوشانیدن کعبه از سنت‌هایی است که پیشینه‌ای طولانی در تاریخ بیت‌اللّه دارد. اهمیت آن به اندازه‌ای است که یکی از مناصب مهم در دوره جاهلی، «پرده‌داری کعبه» بوده است. بیشتر منابع، ابراهیم یا اسماعیل علیهما السلام را نخستین کسی می‌دانند که خانه کعبه را پوشانید «۵» و روایتی از امام صادق علیه السلام نیز در این باره نقل شده است. «۶» تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۷۰ بعضی، «تُبَّع» پادشاه حِمْیَر «۱» را، که همان «اسعد بن معدی‌کَرِبْ» باشد، نخستین کس دانسته‌اند که بر کعبه پرده پوشانید. گفته‌اند که وی در خواب دید کعبه را جامه می‌پوشاند؛ پس ابتدا بر آن پوششی چرمی انداخت و بعد با پارچه‌های حِبریِ بافت یمن پوشانید و برای کعبه نیز دری قرار داد. «۲» در روزگار جاهلی، پرده کعبه، که از جنس‌های گوناگون؛ مانند پشم، مو، کرک، خز، پارچه‌های حبری، بردهای یمانی و جامه‌های پشمین بود، به وسیله شترانی که برای قربانی می‌آوردند، حمل می‌شد و قسمتی یا تمام خانه را با آن می‌پوشاندند و مقداری را نیز ذخیره می‌کردند تا پس از کهنه شدنِ پوشش‌ها، آن را تعویض کنند. «۳» ابن اسحاق گوید: در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله، کعبه را با پارچه سفید رنگِ بافتِ مصر، مشهور به «قُباطی» می‌پوشاندند و سپس از «بردهای یمانی» برای آن استفاده می‌کردند. نخستین کسی که آن را با دیباج پوشانید «ابن زبیر» بود. «۴» پیامبرخدا صلی الله علیه و آله در آخر ذی‌حجه برای مردم خطبه‌ای ایراد کرد و گفت: امروز، روزی است که سال در آن پایان می‌یابد و جامه بیت‌اللّه تعویض می‌شود. از ابن جریح روایت کرده‌اند که در عصر جاهلیت معمول بوده که پس از رفتن حجاج از مکه در ابتدای محرم بر کعبه پرده نو می‌آویختند، اما به روزگار قریش، معمولًا روز هشتم ذی‌حجه پوشش‌های دیبا بر آن می‌انداختند که مردم شکوه و زیبایی آن را ببینند و سپس روز عاشورا با پرده اصلی پوشش می‌دادند. همچنین پیامبر صلی الله علیه و آله بر خانه خدا پرده و جامه یمانی می‌پوشاند و حال آن‌که در دروه جاهلی بر آن چرم می‌آویختند. گویند: عبداللّه بن زبیر نخستین کسی بود که بر این خانه تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۷۱ پرده ابریشم پوشانید. چون عبدالملک بن مروان به حکومت رسید، هر سال ابتدا پرده‌ای را به مدینه می‌فرستاد و یک روز بر ستون‌های مسجد النبی صلی الله علیه و آله پهن می‌کردند و سپس همراه با عطر و انواع عود سوز، به مکّه می‌فرستادند. ؟؟؟ نیم صفحه خالی طرح (دو عکس) امام علی علیه السلام نیز در دوران خلافت خود هر سال برای کعبه پوششی از عراق می‌فرستادند. «۱» در دوران بنی‌امیه و بنی‌عباس همه ساله برای کعبه پوشش‌های متنوّعی تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۷۲ ارسال می‌شد؛ همچنین سلطان ناصر بن قلاوون دو قریه در مصر را خرید و در آمد آن را وقف پوشش خانه کعبه کرد. از سوی سلاطین مصر نیز همه ساله دو پرده؛ یکی برای کعبه به رنگ قرمز و دیگری برای مرقد پیامبر صلی الله علیه و آله به رنگ سبز ارسال می‌شد که بر حاشیه آن‌ها شعار «لا ـ إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»، «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» و آیات دیگر بافته شده بود. سلاطین عثمانی نیز برای کعبه پرده‌هایی می‌فرستادند. «۱» در دوران حاضر پرده‌هایی از نقاط مختلف برای کعبه ارسال می‌شود که در روز نهم ذی‌حجه هر سال تعویض می‌شود. تزیین آن به دست هنرمندان شهر مکّه صورت می‌گیرد و آیات قرآن و اسامی جلاله به صورتی بسیار زیبا و زرّین بر روی آن بافته می‌شود. کارگاه پرده‌بافی کعبه در منطقه حدیبیه و آغاز حرم قرار دارد که به صورتی سنتی، کارگران آن را در سه کارگاه خطاطی، بافندگی و زردوزی می‌کنند، این کارگاه در سال ۱۳۹۷ ق. افتتاح شد. پرده داخلی کعبه نیز در همین کارگاه بافته می‌شود. ارتفاع پرده چهارده متر و نواری که پیرامون پرده و بالای آن را فرا گرفته و بر آن آیات قرآنی نوشته شده ۹۵ سانتی‌متر و طول آن ۴۷ متر مربع است که از شانزده قطعه تشکیل شده و هزینه بافت و تزیین آن با طلا ـ و زخارف دیگر به ۱۷ میلیون ریال سعودی می‌رسد.

۱۲- مقام ابراهیم علیه السلام

... فِیهِ آیاتٌ بَیِّناتٌ مَقامُ إِبْراهِیمَ وَ مَنْ دَخَلَهُ کانَ آمِناً .... «۲» مقام ابراهیم علیه السلام که در قرآن کریم به عنوان یکی از نشانه‌های

روشن آمده، از کهن‌ترین آثار موجود در مسجدالحرام است. رنگ این سنگ میان زردی و سرخی و با ابعاد ۳۸* ۳۶ سانتی‌متر، به صورت مکعب است. همانگونه که پیشتر اشاره شد، از ابن تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۷۳ عباس نقل شده که چیزی از بهشت در زمین، جز حجرالأسود و مقام ابراهیم علیه السلام نیست و آن دو، از گوهرهای بهشت‌اند و اگر مشرکان آن دو را لمس نکرده بودند، هیچ دردمندی به آن‌ها دست نمی‌کشید مگر آن که خداوند وی را شفا می‌داد. ابوالولید از مجاهد نقل می‌کند که بدون طهارت نباید به مقام دست کشید؛ زیرا از آیات و نشانه‌های خداوند است. «۱» بعضی از مفسّران در تفسیر آیه ... فِیهِ آیاتٌ بَیِّناتٌ ... گفته‌اند: مقصود از نشانه‌های روشن، جای پای ابراهیم علیه السلام بر مقام است. «۲» در حقیقت این مقام سنگی از بهشت بوده که ایشان بر آن ایستاده و مردم را برای حج فرا می‌خواندند: «هَلُمُّوا إِلَی الحَجِّ» «۳» و نیز گفته‌اند: کسانی که در این روزگار عازم حج می‌شوند، ندای ابراهیم علیه السلام را در آن روز لبیک گفته‌اند. «۴» همچنین خداوند می‌فرماید: وَ اتَّخِذُوا مِنْ مَقامِ إِبْراهِیمَ مُصَلًّی ...؛ «۵» «و مقام ابراهیم علیه السلام را نمازگاه قرار دهید.» مفسران با استناد به روایاتی، می‌گویند: مردم فرمان یافته‌اند که در کنار این مقام نماز گزارند؛ «۶» ازاین‌رو، نباید نماز طواف را جلوتر از مقام خواند. ابراهیم علیه السلام فرمان یافت که آن سنگ را قبله خود قرار دهد. لذا آن را کنار دَرِ کعبه تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۷۴ گذاشت. پس از او، اسماعیل علیه السلام هم به جانب آن و رو به روی در نماز می‌گزارد؛ ولی پیامبر صلی الله علیه و آله مأمور شدند تا به سمت بیت‌المقدس نماز بگزارند؛ دیری نپایید که خداوند متعال آنچه را برای خود و پیامبرش برگزیده بود، قبله قرار داد. آن حضرت در مدینه وقتی نماز می‌گزاردند، روبروی ناودان؛ یعنی شمال کعبه قرار می‌گرفتند و چون در مکّه حضور می‌یافتند رو به روی مقام می‌ایستادند. «۱» از بررسی منابع تاریخی چنین برداشت می‌شود که مقام ابراهیم علیه السلام از دوران آن حضرت تاکنون به جز یک مورد جا به جا نشده و آن نیز در دوران خلیفه دوم بوده است که سیل عظیمی وارد مسجدالحرام شد. این سیل به نام «امّ نهشل» مشهور شد، چرا که وی در این سیل غرق گردید. در این زمان مقام ابراهیم علیه السلام از جای خود کنده شد و به کعبه چسبید. بعضی گویند به محلات پایین کعبه برده شد. این رخداد را برای خلیفه دوم نوشتند، وی پایه‌ای ساخت و مقام را به جای خود منتقل کرد که تا امروز همچنان در همان‌جا باقی است. در سال ۲۰۲ ق. نیز سیل عظیم دیگری آمد و پایه‌های مقام را خراب کرد ولی آن را از جای خود نکند. «۲» در دوران «مهدی عباسی» برای محافظت بیشتر، پایین و بخش بالای مقام را زر اندود و در سال ۲۰۶ هجری نیز مجدداً آن را مطلّا کردند. «۳» بعدها مقصوره و بنایی بر فراز آن قرار دادند که البته مسیر مطوّفین را تنگ می‌کرد. لذا در ۱۳۸۷ ق. آن را در میان طوقی زرین قرار دادند و محفظه‌ای از جنس کریستال بر روی آن نصب کردند. این محفظه ۱۸* ۱۳۰ سانتی‌متر (به جز پایه) ارتفاع دارد و قطر آن ۸۰ سانتی‌متر است. بر روی قالب، دو اثر پا، که به‌طور عمیق در سنگ فرو رفته، به عنوان جای پای ابراهیم علیه السلام شناخته می‌شود. فاصله آن تا حجرالأسود ۱۴ /۵ متر، تا رکن شامی ۱۴ متر، تا شاذروان ۱۳ /۲۵ متر است. مقام اکنون در ۱۳ متری کعبه قرار دارد. (تصویر شماره ۳ و ۴)

۱۳- حِجْر اسماعیل علیه السلام

حِجر اسماعیل علیه السلام میان رکن شمالی و رکن غربیِ کعبه قرار دارد. «حِجْر» به معنای پناه و دامن است و از این رو به اسماعیل علیه السلام منسوب کرده‌اند که وقتی دیوارهای کعبه بر افراشته شد، او برای پناه بردن از گرمای خورشید، در سایه و کنار این دیوار می‌نشست و یا این‌که سایبانی کنار آن برای خود می‌ساخت و در آن پناه می‌گرفت؛ چون اسماعیل علیه السلام درگذشت، او را در همان مکان مدفون ساختند. قریش در بازسازی کعبه، حجر را به خاطر عدم توانایی مالی در بازسازی کامل، از کعبه بیرون گذاشتند؛ یعنی حدود سه متر. بنابراین، از دیوار کعبه تا ۳ متر در طول، جزو کعبه است. طول حِجر ۶ /۸۰ متر است. عبداللَّه بن زبیر، هنگام تجدید بنای کعبه، حِجر را حفر کرد و در آن سنگی به رنگ سبز یافت؛ از قریش در این باره پرسید، عبداللَّه بن صفوان

گفت: گور اسـماعیل علیه السـلام است؛ لـذا ابن زبیر آن را به حال خود رها کرد. او در این حفریات پایه‌های کعبه در زمان ابراهیم علیـه السـلام را کشـف کرد و آن را بر همـان اساس بازسازی کرد. بنـابراین، حِجر اسـماعیل کنـونی، در دوران وی جزو بیت قرار گرفت. پیـامبر صـلی الله علیه و آله به عـایشه فرمودنـد: هرگـاه خواستی درکعبه نمـاز بگزاری، درحجرنمـازگزار که بخشـی از کعبه است، لیکن قوم تو آنگاه که کعبه را می‌ساختند، از طول آن کاستند و آن را بیرون کعبه قرار دادند. این گفته پیامبر صلی الله علیه و آلـه نیز سـندی است برای این که طـواف در داخـل حجر جـایز نیست. حِجر که اکنـون بـا نیم دایره‌ای کوتـاه محصـور شـده، دارای دیواری به ارتفـاع ۳۲ /۱ متر و پهنـای ۵ /۱ بـا دو درِ شـرقی و غربی است. طول آن از دیوار کعبه (زیر نـاودان طلا) تـا دیوار حِجر، حدود ۸۰ /۶ متر و عرض آن میان دو در شـرقی و غربی ۷۷ /۸ متر است. از این مقـدار سه متر آن، که از دیوار کعبه آغـاز می‌شود، در طول، جزو کعبه و بنای اصـلی است. در دوره منصور عباسـی، زمین آن با سـنگ مرمر پوشیده شد و در سال‌های ۱۶۱ ق. و ۲۸۳ ق. و سال‌هـای بعـد نیز همواره سـنگ‌های حِجْر را تعویض و ترمیم می‌کرده‌انـد و اکنون نیز بـا سـنگ مرمر مفروش است. اما آنچه مشـهور اسـت کـه در حجر، دختـر، همسـر و تاریـخ و آثـار اسـلامی، ص: ۷۶ مـادر اسـماعیل (هـاجر) و نیز چنـد تـن از انبیـای الهی مدفون‌اند، «۱» منظور انتهای حجر اسماعیل کنونی به سمت دیوار حجر است؛ زیرا تا سه متر از کعبه در زمان قریش جزو کعبه بود و کسی را داخل کعبه دفن نمی‌کردند.

۱۳– چاه زمزم، تاریخچه و فضیلت آن

هنگامی که ابراهیم علیه السـلام، هاجر و تنها فرزندش اسـماعیل را به وادی خشک و سوزان مکه آورد، همراه مادر اسـماعیل مشک آبی بـود و هیـچ‌گونه زاد و توشه‌ای غیر از آن نـداشت. حضـرت ابراهیم آن دو را کنـار درختچه‌ای در نزدیکی جـای کعبه نشانـد و سپس از مکه خارج شد و آنان را به خدا سپرد رَبَّنا إِنِّی أَسْکَنْتُ مِنْ ذُرِّیَّتِی بِوادٍ غَیْرِ ذِی زَرْعٍ عِنْدَ بَیْتِکَ الْمُحَرَّمِ. پس از اندک زمانی آبِ همراه هـاجر تمـام و شـیرش نیز خشـک شـد. هـاجر در پی آب، فاصـله میـان کـوه صـفا و مروه را دوان دوان، هفت بـار پیمود. هنگامی که نزد کودکش بازگشت، جبرئیل علیه السـلام بر او ظاهر شـد و بر زمین کوبیـد که به قـدرت الهی آب از همان‌جا به روی زمین فوران زد. مادر اسـماعیل علیه السلام به آب، که جاری بود، گفت: «زَمْزَمْ»؛ یعنی بایست. خود نیز مقداری خاک و شن اطراف آن ریخت تا مبادا پیش از آن که آب را در مشک بریزد، به زمین فرو رود! گوینـد اگر هاجر چنین نمی‌کرد، شاید زمزم رود روانی می‌شـد. هاجر مشک را پر کرد و به فرزندش نوشانید. «۲» خبر پیـدایش آب در این منطقه سوزان و لم یزرع، قبایل جُرهم را به آنجا کشانید که در کنار چاه زمزم سـکونت گزیدند. چون جُرهمیان حرمت کعبه و حرم را شکستند و به فسق و فجور پرداختند، خداوند آب زمزم را از جوشـش انـداخت و خشـک کرد؛ به‌طوری که حـتی مکـان آن نیز محو شـد. عمرو بن حـارث مضـاض جرهمی، دو مجسّـمه زرین آهـو و شمشیرهای مرصّع را، که در کعبه بود، از بیم آن‌که سـرقت نکننـد، شـبانه برداشت و در محـل چـاه زمزم زیر خاک تاریخ و آثار اسـلامی، ص: ۷۷ پنهان کرد. «۱» چاه زمزم همچنان تا دوران عبـدالمطّلب بن هاشم، پدر بزرگ پیامبر صـلی الله علیـه و آله، مخفی بـود. او شـبی در خـواب دیـد که نـوری از کنـار کعبه به آسـمان برخـاست. وی به رغم سـرزنش و آزار مردم، با کمـک فرزنـدش حـارث همـان نقطه را حفر کرد. در آن هنگـام نـذر کرد که اگر دارای ده پسـر شود، یکی از آنان را در راه خـدا قربانی کند؛ سپس با کندن چاه، بر مجسمه‌ها و شمشیرها دست یافت و همچنان کَند تا آب فوران زد. پس از آن، خداوند به وی ده پسـر عطا کرد. او نیز برای ادای نذر خود، میان آنان قرعه انداخت که نام «عبداللّه» محبوب‌ترین پسرانش در آمد؛ آنگاه میان عبداللّه و از ده تـا صـد شتر قرعه زد که قرعه به نام صـد شتر افتاد و آن‌ها را در راه خـدا قربانی کرد و گوشـتشان را میان بادیه‌نشـینان انفاق نمود. بر اساس این سنت، از آن روز دیه یک مرد صد شتر تعیین شد. «۲» هنگام ظهور اسلام، سقایت حاجیان از آب زمزم در دست عباس بن عبـدالمطّلب بود. برای زمزم اسامی زیادی است؛ از جمله: برکـهٔ، سَیّده، نافِعَه، مَضْـمونَه، عَونَه، بُشْری صافیه، بَرَّه، عَصِمَه،

سالِمَه، مِیْمُونه، مُبارکه، کافیه، عافیه، طاهِره، طَعام طُعْم، شَفاءِ سُقم و ... «۳» درباره اهمیت آب زمزم و فضیلت نوشیدن آن، روایات بسیاری نقل شده است. پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: «زمزم بهترین چاه‌های دنیا است». گفته‌اند هرگز از آب چاه زمزم کاسته و خشک نخواهد شد. بهترین خوراک «۴» و مایه سلامت از هر درد است. مستحب است پس از نوشیدن آن بگویی: «اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْماً نَافِعاً وَ رِزْقاً وَاسِعاً وَ شِفَاءً مِنْ تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۷۸ کُلِّ دَاء». «۱» این آب همواره نزد مردم مکه قِداسَت و اهمیت فراوانی داشته است. آنان مردگان خود را با آب زمزم غسل می‌دادند و خود مقید به استفاده و نوشیدن از آن بودند. پیامبر صلی الله علیه و آله بیشتر از آب زمزم می‌نوشیدند و در هر جا که بودند، از اصحاب می‌خواستند آن را برای آشامیدن و وضو ساختن ایشان فراهم آورند. «۲» آن حضرت زمزم را از چشمه‌های بهشت و از آیات خداوندی در حرم اللّه و بهترین آب روی زمین دانسته‌اند. «۳» چاه زمزم در سال‌های ۸۲۲ ق. و ۱۳۸۳ ق. تعمیر و توسعه یافت. اکنون دهانه آن ۱/ ۵ متر، عمق آن سی متر و فاصله‌اش تا کعبه ۲۱ متر است. متوسط مصرف آب زمزم به وسیله زائران بیت اللّه، حدود ده هزار متر مکعب در روز و ۷۶۵ متر مکعب در ساعت؛ یعنی ۲۹۶۰۰ لیتر است. در دوران سعودی به سال ۱۳۸۸ ق. قبّه‌ای که بر فراز چاه زمزم بود، خراب و بنای جدیدی در زیر زمین ساختند که در آن‌جا از آب چاه استفاده می‌کردند. اکنون برای استفاده بیشتر از مطاف، آن مدخل را پر ساخته و در اطراف صحن مسجدالحرام به‌وسیله لوله‌کشی، آب را به شیرها هدایت کرده‌اند تا زائران از آن‌ها بنوشند و لذا دایره مطاف وسیعتر گشته است.

۱۴- صفا و مروه (مَسْعی و حوادث تاریخی آن

إِنَّ الصَّفا وَ الْمَرْوَةَ مِنْ شَعائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوِ اعْتَمَرَ فَلا جُناحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِما وَ مَنْ تَطَوَّعَ خَيْراً فَإِنَّ اللَّهَ شاكِرٌ عَلِيمٌ. «۴» گفته‌اند هنگامی که حضرت آدم صفیّ‌اللّه علیه السلام از بهشت رانده شد، نخست بر کوهی کنار بیت‌اللّه الحرام فرود آمد، لذا آن کوه را «صفا» نامیدند؛ چون بنا به گفته خداوند، تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۷۹ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفى آدَمَ وَ نُوحاً «۱» از نام «آدم المصطفی» گرفته شده است. حوّا علیها السلام نیز بر کوهی کنار صفا فرود آمد و لذا آن را «مروه»؛ (زن) نامیدند. جبرئیل علیه السلام بر آنان نازل شد و اعمال حج را آموخت و آن دو به طواف بیت‌اللّه پرداختند. «۲» هاجر فاصله میان کوه صفا و مروه را، که حدود ۵/ ۷۶۶ ذراع برابر با ۵/ ۳۷۷ متر بود، هفت بار در جستجوی آب طی کرد؛ قسمتی از این مسیر را که امروزه با چراغ سبز روشن است، با اضطراب شدیدی، که ناشی از نگرانی نسبت به وضع فرزند خود بود، سریعتر پیمود و در اصطلاح «هَرْوَله» کرد. در علت نامگذاری هروله، سخنان دیگری نیز هست؛ از جمله این‌که شیطان در این مکان بر ابراهیم علیه السلام ظاهر شد و ایشان این قسمت را تندتر پیمود. در هر حال حاجیان به یاد شداید و سختی‌های هاجر علیها السلام، آن بانوی فداکار، در این مکان هروله می‌کنند؛ یعنی به گونه‌ای گام برمی‌دارند که شانه‌ها و تمامی بدن به حرکت در آید. گفتنی است هروله برای زنان لازم نیست. از امام صادق علیه السلام روایت شده که سعی میان صفا و مروه، جز برای شکستن غرور و نخوت متکبران نیست. این عده، باید دوش به دوش نژادهای مختلف؛ اعم از سیاه و سفید، توانا و ناتوان، بی‌نیاز و نیازمند و ... تکبّر و فخرفروشی را پایمال گام‌هایشان کنند. کوه صفا، همچنین مکانی است که پیامبر صلی الله علیه و آله نخستین بار، رسالت الهی خود را از فراز آن، با این عبارت اعلان کرد: «قُولُوا لا إلهَ إلّا اللَّهُ تُفْلِحُوا»، هنگامی که آیه: وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ نازل شد و خداوند فرمود نزدیکان خود را بیم و انذار ده، پیامبر صلی الله علیه و آله اقوام و نزدیکان خود را در آن مکان انذار داد. «۳» در روز فتح مکّه نیز بر فراز این کوه رفت و پایان کار مشرکان را اعلام کرد و مهاجران و انصار را به اتحاد و یکپارچگی و صفا و صمیمیت در سایه توحید فراخواند. «۴» کنار همین کوه، خانه «ارقم بن ابی ارقم»؛ یعنی تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۸۰ نخستین پایگاه مخفی توحیدی قرار داشت که در توسعه مَسْعی خراب شده است. «۱» کوه صفا که سعی از آن آغاز می‌شود، در سمت جنوب شرقی کعبه قرار دارد و در فاصله ۱۳۰ متری کعبه واقع شده

است. کوه مروه، که در برابر رکن شامی و در ۲۰۰ متری شمال شرقی کعبه واقع است نیز همانند کوه صفا نکته‌هایی دارد؛ بر فراز همین کوه بود که خداوند به حضرت ابراهیم علیه السلام فرمان داد تا بهترین ثمره جانش؛ یعنی اسماعیل را در راه او قربانی کند. همچنین گویند هنگام فتح مکّه، ۳۶ بت بر روی این دو کوه قرار داشت و بت‌های زیادی نیز در میان آن‌ها بود که همه به وسیله پیامبر صلی الله علیه و آله شکسته شدند. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هنگام سعی، ابتدا مقداری از کوه صفا بالا می‌رفت و سپس به حرکتش ادامه می‌داد و در پایین درّه، که آغاز محل هروله بود، راه را مقداری سریعتر می‌پیمود. در دوره منصور، خلیفه عباسی، برای کوه صفا پانزده پله و بر کوه مروه ۹ پله ساخته شد. «۲» اکنون ضمن بازسازی صفا و مروه، پله‌های مذکور صاف و به صورت سراشیبی درآمده است. در دوران عثمانی، محل هروله، که حدود ۵۵ متر است، به وسیله استوانه کوچک کاشی کاری شده به رنگ سبز معین گردید و اکنون می‌توان آن را با چراغ‌های سبز تشخیص داد. مَسْعی محلّ میان صفا و مروه، در توسعه دوم سعودی، دو طبقه ساخته شد و حاجیانِ اهل سنت از طبقه بالا نیز سعی می‌کنند که البته امکان انجام سعی و طواف بر روی پشت بام هم برای آنان فراهم است. مَسْعی در شرق مسجدالحرام و دارای شانزده درِ ورودی است. معروف‌ترین و قدیمی‌ترینِ آن‌ها، باب بنی‌شیبه، باب علی، باب عباس و باب السلام است. طول مسعی در توسعه سعودی به ۵/ ۳۹۴ و عرض آن به بیست متر رسید. ارتفاع طبقه اول دوازده متر و طبقه دوم ۵/ ۸ متر می‌باشد. اکنون پله‌های ثابت و تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۸۱ برقی، زائران را به سعی و نیز آن سوی مسعی و طبقه بالا جابه‌جا می‌کند. در توسعه‌های اخیر سعودی، اطراف صفا و مروه تا شعاع پانصد متری تخریب و محوّطه پشت آن، در بیرون مسجد گسترش زیادی یافته است. در دوران‌های گذشته مسعی در وسط بازاری قرار داشت که پیرامون آن را دکان‌ها احاطه کرده بودند. اکنون مسعی به مسجدالحرام متصل شده است. ؟؟؟ جای خالی طرح

ه) مسجدالحرام و سیر تاریخی آن

اشاره

مسجد الحرام بر اساس روایت ابوذر، از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، نخستین مسجد بر روی زمین است. «۱» فضیلت یک رکعت نماز در آن، بیش از یکصد هزار رکعت در دیگر مساجد است؛ «.. وَ صَلَاةٌ فِی الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ تَعْدِلُ مِائَةَ أَلْفِ صَلَاةٍ فِی غَیْرِهِ» «۲» در گذشته، مسجدالحرام به کعبه و مطاف پیرامون آن اطلاق می‌شد لیکن به مرور بر وسعت آن افزوده شد. طبق روایتی از امام صادق علیه السلام، ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام، حدّ مسجدالحرام را تا میان صفا و مروه قرار داده بودند. «۳» تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۸۲ در دوران جاهلی؛ یعنی تا قبل از سلطه «قُصیّ بن کلاب»، جدّ چهارم رسول‌اللَّه صلی الله علیه و آله، مردم در پیرامون کعبه، خانه و عمارتی نداشتند و بیشتر قبایل، برای احترام و بزرگداشت کعبه، از سکونت و ساختن خانه در کنار آن پرهیز می‌کردند و بیشتر در درّه‌های مکه سکونت می‌گزیدند. با تسلّط قصیّ بر مکه، وی از مردم خواست تا پیرامون کعبه ساکن شوند و خانه‌هایی بنا کنند تا به امنیت بهتری دست یابند. وی نخستین خانه را در سمت شمالی کعبه به نام «دار الندوه» «۱» ساخت. بدین‌گونه، قریش پیرامون کعبه خانه‌هایی ساختند و درهایی به سوی کعبه گشودند و مقداری از اطراف کعبه را برای طواف زائران باز گذاشتند. آنان برای احترام به کعبه، خانه‌ها را کوتاهتر از آن، به شکل دایره، و نه مربع، ساختند. «۲» مسلمانانی که از مدینه و سایر سرزمین‌ها برای حج می‌آمدند، راهی جز داخل شدن در این خانه‌ها و ورود به مسجدالحرام نداشتند. «۳» در آن دوران، تنها محدوده طواف مطرح بود و اعراب چیزی به نام مسجدالحرام نمی‌شناختند تا این‌که خداوند آیات سوره اسرا را نازل و در آن از مسجدالحرام یاد کرد. «۴»

الف- توسعه خلیفه دوم (۱۷ هجری- ۶۳۸ میلادی)

در دوران خلیفه دوم، که به جمعیت مسلمانان افزوده شد، انجام مراسم عبادی حج با مشکلاتی روبه‌رو گردید، لذا وی برای نخستین بار به توسعه مسجدالحرام پرداخت. او در سال هفدهم هجری، پس از آن‌که سیل «ام نهشل» مقام ابراهیم علیه السلام را به پایین مکه برد، برای بازسازی کعبه وارد مکه شد و پس از نصب مجدد مقام، به سبب گسترش جمعیت، خانه‌هایی که اطراف مسجد بنا شده بود را از صاحبان آنها خرید و خراب کرد تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۸۳ و سپس دیواری کمتر از قامت یک انسان بر گرد مسجد کشید و محدوده آن را مشخص و به وسیله سنگریزه پوشانید. «۱» سپس درهایی نیز برای آن قرار داد و به وسیله مشعل‌هایی اطراف را روشن کرد. مجموع افزوده‌های او ۸۶۰ متر مربع بود. در این دوران، برای انحراف مسیر سیل‌هایی که داخل مسجدالحرام می‌شد و موجب تخریب می‌گردید، سدّی در «مدعا» بالای مکه ساخته شد و اطراف مسجدالحرام نیز با سنگ‌های بزرگ و کیسه‌های پر از سنگریزه پوشانیده شد. این سدّ به رَدَم «بنی جُمح» مشهور شد.

ب- توسعه خلیفه سوم (۲۶ هجری- ۶۴۶ میلادی)

خلیفه سوم نیز بعضی از خانه‌های باقی‌مانده را خرید و خراب کرد و تا حد زیادی مسجد الحرام را توسعه داد. «۲» عثمان نخستین کسی بود که برای مسجد الحرام رواق‌ها و سقف‌هایی قرار داد. مساحت مسجد در این دوران به ۴۴۰۰ متر مربع می‌رسید که او حدود ۲۰۰۰ متر به مسجد افزوده بود. «۳»

ج- توسعه عبداللّه بن زُبَیر بن عوام (۵۶ هجری- ۶۸۸ میلادی)

هنگامی که ابن زبیر در مکّه اعلان خلافت کرد؛ مانند گذشتگان خود، به توسعه مسجد الحرام پرداخت. وی خانه‌های دیگری از مردم خرید و ناحیه صفا را به مسجد ضمیمه و دیوار مسجد را به «دارالندوه» متصل کرد که در آن موقع، در میانه شمالی صحن کنونی مسجدالحرام قرار داشت. توسعه‌های او عمدتاً در جهت شمال، جنوب و شرق بود. ابن زبیر قسمت‌هایی از مسجدالحرام را با ستون‌های مرمرین مسقّف کرد. «۴» اقدامات ترمیمی وی، پس از آسیبی انجام شد که در سال ۶۴ ق. از سوی سپاهیان یزید بر کعبه و مسجدالحرام وارد گردید. عبداللّه بن زبیر باقی‌مانده دیوار کعبه را برداشت تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۸۴ و دوباره آن را بر اساس پایه‌های قبلی (قبل از ترمیم قریش) ساخت. مساحت افزوده در این‌دوران به مسجد الحرام ۴۰۰۰ متر بود که مساحت مسجد را به ۸۴۰۰ متر مربع رساند. «۱»

د- توسعه عبدالملک بن مروان و فرزندش ولید (۷۵ و ۹۱ هجری- ۶۹۴ و ۷۰۹ میلادی)

پس از آن که عبداللّه بن زبیر در مکّه به قتل رسید، عبدالملك بن مروان، خلیفه اموی، به ترمیم مسجد الحرام همت گماشت. وی دیوارهای مسجد الحرام را بالا برد و برای آن سقفی از چوب ساج فراهم کرد. در تزیین ستون‌ها، از طلا استفاده کرد و کتیبه‌ای از شرح اقدامات خود، بر یکی از ستون‌ها نوشت. وی ستون‌های مرمر به مسجد الحرام آورد و برای آن سقفِ یک پارچه‌ای که بر ستون‌ها و پایه‌های مرمر قرار داشت، استوار ساخت، آنگاه با چوب ساجِ آراسته و تزیین شده، آن را پوشانید و سطح مسجد را نیز سنگفرش کرد. او در تزیین مسجد الحرام از کاشی بهره برد و کنگره‌ها و غرفه‌هایی ساخت و آن را تزیین کرد. «۲» فرزند وی ولید نیز ۲۳۰۰ متر مربع به مساحت مسجد افزود و مجموع مساحت آن را به ۱۰۷۵۰ متر رسانید.

ه- توسعه منصور عباسی (۱۳۷ هجری- ۷۵۴ میلادی)

ابو جعفر منصور، خلیفه عباسی نیز مسجد الحرام را در سال ۱۳۷ ق. توسعه داد. وی درقسمت شامی که پایین مسجد و سمت‌دار العِجله و دار النَّدوه بود، بر مساحت مسجد افزود. در این توسعه، قسمت زیادی از دارالنَّدوه داخل مسجد شد. وی نیز به کاشی کاری و تزیین آن همّت گماشت و از توسعه خود کتیبه‌ای منقوش بر جا گذاشت و درهایی نیز برای مسجد قرار داد. ولید ۴۷۰۰ متر به مساحت مسجد افزود و آن را به ۱۵۴۵۰ متر مربع رسانید.

و- توسعه مهدی عباسی (۱۶۰ و ۱۶۴ هجری- ۷۷۶- ۷۸۰ میلادی)

مهدی عباسی در سال ۱۶۰ ق. حج به‌جا آورد و پرده‌های کعبه را عوض کرد و دستور داد مسجدالحرام را ترمیم و از منطقه بالا توسعه دهند. با قرار دادن درهای جدید، به درهای گذشته افزود که معروف‌ترین آن‌ها باب بنی‌شیبه بود. وی در دو مرحله به توسعه مسجد پرداخت. در توسعه نخست خانه‌های زیادی در سمت مسعی خرید و خراب کرد و کوشید تا کعبه در وسط مسجد قرار گیرد. لذا آن را از اطراف توسعه داد. وی همچنین ۴۸۴ ستون مرمرین برای رواق‌ها قرار داد که ۴۹۸ سقف گنبدی شکل روی آن رواق‌ها قرار می‌گرفت. حدود ۲۷۰ کنگره نیز بر بیرون دیوارهای مسجد ساخت که بیشتر به صورت بسیار زیبایی گچ‌کاری شد. او در این توسعه ۸۰۰۰ مترمربع به مسجد افزود و مساحت مسجد را به ۲۳۴۰۰ مترمربع رسانید. مهدی عباسی در دومین مرحله، به توسعه مسجد پرداخت و درهای دیگری نیز به آن افزود. «۱» در این اقدام، مسجد به مسعی متصل و در این توسعه ۲۳۵۰ مترمربع به مساحت قبلی مسجد افزوده شد و به ۲۵۷۵۰ مترمربع رسید. دیگر خلفای عباسی تا عصر عثمانی نیز بر مساحت مسجد افزودند. خلیفه معتضد ۱۲۵۰ متر و خلیفه المقتدر ۸۵۰ متر، به مسجد اضافه کرده و مساحت آن را به ۲۸۰۰۰ متر رسانیدند. همچنین پادشاهان ممالیک مصر و شام نیز به مساحت مسجد افزودند و تا آغاز عصر سعودی مساحت مسجد به ۳۰۰۰۰ متر مربع رسید. «۲» در دوران عثمانی بیشترین اقدام برای ترمیم، تزیین، ساخت درها، گنبد، رواق‌ها انجام شد؛ اما بر مساحت مسجد چیزی افزوده نگشت.

ز- توسعه دوران سعودی

همزمان با توسعه اول و دوّم مسجدالنبی صلی الله علیه و آله، در سال ۱۳۴۴ ق. و ۱۳۶۸ ق. که به دستور ملک عبدالعزیز سعودی انجام شد، مسجد الحرام نیز در طرح توسعه جدّی قرار تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۸۶ گرفت «۱» و به مساحت مسجد ۱۳۱۰۰۰ متر مربع اضافه شد. در دوران فهد در سال ۱۴۰۶ و ۱۴۰۹ ق. نیز دو توسعه انجام شد که طی آن ۱۱۸۰۰۰ متر مربع بر مساحت قبلی افزوده شد و مساحت کل مسجد به ۲۸۰۰۰۰ متر مربع رسید. در سمت صفا و مروه، بازار و خانه‌های بسیاری تخریب شد که بیشتر از لحاظ تاریخی ارزش ویژه‌ای داشتند. با توسعه‌ای که در مرحله نخست انجام شد، حدود دویست هزار نمازگزار بر گنجایش قبلی مسجد افزوده شد و در این توسعه ۴۹۲ ستون به قطر ۷۱ سانتی‌متر و ارتفاع ۲۱/ ۱۴ متر به ستون‌های مسجد اضافه گشت «۲» که اکنون فن‌کوئل‌ها و کولرها برای خنک کردن شبستان‌ها در داخل ستون‌ها تعبیه شده است. یک طبقه نیز بر مسجد الحرام اضافه شد. برای راه‌یابی به آن طبقه و نیز پشت‌بام، پله‌های برقی و ثابت تعبیه گردید. این توسعه در سال‌های ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۱ ش. نیز دوباره در قسمت‌های دیگر آغاز شد. از جمله میدان‌های اطراف و باب‌های اصلی مسجد مسطح و سنگفرش شد. بر مساحت برخی شبستان‌ها در دو طبقه افزوده شد و اکنون مساحت مسجد به ۳۳۶۰۰۰ متر مربع رسیده است. زیر زمین مسجد نیز برای نمازگزاران آماده شده و در حال حاضر، با توسعه پدید آمده، بیش از یک میلیون نمازگزار می‌توانند در مسجد الحرام، شبستان‌ها، طبقه اول، دوم و پشت بام و نیز زیرزمین و میدان‌های اطراف صفوف خود را منسجم سازند. (تصاویر شماره ۵، ۶، ۷)

و) درهای مسجد الحرام از ابتدا تا کنون

مسجد الحرام در عصر خلیفه مهدی عباسی (۱۶۰ هجری) دارای ۱۹ در بود که از معروف‌ترین آن‌ها می‌توان به «باب الزیاده» و «باب القطبی» اشاره کرد. در دوران ملک عبدالعزیز سعودی (۱۳۴۴ ق.) این تعداد به ۲۶ در افزایش یافت. در دوران فهـد بن عبد العزیز، در توسعه اول ۵۱ درِ اصلی و فرعی گشوده شد و در توسعه دوم به ۶۲ در تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۸۷ رسید، که اکنون نیز همه آن‌ها وجود دارد و به همراه راه‌پله‌های ورودی به ۹۲ در می‌رسـد. در میان آن‌ها چهار درِ اصلی و بزرگ وجود دارد که در چهار جهت اصلی قرار یـافته و بر فراز هریک دو مناره، به ارتفاع ۹۲ و عرض ۷۷۷ متر ساخته شـده است. این درها عبارت‌انـد از: ۱. باب ملک عبدالعزیز، ۲. باب فهـد بن عبدالعزیز ۳. باب العمره ۴. باب فتـح. مساحت مسـجدالحرام و میزان توسـعه آن، از آغاز تا دوران سعودی شرح توسعه‌مساحت افزوده‌جمع کل ۱ خلیفه دوم (۱۷ ق.) ۸۶۰ متر مربع ۲۴۰۰ متر مربع ۲ خلیفه سوم (۲۶ ق.) ۴۴۵۰۲۰۵۰ ۳ عبـداللّٰه بـن زبیر ۸۴۵۰۴۰۰۰ ۴ ولیـد بن عبـدالملک ۱۰۷۵۰۲۳۰۰ ۵ منصور عباسـی ۱۵۴۵۰۴۷۰۰ ۶ مهدی عباسـی (توسـعه اول) ۲۳۴۰۰۸۰۰۰ ۷ مهدی عباسـی (توسعه دوم) ۲۵۷۵۰۲۳۵۰ ۸ معتضد عباسی ۲۸۰۰۰۲۲۵۰ ۹ مقتدر عباسی ۲۹۰۰۰۱۰۰۰ تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۸۸ مجموع مساحت مسجد الحرام در قبل و بعد از توسعه سعودی؟؟؟ د فهرس ان الله اکبر ه الحمد لله ی این ف الحمد لله یل ا صدق الله العظیم ت تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۸۹ نقشه؟؟؟ تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۹۰ نقشه؟؟؟

فصل سوم: کوه‌ها و شعب‌های مهمّ مکّه

الف– کوه‌ها

۱. جبل‌النُّور: غار حِرا (مهبط وحی)

اقْرَأْ بِـاسْمِ رَبِّکَ الَّذِی خَلَقَ، خَلَقَ الْإِنْسـانَ مِنْ عَلَقٍ، اقْرَأْ وَ رَبُّکَ الْأَـکْرَمُ، الَّذِی عَلَّمَ بِـالْقَلَمِ، عَلَّمَ الْإِنْسانَ ما لَمْ یَعْلَمْ. «۱» «بخوان به نام پروردگـاری که انسـان را از نطفه بسـته آفریـد، بخوان و پروردگار تو کریم‌تر است که به قلم آموخت و به انسان آنچه نمی‌دانسـت آموخت.» کوه نور، مَهبـط جبرئیـل امین علیه السـلام و محـل نزول وحی است. در شب بیست و هفتم ماه رجب، سال ۴۰ عام‌الفیل (: ۶۱۰ میلادی) جبرئیل علیه السـلام بر قلّه این کوه بر پیامبر صـلی الله علیه و آله ظاهر شد و با ابلاغ سوره علق، آغاز رسالت آن پیامبر عظیم‌الشأن و بهترین خلق خداوند تبارک و تعالی را اعلان کرد. کوه نور، که در چهار کیلومتری شـمال شـرقی شهر مکّه و کنار راه «منا» به «عرفات» بوده، اکنون به علّت گسترش مکه، در داخل شهر قرار گرفته است. ارتفاع آن از دریا ۶۲۱ و از سطح دامنه ۲۸۱ متر است. این کوه در تورات، «جبل فاران» نامیـده شده و نزد مردم محلّی به «جبل النور» معروف است. شـکل آن مخروطی و مسـتقل از دیگر کوه‌ها است. تاریخ و آثار اسـلامی، ص: ۹۴ غـار حِرا در بالاـترین نقطه این کوه واقع شـده و آن را به عنوان یکی از کوه‌های بسـیار مهم و با فضـیلت مکّه دانسته‌اند. ارتفاع دهانه غار حِرا ۲ متر، عرض آن حـدود ۱/ ۲۰ متر و طولش نیز حـدود ۲ متر است. از عجایب این غار آن‌که انتهای آن کاملًا به سوی مسـجدالحرام است و در دهانه آن می‌توان به سـمت بیت‌المقدس نماز خواند. داخل آن از هنگـام طلـوع تـا غروب آفتـاب روشن و علاـوه بر این، گرمـای سوزان را به درون آن راهی نیست؛ لـذا معتکف در این غـار، احساس گرما و ناراحتی نمی‌کنـد. در هر حال چنانکه بعضـی گفته‌انـد، غار حِرا از چند سال قبل از بعثت پیامبر صـلی الله علیه و آله محل اعتکاف، عبادت، شب زنده‌داری و تهجّد آن حضرت بوده است. رسول اللّٰه صلی الله علیه و آله تمام مدت ماه مبارک رمضان و چنـدین شب از ماه‌های دیگر را در این غار به اعتکاف و عبادت مشـغول می‌شدنـد. به علت حضور پیامبر صـلی الله علیه و آله و یا جبرئیل در این مکان، از انتهای غار و دیواره‌ها بوی بسیار خوشی به مشام می‌رسد که این بوی خوش در دو مکان دیگر هم استشمام می‌شود؛ یکی در محراب مسـجد فتح در مدینه و محل غزوه خندق و دیگر در شـکافی که پیامبر صـلی الله علیه و آله را در روز احد

در آن مخفی و پرستاری کردنـد؛ کـه به نظر می‌رسـد رائحـهٔ النـبی صـلی الله علیه و آله باشـد و این بـو را بسیاری از زائران در طی سال‌های متمادی استشـمام کرده‌انـد. در ایام اعتکاف، همسر فـداکار ایشان، حضـرت خـدیجه علیها السـلام مونس و غم‌خوار پیامبر صلی الله علیـه و آلـه بـوده و از صـخره‌های صـعب و دشـوار این کـوه بالاـ رفته و برای آن حضـرت آب و غـذا می‌برده است. روزی جبرئیل علیه السـلام، پیامبر صـلی الله علیه و آله را از نوع غـذایی که خـدیجه علیها السـلام برای او می‌آورد خبر داد و از او خواسـت سلام خداونـد را به خدیجه علیها السـلام برساند. «۱» بـا توجه به فاصـله طولانی راه غار و سـختی و صـعوبت آن، میزان فـداکاری و شهامت آن بانوی بزرگوار و ایثار او در راه خداوند آشـکار می‌گردد. امام علی علیه السلام از کسانی است که شاهد اعتکاف پیامبر صلی الله علیه و آله در این غـار بوده است. ایشـان در کودکی دست در دسـتان مبـارك پیامبر صـلی الله علیه و آله، به دامنه این کوه می‌رفته است. (تصویر شماره ۸)

۲. ابوقُبَیس

یکی دیگر از کوه‌های مهم مکه «ابوقبیس» است که به سـبب سـکونت فردی به نام ابوقبیس، به این نام معروف شـده است. این کوه در دل سـختِ خود، خاطره‌های مهمی از تاریخ نهفته دارد. هر چند امروزه در پس ساختمان‌های بلند، از جمله دار الضـیافه سعودی، از چشم‌ها پنهان گردیـده و بخشـی از آن تخریب شـده است. بنا بر روایات زیادی، ابوقبیس برترین کوه‌های مکه است. «۱» این کوه در شمال شرقی مسجدالحرام و مشرف بر صفا است و ۴۲۰ متر از سطح دریا و ۱۲۰ متر از سطح دامنه فاصله دارد. بعضی گفته‌اند قبر شیث بن آدم و به روایتی قبر حَوّا در دل این کوه واقع است و گوینـد چنـد پیـامبر نیز در آن مـدفون شده‌انـد، واللَّه العـالم. خداونـد، حجرالأسود را از بهشت به ابراهیم علیه السـلام رسانیـد و این سـنگ از زمان طوفان نوح علیه السـلام در امانت ابوقبیس بود، لـذا این کـوه را به همین مناسـبت «امین» خوانده‌انـد. «۲» فـاکهی گویـد: ابراهیم علیه السـلام بالاـی این کوه مردم را برای انجـام حـج دعوت می‌کرد. «۳» پس از اسـلام، این کوه شاهد حادثه شق‌القمر بود که بعدها مسـجدی به همین نام در این مکان ساخته شد. «۴» همچنین مسـجدی به نام «مسـجد ابراهیم» که هر دو هنگام ساخت دارالضیافه در دوران سعودی تخریب شد. «۵» از ابوقبیس و کوه «قُعَیقعان» به نام «اخشبان مکه» یعنی دو کوه سخت، که نمی‌توان از آن بالا رفت، یاد کرده‌اند.

۳. کوه ثَوْر (مخفی گاه هجرت)

در سه کیلومـتری جنـوب شـهر مکّه و در جنـوب منطقه «مسـفله» کـوهی قرار دارد که تاریـخ و آثـار اسـلامی، ص: ۹۶ مساحت آن دوازده کیلومتر است. ارتفاع آن از دریا ۷۴۸ متر و از سطح دامنه ۴۵۸ متر می‌باشد. این کوه و غاری که بر فراز آن است، به مناسبت تولّـد «ثور بن عبـد منـاة» در آن، به این نام معروف شـده است. «۱» پیـامبر صـلی الله علیه و آله هنگـام هجرت به مـدینه، برای گمراه ساختن دشمن، به سمت این کوه، که بر خلاف جهت مدینه؛ یعنی در جنوب مکه قرار دارد، رفت و با ابوبکر و یک راهنمای بدوی سـه شـبانه روز در غـار پنهـان شدنـد؛ از ایـن واقعـه در قرآن کریـم یـاد شـده اسـت و آن نیز به علت حزن شدیـد مصـاحب و همراه پیامبرخـدا صـلی الله علیه و آله یعنی ابوبکر بوده که خداوند می‌فرماید: ... إِذْ یَقُولُ لِصاحِبِهِ لا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنا .... «۲» «هنگامی که (پیـامبر صـلی الله علیه و آله) به مصـاحب و همراه خود گفت: محزون و ناراحت نباش که خداونـد با ماست.» به امر خـدای تعالی بر دهـانه آن غـار عنکبوتی تـار بست و کبوتری تخم گـذاشت، لـذا مشـرکان از ادامه تعقیب پیامبر صـلی الله علیه و آله دست کشـیده، بازگشـتند. پیامبر صـلی الله علیه و آله پس از آن، به سـمت مـدینه حرکت کرد. «۳» از پـایین کوه تـا قلّه آن، حـدود یک ساعت راه است که امروزه با پلکان‌هایی سـهل العبور شده است. در بالای آن، دو غار در نزدیکی هم وجود دارد که بر روی هریک «غار ثور»

نوشته شده است، ولی اوّلی صحیح‌تر است؛ زیرا دو تا سه نفر می‌توانند در آن مخفی شوند. ارتفاع آن حدود ۳۰/ ۱ متر و طول و عرض آن ۵/ ۳ مترمربع است. در قرن نهم و سیزدهم هجری دهانه ورودی را کمی بازتر کردند و یک راه خروجی نیز برای آن قرار دادند تا زائران بتوانند از یک طرف وارد و از طرف دیگر خارج شوند. کمی تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۹۷ پایین‌تر از غار، صخره‌ای به قدرت خداوند به صورت گنبدی بزرگ در آمده که سی نفر زیر سایه آن می‌توانند استراحت کنند. ابن جبیر آن را قبّهٔ جبرائیل علیه السلام خوانده است. «۱» (تصویر شماره ۹)

۴. الحَجون «۲»

نام کوهی است مشرف بر «مسجدالْحَرَس» یا «مسجدالجنّ». در دامنه آن درّه‌ای است به نام «دره سلاخ‌ها» یا «ابی دُبّ» که در دوران جاهلیّت گورستان مردم مکّه بوده است. کثیر بن کثیر درباره آن گورستان چنین سروده است: «در این حجون چه بسیار دوستان راستین از جوانان و پیران پاکدامن در گور آرمیده‌اند.» «۳» این کوه اکنون بر گورستان ابوطالب یا جنهٔ المعلّی مشرف است و پل حجون که در دوران اخیر در کنار آن ساخته شده، شاهراه بزرگی است که المعابده را به منا وصل می‌کند.

۵. کوه خَلیفه

کوهی است مشرف بر اجیاد بزرگ که از نام «خلیفهٔ بن عمیر» گرفته شده؛ زیرا وی نخستین کسی است که بر این کوه خانه ساخت. کوه خلیفه هنگام فتح مکه، گریزگاه و پناهگاه مشرکان بوده است. «۴» آنان همچون بزهای کوهی، از ترس شمشیرهای مسلمانان، از کوه بالا رفته و چگونگی ورود پیامبر صلی الله علیه و آله و یاران او به مکه و تصرّف شهر را نظاره می‌کرده‌اند.

۶. کوه خَنْدَمه

این کوه بر «اجیاد صغیر» مشرف و پشت کوه ابوقبیس قرار دارد. فاکهی از ابن عباس روایت می‌کند که در این کوه هفتاد پیامبر دفن شده‌اند. «۱» واللَّه العالم

۷. ثَبیر

کوه ثبیر که از بزرگترین کوه‌های مکه است، در نزدیکی مِنا قرار دارد. از این رو به آن «ثبیر» گفته‌اند که شخصی به همین نام، از قبیله هذیل در آن فوت شده است. «۲» گویند این همان کوهی است که قوچ یا گوسفندی از سوی خداوند فرستاده شد تا در عوض اسماعیل علیه السلام ذبح شود. «۳» از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نقل شده هنگامی که خداوند در مقابل حضرت موسی علیه السلام بر کوه تجلّی کرد، آن کوه شش قسمت شد که سه قسمت آن در مکه و سه قسمت در مدینه قرار گرفت و اما سه قسمتی که در مکه قرار یافت حراء، ثَبیر و ثَور بود. «۴»

۸. قُعَیقُعان

این کوه در مقابل کوه ابوقبیس و سمت مروه؛ یعنی در شمال و شمال‌غربی مسجد الحرام قرار دارد که به آن کوه «جَزّل» نیز گفته‌اند. «۵» همان‌گونه که پیشتر گفته شد، این کوه و ابوقبیس را اخشبان مکه خوانده‌اند. گویند در حادثه انشقاق القمر، نیمی از

ماه بر کوه ابوقبیس و نیمی دیگر بر کوه قُعَیقعان دیده شد. گفتنی است مسجد الحرام در میان این دو کوه قرار دارد.

ب– شعب‌ها (درّه‌ها)

اشاره

شهر مکه به سبب وجود کوه‌های فراوان، دارای درّه‌ها یا شعب‌هایی است که هر قبیله در آن، به‌طور مستقل زندگی می‌کردند و هر شعبی به نام آن قبیله معروف بودند. تعداد شعب‌ها را ۲۵ عدد دانسته‌اند: «۱»

۱. شعب ابی دُب

شعب ابی دب در کنار حجون قرار دارد. ابو دُبّ نام مردی از خانـدان سواد بن عامر است. بعـدها در این درّه سلاخ‌ها ساکن شدند. قبرستان ابو طالب در این شعب قرار دارد که در دامنه کوه حَجون واقع شده است. برخی به اشتباه آن را شعب ابی طالب گفته‌اند که پیامبر صلی الله علیه و آله و یارانش در آن محاصره شدند.

۲. شعب ابوطالب (محل محاصره بنی‌هاشم و پیامبرخدا صلی الله علیه و آله)

این شعب در تاریخ به نام‌های شعب ابی‌طالب، شعب مولد، که به سبب تولد پیامبر صلی الله علیه و آله این‌گونه نامیده شد و شعب علی علیه السلام معروف بوده است. در این مکـان پیـامبر صـلی الله علیه و آله، بنی‌هـاشم و بنی عبـدالمطّلب از سوی کفار محاصـره اقتصادی شدند. مکان محاصره، به خاندان ابو طالب، بنی‌هاشم و بنی عبد المطّلب متعلق بود و میان دو کوه «ابو قبیس و خندمه» قرار داشت. به گفته ابن سعد، این واقعه در محرم سـال هفتم بعثت اتفـاق افتاد. «۲» در مـدت سه سالی که بنی‌هاشم در محاصـره بودند، سختی‌های بسیاری را متحمّل شدند؛ به‌طوری که تعدادی بر اثر گرسنگی از دنیا رفتند و صدای شیون و ناله کودکان از درون شعب به گوش مردم می‌رسید. «۳» پس از سه سـال، خداونـد تعـالی مکر و نفـاق کـافران را به یـأس و اختلاـف تبـدیل و بـا از میان بردن عهـدنامه، به وسیله موریانه، ننگی ابـدی بر چهره تاریخ و آثار اسـلامی، ص: ۱۰۰ مشـرکان گذاشت و محاصـره در سال دهم بعثت پایان یافت. برخی به اشـتباه، شـعب ابی‌طالب را همان مکان قبرسـتان ابوطالب یا جنـهٔ‌المعلّی می‌داننـد، که داخل درّه ابی دُبّ یا دره سلاخ‌ها بوده و کنار کوه حجون واقع شده است! در حالی که شـعب ابی‌طالب یا شعب علی علیه السلام، در کنار مسجد الحرام بوده و کفار، مسلمانان را در خانه‌های خود محاصره کردند نه این‌که از شهر خارج کرده باشند. امروزه در کنار کوه ابو قبیس و در جوار منطقه پشت صـفا و مروه، تونلی کنـده شده که نام نَفَق علی بر آن دیده می‌شود که حکایت از شـعب علی علیه السلام دارد. گفتنی است سه شعب ابوطالب، بنی‌هاشم و بنوعامر در نزدیکی مسجد الحرام واقع شده‌اند. ؟؟؟ نقشه کوه‌های مکّه

فصل چهارم مساجد تاریخی موجود مکه

۱– مسجد یا زادگاه ختم رسولان محمد بن عبداللّه صلی الله علیه و آله

محل تولّـد حضـرت محمد صـلی الله علیه و آله؛ یعنی خانه «آمنه بنت وَهْب» در شـعب «ابو طالب»، را هنگام هجرت پیامبر صـلی الله علیه و آله عقیل بن ابی‌طالب خرید. پس از چندی، خیزران مادر موسـی و هارون الرشید، آن را به مسجد تبدیل کرد که دری از آن به کوچه مولد (زقاق المولد) باز می‌شد. «۱» جایی‌که پیامبر صلی الله علیه و آله در آن به دنیا آمد، مربع شکل و دارای یک ستون و

چند در ورودی بوده است. هنگامی که آن جا را ساختند، در نزدیکی محراب آن، به نشانه محل تولّد پیامبرخدا صلی الله علیه و آله حفره‌ای کنده و با نقره تزیین کردند. «۲» این خانه در دوره‌های مختلف تاریخی بازسازی شد. در دوران عثمانی، سلطان مرادخان، در ۱۰۰۹ ق. بر مکان تولّد پیامبر صلی الله علیه و آله گنبدی بسیار بزرگ ساخت و مدرّسی نیز برای تدریس در این مکان معین گردید. «۳» این خانه مقدّس، در حکومت آل سعود به گفته محسن الأمین، به سبب تبرّک جستن مردم به آن، تخریب و به محلی برای نگهداری چارپایان تبدیل شد! «۴» بعدها تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۰۴ کتابخانه‌ای در ۱۳۷۰ ق. توسط شیخ عباس نظامی با سرمایه خود او ساخته شد که اکنون در سمت میدان پشت صفا و مروه، در کنار خیابان و در دو طبقه با تابلوی «مکتبة المکة المکرّمه» دیده می‌شود. (تصویر شماره ۱۰)

۲- مسجد الجِنّ: مسجد الْحَرَس

قُلْ أُوحِیَ إِلَیَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِنَ الْجِنِّ فَقالُوا إِنَّا سَمِعْنا قُرْآناً عَجَباً* یَهْدِی إِلَی الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ وَ لَنْ نُشْرِکَ بِرَبِّنا أَحَداً. «۱» مسجد جن از مساجد مهم و تاریخی مکه است که خوشبختانه بر خلاف بسیاری از آثار تاریخی، همچنان پا برجا مانده است. خداوند متعال آیات سوره جن را در این مکان بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل کرد. آن حضرت در حال بازگشت از طائف پس از طی مسیری طولانی، با قلبی شکسته و نا امید در جای این مسجد، که به «نخله» معروف بود، کنار نخل خرمایی نشست و نیمه شب به عبادت و تلاوت قرآن پرداخت. در این حال، هفت نفر از جنیان با شنیدن صدای قرآن متوقف شده و آیات الهی را به گوش سایر جنیان رسانیدند؛ پیامبر صلی الله علیه و آله پس از آن نیز چندین بار همراه «عبداللَّه بن مسعود» به این مکان می‌آمد و آیات قرآن را بر جنیان می‌خواند. در یکی از شب‌ها سوره جن بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد و خداوند آن حضرت را از اسلام جنیان خبر داد. این مکان در «الحَجون» و دامنه «شعب ابی دُبّ» قرار داشت که بعدها به یاد آن رخداد بزرگ، مسجدی ساختند و آن را مسجد جن نامیدند. این مسجد را از آن لحاظ مسجد حَرَس نیز نامیده‌اند که در گذشته، پاسداران مناطق مختلف مکه، هنگام گشت شبانه، در نزدیکی مسجد جن با یکدیگر ملاقات و پس از تبادل اطلاعات به محل مأموریت خود باز می‌گشتند. «۲» مسجد یاد شده اکنون در تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۰۵ سه راهی خیابان مسجدالحرام، منا و پل حَجون در دویست متری‌قبرستان ابوطالب قرار دارد و در سمت چپ است که در شارع مسجد الحرام به سوی قبرستان می‌رود. نام این مسجد که تابلوی مسجد الجن بر نمای قبلی آن بود، قبل از بازسازی اخیر به شماره ۴۰ تغییر یافت اما در سال ۱۳۷۸ ش. بنای قدیمی آن تخریب و مسجد بزرگتری حدود دو برابر ساختند و باز هم نام مسجد الجن را بر تابلوی آن ثبت کردند. بنای جدید آن بسیار زیبا با گنبد طلایی و یک مناره بزرگ است که با دیوارهای سنگی سفید و سیاه در داخل و خارج مسجد زیبایی آن را دوچندان کرده است. بر نمای گنبد داخلی نیز آیات سوره جن به طرز زیبایی، با خط ثلث نگاشته شده است. این مسجد امروزه یکی از مساجد پررونق مکه است. (تصویر شماره ۱۱)

۳- مسجدالرّایه

پیامبر صلی الله علیه و آله در سال هشتم هجرت عازم فتح مکّه شدند و بالای شهر در ناحیه‌ای به نام «الرَّدم» نزدیک چاه جبیر بن مطعم که به آن «چاه عُلیا» می‌گفتند، استقرار یافتند و رایهٔ (پرچم سپاه اسلام) را در آن‌جا نصب کردند. «۱» گویند پیامبر صلی الله علیه و آله در آن مکان نماز گزاردند. «۲» بعضی از فقهای مکه گفته‌اند در روزگاران قدیم، مردم برای انتخاب محل سکونت خود در مکه، از این چاه، که در کنار آن مسجدی بوده و در آن نماز می‌گزاردند، بالاتر نمی‌رفته‌اند. مسجد مورد نظر، همان مسجد الرّایه است. «۳» این مسجد را «عبداللَّه بن عبداللَّه بن عباس بن محمد» ساخته و در کنار آن نیز حوضی برای سقایت مردم از آب چاه مذکور قرار داده بود. مستعصم عباسی آن را به سال ۶۴۰ ق. بازسازی کرد. تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۰۶ در سال ۱۳۶۱ و ۱۳۹۱

ق. این مسجد بازسازی و به جودریه معروف شد؛ وجه تسمیه آن، قرار گرفتن در دهانه بازار جودریه است که به اشتباه به ابوسفیان مشهور شده است. در سال ۱۳۸۰ ش. به‌گونه زیبایی بازسازی شد و دیوارها و مناره آن از سنگ است. بنای قبلی، دارای گنبدی طلایی بود که اکنون به رنگ سفید است و مساحت آن نیز به چهارصد متر افزایش یافت. نام این مسجد را پس از بازسازی اخیر تغییر داده، مسجد فهدبن عبدالعزیز نام نهادند. (تصویر شماره ۱۲)

۴- مسجد البَیْعَهْ: مسجد الغنم

هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله به عزم فتح مکه، عازم این شهر شدند، در میان شعب بنی عامر و سوق‌الغنم، با مردم مکه دیدار کردند و کسانی که پس از هشت سال از هجرت، دل‌هایشان به اسلام گرایش یافته بود، در این مکان با آن حضرت بیعت کرده و به اسلام گرویدند. بعدها مسجد کوچکی در آنجا ساخته شد به یاد بیعت این گروه با پیامبر صلی الله علیه و آله و نام «مسجد البیعه» به خود گرفت. این مسجد در خیابان مسجدالحرام، سمت راست کسی است که به سوی قبرستان ابوطالب یا پل حجون می‌رود. این مسجد، حدود ۵۰۰ متری بازار جودریه (ابوسفیان) و روبه‌روی اداره پست و تلگراف است. در سال ۱۳۸۰ ش. بازسازی شد و همانند سایر مساجد معروف در این خیابان، نمایی سنگی و مناره‌ای زیبا دارد. (تصویر شماره ۱۳)

۵- مسجد شجره

پس از بازار جودریه (ابوسفیان)، نرسیده به مسجد جِنّ و در تقاطع شارع مسجد الحرام و شارع نونه، در کنار پل مسجدی است که به یاد معجزه‌ای از پیامبر صلی الله علیه و آله در صدر اسلام ساخته شد و نام مسجد شجره بر خود گرفت. به روایات فاکهی، در این مکان تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۰۷ درختی به نبوّت و پیامبری آن حضرت شهادت داد. «۱» مسجد یاد شده که بسیار کوچک و ساده بوده، در سال ۱۳۸۰ بازسازی گردید. این مسجد را، مانند سایر مساجدی که پیشتر اشاره شد، با سنگ‌های سفید و تیره و بسیار زیبا، با مساحتی حدود ۲ برابر قبل ساخته‌اند. گفتنی است این مسجد با مسجد شجره یا احرام در میان راه مدینه و مکه هم نام است. (تصویر شماره ۱۴)

۶- مسجد ابوبکر

این مسجد در سمت «مَسفله» (پایین مکه) (دویست متری جنوب مسجدالحرام) واقع شده، که به ابوبکر منسوب است و در قرن دهم هجری به «دارالهجره» معروف گردید. گویند ابوبکر همراه پیامبر صلی الله علیه و آله از این مکان به سوی مدینه هجرت کرد. «۲» ۱ ن جبیر- ۲ ابن جبیر از خانه کوچکی در پشت مسجد خبر می‌دهد که محل مخفی شدن ابوبکر از کفار و مشرکان بوده است. «۳» بنای مسجد تا چند سال پیش در شارع حمزه بود که در جریان احداث فندق ابراج مکه و هتل هیلتون آن را خراب کردند. این هتل‌ها دقیقاً میان باب فهد و باب ملک عبدالعزیز واقع شده و مشرف بر مسجدالحرام و در کنار آن است. در میان هتل‌های یاد شده و روی هتل هیلتون مرکز تجاری با عنوان «مرکز التجاری والسکنی» ساخته‌اند و در طبقه چهارم این مرکز تجاری مصلّی و مسجد بسیار بزرگی نیز ساخته و تابلوی مسجد ابوبکر صدیق بر آن نهاده‌اند تا نشانی از مسجد تخریب شده باشد. گفتنی است شارع ابراهیم‌خلیل در سمت مسفله در چند متری هتل‌های یاد شده است. (تصویر شماره ۱۵) تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۰۸

۷- مسجد الاجابه

این مسجد در شارع ابطح و کنار میدان معابده، به سوی عزیزیه و منا واقع است و در سمت چپ کسی است که از میدان به سوی

عزیزیه می‌رود). گفته می‌شود پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام سفر به طائف در این مکان نماز گزاردند. نگارنده در محراب این مسجد دو کتیبه دید که دارای تاریخ ۹۷۰ هجری است. این مسجد به گفته نهروانی، در سال ۷۲۰ ق. تعمیر و پس از آن، رو به فرسودگی و تخریب رفت. «۱» تا اینکه در دهه گذشته، پس از تخریب ساختمان قدیمی، آن را بازسازی کردند. با این حال، در سال ۱۳۸۰ ش. همراه با سایر مساجد یاد شده، آن را با مساحتی دو برابر و بسیار زیبا باسنگ‌های سفید و تیره بازسازی کردند و تابلوی مسجدالاجابه، که بر بنای قدیمی آن وجود نداشت را بر آن نهادند. گفتنی است در مدینه نیز مسجدی به همین نام وجود دارد. «۲» (تصویر شماره ۱۶)

۸- مسجد خالد بن ولید

هنگامی‌که پیامبر مکه را فتح کرد، سپاهیان از چند جبهه وارد آن شدند. خالد بن ولید در رأس گروهی، از سمت پایین مکه (مسفله) وارد شهر شد و در مکان استقرار پرچم وی، مسجدی ساختند که به نام وی شهرت یافت. این مسجد اکنون در خیابان خالد بن ولید، در جنوب مسجد الحرام و محله «حارة الباب» قرار دارد. مسجد یاد شده در ۱۳۷۷ ق. بازسازی شده است. (تصویر شماره ۱۷) تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۰۹

۹- مسجد فتح

رسول اللَّه صلی الله علیه و آله آنگاه که با سپاهیان اسلام به قصد فتح شهر مکه حرکت می‌کرد، در حوالی ۲۵ کیلومتری شهر، از راه مدینه، در منطقه مرّ الظهران توقف کرد و یک شب را در آنجا ماند و به نماز و دعا و نیز به ساماندهی و سان دیدن از سپاه ده‌هزار نفری خود پرداخت. در همین جا بود که ابوسفیان با دیدن عظمت و شکوه سپاه اسلام مسلمان شد. این منطقه در عصر حاضر به «الجموم» مشهور است و ۱۸ کیلومتر با مسجد تنعیم در همان مسیر فاصله دارد. مسجدی که به یاد توقف و نماز پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ساخته شده، در سال ۱۳۹۷ ق. بازسازی شده است. «۱»

فصل پنجم: قبرستان ابوطالب و مزار شهدای فخ

الف- قبرستان ابوطالب (جنّةُ المُعلّی

اشاره

گورستان تاریخی مکه، به نام‌های مختلف؛ چون «ابوطالب»، «قریش»، «حَجون»، «بنی‌هاشم» و «جَنهٔ المُعَلّی یا «جنّهٔ المَعْلاهٔ» مشهور است. «۱» این قبرستان در شمال شرقی مکه و در دو راهی خیابان مسجد الحرام- الحَجُون. بر دامنه کوه حجون قرار دارد. به گفته فاکهی، در مکه شعبی نیست که دقیقاً روبه‌روی کعبه قرار گرفته باشد، جز همین شعب. «۲» مردم شهر در دوران جاهلی و ظهور اسلام مردگان خود را در «درّه ابی دُبّ» که بخشی از حَجون است، دفن می‌کردند، «۳» بعد از آن، منطقه گورستان وسیع‌تر شد. در دهانه این درّه یا قبرستان، ابو موسی اشعری سکو یا ایوان مسقفی از سنگ ساخته بود و پس از بازگشت از صفین در آن‌جا ساکن شد. «۴»

فضایل قبرستان ابوطالب

از عبداللَّه بن مسعود نقل شده که گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله زمانی وارد این مقبره شد که قبری تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۱۴ از مسلمانان در آن نبود و در اینجا بود که فرمود: از این مکان و از حرم خداوندی هفتاد هزار نفر بدون حساب به بهشت می‌روند و هر یک هفتاد نفر را شفاعت می‌کنند. این در حالی است که صورت‌های آنان؛ چه از اولین و چه از آخرین، همانند ماه شب بدر می‌درخشد. کسانی که در مکه و حرم وفات یابند، روز قیامت ایمن برانگیخته خواهند شد. عبداللَّه‌بن مسعود افزود: «همراه پیامبر صلی الله علیه و آله به این قبرستان آمدیم. آن حضرت فرمودند: به زیارت قبور بروید و برای اموات خود استغفار کرده، نماز بخوانید که دیدار قبور، شما را به فکر مرگ خواهد انداخت.» «۱» برای زیارت قبور این قبرستان و هر یک از آبا و اجداد پیامبر صلی الله علیه و آله دعاهای خاصی ذکر شده است. «۲» گرداگرد این قبرستان دیواری کشیده‌اند که تا دامنه کوه امتداد می‌یابد. قبرستان از دو ناحیه مجزا تشکیل شده است. قبور آبا و اجداد پیامبر صلی الله علیه و آله و بنی‌هاشم در شمال قبرستان و در درّه و دامنه کوه واقع است. سمت جنوبی این قبور به وسیله دیوار و نرده‌های آهنی از بقیه قبرستان جدا شده است. قبور اجداد پیامبرخدا صلی الله علیه و آله تا قبل از حکومت آل سعود، همه دارای گنبد و بارگاه بوده که سفرنامه‌نویسان و سیّاحان به آن اشاره کرده‌اند. قبرستان امروزه تا آن سوی شارع حجون نیز امتداد یافته است و مردگان در آن دفن می‌شوند.

به خاک آرمیدگان قبرستان ابوطالب

اشاره

در این قبرستان، آبا و اجداد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و بسیاری از صحابه آن حضرت در خاک آرمیده‌اند که مهم‌ترین آنان عبارت‌اند از:

۱- قُصَیّ بن کِلاب (جدّ اعلای پیامبرخدا صلی الله علیه و آله)

وی فرزند کلاب بن مُرَّه است. مادرش فاطمه دختر سعد بن سیل بود. قصیّ چهار پسر به نام‌های عبد مناف، عبد الدّار، عبدالعزّی و عبد قصیّ و دو دختر داشت که همه در این قبرستان مدفون‌اند. «۱» لقب او ابوالمغیره و مُجَمَّعْ بود. قصیّ هنگام نوجوانی همراه حاجیان قُضاعه به مکه برگشت. در این زمان، کلیدداری کعبه با قبیله خزاعه بود که پس از جرهمیان بر مکه غالب بودند. قصی دست آنان را پس از جنگی، از اجازه حج کوتاه کرد و امور کعبه و مکه را در دست گرفت. وی نخستین کسی است که قبیله قریش را از میان طوایف پراکنده گرد آورد و آنان را به عزّت و سربلندی رسانید و ضیافت حاجیان را واجب ساخت و مناصب کعبه را بنیان نهاد و آنان را میان فرزندان خود تقسیم کرد. «۲» قصیّ نخستین کسی بود که در این قبرستان به خاک سپرده شد و پس از او، قبایل مردگان خود را کنار وی دفن کردند. «۳»

۲- عبدالمطّلب بن هاشم

وی فرزند هاشم بن عبد مناف بن قُصیِّ بن کِلاب است. مادرش «سَلْمی دختر عمرو بن زید بود. کنیه عبدالمطّلب «ابو الحارث» و نامش «شیبة الحمد» بود. او پس از مرگ عمویش مطّلب همه کاره قریش شد و چاه زمزم را مجدداً حفر و مردم را به یگانگی

خداوند و پرستش او و ترک بت‌ها دعوت کرد. سنت‌های پسندیده و نیکی را در دوران جاهلی به‌جای گذاشت که بسیاری از آن‌ها در دوران اسلام نیز پا بر جا ماند. در زمان او بود که ابرهه با سپاه فیل به مکه روی آورد. گویند وی نخستین کسی بود که در غار حِرا به اعتکاف می‌پرداخت و در تمام ماه مستمندان را اطعام می‌کرد. «۴» مدفن وی در نزدیکی قبر تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۱۶ ابوطالب و شمال قبر منسوب به آمنه بنت وهب است. قبر عبداللّه بن زبیر نیز در کنار او، در زیر یک گنبد قرار داشته است. «۱»

۳- ابوطالب بن عبدالمطّلب

وی پدر گرامی امام علی علیه السلام، طالب، عقیل، جعفر، امّ هانی و جُمانه است. ابوطالب در آغاز ظهور اسلام، چتر حمایت خود را بر سر برادر زاده‌اش، محمد صلی الله علیه و آله گسترانید و به‌طور بسیار جدّی از آن حضرت دفاع کرد. داستان تبعید بنی‌هاشم و خاندان ابوطالب در «شعب ابی‌طالب» در منابع تاریخی ضبط و ثبت است. ایمان ابوطالب به اسلام یقینی است و تاکنون رساله‌ها و کتب متعدّدی از سوی محدّثان و محقّقان شیعه در باره این موضوع به رشته نگارش درآمده است. در سال دهم بعثت، با وفات او، پیامبرخدا صلی الله علیه و آله بزرگترین حامی خود را از دست داد. او را کنار قبر پدر گرامی‌اش به خاک سپردند. بر مقبره آن دو، گنبد و بارگاهی ساختند که در ۱۳۲۵ ق. تعمیر و بازسازی شد. «۲»

۴- خدیجه علیها السلام

خدیجه بنت «خویلد بن اسد بن عبدالعزّی بن قصیّ بن کلاب»، همسر گرامی پیامبر صلی الله علیه و آله نخستین زنی است که مسلمان شد و با مال و ثروت خویش پیامبر را یاری کرد. علاقه‌ای که پیامبر به ایشان داشت، به هیچ یک از زنان دیگرش نداشت. روایات زیادی از آن حضرت در مورد اوصاف و القاب حضرت خدیجه نقل شده است؛ از جمله: «أَفْضَلُ نِساءَ أَهْلَ الْجَنَّةَ خَدَیجَهُ ...» «۳» در جای دیگر می‌فرماید: «همانا من خدیجه را بر زنان امّتم برتری می‌دهم، تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۱۷ همان‌گونه که مریم بر زنان عالم برتری داده شد. «۱» به خداوند سوگند که بهتر از خدیجه، پس از او برای من جایگزین نکرد ... او ایمان آورد هنگامی که مردم مرا تکفیر کردند و هنگامی که مردم مرا تکذیب کردند، او مرا تأیید کرد، هنگامی که مردم مالشان را از من دریغ کردند، او اموالش را در اختیار من گذاشت. خداوند از او فرزندانی به من عطا کرد در حالی که از زنان دیگر نداد.» «۲» پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از خدیجه صاحب دو فرزندِ پسر، به نام قاسم و عبداللّه و چهار دختر به نام‌های زینب، امّ‌کلثوم، فاطمه و رقیه شدند. «۳» شب‌های تاریک راه خانه خدیجه تا غار حِرا، به روزی روشن از اخلاص و امید و فداکاری بدل شد. کوه بزرگ نور، که امروزه بعضی از مردان نیز از صعود به آن عاجزند، در سایه اخلاص و فداکاری و عظمت گام‌های خدیجه کوچک می‌نمود. آن بانوی فداکار به رغم آن همه ثروت و مکنت، سه سال در شعب ابی طالب، گرسنه در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله ماند و آرامشِ جان او بود. سرانجام نیز در پایان آن محاصره وفات یافت و پیامبر صلی الله علیه و آله او را در قبرستان حَجُون به خاک سپردند. در سال ۹۰۵ ق. «محمد بن سلیمان چرکسی» امین الدفاتر مصر در دوران سلیمان قانونی، پادشاه عثمانی، گنبدی بر قبر خدیجه علیها السلام ساخت که پیش از آن، تابوتی چوبین و ضریحی بر روی قبر او بود. «۴» این گنبد در سال ۱۲۹۸ ق. بازسازی شد. در کنار این بانوی بزرگ اسلام، شانزده تن از اشراف در یک چهار دیواری مدفون شده‌اند. «۵»

۵- قاسم بن محمد صلی الله علیه و آله

قاسم، فرزند رسول اللَّه صلی الله علیه و آله بود که آن حضرت به سبب نام این فرزند، کنیه‌اش تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۱۸ «ابوالقاسم» شد. وی نخستین مولودی است که خداوند از خدیجه علیها السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله ارزانی کرد. قاسم زودتر از فرزندان دیگرِ پیامبر صلی الله علیه و آله دار فانی را وداع کرد و آن حضرت او را در جایی که اکنون نزدیک قبر خدیجه علیها السلام است دفن کرد. «۱» (تصویرهای شماره ۱۸، ۱۹)

قبور دیگر در گورستان ابوطالب

در این قبرسان تعدادی از صحابه، تابعان، فرزندان ائمه علیهم السلام، نوادگان، سادات و علمای جلیل‌القدر دفن شده‌اند که مهمترین آن‌ها عبارت‌اند از: ۱- علی بن موسی بن محمد بن قاسم بن حسن بن زید بن امام حسن علیه السلام. ۲- عبداللَّه بن زبیر بن عوام. ۳- محمد بن محمد بن ابراهیم بن حسن بن زید بن امام حسن علیه السلام. ۴- اسماعیل بن یوسف الاخیضر بن ابراهیم بن موسی الجون بن عبداللَّه محض بن حسن بن امام حسن علیه السلام. ۵- حسن بن یوسف الاخیضر بن ابراهیم بن موسی الجون بن ... امام حسن علیه السلام. ۶- حسن بن محمد بن سلیمان بن داود بن حسن بن امام حسن علیه السلام. ۷- سلیمان بن عبداللَّه بن الحسن بن امام حسن علیه السلام. ۸- حسن بن محمد بن عبداللَّه بن الحسن بن الحسن علیه السلام. «۲» ۹- فضیل بن عیاض. ۱۰- ابن هوازن قشیری. ۱۱- شیخ تقی الدین السُّبکی. ۱۲- سفیان بن عُیَیْنه. ۱۳- محمد بن عون. «۳» تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۱۹

ب- مزار گمنام شهدای فخ

هنگام خلافت هادی عباسی، حسین بن علی بن حسن بن حسن بن علی بن ابی‌طالب علیه السلام نواده بزرگوار امام حسن مجتبی علیه السلام (که پس از شهادت به «شهید فخّ» مشهور شد) و چند تن از سادات و نوادگان امام حسن علیه السلام همراه نزدیک به چهار هزار نفر از علویان، که از حکومت عباسیان به ستوه آمده بودند، در مدینه دست به قیام زدند. آنان پس از تصرف مدینه به سمت مکّه حرکت کردند. در مدخل ورودی مکه، در نزدیکی مسجد تنعیم، که به «وادی فَخّ» معروف است، با سپاهیان خلیفه رو به رو شدند. در این نبرد که در سال ۱۶۹ ق. رخ داد، سپاهیان عباسی فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله را قتل عام و سرهای بیش از یکصد نفر از شهدا را از تن جدا کردند و همراه اسرا نزد خلیفه فرستادند. بدن‌های بی سرِ شهدای فخ، پس از سه روز، در همان محل مدفون شدند. «۱» از امام جواد علیه السلام نقل شده که برای ما اهل بیت بعد از کربلا قتلگاهی بزرگتر از فخ نبوده است. همچنین امام باقر علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند که آن حضرت فرمود: در این مکان (فخّ) مردی از فرزندان من، با جماعتی دیگر کشته می‌شوند که ارواح آنان بر بدن‌هایشان به سوی بهشت سبقت خواهد گرفت و جبرئیل علیه السلام نیز به من خبر داده است که یکی از فرزندان تو در این‌جا شهید می‌شود که اجر دو شهید خواهد داشت. «۲» محل فخ یکی از میقات‌های حج، البته از نظر شیعه است که آن را میقات کودکان نابالغ دانسته‌اند. امام صادق علیه السلام قبل از ورود به حرم در مکان مذکور غسل فرموده و به آن امر می‌کرده‌اند. «۳» مزار آنان، همانند سایر قبور، مورد بی‌توجهی قرار گرفته است. این محل امروزه به تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۲۰ «حیّ الشهدا» معروف و در شارع الشهدا، کنار جاده مدینه، شش کیلومتری حرم و حدود ۵۰۰ متر بالاتر از مسجد تنعیم- که برای عمره در آن مُحْرِم می‌شوند- قرار دارد. در سال ۱۳۸۱ ش. دیوار قبور شهدای فخ را بازسازی و دری برای آن قرار دادند و روی آن تابلویی با عنوان مقبره عبداللَّه بن عمر بن خطاب گذاشتند که حاکی از تلاش برای محو اثر و نام شهدای فخ دارد. «۱» در کنار این مکان، که یک چهار دیواری حدود ۳۰۰ متری است، مسجد جدیدی با نام اسعد بن زراره ساخته‌اند که

گنبدی سبز دارد. در مجاورت مقبره، در بالای تپه‌ای، آثار قلعه‌ای قدیمی نیز دیده می‌شود. در کنار خیابان شهدا مسجدی نیز به نام مسجد الشهدا است که محلّ قبور، پشت این مسجد و به فاصله اندکی از آن است. در مقابل آن مسجد نیز پمپ بنزین محطّهٔ الجزیره قرار دارد. (تصویر شماره ۱۹)

فصل ششم: خانه‌ها ومساجد تاریخی مکه (تخریب شده در دوران سعودی)

الف- خانه‌های تخریب شده

۱. خانه اَرْقَمْ بن ابی ارقم

این خانه که نخستین پایگاه سرّی تبلیغ توحید در صدر اسلام بود، در دامنه کوه صفا قرار داشت. «۱» پیامبر صلی الله علیه و آله در آغاز بعثت و پیش از اعلان رسمی رسالت، برای تبلیغ اسلام در این محل به تشکیل جلسات مخفی اقدام می‌کرد. بسیاری از تازه مسلمان شده‌ها، مخفیانه و شب هنگام در این پایگاه گرد پیامبر صلی الله علیه و آله حلقه زده و از محضر پرفیض او بهره می‌بردند. بنابر آنچه در منابع آمده، نزدیک به چهل تن، از جمله: حمزه سید الشهدا علیه السلام و ابوذر غفاری رحمه الله در این خانه به اسلام گرویدند. «۲» مَهدی عباسی آن خانه را به همسر خود خیزران، که مادر هارون و هادی بود، بخشید «۳» و از آن سال به «دار خیزران» معروف شد. «۴» در سال‌های مختلف آن را ترمیم و تعمیر کرده‌اند. «۵» خانه ارقم همچنان تا سال ۱۳۹۵ ق.: ۱۳۵۴ ش. بر سرِ پا بود و محل آن به تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۲۴ کتابخانه‌ای تبدیل شد که در طرح توسعه سعودی (پشت صفا) تخریب گردید. امروزه بر پلکان برقی سمت صفا که مدخل ورودی به طبقه دوم است، نام «مدرج کهربائیهٔ ارقم بن ابی ارقم» دیده می‌شود.

۲- دارالنَّدوه یا انجمن مشورت

این خانه، از کهن‌ترین خانه‌های مکه بوده که «قُصَیّ‌بن کِلاب» آن را ساخت تا مهمترین امور سیاسی، نظامی و اقتصادی در آن، مورد بحث و مشورت قرار گیرد و از دوران جاهلیّت تا هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله اهمیّت فراوانی داشته است. «۱» ازرقی گوید: آن‌جا محلّ سکونت قُصَیّ نیز بوده است. «۲» سرپرستی دارالنَّدوه پس از قُصی، به عبد مناف و سپس به هاشم رسید. هنگام ظهور اسلام، حکیم‌بن حزام، دایی زاده حضرت خدیجه علیها السلام این خانه را به هزار درهم خرید. «۳» در این خانه تصمیمات شومی علیه پیامبر صلی الله علیه و آله و بنی‌هاشم گرفته شد که نخستین آن‌ها محاصره اقتصادی و اجتماعی در شعب ابی‌طالب و دوّمین آن نیز توطئه قتل پیامبر صلی الله علیه و آله بود. بخشی از دار النَّدوه در توسعه عبد الملک و فرزند او ضمیمه مسجد الحرام شد. «۴» بعدها دار النّدوه را از اساس تخریب و به جای آن مسجدی ساختند که مسقّف بود و دوازده در، از آن به داخل مسجد الحرام باز می‌شد. این مکان اکنون داخل مسجدالنبی صلی الله علیه و آله شده است.

۳. خانه خدیجه علیها السلام

خانه همسر وفادار و گرامی رسول اللَّه صلی الله علیه و آله در نزدیکی مولد پیامبر صلی الله علیه و آله در محلی معروف به «حیّ القشاشیه» و در کوچه حجر قرار داشت. این خانه پس از مولد النّبی صلی الله علیه و آله به عنوان یکی از مهم‌ترین و مقدس‌ترین مکان‌ها در مکّه محسوب و حوادث و وقایعی را در دل خود جای داده است که به آن‌ها اشاره می‌گردد: ۱- ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله با حضرت خدیجه علیها السلام. ۲- تولد فاطمه علیها السلام، که سنگ مرمری به نشانه محلّ تولد ایشان در آن‌جا قرار

داده بودند. ۳- تولد سه دختر دیگر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از خدیجه علیها السلام. «۱» ۴- نزول جبرئیل علیه السلام در این مکان بر پیامبر صلی الله علیه و آله که این خانه را پس از کعبه با فضیلت‌ترین مکان مکه ساخته است. «۲» ۵- آزار پیامبر صلی الله علیه و آله در این‌جا از سوی همسایه‌ای چون ابو لهب. «۳» ۶- حادثه لیلة المبیت؛ یعنی شبی که علی علیه السلام بر بستر پیامبر صلی الله علیه و آله خوابید و جان آن حضرت را نجات داد. ۷- آغاز هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله. ۸- وفات خدیجه سلام‌اللَّه علیها. این خانه در سال ۶۴۰ ق. از سوی خلیفه عباسی الناصر باللَّه تعمیر و کتیبه‌ای نیز بر آن نوشته شد. در دوران عثمانی نیز قسمتی از آن به آموزش قرآن اطفال اختصاص یافت. «۴» پادشاهان مصر، یمن و نیز سلطان سلیمان قانونی، خانه خدیجه را ترمیم و تجدید بنا کردند. این خانه در توسعه دوره سعودی تخریب شد. مکان تقریبی آن، حدود ۱۵۰ متری میدان پشت صفا و مروه، در نزدیکی زادگاه رسول اللَّه صلی الله علیه و آله بوده است؛ جایی که اکنون پایانه اتوبوسرانی داخل شهری (خیابان غزّه) در آن‌جا است. این خانه درست مقابل باب بنی‌شیبه بود که پیامبر صلی الله علیه و آله از منزل خود به سوی آن حرکت می‌کردند.

۴. خانه ابوطالب

از دیگر مکان‌های تاریخی مکه، خانه ابوطالب، پدر گرامی علی علیه السلام است. این خانه محلّ رشد پیامبر صلی الله علیه و آله نیز بوده است. هنگامی که عبداللَّه، پدر گرامی حضرت محمد صلی الله علیه و آله از دنیا رفت، آن حضرت تحت سرپرستی عموی خود ابوطالب قرار گرفت و دوران طفولیت را در این مکان پشت سر گذاشت. خانه ابوطالب در ابتدای منازل بنی‌هاشم و در چند متری زادگاه پیامبر صلی الله علیه و آله بود که در دوران سعودی و در توسعه میدان پشت صفا تخریب شد.

۵. زادگاه حضرت حمزه، سیدالشهدا (ع)

زادگاه عموی گرامی پیامبر صلی الله علیه و آله در پایین مکه، در محلّی به‌نام «بازان» بوده است؛ خانه‌ای که ایشان در آن‌جا متولد شدند و تا قرن نهم به‌طور کامل پا برجا بود. نهروانی المکی که محل آن را در اوایل قرن دهم هجری دیده است، می‌گوید: محراب، در و دیوارهای آن از میان رفته ولی بقایایی از دیوارهای آن مانده است. «۱»

۶. خانه عبداللَّه بن جُدعان

از اماکن مهمی که یادآور خاطره نخستین دخالت پیامبر صلی الله علیه و آله در امور سیاسی و اجتماعی در روزگار جوانی‌اش بوده، خانه عبداللَّه بن جدعان است. در این خانه، پیمان معروف «حلف الفضول» بسته شد و پیامبر صلی الله علیه و آله پیش از بعثت، در انعقاد این پیمان حضور یافتند و آن را امضا کردند. این واقعه بیست سال پیش از بعثت رخ داد. ابن هشام از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که فرمود: «در خانه عبداللَّه بن جدعان در پیمانی حاضر شدم که اگر یکصد شتر سرخ موی یمنی را به من می‌دادند، به آن اندازه خوشحال نمی‌شدم.» «۲» تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۲۷ خانه یاد شده، پشت صفا و مروه و در دهانه «محله اجیاد بزرگ و اجیاد کوچک» قرار داشت.

۷. خانه حارث بن عبد المطّلب

از دیگر خانه‌های مهم این شهر، که انذار عشیره در آن رخ داد، خانه حارث، فرزند عبد المطلب بود. «۱» پس از نزول آیه: وَأَنذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ، «۲» پیامبر صلی الله علیه و آله در آن خانه اقوام و خویشان خود را به اسلام دعوت کرد، اما هیچ‌کس جز علی‌بن

ابی‌طالب علیه السلام او را تأیید نکرد که سه بار به پیامبر صلی الله علیه و آله لبّیک گفت. آنگاه رسول اللَّه فرمودند: «این علی، برادر، وصیّ و جانشین من است، سخن او را بشنوید و از او اطاعت کنید.» در این میان، گروهی با حالت تمسخر به ابوطالب گفتند: «تو دعوت شده‌ای تا از فرزند خردسالت (یعنی علی) اطاعت کنی!» «۳» این خانه که در پشت صفا و مروه و در شعب بنی‌هاشم قرار داشت، در توسعه‌های دوران سعودی تخریب شد.

۸. زادگاه امام جعفر صادق علیه السلام

ششمین امام شیعیان در خانه‌ای معروف به دار ابی‌سعید، نزدیک دارالعجله (سمت صفا و مروه) به دنیا آمدند. فاسیِ مکّی کتیبه‌ای در این خانه دیده که بر آن نوشته شده بود: «هذا مَولدُ جَعفرٌ الصّادق علیه السلام و دَخَلَهُ النَّبیّ صلی الله علیه و آله» بر اساس این کتیبه، باید گفت این خانه علاوه بر آن که زادگاه امام صادق علیه السلام بوده، پیامبر صلی الله علیه و آله نیز به آن وارد شده‌اند. خانه یاد شده در سال ۶۲۳ ق. تعمیر گردید. گفته می‌شود که تولد «جعفر طیّار» نیز در همین خانه بوده است. «۴» زادگاه امام صادق علیه السلام در دوران سعودی، همراه دار العجله تخریب شد.

ب- مساجد تخریب شده

۱. مسجد انشقاق القمر: بلال حبشی

در سال نهم بعثت، برخی از مشرکان؛ از جمله ابوجهل از پیامبر صلی الله علیه و آله خواستند تا برای اثبات نبوّت خود، اگر قادر است ماه را دو نیم کند. در این حال جبرئیل علیه السلام بر ایشان نازل شد و اجازه خداوند برای این کار را ابلاغ کرد. آن حضرت نیز با انگشت سبابه به ماه اشاره کرد و ماه دو نیم شد؛ نیمی در کوه ابوقُبَیس و نیمی در کوه قعیقعان دیده شد. در این حال، رسول اللَّه صلی الله علیه و آله به سجده افتاد و شکر کرد. «۱» پس از آن، بالای کوه ابوقبیس مسجدی ساختند و آن را «انشقاق القمر» نامیدند. در دوران سعودی قسمت‌هایی از این کوه صاف و بر آن دارالضیافه ساخته شد؛ لذا این مسجد به همراه چند مسجد دیگر تخریب گردید. این قصر بسیار بزرگ و بلند و مشرف بر کعبه ساخته شده است. خلفای سه گانه، ساختن هر خانه‌ای را که بلندتر از کعبه باشد، منع می‌کردند و اگر خانه‌ای در این سطح ساخته می‌شد آن را تخریب می‌کردند. برخی از فقها و علمای اهل سنت نیز ساختن خانه‌ای بلندتر از کعبه در اطراف آن را تقبیح و نکوهش کرده‌اند. «۲» در هر حال، برخی این مسجد را همان «مسجد بلال» دانسته‌اند که بر فراز این کوه قرار داشته و تخریب شده است؛ در حالی که برخی گفته‌اند آن‌ها دو مسجد مستقل بوده‌اند؛ با این تفاوت که مسجد انشقاق القمر قبل از تخریب، نمایی مخروبه داشت ولی مسجد بلال حبشی بازسازی شده بود. این مسجد را از آن‌رو به بلال حبشی منسوب دانسته‌اند که وی بر کوه ابوقبیس اذان می‌گفت و پس از آن در محلّ اذانِ وی، مسجدی ساخته‌اند.

۲. مسجد ابراهیم علیه السلام

هنگامی که حضرت ابراهیم علیه السلام فرمان یافت مردم را به انجام فریضه حج فرا بخواند و بر فراز کوه ابوقبیس ایستاد و گفت: «ای بندگان خدا، دعوت معبود را اجابت کنید»، پس از آن، به یاد این واقعه، در این مکان مسجدی ساختند که پیامبر صلی الله علیه و آله در آن به نماز می‌ایستادند. چون فردی به نام «ابراهیم قبیسی» در آن‌جا می‌زیست، این مسجد به‌نام او نیز مشهور بود. «۱» مسجد ابراهیم، همراه مسجد انشقاق القمر تخریب شد. تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۳۱

فصل هفتم: میقات‌های حج و حدود حرم

الف- میقات‌های حج

اشاره

کسانی که برای انجام عمره یا حجّ تمتّع، عزم سفر به مکه معظّمه را دارند و ساکن خارج میقات‌ها هستند، بدون مُحرم شدن، حقّ ورود به این شهر را ندارند. نقاطی را که حجاج در آن محرم می‌شوند «میقات» می‌گویند. میقات‌ها به تناسب مسیر ورود حجّاج متفاوت‌اند. پیامبر صلی الله علیه و آله برای مردم و ساکنان شهر مدینه، ذو الحلیفه (: مسجد شجره) را، برای مردم شام، جحفه را، برای اهل نجد و یمن، قرن المنازل را و برای اهل یمن، یلملم را میقات قرار داد، «۱» که به شرح زیر در مسیرهای ورودی مکه قرار دارند:

۱. ذو الحُلیفه (مسجد شجره: آبار علی علیه السلام)

این مسجد که در بخش مدینه از آن سخن خواهیم گفت، در هشت کیلومتری جنوب غربی شهر مدینه قرار دارد و میقات کسانی است که از مدینه به مکّه تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۳۴ می‌روند. پیامبر صلی الله علیه و آله در سه سفر عمره و یک سفر حج تمتّع، در این میقات محرم شدند: ۱- در سال صلح حدیبیه، که موفق به انجام عمره نشدند. (ششم هجری). ۲- عمره ناشَدَه (سال هفتم هجری). ۳- فتح مکه (سال هشتم). ۴- حَجّةُ الوداع (سال دهم هجری).

۲. جُحفه

«جُحفه» در ۱۸۹ کیلومتری شمال غربی مکه و ۱۷ کیلومتری جنوب شرق شهرک رابغ واقع است و میقات اهل شام، مصر و سرزمین‌های دیگری است که از این مسیر وارد مکه می‌شوند. امروزه کسانی که از جدّه به مکّه می‌آیند، در مسجد جدیدی که به جُحفه معروف است و سعودی‌ها آن را ساخته‌اند، محرم می‌شوند. این مسجد ۹۰۰ متر مساحت دارد. منطقه «غدیر خم» در نزدیکی جحفه (حدود چهار کیلومتری آن) قرار دارد. بعضی نیز گفته‌اند پیامبر صلی الله علیه و آله خطبه غدیر خم را در جحفه ایراد کرده‌اند. این مکان در گذشته آباد بوده و آن را «مَهْیَعَه» می‌خواندند که از آغاز غدیر خم تا ساحل دریای سرخ امتداد داشته است. بعدها به وسیله سیل تخریب و به همین علت آن را جُحفه (یعنی محلی که سیل بر آن وارد شد: جحف السیل) نامیده‌اند. «۱» یاقوت حموی که آن‌جا را در سده هفتم دیده، از ویرانی و خرابی‌اش خبر می‌دهد. «۲» این شهر تا قرن‌های متمادی همچنان ویرانه‌ای بیش نبوده و در عصر حاضر، روستایی جایگزین آن شده است.

۳. وادی «۳» عقیق

این وادی در ۹۴ کیلومتری شمال شرقی مکّه بوده و میقات کسانی است که از راه تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۳۵ عراق و نجد به مکّه می‌روند. اوایل این وادی را «مسلخ» و اواسط آن را «غمره» و پایان آن را «ذات عِرق» گویند.

۴. قَرْن المَنازل

میقات قرن‌المنازل در ۹۴ کیلومتری جنوب مکه واقع شـده ومیقـات کسانی‌است که از نجـد و طائف (جنوب مکه)، از جاده ریاض-طـائف به حرم وارد می‌شونـد. «قَرْن» به کـوه کوچکی گفته می‌شود که ازکوهی بزرگ جـدا افتـاده باشـد. در این منطقه دو مسـجد درسال ۱۴۰۲ ق. ساخته شده است. یکی میقات «السیل الکبیر» و دیگری «مسجد وادی محرم».

۵. یَلَمْلَم

و آن کوهی است از کوه‌هـای «تهامه» که در ۱۰۰ کیلومتری جنوب غربی مکّه واقع شـده و میقـات کسانی است که از یمن (جنوب شبه جزیره) وارد این شهر می‌شوند. «۱» امروزه این مکان به سعدیه معروف است. مسجد یلملم با مساحت ۶۳۵ متر مربع، محل محرم شدن حاجیان یمنی است.

۶. فَخ

سرزمین شـهدای واقعه خونین فـخّ، که پیشتر به آن اشـاره شـد، از میقات‌هـای مورد نظر شـیعه است که در ۶ کیلومـتری مکّه بوده و میقـات کودکان و افراد نابالغ است. «۲» این مکان حدود ۵۰۰ متری مسـجد تنعیم در سمت راست شارع الشهدا قرار دارد. «۳» تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۳۶ نقشه؟؟؟

ب- حدود حرم و علت تحریم

اشاره

قـالَ رَسُولُ اللَّهِ صـلی الله علیه و آله: «إِنَّ اللَّهَ سُبْحانَهُ حَرَّمَ مَکَهَ وَ لَمْ یُحَرِّمها النَّاسُ وَ لا یَحِلُّ لِمَنْ کـانَ یُؤْمِنُ بِـاللَّهِ وَالْیَوم الآخِرِ أنْ یَسْفِکَ بِها دِماء وَ لا یُعْضدُ بِها شَجَراً». «۱» پیامبر صـلی الله علیه و آله فرمودند: «خداوند سـبحان، مکه را حرم قرار داد و مردم آن را حرم قرار ندادند. برای کسـی که به خدا و روز جزا ایمان دارد، حلال و روا نیست که خونی در آن سرزمین بریزد و یا درختی را در آن قطع کنـد.» در قرآن کریم آمـده است: ... وَ مَنْ دَخَلَهُ کانَ آمِناً ...؛ «۲» «هر کس در آن داخل شود، ایمن گردد». گفته‌انـد حتی اگر قـاتلی نیز داخل حرم شود در امن است. از امام باقر علیه السـلام در باره علّت تحریم و تعیین حـدود حرم نقل شـده است: «وقتی آدم و حوااز بهشت فرو آمدند و بر صـفا و مروه نشسـتند، خداوند اعمال حج را به آن دو آموخت و خیمه‌ای برپا شد که سـتون‌های آن از چوب درخت بهشتی به رنـگ قرمز بود و نور آن به کوه‌هـای مکه و اطراف می‌تابیـد و لـذا از هر سو، تـا مسـافتی که نور این ستون‌هـا می‌رسـید، آن را حرم قرار دادنـد.» «۳» بعضـی نیز گفته‌انـد: حضـرت آدم علیه السـلام پس از هبوط، از شـیطان ترسـید و به خداونـد پنـاه برد، خداونـد فرشـتگان را در هر گـوشه‌ای از مکـه بـه حراسـت و نگاهبـانی آدم گمـاشت؛ و میـان آدم در مکـه و آن فرشـتگان حرم شد و یا این‌که وقتی ابراهیم علیه السلام حجرالأسود را در جای خود قرار می‌داد، خداوند هر چهار سمت را که حَجَر به سـوی آن بـود، حرم قرار داد. «۴» مکه حرم امن الهی است که از پیرامـون و اطراف، در نقـاط خاصـی محـدود شـده و مرز معینی دارد. ابراهیم علیه السلام بنابر آنچه که جبرئیل علیه السلام به او تعلیم داده بود، علایمی را در تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۳۸ حد و مرز حرم نصـب کرد کـه در دوران پس از پیـامبر صـلی الله علیه و آله و خلفـا، این علامت‌هـا به ۹۴۳ عـدد رسـید که بر فراز تپه‌ها و ارتفاعـات و سـطوح قرار داشت. امروزه جز انـدکی از آن‌هـا بـاقی نیست. این محـدوده، به طـول ۱۲۷ کیلومـتر به صـورت ذوزنقه و مساحت ۵۵۰ کیلومتر را تشکیل می‌دهد. (تصویر شماره ۲۰) محدوده حرم را در شش جهت، این‌چنین معین کرده‌اند:

۱. سمت طائف: وادی عُرَنَه (عرفات)

از راه عرفـات و در میان «نَمِره» در عرفات است که آن را از ۲۲ تا ۳۲ کیلومتر گفته‌اند. «۱» بنابراین، بخشی از سرزمین عرفات از حد حرم خارج است که با علایمی؛ به‌ویژه در داخل مسجد نَمِرة (محل وقوف پیامبر صلی الله علیه و آله) مشخص شده است.

۲. وادی نخله

مکـانی است میـان مکه و طـائف در سـمت شمال‌شـرقی حرم و در ۴۵ کیلومتری مکه، در این‌جـا پیـامبر صـلی الله علیه و آله هنگـام برگشتن از غزوه طائف استراحتی کرده و گروهی از جن‌ها با شنیدن صدای قرآن پیامبر صلی الله علیه و آله، به او ایمان آوردند. «۲» برخی نیز گفته‌انـد سوره جن در این محل نازل شده است. سـریّه عبداللَّه بن جحش و خالدبن ولید به سوی نخله از سـرایای معروف زمان پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است. البته این موضوع برای مسجد جن در نزدیکی مسجدالحرام هم گفته شده است.

۳. جِعْرانه

منطقه جعرانه نیز از حـدود حرم است که میـان ۱۸ یا ۲۴ کیلومتری مکه است. حـدّ حرم در جِعرانه، شـعب «آل عبـداللَّه بن خالد بن اسـید» است که در این مکـان مسـجدی به نام تاریـخ و آثار اسـلامی، ص: ۱۳۹ جعرانه وجـود دارد. رسـول اللَّه صـلی الله علیه و آله هنگام برگشت از غزوه حُنَین، در این مکان مُحرم شدند.

۴- تَنْعیم

تنعیم در شمال مسجد الحرام و در ۵/ ۷ کیلومتری آن است. این مکان، میان دو کوه «ناعم و منعم» و در راه مدینه به مکه واقع است و نـام این منطقه نیز نعمان یا تنعیم است. «۱» پیامبر صـلی الله علیه و آله در حَجّهٔالوداع در این مکان مُحرم شدند. تنعیم نزدیک‌ترین میقـات به حرم است. گفتنی است دو علامـت، در دو طرف جـاده اصـلی، مرز حرم را نشان می‌دهنـد. کسانی که به مکه می‌آینـد و می‌خواهند عمره به جا آورند؛ ساکن باشند یا مسافر، می‌توانند در اینجا مُحرم شوند.

۵. حُدَیبیّه

منطقه «حـدیبیه» آغـاز حرم در سـمت جـدّه است که در ۲۰ کیلومـتری مکه قرار دارد. در سـال شـشم هجری، پیمـان صـلح معروف «حدیبیه» و بیعت «رضوان» در این مکان بسته شد؛ به همین مناسبت بعدها در آن‌جا مسجدی به نام «رضوان» یا «حدیبیه» ساختند. «۲»

۶. اضاءَةُ لِبْن

«اضاءَةُ لِبْن» محدوده حرم در سـمت یمن (جنوب شبه جزیره) است، که در ۱۶ کیلومتری مکّه قرار دارد. «۳» این مکان به «اضاءةُ ابن عقش» نیز معروف است که به معنای «مَسـیل» یا «درّه ابن عقش» می‌باشـد و «لبن» نیز به سـبب رنگ مایل به سـفیدی کوه مجاور آن است.

ج- مساجد منطقه آغازین حرم

۱. مسجد تَنْعیم

همان‌گونه که پیشتر اشاره شد، تنعیم یکی از نقاط آغازین حرم و در ۵/ ۷ کیلومتری شمال مسجدالحرام است. در مکان احرام پیامبر صلی الله علیه و آله در حَجِّهٔالوداع، مسجدی ساختند که نام آن «تنعیم» است. نام دیگر آن عایشه می‌باشد؛ زیرا وی نیز در حَجّهٔالوداع، در این مکان برای انجام عمره مفرده محرم شد. امروزه از این مسجد با نام «العمره» نیز یاد می‌کنند. مکان مسجد تنعیم به «خیمه جمانه» نیز شهرت داشته؛ زیرا جمانه دختر ابوطالب (خواهر علی علیه السلام) در این محل فرزندی برای سفیان بن حارث به دنیا آورد. «۱» مسجد تنعیم را ابو العباس عبداللَّه بن محمد بن داوود، والی مکه در سال ۲۴۰ ق. ترمیم کرد و بر چاه آن گنبدی بنا کرد. پس از آن تعمیراتی نیز در آن انجام گرفت. «۲» در سال‌های ۶۴۵، ۶۷۸، ۹۸۱، ۱۰۱۱ ه. ق. «۳» نیز بازسازی شد. در دوران فهدبن عبدالعزیز این مسجد را از نو ساختند که مساحت آن به ۶۰۰۰ مترمربع رسید و اکنون ۱۵۰ هزار نمازگزار را در مساحت ۸۴۰۰۰؟؟؟ کن الله اکبر رل شود؟؟؟ متر مربع در خود جای می‌دهد. «۴» در پانصد متری این مسجد، شارع شهدا، قبرستان شهدای فخ قرار دارد. «۵» همچنین در ۲۰۰ متری شمال آن، در نزدیکی کوه، صحابی پیامبر، خبیب بن عدی، یکی از اسرای سریه رجیع به دست مشرکان گردن زده شد. علامتی چون مناره در محل شهادت وی تا سال ۱۳۷۷ ق. موجود بوده است. «۶» (تصویر شماره ۲۱)

۲. مسجد حُدَیبیَه: رِضْوان: آل شُمَیْسی

پیامبرخدا صلی الله علیه و آله در ذی‌قعده سال ششم هجرت، همراه گروهی از مسلمانان، برای انجام فریضه حج، از مدینه خارج شدند و پس از پوشیدن احرام در ذو الحلیفه، با هفتاد شتر، برای قربانی راهی مکه شدند. در میان راه، کفار قریش به هراس افتاده و با اعزام سپاهیانی مسلّح، تصمیم گرفتند تا از ورود آن حضرت به مکه جلوگیری کنند. با این‌که پیامبر صلی الله علیه و آله به نمایندگان مشرکان اطمینان دادند که قصد جنگ ندارند و تنها برای انجام حج آمده‌اند، لیکن آنان نپذیرفتند و آن حضرت را تهدید کردند و مانع ورود مسلمانان به مکه شدند. پیامبر صلی الله علیه و آله عثمان بن عفان را به عنوان نماینده خود برای گفتگو با سران مکه فرستاد اماتا سه‌روز از وی‌خبری نشد ومسلمانان گمان کردندکه کفار قریش او را کشته‌اند. چون صحابه به نیّات مشرکان واقف نبودند، در کنار درختی به نام «سمره» تا پای جان با پیامبر صلی الله علیه و آله پیمان‌بستند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هیچ یک از کسانی که در کنار این درخت با من پیمان بستند به آتش جهنم نخواهند سوخت». در این هنگام خداوند نیز با نزول آیاتی بر پیمان مسلمانان صحّه گذاشت و از کسانی که در آن حضور داشتند، اظهار رضایت کرد: لَقَدْ رَضِیَ اللَّهُ عَنْ الْمُؤْمِنِینَ إِذْ یُبَایِعُونَکَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ .... «۱» بدین سبب بود که این پیمان «بیعت رضوان» نام یافت. سرانجام قریش وقتی اطمینان یافت که پیامبر صلی الله علیه و آله قصد درگیری ندارد، به نمایندگی سهیل بن عمرو و عمرو بن عاص با آن حضرت پیمان صلحی بستند؛ بدان شرط که امسال بازگردند و در سال دیگر برای انجام حج به مکّه بیایند؛ لذا پیامبر صلی الله علیه و آله و همراهان ایشان نیز بناچار شتران را قربانی کرده و پس از آن که سرهای خود را تراشیدند، به مدینه بازگشتند. «۲» تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۴۲ این صلح چون در منطقه حدیبیه به وقوع پیوست، به همان نام مشهور شد. یکی از نتایج پرثمر این صلح، فتح مکّه بود که خداوند در ادامه آیه بالاے آن را وعده داد. درخت یاد شده تا دوران خلافت عمر بن خطاب مورد توجه مردم بود. خلیفه دوم دستور داد آن را قطع کردند و در جایش مسجدی ساختند تا یادآور خاطره این حادثه عظیم باشد. هم‌اکنون بقایای آن مسجد که نام «مسجد رضوان» بر خود گرفت، باقی است، اما در مجاورت آن در دوره سعودی، مسجد دیگری ساختند که به آل شُمَیسی معروف است. مسجد یادشده، حدود ۲۰۰ متر مساحت دارد و دارای دیوارهای سفید و یک مناره است و در سمت راست جاده‌ای واقع شده که به سوی مکه منتهی می‌شود. امروزه تابلویی بر بالای آن، با عنوان مسجد شمیسی دیده می‌شود که نام چاهی در منطقه است. کمی پایین‌تر از

حدیبیه، حدود دو کیلومتری آن، موزه حرم مطهر و نیز کارگاه‌های بافت پرده کعبه قرار دارد. (تصویر شماره ۲۲)

۳. مسجد جِعْرانَه

یکی دیگر از مساجدی که در آغاز حدّ حرم و در ۲۴ کیلومتری شمال شرقی مکه واقع شده، «مسجد جِعْرانه» است. «۱» کسانی که می‌خواهند عمره مفرده انجام دهند، از این‌جا نیز می‌توانند محرم شوند و به این فضیلت نایل آیند. در جعرانه آیه وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ ... «۲» نازل شده است. در فضیلت جعرانه روایت بسیار است. گویند سی پیامبر در این مکان مُحرم شده‌اند. فاکهی روایات بسیاری از احرام پیامبر صلی الله علیه و آله در این مکان نقل کرده است؛ از جمله این‌که نزدیک صبح از جِعرانه با احرام خارج شد و پس از انجام حج، نزدیک شب برگشته و تا صبح در جعرانه بیتوته داشتند؛ آنگاه پس از طلوع خورشید از جعرانه خارج شدند و به تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۴۳ سرزمین سَرِف و سپس به مدینه بازگشتند. همچنین پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام بازگشت از جنگ حُنین در جِعرانه محرم شدند و عمره انجام دادند. «۱» آن حضرت پس از غزوه حُنین. در این مکان غنیمت‌های جنگ را نیز تقسیم کردند. در هر حال، مسجدی که در مکان احرام پیامبر صلی الله علیه و آله ساختند، بسیار ساده بود و ابن زبیر در تکمیل بنای آن کوشید. «۲» در دوران‌های بعد نیز ترمیم و توسعه یافت. در زمان فهدبن عبدالعزیز مساحت مسجد به ۴۳۰ متر مربع رسید که اکنون گنجایش هزار نمازگزار را دارد. «۳» تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۴۴ ؟؟؟ مکّه مکرّمه در دوران پیامبر صلی الله علیه و آله

فصل هشتم: مشاعر مقدسه (عرفات، مشعرالحرام و مِنی)

الف- سرزمین عرفات

اشاره

... فَإِذا أَفَضْتُمْ مِنْ عَرَفاتٍ فَاذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرامِ وَ اذْكُرُوهُ كَما هَداكُمْ وَ إِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ الضَّالِّينَ. «۱» عرفات، نام صحرایی است وسیع و هموار، که در ۲۲ کیلومتری جنوب شرقی مکّه میان ثویه و عُرَنَه، نَمِرَه تا ذی المجاز قرار دارد. «۲» طول تقریبی این صحرا، ۱۲ و عرض آن ۶/۵ کیلومتر است. بنابراین، بخش بسیاری از آن، از حرم خارج است. در نامگذاری آن به «عرفات» اقوال مختلفی است. بعضی آن را جمع عَرَفه و به معنای کوه و بلندی ذکر کرده‌اند؛ بعضی نیز از عرفان، معرفت و شناخت دانسته‌اند و برای چنین نامگذاری نیز ریشه‌های تاریخی قائل شده‌اند؛ از جمله آن‌که حضرت آدم و حوا علیهما السلام پس از هبوط به زمین و بعد از جدایی طولانی در این صحرا، به یکدیگر رسیده و با هم آشنا شده‌اند. گروهی نیز گفته‌اند، عرفات (به معنای آشنایی) به آن علت است که حضرت ابراهیم علیه السلام در این‌جا برای قربانی کردن اسماعیل علیه السلام خواب دید و لذا نسبت به وظیفه تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۴۸ خود آشنا و عارف شد. یا این‌که جبرئیل علیه السلام در روز عرفه بر ابراهیم علیه السلام وارد شد و مناسک حج را به او آموخت و با اعمال این روز آشنا کرد. «۱» چنانکه از روایات بر می‌آید، وقوف در عرفات نه تنها از ارکان اصلی حج است و حج بدون عرفه حج نیست، بلکه این وقوف دارای فضایل بسیار ارزشمندی است. خداوند سرزمین مقدس عرفات را، که حوادث مهمی در طول تاریخ به خود دیده، برای ضیافت و پذیرایی از میهمانان خود مقرر و سفره خاص انعام و اکرامش را در دامنه «جبل الرّحمه» گسترانیده و از عموم میهمانان و زائران بیت‌اللَّه دعوت کرده تا در ساعت و روز معین، همه با هم، گرد خوان نعمت بی‌دریغش بنشینند و از لطف و رحمت بیکرانش برخوردار شوند. این وقوف از ظهر شرعی تا غروب آفتاب

روز نهم ذی‌حجه است و پس از آن می‌توان از عرفات به سوی مزدلفه خارج شد. گفتنی است که اهل‌سنت علاوه بر عرفات، روز قبل از عرفه؛ یعنی روز ترویه (روز هشتم ذی‌حجه) را در منا وقوف وبیتوته می کنند و سپس صبح روز نهم به سوی عرفات پیاده می‌روند تا ظهر به عرفات برسند و آنگاه غروب از عرفات باردیگر به سوی منا بر می گردند؛ اما شیعیان مستقیم از مکه به عرفات می‌روند تا ظهر شرعی در آنجا وقوف کنند. امروزه برای راحتی و آسایش حجاج و تسهیل امور مربوط به وقوف در عرفات، کارهای چشم‌گیری انجام گرفته است. خیابان‌های وسیع، جاده‌های پهن با چندین باند، پل‌های هوایی روگذر و زیرگذر در مسیر عرفات، مشعر، کاشت یکصد هزار درخت برای تلطیف هوا و ایجاد سایه و نیز استفاده از پمپ‌های قوی برای پخش قطرات آب در فضا و خنک کردن هوا، ایجاد مراکز بزرگ درمانی، خدماتی و همه این‌ها، بیابان خشک و سوزان عرفات، که فلسفه اصلی وقوف در آن یادآوری گرما و سرگردانی در روز تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۴۹ قیامت است را به سرزمینی نسبتاً مطلوب مبدل ساخته است و کسی از وقوف در آن چندان احساس سختی و ناراحتی نمی کند.

وقوف پیامبر صلی الله علیه و آله در عرفات

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله روز عرفه را در «نَمِرَه»، نزدیکی عرفات، کنار سنگ بزرگی فرود می‌آمدند. این سنگ، صخره‌ای در سمت راست عرفات بود. بعدها «مسجد نَمِرَه» را در مکان مورد نظر ساختند. محل وقوف رسول خدا صلی الله علیه و آله، همان محل وقوف حضرت ابراهیم علیه السلام بوده است. قبیله قریش در دوران جاهلی و آغاز اسلام در عرفات وقوف نمی کردند؛ زیرا معتقد بودند اهل حرم هستند و باید بر خلاف سایر مردم در داخل حرم وقوف کنند؛ یعنی آنان خود را «حُمْس» «۱» می‌دانستند، ولی پیامبر صلی الله علیه و آله که خود از قریش بودند، همراه سایر مردم در عرفات وقوف می کردند. خداوند در قرآن کریم این ارزش‌های جاهلی را مطرود دانسته و آنان را مأمور ساخت تا هرجا که همه مسلمانان وقوف می کنند، وقوف داشته باشند. ثُمَّ أَفِیضُوا مِنْ حَیْثُ أَفاضَ النَّاسُ .... «۲» صحرای با عظمت و مقدس عرفات در سال دهم هجری شاهد آخرین حج پیامبر صلی الله علیه و آله (حَجّةالوداع) بود که یکی از حوادث مهم در تاریخ اسلام است. خطبه مهم و تعیین کننده آن حضرت، که به حق آن را «منشور حقوق بین‌المللی اسلام» نام نهاده‌اند، در تاریخ اسلام جایگاه ویژه‌ای دارد. مشروح خطبه طولانی پیامبر صلی الله علیه و آله در تمامی منابع تاریخی آمده است. بعضی گفته‌اند پیامبر صلی الله علیه و آله برای ابلاغ این خطبه بر فراز همان سنگی که بعدها به صورت منبر ساخته شد، ایستاده بودند. برخی از محدّثان اهل سنت تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۵۰ معتقدند آیه: الْیَوْمَ أَکْمَلْتُ لَکُمْ دِینَکُمْ وَ أَتْمَمْتُ عَلَیْکُمْ نِعْمَتِی وَ رَضِیتُ لَکُمُ الْإِسْلامَ دِیناً «۱» به‌هنگام وقوف پیامبر صلی الله علیه و آله در عرفه (حجّةالوداع) نازل شده «۲» است؛ اما مفسّران شیعه نزول آن را در غدیر خم، که پیامبر صلی الله علیه و آله چند روز پس از وقوف در عرفه، در آنجا خطبه خواندند می‌دانند. «۳» (تصویر شماره ۲۳)

مسجد نَمِره: جامع ابراهیم علیه السلام

نَمِره نام کوهی در عرفات است که در نزدیکی آن؛ یعنی محلّی که پیامبر صلی الله علیه و آله وقوف کرده و نماز خوانده‌اند، مسجدی به نام نَمِرَه یا «عَرَفه» بنا شده است. بعضی نیز آن را مسجد ابراهیم علیه السلام خوانده‌اند. به روایتی، حضرت ابراهیم علیه السلام در این مکان وقوف کرده و به نماز و عبادت ایستاده‌اند. این مسجد در ابتدای عرفات و در غرب آن قرار دارد که البته سمت جنوبی آن، خارج از عرفات واقع شده است. آن را در سال ۱۵۰ ق. به روزگار خلافت عباسیان ساخته‌اند. از عبد اللَّه بن عمر نقل شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله روز عرفه را در وادی نمره نزول می کردند. در این مکان غاری (شکافی) بوده و ایشان کنار

آن می‌نشستند. «۴» مسجد عرفه در قرن سوم، ۱۵۳ متر عرض و ۱۶۶ متر طول داشته که مساحت آن به ۲۵۳۹ متر می‌رسیده است. «۵» در قرن ششم هجری، بیش از چهار هزار متر بر آن افزوده شد. مساحت کنونی مسجد که در دوران سعودی افزایش قابل ملاحظه‌ای یافته، به ۱۲۴۰۰۰ متر مربع می‌رسد و حدود ۳۰۰ هزار نمازگزار را در خود جا می‌دهد. یک گنبد و چهار مناره و ده در اصلی نیز برای آن ساخته‌اند. خواندن نماز در این مسجد استحباب زیادی دارد. (تصویر شماره ۲۴)

جبل الرَّحْمَه

این کوه کوچک تقریباً در انتها و شرق عرفات است که از سطح زمین، ۶۵ متر و از دریا ۳۷۲ متر ارتفاع دارد و از کوه‌های اطراف مستقل و مجزا است. بر بالای آن، نمازگاه ابراهیم علیه السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است. برخی گفته‌اند آن حضرت بر تخته سنگی از این کوه ایستاده و خطبه معروف عرفات را ایراد کردند. «۱» از آنجا که جبل الرحمه شاهد دعای امام حسین علیه السلام در روز عرفه بود، مستحب است این دعا کنار آن کوه خوانده شود. بعضی نیز نماز خواندن در نمازگاه ابراهیم علیه السلام بر جبل الرّحمه را مستحب دانسته‌اند. اکنون بالای کوه، استوانه‌ای به ارتفاع ۴ متر و عرض ۸۰/ ۱ متر قرار دارد که از دور دیده می‌شود. در مراسم عرفات چراغ و قندیل بر آن آویزان می‌کردند تا راهنمای زائران و کاروان‌ها باشد. «۲» کوه یاد شده نام‌های دیگری چون جبل الدّعاء، جبل الْال و جبل المَشاة نیز داشته است. «۳» وقوف و حضور بر بالای کوه کراهت داردوبهتر است در دامنه وسمت‌چپ کوه به‌دعا وتضرّع‌پرداخته‌شود. (تصویر شماره ۲۵)

ب- مَشْعرالحرام- مُزْدلِفَه

اشاره

... فَإِذا أَفَضْتُمْ مِنْ عَرَفاتٍ فَاذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرامِ .... «۴» مشعرالحرام یا مزدلفه، محلی است میان عرفات و منا که پس از وادی یا درّه «مئذمین» قرار دارد. حجاج باید بعد از غروب شرعیِ روز عرفه؛ یعنی پس از پایان وقوف اختیاری در عرفات، به این سمت حرکت کنند تا از آن هنگام تا طلوع آفتاب روز تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۵۲ دهم ذی حجه- همان روز-، اعمال مخصوص این مکان را انجام دهند. وقوف در این مدت از ارکان حج است. قریش قبل از اسلام در مشعر بیتوته نمی‌کردند. خداوند بر اساس آیه یاد شده فرمان داد تا آنان نیز همانند سایر حجاج در مشعر حاضر شوند. «۱» در وجه تسمیه آن، مطالب فراوانی گفته شده؛ از جمله‌این که: مَشْعَر اسم مکان شعور است و در این سرزمین باید پس از شناخت در عرفات به شعور و آگاهی رسید. مزدلفه که نام دیگر آن است، اسم فاعل از ازدلاف، به معنای تقدم یا نزدیکی و برگرفته از «زُلَف» است؛ زیرا مردم در این مکان به خدا تقرّب پیدا می‌کنند یا حجاج در این مکان اجتماع کرده و به هم نزدیک می‌شوند. «۲» از امام صادق علیه السلام نقل شده است: جبرئیل‌پس از پایان وقوف در عرفات، به ابراهیم گفت: «يَا إِبْرَاهِيمُ ازْدَلِفْ إِلَى الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ ...» و به همین علت این مکان را مزدلفه نامیدند. «۳» مشعر در محدوده حرم واقع شده و به همین علت آن را مشعرالحرام گویند. طول آن حدود ۴۰۰۰ متر و مساحت آن ۵/ ۱۲ کیلومتر است. برای مشعرالحرام و مزدلفه محدوده‌ای مشخص کرده‌اند، در حقیقت مشعر به سرزمین مشخص در انتهای مزدلفه گفته می‌شود و نام کوهی است که تا وادی یا درّه «مُحَسِّر» امتداد می‌یابد. «۴» در این مکان ضمن بیتوته و عبادت در شب می‌توان سنگ‌ریزه‌هایی را که به لحاظ شکل و نوع، تنها در این منطقه یافت می‌شود برای رمی جمرات در منا جمع‌آوری کرد. اخیراً امکانات بهداشتی و مراکز درمانی و ... برای راحتی حجاج در آنجا فراهم آمده است. (تصویر شماره ۲۶ و ۲۷)

مسجد مُزْدَلِفَه: مشعرالحرام

مسجد مزدلفه مربع شکل است که مساحت اولیه آن حدود ۱۷۰۰ متر مربع و در دوران عباسی به ۴۰۰۰ متر مربع رسیده است. سعودی‌ها حدود ۱۴۰۰ متر مربع بر مساحت آن افزودند و تعمیراتی نیز بر آن صورت دادند. اکنون حدود ۱۲۰۰۰ نمازگزار در آن جای می‌گیرند. قبله آن، همان جایی است که پیامبرخدا فرود می‌آمدند. بیشتر حجاج در همین مسجد که بخشی از مشعر الحرام است نماز عشا را برگزار می‌کنند. گفته شده است: در این مکان جبرئیل علیه السلام بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده و در مورد مشعرالحرام و اهمیت و اعمال آن دستورات و آیاتی به ایشان ابلاغ کرده است.

ج- وادی مُحَسِّر

جایی است میان مزدلفه و منا و طبق روایات تاریخی، اصحاب فیل و سپاهیان ابرهه در همین نقطه به هلاکت رسیدند و چون یاران ابرهه به سبب این شکست حسرت خوردند، این وادی به «مُحَسِّر» مشهور گشت. «۱» مُحَسِّر اسم فاعل از حَسِرَ به معنای از پا افتادن است. وادی نیز به معنای دره یا مکان جاری شدن رود است. «۲» وادی مَحسِّر، نه جزو منا است و نه جزو مزدلفه. حاجیان پس از گذشتن از مزدلفه، به محسر رسیده و سپس وارد منا می‌شوند. مستحب است آنان این مکان را سریع پشت سر بگذارند یا در آن بدوند و جایز نیست که در آن بمانند و توقف کنند. طول محسّر ۳۸۱۲ متر و نقطه پایانی آن، مئذمین (دو کوه بین مزدلفه و منا) است. در کتب مناسک آمده است که نباید تا قبل از طلوع آفتاب از این وادی گذشت و به منی وارد شد. زیرا وقوف در مشعرالحرام بین فجر و طلوع آفتاب است. تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۵۴

د- سرزمین منا

اشاره

وَ أَتِمُّوا الْحَجَّ وَ الْعُمْرَةَ لِلَّهِ فَإِنْ أُحْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ وَ لا تَحْلِقُوا رُؤُسَكُمْ حَتَّى يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحِلَّهُ «۱» حاجیان باید پس از طلوع آفتاب، صبح روز دهم ذی‌حجه، از مشعر الحرام به سمت منا حرکت کنند و شب‌های یازدهم و دوازدهم را نیز در منا وقوف داشته باشند و اعمال مخصوص آن را انجام دهند. (تصویر شماره ۲۸ و ۲۹) منا در لغت از ریشه امنیه یا آرزوست. محدوده سرزمین منا از آخر وادی مُحَسِّر تا جمره عقبه است. گویند وقتی حضرت آدم علیه السلام به زمین هبوط کرد، در این مکان فرود آمد؛ از او در این‌جا پرسیدند: آیا آرزویی داری؟ از این‌رو، این سرزمین به منا معروف شد. «۲» از دعای امام صادق علیه السلام در منا برمی‌آید که ریشه منا از مِنّت است؛ زیرا خداوند بر مردم منّت گذاشت و در این مکان اعمال حج را به آنان یاد داد. «اللَّهُمَّ هَذِهِ مِنًى وَ هِيَ مِمَّا مَنَنْتَ بِهَا عَلَيْنَا مِنَ الْمَنَاسِكِ ...». «۳» منا میان مکه و مزدلفه و در ۷ کیلومتری شمال شرق مسجد الحرام است که البته از طریق تونل منا، فقط ۴ کیلومتر با مسجد الحرام فاصله دارد و در این طرف تونل نیز منطقه عزیزیه است که پیاده می‌توان از عزیزیه به منا رفت. طول این سرزمین را بیش از ۳۵۰۰ متر ذکر کرده‌اند. سرزمین منا شاهد وقایع مهمی بوده و پیش از اسلام یکی از مراکز مهم تجاری و بازرگانی محسوب می‌شده است. پیمان‌های عقبه اول و عقبه دوم برای دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله به مدینه در اینجا بسته شد. «۴» تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۵۵ از وقایع مهم دیگر این سرزمین بسیج و سازماندهی و استقرار سپاه اسلام برای فتح مکّه در سال هشتم هجری بود. پیامبر صلی الله علیه و آله پس از فتح مکّه در مکان مسجد خَیْف علل پیروزی و فتح مکه را تشریح ساختند. (تصویر شماره ۳۰)

جَمَرات سه‌گانه

از مهم‌ترین اعمال «ایام تشریق»، «۱» رمی جمرات است. گویند ابلیس نخستین بار در محلّ‌جمره عُقبی خود را بر ابراهیم علیه السلام نمایاند و آن حضرت با سنگریزه‌هایی او را راند. بار دیگر در محل جمره وسطی و بار سوم در جای‌جمره اولی بر ابراهیم علیه السلام ظاهر شد و او در هر سه مورد، شیطان را با پرتاب سنگریزه از آن مکان‌ها دور کرد. ابلیس هنگام پرتاب این سنگریزه‌ها به سرعت می‌گریخت؛ جمره و اجمار نیز به معنای شتاب کردن و گریختن است. فاصله جمره عقبه و وسطی ۲۵۰ متر و میان وسطی و اولی ۲۰۰ متر است. حاجیان باید در روز دهم ذی‌حجه، جمره عقبی را رمی کنند و سپس در دو روز بعد؛ یعنی یازدهم و دوازدهم نیز بر هر سه جمره سنگ بزنند. جمرات سه‌گانه در گذشته به علت ازدحام و شلوغی، تلفاتی را شاهد بوده است؛ در ۱۳۸۳ ق. پلی بر روی آن‌ها ساخته شد تا حاجیان بتوانند از بالای پل نیز رمی کنند. لذا بر ارتفاع جمرات افزودند. در سال ۱۳۸۳ ش. جمرات سه‌گانه که به صورت استوانه کوچک چهار ضلعی بود، به شکل دیوار مستطیل بزرگ به طول ۱۰ متر و ارتفاع ۴ متر در آمد تا حاجیان راحت‌تر بتوانند بر آن سنگ بزنند و مجبور نباشند برای سنگ زدن به یک استوانه کوچک، گرفتار مشکل شوند. این افزودگی‌ها بر جمرات، عمدتاً در کناره‌ها صورت گرفت و جای اصلی جمرات، تقریباً در وسط این دیواره جدید بوده است. (تصاویر شماره ۳۱، ۳۲ و ۳۳)

مساجد موجود در منا

۱/ ۱- مسجد خَیْف

از مساجد بزرگ و با اهمیّت در منا، خَیْف است. به زمینی که میان دو کوه واقع شده و یا از زمین مرتفع باشد، «۱» خیف گویند. به روایتی، هفتاد پیامبر؛ از جمله حضرت آدم علیه السلام در آن‌جا مدفون هستند. «۲» پیامبر صلی الله علیه و آله به هنگام حج در این مسجد حضور می‌یافتند و نماز می‌گزاردند. نماز گزاردن در این مسجد فضیلت فراوان دارد و در آن خصوص سفارش‌های زیادی شده است؛ از جمله مجاهد گوید: «هفتاد و پنج پیامبر برای زیارت بیت‌اللَّه آمده و همه در مسجد منا (خَیف) نماز گزارده‌اند؛ پس اگر توان خواندن نماز در مسجد مناداری، از آن غفلت نکن». «۳» در دوران عثمانی، گنبدی بزرگ در محلّ نماز رسول اللَّه صلی الله علیه و آله قرار دادند و محرابی ساختند تا علامت خیمه و نمازگاه پیامبر صلی الله علیه و آله باشد. مکان مورد نظر را مسجد «عَیْثُومَه» «۴» می‌گفتند. در بازسازی و توسعه دوران سعودی، این گنبد و محراب برداشته شد. در سال ۲۵۶ ق. پس از آن‌که مسجد به وسیله سیل تخریب شد، تعمیراتی در آن انجام گرفت. طول مسجد تا این دوران ۱۲۰ متر و عرض آن ۵۵ متر بود که مجموع مساحت آن، بیش از ۶۳۸۰ متر مربع شد. این مساحت، مسجد خیف را در زمره بزرگترین مساجد شبه‌جزیره قرار داد که حتی از مسجدالحرام نیز در آن زمان بزرگتر بود. در آن هنگام حدود ۱۸۶ ستون و بیست در ورودی و خروجی داشت. «۵» در قرون بعد نیز تعمیرات اساسی و گسترده‌ای در آن انجام گرفت و مساحت آن افزایش یافت. تا دوران عثمانی تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۵۷ تنها نمازگاه پیامبر صلی الله علیه و آله و برخی از دیوارهای مسجد دارای سقف و شبستان بوده ولی در دوران اخیر همه آن مسقف شد. در سال ۱۴۰۷ ق. طرح توسعه و تکمیل مسجد آغاز و مساحت آن به حدود چهار برابر قبل؛ یعنی ۲۵ هزار متر مربع رسید که نزدیک به ۳۰ هزار نمازگزار را در خود جای می‌دهد. امروزه چهار مناره آن، که بسیار از یکدیگر فاصله دارند، در کنار کوه، در مسیر جمرات سه‌گانه جلوه زیبایی به مسجد بخشیده‌اند. (تصویر شماره ۳۴)

۲/ ۱– مسجد البیعَه

این مسجد در جای بیعت عقبه دوم ساخته شد، تا یادآور آن خاطره عظیم باشد؛ «۱» به همین مناسبت، آن را مسجد البیعه نام نهادند. «۲» مسجد یاد شده حدود ۵۰۰ متر پایین‌تر از جمره عقبه، در سمت راست کسی است که به سوی مکه، در جهت جنوب جمرات می‌رود. البته به سبب آن‌که در درّه‌ای کوچک واقع شده از داخل خیابان قابل رؤیت نیست و باید اندکی از کوه را بالا رفت تا بتوان آن را دید. بنای نخستین آن، به دست منصور عباسی در ۲۴۴ ق. ساخته شد و مستنصر عباسی نیز آن را تعمیر کرد. «۳» مسجد یاد شده، که در دهه گذشته مساحتی کوچک، حدود ۱۰۰ متر داشت و متأسفانه به زباله‌دانی تبدیل شده بود، در سال‌های اخیر بازسازی و توسعه یافت و مساحت آن به ۳۷۵ مترمربع رسید. (تصویر شماره ۳۵)

مساجد تخریب‌شده در منا

۱/ ۲– مسجد الکَبْش: النَّحْر

هنگامی که ابراهیم فرمان یافت اسماعیل را در راه خدا قربانی کند، خداوند پس از تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۵۸ سربلندی او در این آزمایش بزرگ، به جای فرزند دلبند او، قوچ یا کبشی را فرو فرستاد. گویند قوچ یاد شده، در این مکان ظاهر و سپس قربانی شد. به همین مناسبت آنجا مسجدی ساختند که به مسجد الکبش یا مسجد النَّحْرْ معروف شد. «۱» ابن جبیر گوید: اثر پاهای کوچکی بر صخره نمایان است که گویند جای پای آن قوچ است. «۲» رفعت پاشا از مورخان و سیّاحان عصر دولت عثمانی، این صخره را کنار کوه دیده و ارتفاع آن را ۴ و عرضش را ۲ /۵ متر نوشته است. «۳» مکان دقیق آن، میان جمره اولی و جمره وُسطی (در شمال شرقی جمره عقبی در دامنه کوه ثَبیر) بوده «۴» ولی در جریان احداث پل هوایی جمرات، در دوران سعودی، تخریب شده است.

۲/ ۲– مسجد الصَّفائح

صفائح نام کوهی است در منا که در دامنه آن و جنوب مسجد خَیف، مسجدی به نام الصَّفائح ساخته شده بود. در کنار و دامنه این کوه، غاری به اندازه سر یک انسان بوده که پیامبر صلی الله علیه و آله سر خود را در آن قرار می‌دادند تا از آفتاب مصون بمانند. بعدها این غار به علت نزول سوره مرسلات به غار مرسلات معروف شد. به گفته ابن جبیر، مردم سر خود را در داخل این شکاف گذاشته و به آن تبرّک می‌جسته‌اند. «۵» رفعت پاشا در عصر عثمانی این مسجد و غار را دیده که در سیصد متری جاده قرار داشته است. «۶» این مسجد در دوران سعودی تخریب شد.

۲/ ۳– مسجد الکوثر

این مسجد در وسط منا قرار داشته و بعضی گفته‌اند سوره کوثر در آنجا بر پیامبر صلی الله علیه و آله تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۵۹ نازل شده است. به گفته رفعت پاشا، مسجد الکوثر بسیار کوچک و در چهل متری سمت راست جاده اصلی بوده است. نامبرده

در این مسجد کتیبه‌ای به خط مغربی دیده است. «۱» مسجد یاد شده در دوران سعودی، هنگام احداث پل‌های هوایی مسیر منا- عرفات تخریب شد. تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۶۰ ؟؟؟؟ نقشه تقریبی عرفات- مزدلفه- محسِّر- مِنی

فصل نهم: اماکن تاریخیِ بین مکه و مدینه

۱- مزار شهدای بدر

منطقه بدر یعنی مکان نخستین رویارویی مسلمانان با مشرکان و نیز مدفن و آرامگاه شهدای این جنگ، در ۱۵۰ کیلومتری جنوب غربی مدینه واقع است. در گذشته راه مدینه به مکه از این منطقه می‌گذشت و زائران به زیارت شهدای بدر می‌رفتند، ولی اکنون با ساختن بزرگراه مدینه به مکه، این منطقه در کنار و حاشیه واقع شده است. چگونگی نبرد بدر در تمامی کتب و منابع تاریخی مضبوط است. این جنگ در هفدهمین ماه از هجرت، با حضور پیامبر صلی الله علیه و آله و ۳۱۳ تن از یارانش، در کنار چاه‌های بدر صورت گرفت و به پیروزی قاطع مسلمانان منجر شد. «۱» شهدای این نبرد سرنوشت‌ساز، که چهارده نفر بودند، به فاصله کمی از محل درگیری، به خاک سپرده شدند. اکنون مزار آنان با دیوارهایی کوتاه محصور است. گفتنی است چاه‌های بدر در فاصله ۴۰۰ متری این قبرستان قرار داشته است. (تصویر شماره ۳۶)

۲- مسجد عریش

این مسجد در کنار مزار شهدای بدر و درگوشه باغی، مشرف بر قنات چاه‌های بدر، ساخته شده است. عریش به معنای سایه‌بان است. پیامبر صلی الله علیه و آله پیش از جنگ، در آن سایه‌بان عبادت کرده و در شب نبرد بدر نماز شب خوانده‌اند.

۳- رَبَذه (زادگاه، تبعیدگاه و آرامگاه ابوذر غفاری)

ربذه در ۵۰ کیلومتری جنوب «النقرهٔ»، در شمال شرقی مدینه و در مسیر حج قدیم عِراقی‌ها واقع شده و آرامگاه ابوذر غفاری، «۱» یار باوفای پیامبرخدا صلی الله علیه و آله و از بهترین و پاک‌ترین صحابه و ارکان اولیه شیعه در آنجا قرار دارد. وی هیچ‌گاه از حمایت امام و مقتدای خود، علی علیه السلام دست برنداشت. او همواره در دوران پس از پیامبر صلی الله علیه و آله، با شمشیر برنده زبان، از جانشینی و ولایت علی علیه السلام دفاع و حمایت می‌کرد. حضرت رسول صلی الله علیه و آله سخنان زیادی درباره صداقت و راستگویی و ایمان ابوذر فرموده‌اند؛ از جمله این که: «آسمان بر کسی سایه نیفکنده و زمین کسی را به خود ندیده، که راستگوتر از ابوذر باشد». «ای ابوذر تو اهل بهشتی. تو را به خاطر دوستی اهل بیت من تبعید کردند و تنها خواهی مرد». آن حضرت در جای دیگری فرموده‌اند: «ابوذر تنها زندگی می‌کند و تنها می‌رود و تنها می‌میرد.» «۲» تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۶۵ ابوذر در دوران خلافت عثمان، به همراه همسر و دخترش، به ربذه تبعید شد. در بیابان ربذه، ابتدا همسر و پسر او از دنیا رفتند. اندک زمانی بعد نیز ابوذر وفات یافت و این دختر خردسال در بیابان یکه و تنها ماند. او به جنازه پدر می‌نگریست و می‌گریست تا این‌که چند نفر از شیعیان علی علیه السلام از جمله مالک اشتر و عبداللَّه بن مسعود در ربذه توقف کرده و جنازه ابوذر را به خاک سپردند. «۱» امروزه به مزار این بزرگوار کمترین اعتنایی نمی‌شود. در ربذه ابو جعفر عبداللَّه بن حسن بن حسن بن امام حسن علیه السلام نیز مدفون است. «۲»

۴- غدیر خم

غدیر خم، نام منطقه‌ای در نزدیکی جُحفه، حدود ۱۵۶ کیلومتری شمال غربی مکه است که «شهرک رابغ» در ۲۶ کیلومتری آن قرار دارد. غدیر به معنای برکه است و خم نیز نام آن مکان می‌باشد. وجه نامگذاری آن به غدیر خم، به سبب این بوده که آب در آن زمین چون باتلاق فرو می‌رفته است. در صدر اسلام حاجیان عراق و شام از این نقطه برای بازگشت به کشورهای خود از یکدیگر جدا شده و هر یک مسیر خاص خود را پیش می‌گرفتند. غدیر خم، که مسجدی با همین نام نیز در آن بنا شده، شاهد یکی از وقایع بسیار مهم و تعیین کننده در تاریخ اسلام بوده است. واقعه غدیر خم و خطبه تاریخی مهمّی که پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام معرفی امیر مؤمنان علی علیه السلام ایراد کردند، در بسیاری از منابع شیعه و اهل سنت ثبت شده است. «۳» (تصویر شماره ۱/ ۳۶)

۵- مسجد غدیر خم

در محلّ واقعه عظیم غدیر خم، مسجدی ساختند که به نام «مسجد غدیر خم» معروف شد. نماز در این مسجد فضیلت بسیار دارد؛ «۱» زیرا مکانی است که پیامبر صلی الله علیه و آله، عبارت معروف «مَنْ کُنْتُ مَوْلاهُ فَهذا عَلِیٌّ مَوْلاهُ» را در مورد علی علیه السلام بیان کردند. گفتنی است این مسجد در دوران عثمانی، بر اثر سیل خراب شد ولی بخشی از آن همچنان برجا مانده است. «۲» ساختمان آن را تعدادی از ملوک شیعی هند بازسازی کرده‌اند. «۳» تصویر شماره ۱/ ۳۶)

۶- زیارتگاه ابواء «۴»

اشاره

ابواء، زیارتگاهی است در ۴۵ کیلومتری راه جُحفه از سمت مدینه و در سمت راست کسی است که از مدینه به مکه می‌رود. آمنه بنت وَهْب، مادر گرامی حضرت رسول صلی الله علیه و آله (همسر عبداللَّه بن عبدالمطّلب) و نیز چند تن از بزرگان و سادات در این محل مدفونند. «۵» در سال‌های بعد، تعدادی از بنی‌هاشم و سردمداران قیام عباسیان، در این مکان علیه بنی‌امیه گرد آمدند و هسته اولیه قیام خود را تشکیل دادند. «۶» افراد دیگری که در ابواء مدفون‌اند، عبارت‌اند از:

۱- عبدالرحمان بن حسن بن علی علیه السلام

وی همراه امام حسین علیه السلام به حج مشرف شد و در حال احرام وفات یافته، در این مکان به خاک سپرده شدند. «۱»

۲- موسی بن نُصَیر

از مجاهدان بزرگ وفاتح اندلس و سرزمین‌های دیگر (متوفا به‌سال ۹۷ ه. ق.) بود.

۳- حاج سید میرزا حسن شهید

فرزند سید اسماعیل علوی و شاگرد برجسته شیخ مرتضی انصاری، که در راه بازگشت از حج در سال ۱۳۳۲ ق به شهادت رسید.

بخش دوم: تاریخ و آثار اسلامی مدینه منّوره

فصل اول مدینه در بستر تاریخ

موقعیت جغرافیایی مدینه منوّره

شهر مدینه در شمال غربی شبه جزیرهٔ العرب و شمال مکه مکرمه واقع شده و فاصله آن، پس از احداث بزرگراه هجرت، تا جده ۳۹۵ کیلومتر و تا مکه ۴۲۵ کیلومتر است. مدینه از سطح دریا حدود ۶۲۵ متر ارتفاع دارد. این شهر از دو سو؛ یعنی غرب و شرق، به وسیله «حرّه‌ها» «۱» محاصره شده است. این حرّه‌ها از مسجد ذو قبلتین به سوی جنوب و سپس به سوی شرق و شمال امتداد می‌یابد و مردم مدینه معمولًا آن‌ها را حرّه شرقی و حرّه غربی می‌خوانند؛ با این که آن دو حرّه یکی هستند. «۲» در غزواتی مانند احد و خندق، که در دوران پیامبر رخ داد، برای دشمن، ورود به مدینه به خاطر وجود این حرّه‌ها از دو سمت امکان نداشت و تنها راه ورود، سمت شمال بود. مدینه به وسیله چندین کوه محاصره شده است؛ کوه احد در شمال، کوه عیر در تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۷۴ جنوب و کوه جماوات در غرب. «۱» در مدینه سه وادی یا درّه وجود دارد: عقیق، بطحان و قناهٔ. «۲» آب و هوای مدینه در تابستان گرم و خشک و در زمستان سرد و بارانی است و درجه حرارت آن در زمستان نسبت به مکّه و جدّه پایین‌تر است؛ به عبارت دیگر، مثلًا در دی‌ماه پایین‌ترین دما ۲ درجه و بالاترین آن ۶/ ۲۴ درجه است و در تیر ماه پایین‌ترین دما ۲/ ۱۷ درجه و بالاترین دمای آن ۴۴ درجه می‌باشد. بالاترین میزان بارندگی در دی ماه است که به ۳/ ۸ میلی‌متر می‌رسد و پایین‌ترین میزان آن، در آذر ماه و ۲ میلی‌متر است. اراضی زراعی آن در جنوب شهر واقع شده که محصول آن تنها خرما و بعضی میوه‌جات است و در شمال آن نیز خرما، حبوبات، میوه‌جات و سایر نباتات گیاهی نیز به عمل می‌آید. زمین‌های زراعی در مدینه از آب چاه‌ها مشروب می‌شود.

نگاهی به تاریخ یثرب

اشاره

مورخان در مورد نخستین ساکنان یثرب پس از طوفان نوح علیه السلام، اختلاف کرده‌اند که آنان را می‌توان به چهار گروه تقسیم کرد: ۱. بعضی گفته‌اند: هنگامی که مردم، از کشتی نوح علیه السلام که بر کوه جودی نشسته بود، خارج شدند، به سوی مدینه رهسپار گشتند؛ محل فرود این عدّه بعدها به سبب تعداد آنان «بازار هشتاد» نامیده شد. آنان تنها ماندگان و زندگانِ پس از طوفان نوح علیه السلام بودند. زبانی که این قوم به آن سخن می‌گفتند، به ۷۲ زبان تقسیم می‌شد که عربی یکی از آن‌ها بود. عِمْلیق و طَسَمْ پسران لُود بن سام بن نوح در میان آنان عرب زبان بودند. «۳» فرزندان «عَبیل» در یثرب فرود آمدند و این شهر به نام نخستین ساکن آن یعنی «یَثرب بن عَبیل بن عَوصِ تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۷۵ ابن ارَم بن سام بن نوح علیه السلام»، «۱» یثرب نامیده شد. ۲. بعضی اولین ساکن مدینه پس از طوفان را «یثرب بن قانیهٔ بن مَهْلابیل بن ارْم بن عَبیل بن عَوص بن ارْم بن سام بن نوح علیه السلام» دانسته‌اند. «۲» ۳. کسان دیگری اظهار داشته‌اند: نخستین ساکنان مدینه، پس از طوفان، اقوام «صَعْل و فالِح» بوده‌اند که در زمین به فسق و فجور می‌پرداختند. خداوند داوود نبیّ علیه السلام را بر آنان فرستاد و آن حضرت با ایشان جنگید و اسیران زیادی گرفت؛ سپس به قدرت الهی کرم‌هایی بر گردن آنان سوار شد که تمامی ایشان را هلاک کرد. «۳» ۴. آخرین گروه می‌گویند: هنگامی که عمالقه در سرزمین‌ها پراکنده شدند، بعضی از آنان در یثرب فرود آمده و ساکن شدند. این قوم، ستم و تجاوز را پیشه خود کردند؛ در حالی که خداوند به آنان وسعت رزق و طول عمر عطا کرده بود؛ به‌طوری که عُمر هر یک ازایشان به ۴۰۰ سال می‌رسید و شنیده نشده که کسی از آنان در طول این مدّت مرده باشد. حضرت‌موسی علیه السلام لشکری فرستاد وآنانی که در مدینه و مکّه ساکن بودند را به قتل‌رساند. ورود یهود به یثرب یهودیان بارها در طول تاریخ به این سرزمین مهاجرت کرده‌اند. مورخان، تاریخِ مهاجرت‌های اوّلیه یهود را از هزار تا هفتصد سال پیش از میلاد مسیح ثبت کرده‌اند. در زمان سلطنت داوود نبی علیه السلام، درگیری‌ها و اختلافاتی میان فرزندان وی به وقوع پیوست. در این زمان، یکی از فرزندان او به نام «اشالوم» همراه

گروهی از بنی اسرائیل به خیبر و دیگر سرزمین‌های شبه جزیرهٔ العرب از جمله شام رفتند. «۴» نبونید، حاکم بابل، شماری از عراقی‌ها را همراه خود آورده و در این مناطق تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۷۶ (حجاز) ساکن ساخته بود. در میان ایشان یهودیانی از بابل و فلسطین بودند. پیش از این نیز یهودیانی همزمان با مهاجرت به فلسطین به این‌جا کوچ کرده و تا روزگار ظهور اسلام در آن ساکن بوده‌اند. «۱» علمای‌یهود توصیف پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در تورات رادیده بودندکه درآن آمده بود: این پیامبر در مکّه مکرّمه ظهور کرده و سپس به سوی سرزمینی که میان دو حرّه واقع و دارای نخل است مهاجرت می‌کند. پس آنان در جستجوی این نشانی‌ها با اشتیاق تمام از شام به این سرزمین رو آوردند. هنگامی که این نشانی‌ها را در یثرب یافتند، در آن‌جا ساکن‌شدند. «۲» کسانی چون استرابون و پلینیوس، در میان دولت‌های جزیرهٔ العرب از دولت یهود نام برده‌اند. «۳» احتمالًا مهاجرتِ بعدی یهودیان به این سرزمین و به‌ویژه به یثرب، در سال ۷۰ میلادی و پس از آن صورت گرفته است. این امر، به علت تخریب معابد آنان توسط قیصر «تیتوس» و حملات متعدد قیصرها علیه یهودیان، از سال ۱۳۲ م. بوده که موجب فرار عده بیشتری شد، لذا برخی از آنان به حجاز رفته و عده‌ای نیز وارد یثرب شدند. «۴» در هر حال، قبایل یهود که به یثرب آمدند، ۲۵ قبیله بودند. آنان شهر را به این صورت میان خود تقسیم کردند: ۱. قبایل بنی‌قریظه «۵» و بنی‌نضیر؛ آنان در «عالیه» فرود آمدند که امروز آن را «العوالی» «۶» می‌نامند. ایشان در این منطقه به حفر چاه‌ها و کاشت درختان پرداختند. بعضی از قبایل عرب نیز در کنار آنان فرود آمده و ساکن شدند. تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۷۷ ۲. قبایل بنی قینقاع؛ «۱» در منطقه «الصاغه» فرود آمدند که خیابان قربان امروزی است. منازل عالی و زیبای آنان در شمال‌غربی «مدشونیه» «۲» ساخته شد. یهودیان برای خود دژها و قلعه‌هایی ساختند که به آن‌ها اطُم گفته می‌شد. آنان این کار را از اعراب عمالقه فرا گرفته بودند. مجموع دژها و حصن‌هایی که برای خود ساختند به ۱۶۰ عدد می‌رسید. اعراب مجاور نیز مثل آنان قلعه‌هایی ساختند که در مجموع به ۷۲ عدد می‌رسید. هنگامی‌که پیامبر صلی الله علیه و آله به مدینه آمدند، مهاجران را از ویرانی این حصن‌ها منع کردند و آن‌ها را زینت مدینه منوره دانستند. «۳» ورود اوس و خزرج یا یمانی‌ها به یثرب به جز قبایل یهود و اعرابی که در یثرب ساکن بودند، تعدادی از اعراب نیز از یمن و جنوب شبه جزیره کوچ کرده و در سرزمین‌های شمالی؛ از جمله یثرب و غسان ساکن شدند. «۴» به سبب خرابی سد مأرب، این مهاجران به علّت انتساب به «یَعْرَب ابن قحطان»، «اعراب قحطانی» نامیده شدند؛ در مقابل ایشان، اعرابی که در حجاز و به‌ویژه مکّه ساکن و از فرزندان عدنان از نسل اسماعیل علیه السلام بودند، «اعراب عدنانی» نامیده شدند. اعراب جنوبی یا قحطانی، که همان یمنی‌های مهاجر باشند، بر خلاف اعراب عدنانی یا ساکنان مکّه، از تمدّن و شهرنشینی برخوردار بودند و کار و پیشه اصلی آنان کشاورزی، زراعت، تولیدات و مصنوعات دستی بود؛ چون یثرب در سراسر شبه جزیره تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۷۸ امتیازات و ویژگی‌های مورد نظر آنان را داشت، آنجا را برای سکونت مناسب دیدند. از میان اعراب یمانی که در یثرب ساکن شدند، دو طایفه نیرومند اوس و خزرج، که بعدها پیامبر صلی الله علیه و آله آنان را «انصار» نامید، با یهود بنی‌قریظه و بنی‌نضیر پیمان‌هایی بستند. «۱» اوس و خزرج که از فرزندان «حارث بن زید بن سواد بن اسلم‌بن اسحاق بن قضاعه» بودند، همواره برای تسلط بر شهر یثرب با یکدیگر رقابت می‌کردند. منابع تاریخی مملو از شرح وقایع، جنگ‌ها و ستیزهای این دو طایفه با یکدیگر است که به آن‌ها «ایام العرب» گفته می‌شد. «۲». درگیری و کشتار میان اوس و خزرج، امری عادی و کاری روز مرّه بود، در حالی که هیچ‌کس در این منطقه نبود تا بتواند این دو رقیب را با هم تفاهم دهد و به زیر سلطه و نفوذ خود درآورد و به عبارتی، کسی نبود که حرف آخر را بزند. به گفته «ولهاوزن»: «نزاع و تخاصمی که وجود داشت زندگی را برای توده مردم سخت می‌نمود، تنها یک مرد می‌خواست که بتواند این جامعه متفرق را انتظام بخشد.» «۳». خداوند در این زمان، با ظهور اسلام و بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله، آنان را به هدایت و صلح و دوستی رهنمون ساخت و رسول اللَّه صلی الله علیه و آله به عنوان فرمانروای مطلق، جهت التیام بیماری عداوت و دشمنی و اعاده امنیت به این شهر رهسپار شد. «۴» در این موقعیتِ ویژه بود که آن حضرت به عنوان عامل وحدت رخ نمود و قبایل مختلف یمانی را با عنوان

«انصـار» در پیمان‌هـای عقبه اول و عقبه دوم متحـد ساخت و سـرانجام نیز دو جناح متخاصم و نیرومنـد شـبه جزیره؛ یعنی قحطانیان و عـدنانیان را پس از قبول دین مبین اسـلام، بـا نـام انصار و مهاجر در زیر لوای این دین، به یکـدیگر پیونـد اتحاد زد. «۵» با مهاجرت پیامبرخدا صلی الله علیه و آله به یثرب، این شهر را مدینهٔ النبی صلی الله علیه و آله نامیدند.

نام‌های مدینه

مدینه منوره در قبل و پس از اسـلام، نام‌های فراوانی داشت که کسانی چون «مجدالدّین شـیرازی»، «ابن زباله»، «سمهودی» و دیگران نام‌های این شـهر را ثبت کرده‌اند. شـیرازی حدود شـصت نام و ابن شـبه و ابن زباله، که از قدیمی‌ترین مورخان مدینه هستند، حدود چهل نام «۱» و سمهودی نیز ۹۴ نام برای این شـهر ذکر کرده‌انـد. برخی از نام‌هایی که برای آن آورده‌انـد، عبارت‌اند از: ارْضُ اللَّهِ، ارْضُ الْهِجرَةِ، الْایمانْ، الْبارَّه، الْبرَّهٔ، البَلَـد، بَیتُ الرّسولِ، الحرم، الدَّار، دارالابرار، طابهٔ، طَیّبهٔ، یثرب و ... «۲» برای مدینه نام‌هایی نیز در قرآن آمده است؛ از جمله: المدینه، مدخل صدق، دارالایمان، ارض‌اللَّه. «۳»

فضایل مدینه منوّره

از پیامبرخدا صـلی الله علیه و آله روایات بسـیاری در فضـیلت مدینه نقل شده است. آن حضرت این شهر را، همچون مکّه، حرم قرار داد و صـید و شـکار حیوانات، کندن درختان، ریختن خون و ... را در آن حرام کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله به درگاه الهی تضرع کردنـد که: «بار خدایا! ابراهیم بنده و رسول تو، مکّه را حرم قرار داد، من نیز مدینه را حرم قرار می‌دهم در آنچه میان دو حرّه است، همـان‌گونه که ابراهیم مکّه را، حرم قرار داد». «۴» آن حضـرت در فضل تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۸۰ مدینه فرموده‌اند: «ایمان در مدینه انباشته و جمع شده است؛ همان‌گونه که ماری در لانه‌اش جمع می‌شود.» «۱» پیامبرخدا صلی الله علیه و آله می‌فرمود: «الْمَدینَهُ أَفْضَلُ مِنْ مَکّهٔ»؛ «۲» «مـدینه از مکّه برتر است» همچنین پیـامبر صـلی الله علیه و آله فرمـود: «کسـی که در مـدینه بمیرد، من در روز قیامت برای او شفیع خواهم شد.» «۳» و نیز فرمود: «کسـی که پس از انجام حج، قبر من را در مدینه زیارت کند، گویی مرا در حیاتم زیارت کرده است.» «۴» پیامبر صـلی الله علیه و آله در حق مدینه دعا بسیار می‌کردند. «خدایا! مدینه را بر ما دوست بدار همان‌گونه که مکّه را بر ما دوست داشته‌ای و حتی بیش از آن و آن را بر ما صحت و سلامت دار و در مُدّ و صاع (اوزان طعام) آن بر ما برکت ده و تب و درد آن را به جُحفه منتقل کن». «۵» در روایات دیگری، آن حضرت کسانی را که مردم مدینه را بترسانند، به آتش الهی وعـده داده است؛ از جمله فرموده‌انـد: «کسـی بر اهـل مـدینه اراده سوء نمی‌کنـد جز آن‌که خداونـد وی را در آتش جهنم، با سـرب گـداخته ذوب می‌کنـد، همان‌گونه که نمک در آب حل می‌شود». کسی‌که برای زیارت من به مدینه بیاید بر من واجب است تا در روز قیامت شفیع او شوم و کسی‌که در یکی از دو حرم (مکه و مدینه) بمیرد، روز قیامت ایمن مبعوث می‌شود. «۶

مقدمات هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله به مدینه

در ذی‌حجه سـال یـازدهم بعثت، پیامبر صـلی الله علیه و آله با شـش نفر از خزرجیان در منا گفتگو کرد تاریـخ و آثار اسـلامی، ص: ۱۸۱ و اسـلام را بر آنان عرضه نمود. این شـش تن، پس از آن‌که اسـلام را پذیرفتنـد، به مدینه رفته و خبر ملاقات خود را با بزرگان قوم در میان گذاشـتند. لـذا در سال بعـد؛ یعنی سال دوازدهم بعثت، یازده نفر از انصار با رسول اللَّه صـلی الله علیه و آله در عقبه منا، پیمانی بستند که بر اساس آن، برای خدا شریک قرار ندهند. دزدی و زنا نکنند. فرزندان خود را نکشند و پیامبر را فرمانبردار باشند. این پیمـان را پیمـان «عقبه اول» خواندنـد. پیـامبر صـلی الله علیه و آله مصـعب بن عمیر را برای تبلیغ اسـلام و آموزش قرآن به یـثرب

فرستاد و دیری نپایید که بیشتر مردم یثرب مسلمان شدند. در سال بعد؛ یعنی در ذی‌حجه سال سیزدهم، ۷۳ نفر از بزرگان اوس و خزرج، که ۲ تن از آنها زن بودند، در عقبه منا به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله رسیده و ضمن پذیرش اسلام از ایشان دعوت کردند تا به یثرب بیاید و رهبری این شهر را بر عهده گیرد. این پیمان به «عقبه دوم» یا بیعهٔ الحرب و بیعهٔ النساء شهرت یافت. قبایل اوس و خزرج متعهد شدند تا پای جان همانند حفاظت و حمایت از نوامیس خود، از پیامبر صلی الله علیه و آله حفاظت کنند. پس از بازگشت این عده به یثرب، خانه‌ای در شهر نماند که اهل آن به اسلام نگراید و از آن صدای اذان و تکبیر به گوش نرسد. «۱» پس از آن، پیامبر صلی الله علیه و آله به علت آزار بیش از حد مشرکان نسبت به یارانش، اجازه دادند که آنان به مدینه یا همان یثرب هجرت کنند ولی خود در مکّه ماندند تا فرمان خروج و هجرت از سوی خداوند داده شود. پیامبر صلی الله علیه و آله در نخستین شب از ماه ربیع‌الأوّل سال چهاردهم بعثت، از سوی خداوند برای ادامه مأموریت الهی خود عازم یثرب شدند؛ در این شب مشرکان با فراهم ساختن طرح قتل پیامبرخدا صلی الله علیه و آله در «دارالنّدوه» «۲» منزل آن حضرت را محاصره کردند و تصمیم به قتل ایشان گرفتند. این شب، از شب‌های بزرگ و سرنوشت ساز در تاریخ اسلام و زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله و علی بن ابی‌طالب علیه السلام بود. هجرت، مسیر تاریخ را دگرگون ساخت و عزّت، قدرت، ثبات، استواری و تأییدِ اسلام را رقم زد. تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۸۲ پیامبر صلی الله علیه و آله تنها علی علیه السلام را لایق جانشینی خود در مکّه و خوابیدن در بستر خود دانست و از ایشان خواست تا ردای مخصوص را بپوشد و به جای او در بستر بخوابد. همچنین اماناتی که از پیامبر صلی الله علیه و آله در مکّه مانده است را به صاحبان آن‌ها بازگرداند و اهل‌بیت او را همراه خود به مدینه منتقل سازد. «۱» به خاطر این فداکاری و خوابیدن حضرت علی علیه السلام در بستر پیامبر صلی الله علیه و آله، این شب به «لیلهٔ المبیت» معروف شد. مشرکان چون به خانه پیامبر صلی الله علیه و آله هجوم آوردند و علی علیه السلام را در جای او دیدند، از فرط ناراحتی وی را مجروح و ساعتی نیز حبس کردند.» علی علیه السلام با شجاعت و ایثار تمام، نه تنها این مسؤولیت خطیر را با جان و دل پذیرفت و خود را در معرض امتحان وفاداری به اسلام و پیامبر صلی الله علیه و آله قرار داد، بلکه با این اقدام شجاعانه، نقش مؤثری در پیشبرد اهداف عالی اسلام و حفظ رهبری و تغییر و دگرگونی تاریخ اسلام ایفا کرد. به این مناسبت بود که این آیه در حق او نازل شد: وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ یَشْرِی نَفْسَهُ ابْتِغاءَ مَرْضاتِ اللَّهِ وَ اللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبادِ. «۳» ایشان برای رد اماناتی که پیامبر صلی الله علیه و آله به او سپرده بود، سه روز در مکّه ماند و پس از انجام کارها «۴» همراه مادرش فاطمه بنت اسد و نیز دختر رسول اللَّه صلی الله علیه و آله، حضرت فاطمه علیها السلام به سوی مدینه حرکت کرد. «۵». تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۸۳ مسیر هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله به مدینه حضرت رسول صلی الله علیه و آله ابتدا به خانه ابوبکر که حدود ۲۰۰ متری مسجد الحرام، در سمت مسفله و پایین مکه بود، رفت و سپس همراه وی شهر را ترک و به طرف جنوب مکّه یعنی مخالف مسیر مدینه (که در شمال‌است) به غار «ثور» «۱» رفتند تا دشمن را گمراه و منحرف کنند. تمهید ند تمهید الحمد لله لا کن الله اکبر رل شود که عز و جل الحمد لله فهرس یخ شیعه چی کل الحقوق محفوظه ت؟؟؟ در حالی که دشمن کینه‌توز با سماجت در تعقیب پیامبر بود، ایشان ۴۰۰ کیلومتر راه را طی کردند و در روز دوشنبه دوازدهم ربیع‌الأول وارد قریه «قبا» شدند. بریدهٔ بن اسلمی، همراه هفتاد تن از افراد قبیله خود و سایر قبایل، به پیشواز میهمانان آمده بودند. «۲» این در حالی بود که هر روز مردم شهر، از صبح تا غروب به انتظار پیامبر صلی الله علیه و آله می‌ایستادند و سپس ناامید باز می‌گشتند. «۳» هنگامی که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در دید مردم قرار گرفتند، زنان و کودکان فریاد زدند: «هذا رسول اللَّه، قد جاء، قد جاء!». پیامبر صلی الله علیه و آله در میان استقبال پرشکوه و گرم مردم یثرب وارد آبادی «قُبا» شدند. دختران بنی النجّار در این منطقه با دیدن پیامبر صلی الله علیه و آله، اشعار زیر را با صدایی رسا خواندند: طَلَعَ الْبَدْرُ عَلَیْنا مِنْ ثَنِیّاتِ الْوِداع وَجَبَ الشُّکْرُ عَلَینا ما دَعی للَّهِ داع أَیُّهَا الْمَبْعُوثُ فِینا جِئْتَ بِالْأَمْرِ الْمُطاع جِئْتَ شَرَّفْتَ الْمَدِینَهْ مَرْحَباً یا خَیْرَ داع «۴»

فصل دوم مسجد النّبی صلی الله علیه و آله و آثار آن

الف- مسجد النّبی در گذر تاریخ

اشاره

پیامبر صلی الله علیه و آله از روز دوشنبه، دوازدهم ربیع‌الأول تا روز جمعه شانزدهم همان ماه، در قریه قبا مانـد و پس از پایان بنای مسجد و رسیدن امام علی علیه السلام و دخترشان فاطمه علیها السلام، رهسپار مدینه شدند. «۱» آن حضرت در فاصله حدود ۵۰۰ متری مسجد قبا به سمت مدینه، در محل سکونت قبیله «بنی سالم بن عوف»، در مسجد آنان، نماز جمعه را اقامه کردند. آن مسجد بعد از این نماز به «مسجد جمعه» تغییر نام یافت. «۲» این نخستین نماز جمعه‌ای بود که به امامت پیامبر صلی الله علیه و آله در مدینه خوانده شد. حضرت رسول صلی الله علیه و آله به سوی شهر رهسپار شد. در این مسافتِ کوتاه تا داخل شهر، با تقاضاهای زیاد قبایل مختلف برای سکونت در منازل آنان روبه‌رو گردید و در پاسخ‌گویی به این همه شور و اشتیاق، انتخاب را ناگزیر به تقدیر الهی سپرد و با اشاره به شتر خویش (القصوه) فرمود: «خَلُّوا سَبیلَها فَإنَّها مَأْمُورَةٌ». «راه شتر را باز بگذارید که او مأمور است.» «۳» تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۸۸ سرانجام شتر پس از عبور از میان قبایل مختلف، کنار خانه «ابو ایوب انصاری» «۱» زانو زد و این سعادت بزرگ نصیب این مرد الهی شد که پذیرای خاتم پیامبران گردد. زمینی را که شتر در آن زانو زد، متصل به خانه ابو ایوب انصاری بود که به عنوان «مربد» و محل خشکانیدن خرما استفاده می‌شد و از آنِ دو یتیم از قبیله بنی‌نجار، به نام‌های سهل و سهیل فرزندان عمرو بود. این دو، در پناه و حمایت اذ بن عفراء- ۲ معاذ بن عفراء قرار داشتند. «۲» آن حضرت این زمین را به رغم اصرار صاحبان آن، که از جان و دل بر پیامبر صلی الله علیه و آله هبه می‌کردند، به ده دینار خریدند. «۳» پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به مدت هفت ماه یا کمتر، در منزل ابو ایوب ساکن بودند تا این که پس از ساخت محل سکونت دایمی ایشان در کنار مسجد، نقل مکان کردند. «۴» مساحت اوّلیه مسجد را ۷۰* ۶۰ ذراع «۵»: ۴۲۰۰ ذراع (برابر با ۷۴/ ۱۰۲۱ متر) و ارتفاع دیوارهای آن را پنج ذراع نوشته‌اند که آن حضرت خودش با کمک مهاجران و انصار، در نخستین روزهای هجرت به احداث آن پرداختند. این مسجد که ساختن آن تقریباً هفت ماه زمان برد، از نهایت سادگی و پیراستگی برخوردار بود. تلاش پیامبر صلی الله علیه و آله در این مورد، باعث می‌شد تا همه صحابه، به‌طور فعال در ساخت آن مشارکت کنند. یکی از انصار چنین خواند: لَئِنْ قَعَدْنا وَ النَّبیُ یَعْمَلُ لذاکَ مِنَّا العَمَلُ المُضَلَّلُ «۶» تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۸۹ «اگر ما بنشینیم و پیامبر صلی الله علیه و آله کار کند، برای ما امری خطا و ناپسند است.» هنگامی که دیوارها را بالا می‌بردند، پیامبر صلی الله علیه و آله در پاداش زحمات اصحاب چنین سرودند: لا عَیْشَ الَّا عَیْشُ الآخِرَةِ اللَّهُمَّ ارْحَم الْأَنْصارَ وَالْمُهاجِرَةَ «۱» در این میان، عمار از همه بیشتر کار می‌کرد و اصحاب نیز بر او بار بیشتری می‌دادند. همه صحابه هر کدام یک خشت و تنها عمار دو خشت حمل می‌کرد؛ لذا عمار نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: یا رسول اللَّه، اینان مرا کشتند؛ بر گرده من باری می‌نهند که خود آن را حمل نمی‌کنند؛ پیامبر صلی الله علیه و آله خطاب به وی فرمود: ای پسر سمیّه، آنان تو را نمی‌کشند، همانا تو را گروهی باغی و ستمکار می‌کشند؛ «إنِّما تَقْتُلُکَ الْفِئَةَ الباغَیَةِ». «۲» به روایت بخاری، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «عمار آنان را به بهشت فرا می‌خواند و ایشان او را به آتش دعوت می‌کنند.» «۳» اصحاب پس از بالا بردن دیوارها، سقف مسجد را با شاخه‌های نخل پوشانیدند. بعضی از آن حضرت پرسیدند: آن را مسقّف نکنیم؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: خیر، سایه‌بانی می‌خواهم چون عریش (سایبان) موسی. پس از آن، مکانی برای نماز پیامبر صلی الله علیه و آله به سمت بیت المقدس مشخص کردند، آنگاه برای مسجد سه در قرار دادند. دری در آخر مسجد؛ دری که به آن «باب الرّحمه» و «باب عاتکه» می‌گفتند و دری که بعدها باب جبرئیل علیه السلام نام گرفت. کنار مسجد نیز حجره‌هایی برای پیامبر صلی الله علیه و آله ساختند و آن حضرت با عایشه و سوده در آن ساکن شد. برای ایشان دری از خانه به مسجد نیز گشودند. «۴» آنگاه تاریخ و

آثار اسلامی، ص: ۱۹۰ هر یک از اصحاب، خانه‌ای کنار مسجد ساختند و دری به داخل آن باز کردند که راه ورود آنان به مسجد بود. پس از اندک زمانی؛ یعنی قبل از جنگ احد، پیامبر صلی الله علیه و آله به بستن درها، به جز درِ خانه علی علیه السلام امر فرمودند: «أَمَرَ بَسَدِّ الْأَبْوابِ إِلَّا بابُ عَلِیّ» لذا تمام درهایی که به مسجد باز می‌شد، جز آن در، مسدود شد. مسجد پیامبر، از آغاز بنا و احداث، شاهد ماجراهای مهمّی در تاریخ صدر اسلام بود. آن حضرت در نخستین روزهای پایانی بنای این مکان مقدّس، خطبه‌های غرّا و کوبنده‌ای علیه کفر و شرک ایراد فرمودند و سپس در طول یازده سال از هجرت پربرکت خود، به منظور رشد و تعالی مسلمانان در سایه مکتب انسان‌ساز اسلام، خطبه‌های دیگری خواندند. در این مسجد اساسی‌ترین موضوعات مربوط به اداره حکومت اسلامی با حضور پیامبر صلی الله علیه و آله بحث و بررسی می‌شد. دوّمین حادثه مهم در تاریخ این مسجد، برقراری پیمان «مؤاخاهٔ: برادری» میان مهاجر و انصار از سوی منادی وحدت بود. از جمله رویدادهای مهمّ دیگر، که مسجدالنّبی صلی الله علیه و آله در آن سال‌ها شاهد بود، «اعلان بسیج عمومی» برای دفاع از اسلام و پاسخ گویی به آزار و ایذا و ظلم و ستم وارده از سوی مشرکان بود. خداوند تبارک و تعالی با نزول آیاتی، کار و زار با مشرکان، که پیامبرش را به ترک خانه و کاشانه خود وادار کردند و هر روز بر آزار و اذیت پیروانش می‌افزودند تجویز کرد. در همین مسجد «وفود»، گروه‌های مختلف برای پذیرش اسلام به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله می‌رسیدند و ده‌ها حادثه دیگر که ذکر آن‌ها در گنجایش این مختصر نیست.

آثار تاریخی و مقدس مسجدالنّبی صلی الله علیه و آله

۱- ستون‌های مسجدالنّبی صلی الله علیه و آله

اشاره

به هنگام بنای مسجد، ابتدا ستون‌هایی از نخل خرما برافراشتند و آن را با شاخه‌های نخل مسقّف ساختند. ستون‌ها در بنای نخست، هشت عدد بود که امروزه با همان نام‌ها تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۹۱ باقی مانده‌اند و هر یک سابقه‌ای به بلندای تاریخ ۱۴۰۰ ساله اسلام داشته و یادآور حوادث و رخدادهای مهمّی بوده و هستند. این ستون‌ها که در داخل روضهٔالنبی صلی الله علیه و آله واقع شده‌اند، عبارت‌اند از:

۱/ ۱- مُخَلَّقه

«اسطوانهٔ المُخَلَّقَه» یادآور نمازگاه پیامبر صلی الله علیه و آله و نزدیک‌ترین ستون‌ها به محراب نماز آن حضرت است. اکنون ستون مورد نظر، کمی جلوتر از محلّ اصلی است «۱» و بالای آن نیز بر دایره‌ای سبز و طلایی، این نام دیده می‌شود. نامگذاری آن به سبب عطر و خُلوقی است که بر آن می‌سوزاندند تا فضای مسجد را عطرآگین کند.

۲/ ۱- عایشه

نام‌های دیگرش «مهاجران» و «القرعه» است. اکنون بالای آن نام «اسطوانهٔ العائشه» دیده می‌شود. سبب نامگذاری آن به این نام‌ها چنین است: وجه تسمیه آن به «عایشه» و «مهاجران» این است که عایشه، در فضل این ستون احادیثی روایت کرده ولذا مهاجران گرداگرد آن می‌نشستند و نماز می‌خواندند. «قرعه» «۲» به آن سبب که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: «در مسجد من مکانی است قبل از این ستون که اگر مردم فضیلت آن را می‌دانستند، کنار آن نماز نمی‌خواندند، مگر آن‌که میان خود (برای نماز

خوانـدن) قرعه می‌زدنـد». سـتون یاد شده درست وسط سـتون‌های اصـلیِ دیگرِ مسـجد قرار دارد؛ یعنی میان این سـتون تا منبر پیامبر صلی الله علیه و آله دو سـتون، تا قبر ایشان نیز دو ستون، تا قبله و محراب کنونی نیز دو ستون و تا صحن اوّلیّه مسجد که تا آن هنگام مسـقف نشده بود؛ یعنی به موازات مئذنه بلال نیز دو سـتون فاصـله دارد. در حقیقت از همه طرف سومین سـتون است و کنار آن نیز ستون «توبه» و سـپس «سـریر» قرار دارد. در مورد نماز خواندن کنار آن، سفارش فراوانی تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۹۲ شده است؛ زیرا از ستون‌های روضهٔ النّبی صلی الله علیه و آله است.

۳/ ۱– توبه: ابی لُبابه

از سـتون‌های بسـیار مهم و با فضیلت مسجد النبی صلی الله علیه و آله ستون توبه است. ابولبابهٔ بن عبد المنذر» یکی از بزرگان اوس، هنگـام غزوه «بنی قریظه» «۱» به درخواست یهودیـان و بـا موافقت پیـامبر صـلی الله علیه و آله به عنوان مشـاور نزد آنان رفت، ابولبابه یهودیـان را به جنـگ و مقاومت تشویق کرد و برگشت اما بی‌درنگ از این اقـدام پشـیمان شـد و سوگنـد یاد کرد که هرگز با پیامبر صلی الله علیه و آله روبه‌رو نشود، مگر آن‌که توبه کند و خداوند نیز او را پاك گرداند. ابولبابه یکسـره به مسجد النّبی صلی الله علیه و آله رفت و خـود را به یکی از سـتون‌های مسـجد بست و به توبه و انـابه پرداخت تـا شایـد خداونـد از کردار زشت او بگـذرد و یا مرگ او را برساند. او در مجموع شـش شبانه‌روز به آن ستون بسته شده بود. در این مدّت تنها همسر او برای اقامه نماز دستان وی را باز می‌کرد و دوباره او را به سـتون می‌بست. سـرانجام سـحرگاهان آیاتی مبنی بر پـذیرش توبه ابولبابه نازل شـد. «۲» پیامبر صلی الله علیه و آله آن شب خنـدان و شاداب برخاست؛ به مسـجد آمد و دسـتان او را گشود. «۳» از آن روز این سـتون به «توبه» یـا «ابو لبابه» مشـهور شـد. حضـرت رسول نوافل خود را کنار این ستون به جا آورده و گاهی نزد آن تاریـخ و آثار اسـلامی، ص: ۱۹۳ اعتکاف می‌جستند. «۱» روایات وارده حاکی است اقامه نماز، عبادت و دعا نزد این ستون بسیار مستحب است. «۲» ستون توبه دوّمین ستون از حُجره و مرقـد پیـامبر صـلی الله علیه و آله و به مـوازات سـتون سـریر در شـرق و سـتون عـایشه در غرب واقع است. به عبـارت دیگر چهـارمین سـتون از منبر پیامبر صـلی الله علیه و آله و سوّمین سـتون از سـمت قبله و جزو سـتون‌های روضـهٔ النّبی صـلی الله علیه و آله است. اکنون نام «اسـطوانهٔ التوبه» زینت بخش آن است. درِ غربی خانه رسول‌اللَّه صـلی الله علیه و آله که به داخل مسـجد باز می‌شـد در مقابل این ستون قرار داشت که آن را «باب التوبه» نام نهاده‌اند.

۴/ ۱– سریر

ابن زبـاله و یحیی، در بیـان محلّ شب زنـده‌داری پیـامبر صـلی الله علیه و آله نقل کرده‌انـد که ایشان سـریری (تختی) از چوب خرما داشتند که کنار ستونی گذاشته و به پهلو روی آن می‌خوابیدند و یا اعتکاف می‌کردند. «۳» امروزه ضریح و دیواره غربی مرقد مطهر پیامبر صـلی الله علیه و آله در میان این ستون و ستون‌های محرس و وفود قرار دارد و در سمت شرق آن ستون توبه است. نبیّ گرامی صلی الله علیه و آله روزها نیز برای پاسخ‌گویی به پرسـش‌ها و مسائل مسـلمانان، به آن تکیه می‌داد و نیازمندی‌های آنان را برآورده می‌ساخت. «۴» «اسطوانهٔ السّریر» اوّلین ستون از سمت قبله است.

۵/ ۱– مَحْرَسْ: علی بن ابی‌طالب علیه السلام

این سـتون به نـام امیرمؤمنـان علیّ بن ابی‌طالب علیه السـلام نیز معروف بوده است. برخی آن را مکان نماز ایشان دانسـته و برخی نیز گفته‌انـد کنار آن می‌ایسـتاد و به محافظت از جان پیامبر صـلی الله علیه و آله می‌پرداخت «۵» و «مَحْرَسْ» نیز به معنـای مکان نگهبانی است. این سـتون در میـان سـتون‌های وفود و سـریر واقع و به موازات آن‌هـا در دیواره ضـریح غربی مرقـد پیامبر صـلی الله علیه و آله

تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۹۴ واقع شده است. پیامبر صلی الله علیه و آله هنگامی که از خانه عایشه برای نماز به مسجد می‌آمدند، از دری که ستون یاد شده کنار آن بود، وارد می‌شدند. امروزه نام «اسطوانهٔ الحرس» بر آن دیده می‌شود.

۱/۶- وُفود

این ستون، که پشت ستون مَحْرَس از سمت شمال قرار دارد، سوّمین ستون از سمت قبله است. پیامبر صلی الله علیه و آله برای دیدار با وفود؛ یعنی دسته‌ها و قبایل عرب کنار آن نشسته و با آنان ملاقات می‌کردند. قبل از مسقف شدن صحن مسجد در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله، این ستون، آخرین ستون شبستان از سمت شمال بوده است. رجال و بزرگان صحابه به‌ویژه بنی‌هاشم کنار آن می‌نشستند و به این سبب محلّ آن را «مجلس قلاده» نیز می‌گفتند. «۱» اکنون بالای آن، نام «اسطوانهٔ الوفود» دیده می‌شود. ستون مذکور به موازات ستون‌های محرس و سریر در میان دیواره غربی ضریح پیامبر صلی الله علیه و آله قرار دارد.

۱/۷- مقام جبرئیل علیه السلام «۲»

کنار این ستون، که به آن «مُرَبَّعهٔ القبر» نیز گفته می‌شود، دَرِ خانه فاطمه علیها السلام دختر گرامی پیامبر صلی الله علیه و آله قرار داشته که به مسجد باز می‌شده است. «۳» مقام جبرئیل علیه السلام به موازات ستون‌های وفود و حرس قرار دارد ولی اکنون داخل ضریح و منتهی‌الیه حجره شریف واقع شده و در دید کسی قرار ندارد. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله چهل روز صبح‌ها دَرِ خانه فاطمه علیها السلام، را می‌زد و می‌فرمود: «السَّلامُ عَلَیْکُمْ أَهْلَ الْبَیْتِ إِنَّما یُرِیدُ اللَّهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیْتِ وَیُطَهِّرَکُمْ تَطْهِیراً». به روایتی دیگر، پیامبر صلی الله علیه و آله هر روز خانه علی علیه السلام را می‌زد و می‌فرمود: «الصَّلاهٔ، الصَّلاهٔ». «۴»

۱/۸- تهجّد

حضرت رسول صلی الله علیه و آله پس از خارج شدنِ مردم از مسجد، شب‌ها به‌ویژه در ماه رمضان، پشت خانه علی علیه السلام کنار ستونی به تهجّد و شب‌زنده‌داری می‌پرداخت. «۱» بعدها در این مکان محرابی به نام «تهجّد» ساختند. «۲» این ستون کنار مکان اصلی باب جبرئیل علیه السلام پیش از توسعه مسجد النّبی صلی الله علیه و آله بود که اکنون کمی عقب‌تر از مکان اصلی است. ستون یاد شده و نیز محراب التهجد اکنون داخل ضریح پیامبر صلی الله علیه و آله قرار گرفته است. ستون تهجد هشتمین و آخرین ستونی است که از دوران آن حضرت باقی است و دیگر ستون‌ها از دوران‌های بعدی است.

۱/۹- حنّانه

پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام قرائت خطبه، ابتدا به درختی در سمت غرب محراب تکیه می‌دادند و از آن به عنوان منبر استفاده می‌کردند. هنگامی که برای ایشان منبری ساختند، بر منبر نشستند. گویند در این هنگام از آن درخت صدایی شبیه به ناله بلند شد که گویی در فراغ آن حضرت سر داده بود. لذا از آن روز این درخت را «حَنّانه» نامیدند. به معنای بانگ بچه شتری که از مادر خود جدا می‌شود. آن حضرت دستی بر درخت کشیدند و آرام شد. «۳» به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله حفره‌ای کنده و آن درخت را دفن کردند. بعدها در توسعه مسجد درخت یاد شده به دست ابیّ بن کعب افتاد و هرگز آن را از خود جدا نکرد. به گفته ابن جبیر، تا قرن ششم این درخت در مسجد بود و مردم آن را مسح و لمس می‌کردند. در مکان این درخت ستونی ساختند و آن را «اسطوانهٔ الحَنّانه» نامیدند. در اوایل قرن چهاردهم، میرزا حسین فراهانی این نام را بر ستون یاد شده تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۹۶ مشاهده کرده است. ستون حنانه بعدها به «الجزعه» تغییر نام یافت. مکان آن میان محراب النبی صلی الله علیه و آله و ورودی غربی

آن است که دری فلزی دارد. امروزه این ستون وجود ندارد. (تصویر شماره ۳۷- ۳۸)

۲- ایوان صُفّه یا منزلگاه فقرا

هنگامی که جمعیت مهاجران در مدینه افزایش یافت، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: برای مهاجران تهی‌دست که برای سکونت در مدینه مکانی ندارند، ایوان مُسقَّفی، در آخر مسجد ساخته شود تا بتوانند در آن‌جا اقامت گزینند. «۱» این عده شب‌ها را بر همین ایوان به صبح می‌رساندند. کسانی چون سلمان فارسی، عمار بن یاسر و مقداد بن اسود و ...، از آن دسته بودند. مورخان تعداد آنان را از ۷۰ تا ۱۰۰ نفر نوشته‌اند. «۲» این افراد در تاریخ به «اهل صُفّه» معروف شدند. ایوان صفّه را در دوران عثمانی «دكَّةُ الأغوات» می گفتند که هنوز هم به این نام خوانده می‌شود. پیامبر صلی الله علیه و آله از مقابل اهل صفه می گذشت و می‌فرمود: اگر می‌دانستید که نزد خدا چه جایگاهی دارید، به یقین می‌خواستید که بر فقر شما افزوده شود. «۳» خداوند تبارک و تعالی آیات شریفه سوره کهف را در مورد این فقرا بر آن حضرت نازل کرد. وَ اصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَداةِ وَ الْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَ لا تَعْدُ عَيْناكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَياةِ .... «۴» تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۹۷ زمانی که این آیات نازل شد، پیامبرخدا صلی الله علیه و آله فرمود: «الْحَمْدُ للَّهِ الَّذِی جَعَلَ فِی أُمَّتی مَنْ أُمِرْتُ أنْ أَصْبِرَ نَفْسِی مَعَهُمْ». «سپاس خدای را که در امّت من کسانی را قرار داد که مأمور شده‌ام همراه آنان صبر پیشه کنم.» «۱» این ایوان، که اکنون در شمال شرقی محدوده اولیه مسجد و میان باب جبرئیل علیه السلام و باب‌النساء قرار دارد، ارتفاعی حدود نیم متر و مساحتی حدود سی متر داشته و به شکل مربع مستطیل است. یک سوم قسمت جنوبی آن؛ یعنی به سمت قبله، از دوران پیامبر صلی الله علیه و آله و بقیه آن از افزوده‌های دوران عمربن عبدالعزیز است. تلاوت قرآن و اقامه نماز بر این ایوان بسیار سفارش شده است. در مقابل این ایوان، ایوان التهجد و نیز دیواره شمالی حجره شریف؛ یعنی بیت فاطمه علیها السلام قرار دارد. (تصویر شماره ۳۹)

۳- منبر

هنگام بنای مسجدالنّبی، برای پیامبر صلی الله علیه و آله منبری نساخته بودند؛ چنانکه پیشتر گفتیم، آن حضرت خطبه‌های خود را کنار تنه درخت خرمایی که به آن تکیه می‌زدند می‌خواندند. هنگامی که برای ایشان منبری تهیه شد، روز جمعه بر فراز آن رفتند. «۲» در مورد نخستین کسی که برای پیامبر صلی الله علیه و آله منبر ساخت اختلاف است؛ برخی نوشته‌اند: نخستین منبر، از گِل ساخته شد و پله نداشت. برخی دیگر گویند از چوب و دارای سه پله بود. پیامبر صلی الله علیه و آله بر پله سوم می‌نشست و پاهای مبارک خود را بر پله دوم می گذاشت. خلیفه اول یک پله پایین‌تر و خلیفه دوم یک پله از او پایین‌تر می‌نشستند، لیکن عثمان بن عفان، بر خلاف سلف خود، جای پیامبر صلی الله علیه و آله؛ یعنی بر پله سوم می‌نشست. تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۹۸ معاویه بعدها شش پله از پایین بر منبر افزود. عثمان نخستین کسی است که بر منبر پیامبر صلی الله علیه و آله پوشش انداخت. بعدها سنگی از مرمر ساختند و منبر را درون آن قرار دادند. نخستین کسی که چنین کرد عبداللَّه‌بن حسن‌بن حسن‌بن علی علیه السلام، والی مدینه، در سال ۱۵۰ ق. بود. «۱» در جریان آتش‌سوزی که به سال ۸۸۶ ق. در مسجد النّبی صلی الله علیه و آله رخ داد، این منبر کاملًا در آتش سوخت. چندی بعد قطعه‌ای از چوب آن را یافتند و در محل خود قرار دادند؛ بر روی آن نیز منبری از چوب صندل و سپس از آجر و سنگ ساختند که ظاهراً این کار به دستور سلطان اشرف قایتبای، در ۸۸۸ ق. صورت گرفت. منبر یاد شده تا ۹۹۸ ق. موجود بود. در آن سال سلطان مراد عثمانی منبر نفیس و یک پارچه‌ای از سنگ مرمر ساخت وبه‌جای منبر قبلی نهاد. این منبر اکنون نیز موجود

و درسمت راست محراب النبی صلی الله علیه و آله و مقابل محل اذان بلال قرار دارد. «۲» گفتنی است همه ساله خلفا و پادشاهان، برای پوشش منبر پارچه‌ای زیبا و نفیس به مدینه می‌فرستادند و آن را می‌پوشاندند؛ چنانکه خواهیم گفت میان منبر و قبر پیامبر را روضهٔ النّبی گویند. از آن حضرت نقل شده است که «قوائم منبری رواتب فی الجنه»؛ «پایه‌های منبر من در بهشت استوار است.» «۳» (تصویر شماره ۴۰)

۴- محرابها

۱/ ۴- محراب النّبی صلی الله علیه و آله

پیامبر صلی الله علیه و آله نمازهای خود را کنار ستونی می‌خواند که بعدها به «المخلّقه» معروف شد. در دوران آن حضرت محرابی وجود نداشت، عمر بن عبدالعزیز، والی مدینه، در دوران اموی نخستین کسی بود که بر مکان نماز ایشان محراب ساخت؛ این محراب سمت دیوار قبله بود که بعدها در توسعه مسجد تخریب شد. محل محراب یاد شده در طول تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۱۹۹ سالیان دراز و در توسعه‌ها و تعمیرات اندکی تغییر یافته است. در دوران سلطان اشرف قایتبای، محرابی نفیس و زیبا از سنگ مرمر، مزیّن به آیات قرآن ساختند و بعدها حفره آن پر گردید و همسطح زمین شد؛ آنگاه محراب پیامبر صلی الله علیه و آله را با پارچه‌ای نفیس و از جنس پوشش قبر پوشانیدند. این محراب با همان تزییناتِ دوران عثمانی همچنان موجود است. در فضیلت این محراب گفته‌اند که به منزله کعبه است؛ یعنی کسی که به آن می‌نگرد، گویی نگاهش را به کعبه دوخته است. «۱» محراب النبی صلی الله علیه و آله اکنون به ستون مُخَلَّقَه متّصل است؛ یعنی این ستون سمت مغرب آن قرار دارد. محراب به‌گونه‌ای قرار داده شده که سجده کننده بر آن، صورت خود را بر محل نشستن پیامبر صلی الله علیه و آله، نه محل سجده آن حضرت می‌گذارد. «۲» (تصویر شماره ۴۱)

۲/ ۴- محراب التّهجّد

این محراب در پشت منزل فاطمه علیها السلام؛ یعنی منتهی‌الیه حجره شریفه پیامبر صلی الله علیه و آله و مقابل ایوان صفه، محل و مکان تهجّد و نماز شب رسول‌اللّه صلی الله علیه و آله و فاطمه علیها السلام، دختر معصوم ایشان بوده است. محراب در دوران عثمانی تعبیه شده و پس از برداشتن آن در دوران سعودی، بیرون حجره شریفه؛ یعنی مقابل ایوان صفه، ایوانی به ارتفاع سی سانتی‌متر و عرض حدود شش متر ساخته‌اند که زائران برای درک فضیلت نماز در محراب یاد شده، بر این ایوان به اقامه نماز می‌پردازند. (تصویر شماره ۴۲)

۳/ ۴- محراب فاطمه علیها السلام

این محراب، داخل منزل فاطمه علیها السلام؛ یعنی جنوب محراب التهجّد قرار داشته که محلّ اقامه نماز فاطمه علیها السلام بوده است. محراب مذکور اکنون داخل حجره پیامبر صلی الله علیه و آله است.

۴/ ۴- محراب عثمانی

محراب عثمانی، در دیوار کنونی مسجد در سمت قبله و پشت محراب النّبی صلی الله علیه و آله از عصر عثمان بن عفّان است. قسمتی که اکنون محراب عثمانی در آن قرار گرفته، از تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۰۰ افزوده‌های این خلیفه بوده که از باب السَّلام

تا باب البقیع امتـداد می‌یابد. «۱» اکنون امام جماعت مسـجدالنّبی صـلی الله علیه و آله در این محراب نماز اقامه می‌کنـد. بنای آن، از آثار سده نهم هجری است و سلطان اشرف قایتبای آن را ساخته است.

۵/ ۴- محراب سلیمانی: حنفی

این محراب که در خارج روضهٔالنّبی صـلی الله علیه و آله و سـمت غرب منبر قرار دارد، به وسـیله طوغان شـیخ ساخته شده و سـلطان سلیمان بن سـلیم عثمانی آن را تجدیـد بنا کرده است. تا آن دوران، حنفیان در امامت نماز حرم نبوی شـریک نبودنـد، فقط مالکیان امـامت را بر عهـده داشـتند. در قرن هفتم هجری حنفیان نیز به امامت نماز جماعت مسـجد راه یافتنـد. در دوران عثمانی این محراب برای حنفی‌ها ساخته شد و شـمع‌هایی بر آن و سایر محراب‌ها افروخته می‌شد که شمعدان‌های آن از نقره بود. در محراب حنفی یک شمع و در محراب نبوی دو شمع روشن می‌شد. «۲»

۵- روضهٔ النّبی صلی الله علیه و آله

قَالَ رَسُولُ اللَّه صلی الله علیه و آله: «مَا بَیْنَ بَیْتِی وَ مِنْبَری رَوْضَهٌ مِنْ رِیَاضِ الْجَنَّهِ». «۳» روضهٔ النّبی صلی الله علیه و آله یکی از بهترین مکان‌های روی زمین است که پیامبر صلی الله علیه و آله همه روزه، پنج بار یا بیشتر برای اقامه نماز جماعت و جلوس بر منبر شریف، در این مسـیر تردد می‌کردند. از آن حضـرت احادیث بسـیاری در فضیلت این محل روایت شده که آن را قطعه و یا زمینی از بهشت دانسته‌اند. روایاتی که در این مورد از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده، مورد استناد و تواتر فریقین است؛ از جمله: «إنَّ مِنْبَری عَلی تُرْعَهٌ مِنْ تُرَعِ الْجَنَّهِ». «۴» تاریخ و آثار اسـلامی، ص: ۲۰۱ ترعه را به معنـای باب و در دانسـته‌اند؛ یعنی منبر ایشان بر دری از درهای بهشت قرار دارد. «۱» «مَا بَیْنَ قَبْری وَ مِنْبَری رَوْضَهٌ مِنْ رِیَاضِ الْجَنَّهِ». «۲» و نیز «مَا بَیْنَ حُجْرَتِی وَ مُصَلَّائِی رَوْضَهٌ مِنْ رِیَاضِ الْجَنَّهِ». «۳» به نظر می‌رسـد روایت «مَـا بَیْنَ بَیْتِی وَ مِنْبَری» معقول‌تر باشـد؛ زیرا با توجّه به این‌که پیامبر صـلی الله علیه و آله برای مکان دفن خود وصـیتی نکرد و ممکن بود آن حضـرت را در مکان‌های دیگری دفن کننـد؛ منطقی به نظر می‌رسد که منظور آن حضـرت از «مَا بَیْنَ قَبْری وَ مِنْبَری»، مکـان دفن او در هر نقطه از زمین تا منبر ایشان در مسـجدالنّبی صـلی الله علیه و آله باشـد که آن را باغی از باغ‌های بهشت بداننـد. درمعنا وتفسیر «رَوْضَـهٌ مِنْ رِیَاضِ الْجَنَّهِ» گفته‌اند، مقصود آن است که این قسـمت در آخرت به بهشت منتقل شده و همانند دیگر قسـمت‌های زمین از بین نمی‌رود و این مزیّت وفضل عظیمی‌برای این‌مکان‌است. عبادت در این محل که نسبت به سایر قسـمت‌های مسـجد فضیلت و برتری دارد، ان شاءاللَّه اجر و پاداش بهشت خواهد داشت. بعضـی گفته‌اند: همان‌گونه که بر جدّ پیامبر صلی الله علیه و آله یعنی ابراهیم علیه السـلام، حجرالأسود از بهشت قرار داده شد تا آن را در کعبه نصب کند، برای رسول اللَّه صلی الله علیه و آله نیز مکـان عبـادت ایشان باغی از بهشت گردیـد. در عرض روضه شـریف انـدکی اختلاف است؛ امّا در مورد طول آن اختلافی نیست. ابن زبـاله طول روضه شـریف پیـامبر صـلی الله علیه و آله را که از منبر آن حضـرت تا آخر حجره شـریف در شـرق است، حدود ۲۲ متر ذکر کرده است. «۴» بر اساس نظر اهل سـنت، عرض تاریخ و آثار اسـلامی، ص: ۲۰۲ روضه تنها دو سـتون از سمت قبله را در بر می‌گیرد. امـا بر اسـاس نظر شـیعه، عرض روضه از آغاز حـد قبلی مسـجد در دوران پیامبر صـلی الله علیه و آله از سمت قبله، که اکنون با نرده‌های نقره‌ای مشـخص است تا منتهی‌الیه دیوار شـمالی و به عبارتی دیگر، تا پایان ضـریح کنونی و دیوار شرقی حجره است. به این ترتیب عرض روضه شـریف شامـل هشت سـتون از جنـوب به شـمال می‌گردد که همـان حـدّ اولیه مسـجد است. با این وصف خانه فاطمه علیها السلام نیز جزو روضهٔ النبی صلی الله علیه و آله قرار می‌گیرد. (تصویر شماره ۴۰)

۶- بیت شریف پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله

پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام بنای مسجد، ابتدا اتاقی برای همسر خود سوده ساختند و در آن ساکن شدند. در سال بعد نیز حجره عـایشه را بنـا کردنـد. این اتاق‌ها در شـرق مسـجد قرار داشت؛ همان جایی که اکنون قبر پیامبر صـلی الله علیه و آله است. البته پس‌از چنـدی، برای صـفیه و امّ‌سـلمه؛ دو همسـر دیگر رسول‌اللَّه صـلی الله علیه و آله نیز اتاق‌هـایی بنـا گردیـد. منـابع تاریخی، از بی‌نهایت سادگی این خانه‌ها سخن گفته‌اند. «۱» هنگامی که ولید بن عبدالملك برای توسعه مسجد، فرمانی صادر و آن خانه‌ها را خراب کرد، بسـیاری از مسـلمانان به شدّت می گریسـتند و می گفتند کاش اجازه می‌دادند این خانه‌ها به همان شکل برای آیندگان بماند تا ببینند کسـی که کلیدهای خزاین دنیا به دست اوست، چگونه به چند خشت گِلی قناعت کرده است! «۲» خانه‌های همسران پیامبر صلی الله علیه و آله پس از رحلت آن حضـرت، همچنان در دست آنان باقی بود و گاهی برای کسـی وصـیّت کرده و یا می‌فروختند تا این‌که در دوران عمر بن عبدالعزیز، والی مدینه، تخریب و به فضای مسـجد افزوده شد. چون پیامبر در محل سکونت عایشه؛ یعنی منتهی‌الیه ضریـح و دیوار کنونی حجره به سـمت قبله دفن شـد. عـایشه همچنـان در نیمی از منزل سـاکن بود که این نیمه نیز در زمان ولیـد بن عبدالملك، همراه سایر خانه‌های همسـران و دختران تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۰۳ پیامبر صـلی الله علیه و آله تخریب و در اطراف مرقد منوّر دیواری پنج ضلعی بنا شد.

۷- خانه فاطمه علیها السلام

خـانه فـاطمه و امام علی علیهما السـلام پشت خانه عایشه بود. دری به سـمت شـرق؛ یعنی کوچه و دری به سـمت غرب؛ یعنی داخل مسجد و به موازات ستون‌های وفود و حرس داشت. در دیوار جنوبی آن، روزنه‌ای به خانه پیامبر صلی الله علیه و آله باز شده بود که آن حضـرت همواره از آن احوال دخترشان را جویا می‌شدنـد و می‌فرمودنـد: «السَّلامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيتِ». و به روایتی دیگر: «الصَّلاةُ، الصَّلاةُ، الصَّلاةُ، إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً «۱».» پیامبر گرامی اسـلام هنگامی که از سـفر باز می گشـتند، ابتدا به خانه دختر بزرگوار خود آمده، آنگاه به منزل خود می‌رفتند. خانه فاطمه علیها السلام اکنون در داخل ضریح، در انتهای دیواره غربی و شـمالی حجره قرار گرفته است. سـمهودی گوید: میان خانه فاطمه علیها السـلام و عایشه دیواری بوده و وسـط خانه فاطمه علیها السـلام مکانی است که مردم بسـیار محترم می‌دارنـد و از روی آن عبور نمی کننـد. برخی گفته‌اند که این مکانِ‌قبر فـاطمه علیهـا السـلام است. سـمهودی و برخی دیگر از مورّخـان سـنگ قـبری نیز در آن، بـا عنوان «هـذا قـبر فاطمـهٔ بنت رسول اللَّه» دیده‌انـد. دری که اکنـون در سـمت‌باب جبرئیـل، به عنـوان درِ خـانه فـاطمه مشـهور است، همـان دری است که به سـوی کوچه بـاز می‌شـده است. خداونـد به پیامبرش فرمان داد تا همه درهایی که به مسـجد باز می‌شـد، جز درِ این تاریـخ و آثار اسـلامی، ص: ۲۰۴ خانه را ببندنـد؛ «أَمَرَ بِسَدِّ الْابْوابِ إلّا باب علیّ» این حـدیث را بسـیاری از مورّخان اهل سـنت چون احمـد بن حنبل، نسائی، طبرانی، حافظ بن حجر، حاکم نیشابوری و دیگران نقل کرده‌اند. «۱» در همین خانه بود که دو نور چشم پیامبرخدا صلی الله علیه و آله؛ یعنی حسن و حسـین علیهما السلام به دنیا آمدند؛ پس از رحلت جانسوز پیامبر صلی الله علیه و آله عدّه‌ای در همین خانه بر شایستگی‌های علی علیه السـلام برای خلافت تأکید و از بیعت با خلیفه خودداری ورزیدند. ابوبکر هنگام مرگ خود آرزو می کرد کاش سه کار را نمی‌کردم که یکی از آن‌ها استفاده از زور برای باز کردن درِ خانه فاطمه علیها السلام بود. «۲» (تصویر شماره ۴۳)

۸- مرقد مطهّر و منوّر پیامبرخدا صلی الله علیه و آله

اشاره

هنگامی که «رحمهٔ للعالمین» به «ربّ العالمین» پیوست، علی علیه السلام شیون‌کنان مسلمانان را از رحلت ایشان خبر داد؛ «۳» روح بلند پیامبر عظیم‌الشأن اسلام به حق پیوست و پذیرش آن برای بعضی سخت می‌نمود. کسانی چون علی علیه السلام، عباس و پسران او، فضل‌و قثم و نیز اسامهٔ بن زید برای انجام مراسم غسل و کفن پیامبر صلی الله علیه و آله حضور یافتند. «۴» پس از انجام غسل و کفن پیامبر صلی الله علیه و آله، برای دفن آن حضرت اختلاف پیش آمد. علی علیه السلام گفت: از پیامبر شنیده است‌که «هیچ پیامبری تاکنون رحلت نیافته جز آن‌که او را در همان جایی‌که از دنیا رفته دفن کرده‌اند»، لذا آن حضرت‌را باکمک چند تن ازیاران خود، ازبنی‌هاشم، درهمان محلّی‌که رحلت‌کرد؛ یعنی درخانه خودکه عایشه در آن می‌زیست تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۰۵ به خاک سپردند. خلیفه اول و پس از آن، خلیفه دوم نیز پس از فوت، کنار قبر پیامبر صلی الله علیه و آله به خاک سپرده شدند. وضعیت دفن آن دو، این‌گونه بود که ابوبکر را پشت سر پیامبر صلی الله علیه و آله و سر او را محاذی شانه‌های آن حضرت و عمر را پشت سر ابوبکر و سر وی را محاذی شانه‌های ابوبکر قرار دادند. در دوران عثمان مردم همواره برای بردن تربت پیامبر صلی الله علیه و آله به کنار قبور می‌آمدند؛ لذا عایشه دیواری میان قبور و محل سکونت خود کشید. در این دیوار شکافی بودکه مردم از آن نیز تربت می‌گرفتند و عایشه این شکاف را نیز بست. «۱» (تصویر شماره ۴۴) تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۰۶ عمربن عبدالعزیز حاکم مدینه، این دیوار را تخریب کرد و از اساس، دیوار دیگری ساخت و تمامی اتاق‌های همسران پیامبر صلی الله علیه و آله را به مسجد افزود. همچنین دیواری پنج‌ضلعی برگِرد سه قبر کشید و آن را مسقّف و اصلاح و تعمیر کرد. بعضی نیز گفته‌اند: پوشانیدن قبر پیامبر صلی الله علیه و آله از چشم مردم، در زمان معاویه بود و آن هنگامی بود که امام حسن علیه السلام از دنیا رفت؛ بر اساس وصیّت نواده پیامبرخدا صلی الله علیه و آله تصمیم به دفن ایشان کنار قبر پیامبر صلی الله علیه و آله گرفتند ولی مروان بن حکم و عایشه با این امر مخالفت کردند؛ لذا ناگزیر امام حسین علیه السلام، جنازه برادر را در بقیع به خاک سپرد؛ پس از این واقعه، قبر پیامبر صلی الله علیه و آله و دو خلیفه را با دیوار و سقفی پوشانیدند که حتی در هم نداشت. «۱» از ابن جوزی نقل شده که روزی قحطی شدیدی در مدینه به وجود آمد و مردم نزد عایشه همسر پیامبر آمدند. وی گفت: به قبر پیامبر صلی الله علیه و آله بنگرید. آنان نیز دریچه‌ای از سقف قبر آن حضرت به آسمان باز کردند؛ به‌طوری که میان قبر و آسمان هیچ سقف و پوششی نبود. در این حال، رحمت الهی از آسمان نازل شد؛ گیاهان روییدند و شتران سیراب شدند. بعدها باز کردن این دریچه جزو سنت‌های مردم مدینه شد که تا حیات سمهودی (قرن نهم) نیز ادامه داشت. «۲» پس از مدتی دیوار نا منظمی بر مقبره آن حضرت و دو خلیفه کشیده شد؛ به‌گونه‌ای که میان چهاردیواری خانه و مقبره و دیوار جدید، از سمت مشرق سه ذراع و از مغرب دو ذراع (یک متر) و در جهت قبله نیز کمتر از یک ذراع (۴۹ سانتی متر) فاصله داشت. در دوران متوکّل (۲۳۲ ق.) و المتقی (۵۴۸ ق.) دیوار حجره شریف با سنگ مرمر پوشانیده شد و در دوران سلطان اشرف قایتبای مجدداً تعمیر و مرمت گردید و بالای سر پیامبر صلی الله علیه و آله صندوقی قرار دادند که ردای ایشان و دو قرآن به خط کوفی در آن نگهداری می‌شد. یکی از آن‌ها قرآن خلیفه سوم بود که خون وی بر آن ریخته و دیگری نیز به خط حضرت علی علیه السلام بود که هر دو در آتش سوزی مسجد سوخت. «۳» تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۰۷ عمربن عبدالعزیز در تعمیرات مسجد و مقبره، هر دو جدار را به صورت مخمّسِ (پنج ضلعی) درآورد. (تصویر شماره ۳/ ۴۴)

۱/ ۸- پوشش قبر

چنانکه ابن نجّار نقل کرده، پس از پایان پوشش سنگ مرمر، مقبره شریف، که به‌وسیله جواد اصفهانی انجام شده بود، حسین بن

ابی‌الهیجاء، وزیر مملوکی مصـر، در ۵۶۶ ق. پوششـی از دیبـای سـفید، با تزیینات و ابریشم زرد و سـرخ و حریر با نقش آیات سوره یس بر مقبره شـریف قرار داد که در دوران‌های بعد نیز پرده‌های بسـیار زیبا و نفیسـی برای پوشش این مقبره به مدینه ارسال شد. «۱» اکنون نیز پرده داخلی کعبه، که به رنگ سبز است، پس از تعویض بر روی مرقد پیامبر صلی الله علیه و آله پوشانیده می‌شود.

۲/ ۸– قنادیل داخل

در داخـل حجره شـریف، برای زینت و روشـنایی چهل قنـدیل از نقره و بلور بر سـقف نصب شـده بود. تا دوران عثمانی، سـلاطین و ملوک، قنادیل بسـیار با ارزش و زیبایی را هدیه و ارسال می‌کرده‌اند «۲» که تمامی این اشیا در ابتدای دوران سعودی به بهانه بدعت و شرک برداشته شده است. «۳»

۹– قبر فاطمه علیها السلام دختر گرامی پیامبر صلی الله علیه و آله

در تاریخ وفات و جای دفن حضرت فاطمه علیها السلام نظریات گوناگون وجود دارد؛ بیشتر منابع تاریخی، وفات آن حضرت را سه یا شـش ماه پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله نوشته‌اند، «۴» اما تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۰۸ نظریه مشهور نزد شیعه، ۷۵ یا ۹۵ روز اسـت. «۱» صـدیقه کبری علیهـا السـلام، در آخرین لحظـات حیات، به همسـرش، علی علیه السـلام وصـیت کرد که او خود شسـتشو و غسـلش دهـد و کسـی جز او و اسـماء بنت عمیس، کفن و دفنش نکننـد و آنـان شب‌هنگـام و به‌طور مخفیـانه به خـاکش سپردند و تا ابد قبرش را بر ارادتمندان و مشتاقانش پنهان ساختند. بر اساس منابع تاریخی و روایات مأثوره، محلّ دفن آن معصوم، بنا به احتمال، در یکی از سه نقطه زیر است. ۱. طبق روایتی از ابن شبّه در «تاریخ المدینه»، قبر فاطمه علیها السلام در قبرستان بقیع و در گوشه خانه «عقیل بن ابی‌طالب» است. «۲» این خانه در ابتدای قبرستان بقیع و همان‌جایی بوده که امروز قبور ائمه شیعه واقع است. بر اسـاس این روایت، در مـدخل خروجی، کوچه‌ای میـان خـانه عقیل و خانه نبیه بن وهب قرار داشـته که میان قبر و قنات کنار آن، ۲۳ ذراع (یازده متر) فاصـله بوده است. ابن شبّه همچنین از عبیداللّه بن علی روایت کرده که حسن‌بن علی علیه السـلام وصـیت کرد که مرا کنـار قبر مـادرم در بقیع دفن کنیـد، پس او را در مقبره‌ای کنار قبر مادرش؛ در مقابل پنجره خانه نُبیه بن وهب به خاک سپردنـد. در این مقبـره دو قبر بـا سـنگ نبشـته‌ای وجود داشت: قبـر حسن بن علی علیه السـلام و قبر عـایشه همسـر پیـامبر. «۳» سمهودی نقل کرده‌که امـام صادق علیه السـلام در سال ۱۴۸ ق. وفات یافت و در بقیع کنار پـدر و جـده‌اش مدفون شد؛ بر قبور آنان سـنگ نبشـته مرمری با این عبارت دیـده می‌شـد: «هـذا قبرُ فاطمهٔ بنت رسول اللّه سیّدهٔ نساء العالمین و قبر الحسن‌بن علی و علیّ بن الحسـین و قبر محمّد بن علیّ و جعفر بن محمد علیهم السـلام». «۴» علی بن موسـی از مورّخان عصـر عثمانی نیز گوید: فاطمه علیها السلام در کنار ائمه شـیعه مدفون شده است. «۵» بر این اسـاس، که البته اجماع نظر اهل سـنت بر آن است، قبری که در تاریـخ و آثار اسـلامی، ص: ۲۰۹ پـایین قبور ائمه شـیعه است، متعلق به فـاطمه علیهـا السـلام می‌باشـد نه فاطمه بنت اسـد، مادرِ امام علی علیه السـلام، آنگونه که شیعیان می‌پندارند. ۲. برخی از مورّخان گفته‌اند قبر فاطمه علیها السـلام در خانه ایشان قرار دارد. ابن شبّه و سمهودی نیز روایاتی در این مورد ارائه کرده‌اند؛ از جمله سـمهودی گوید: فاطمه علیها السـلام از علی علیه السـلام در لحظات احتضار خواستند تا فرش خانه را برداشـته و محلّی را برای دفن ایشـان آماده سازد. «۱» شـیخ صـدوق از امام صادق علیه السـلام روایت کرده است که فاطمه علیها السـلام در داخل خانه خود، که در توسـعه عمر بن عبـدالعزیز جزو مسـجد شـد، دفن گردیده‌انـد. «۲» ابن شـبّه همچنین از ابو غسّان روایت می‌کنـد که فـاطمه علیهـا السـلام در خـانه خود دفن شـده و بر مقبره او مثل همان چیزی که بر مقبره پـدر ایشان قرار گرفت، ساختنـد؛ چون او را در شب به خـاک سپردنـد، بسـیاری از مردم خبر نیافتنـد. «۳» سـمهودی گویـد: هنگامی که پایه‌های گنبد مقبره

پیامبر صلی الله علیه و آله ساخته می‌شد، در سمت شرق آن؛ یعنی پشت حجره، مکانی مثلث شکل بود که قبری و لحدی در آن یافتند. خبر آن میان مردم سر و صدایی ایجاد کرد. «۴» علاوه برآن، روایات ابن آشهرآشوب در «المناقب» و کلینی در «کافی» حاکی است که فاطمه علیها السلام در منزل خود، که امروزه داخل مقصوره و ضریح پیامبر صلی الله علیه و آله قرار گرفته، مدفون گردیده است. «۵» ۳. گروهی چون ابوالفتوح رازی و ابن شهرآشوب از محدثان و مفسران شیعه نیز تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۱۰ نقل کرده‌اند که قبر فاطمه علیها السلام در محل روضهٔالنّبی صلی الله علیه و آله؛ یعنی فاصله میان منبر و مرقد پیامبر قرار دارد «۱» که این نظریه نیز مؤید نظریه دوم است؛ زیرا به اعتقاد شیعه؛ چنانکه گفتیم، منزل حضرت فاطمه علیها السلام جزو روضهٔالنبی صلی الله علیه و آله محسوب می‌گردد. پس می‌توان این نظریه را با نظریه دسته دوم که محل دفن را در خانه ایشان می‌دانند، یکی دانست. در هر حال، بر اساس روایات مورد اعتماد شیعه، که عمدتاً کسانی چون شیخ صدوق، طوسی، مجلسی، ابن شهرآشوب و ... نقل کرده‌اند، احتمال دفن آن مکرّمه در منزل ایشان محتمل‌تر و قطعی‌تر است؛ زیرا بعید است با توجه به فاصله میان خانه فاطمه علیها السلام و بقیع و این که ایشان وصیت کرده بودند تا هیچ‌کس از محل دفن و مراسم تشییع او با خبر نشود، علی علیه السلام ایشان را از این مسافت عبور داده و در بقیع به خاک سپرده باشد. این مکان امروزه در داخل دیوار شمالی حجره و مرقد پیامبر و پشت ایوان التهجد قرار دارد. واللَّه اعلمُ بِالصّواب.

۱۰- مکان الجنائز (محل نماز بر مردگان)

در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله برای اقامه نماز میت، مکانی در مسجدالنبی صلی الله علیه و آله اختصاص یافته بود که آن حضرت ابتدا در آن‌جا بر مردگان نماز می‌گزاردند و سپس بازماندگان اموات او را به سوی بقیع می‌بردند. در آن زمان دو نخل خرما در مسجدالنبی صلی الله علیه و آله وجود داشت که میت را میان آن‌ها گذاشته و نماز می‌خواندند. عمر بن عبدالعزیز، آن دو نخل را قطع کرد. از عبداللَّه بن عمر نقل شده است که در این مکان بر خلیفه دوم نماز گزارده شد و وی قبل از خود در این محل بر ابوبکر نماز گزارده بود. بعضی گویند این مکان نزدیک منبر پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است. این سنت همچنان تا به امروز ادامه دارد و در سمت چپ (شرق) مقبره آن حضرت؛ یعنی در نزدیکی مدخل باب البقیع، بر مردگان نماز اقامه می‌گردد و سپس متوفی را به سوی بقیع تشییع می‌کنند.

۱۱- مقام و مهبط جبرئیل امین علیه السلام

در باره محلّ مقام و مهبط جبرئیل علیه السلام اختلاف است. ابن شبه از غسان روایت می‌کند مقام جبرئیل علیه السلام؛ آن‌جایی که جبرئیل علیه السلام بر پیامبر صلی الله علیه و آله هبوط کرد، نزدیک «باب آل عثمان» (باب جبرئیل علیه السلام) است؛ «۱» در گذشته، در مدخل خروجی این باب، به اندازه ۵۰/ ۱ متر در سمت راست، سنگی سیاه‌تر از سنگ دیوارهای مسجد به ارتفاع حدود ۴۰ سانتی‌متر قرار داده بودند که نشانه مقام و مهبط جبرئیل علیه السلام بوده است. در حقیقت امروز مکانِ مهبط جبرئیل امین علیه السلام در داخل ضریح و چند متر بالاتر از دیواره شمال شرقی حجره مطهّره قرار گرفته است؛ زیرا در قبل از توسعه، باب جبرئیل ۳ متر بالاتر و کمی جلوتر از باب جبرئیل کنونی بوده است. «۲»

۱۲- محل اذان بلال

هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله به بلال حبشی فرمود برای اعلام وقت نماز، اذان سر دهد، وی بر دیوار جنوب غربی مسجد و به روایتی قبل از تغییر قبله، بر ستونی در خانه عبداللَّه بن عمر در جنوب مسجد (دار العشره) اذان گفت. پس از تغییر قبله و زمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله به توسعه مسجد پرداختند؛ یعنی بعد از غزوه خیبر، این محل داخل مسجد قرار گرفت و در حقیقت محل اذان جدید مقداری پایین‌تر و نزدیک صحن مسجد، در انتهای دیواره شمال غربی گردید. بعدها به یاد بلال حبشی، یار فداکار رسول اللَّه صلی الله علیه و آله مئذنه‌ای زیبا از سنگ مرمر سفید، به ارتفاع دو متر ساختند که بر ستون‌هایی از سنگ استوار و اکنون در اوقات پنج‌گانه بر آن اذان سر می‌دهند. تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۱۲ ؟؟؟ موقعیت ستونهای مهم مسجدالنّبی صلی الله علیه و آله و روضهٔالنّبی صلی الله علیه و آله

۱۳- درهای مسجد

از هنگام بنای مسجد النّبی صلی الله علیه و آله تا کنون، تعداد درهای آن در تغییر و تحول بوده و گاهی افزایش و یا کاهش داشته است. این مسجد در زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله تنها سه در داشته و در دوران‌های بعد؛ به‌ویژه دوران اموی، تعداد آن‌ها به ۲۰ عدد رسید. در دوران عثمانی، همه درها بسته شد و تنها پنج در به‌جا ماند. در ابتدای دوران حکومت سعودی، شش درِ دیگر به مجموع آن افزوده شد و درتوسعه دوم سعودی، تعداد درها به ۴۲ رسید. تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۱۳ ۱/ ۱۳- عصر پیامبر صلی الله علیه و آله ۱. «باب جبرئیل علیه السلام» در میانه دیوار شرقی. ۲. «باب الرَّحمه» در شمال دیوار غربی. ۳. «باب عاتکه» در میان دیوار جنوبی. «۱» باب جبرئیل علیه السلام: این در، از مهمترین درهای مسجد النّبی صلی الله علیه و آله است که به نام‌های «باب الجنائز»، «باب الجبر» و «باب عثمان» نیز معروف بوده است. وجه نامگذاری آن به «جبرئیل» چنین است که آن مأمور امین و آورنده وحی، در پایان غزوه خندق، در این مکان به محضر پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و به آن حضرت گفت: آیا سلاح خود را افکنده‌اید؟ پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: بلی. وی گفت: خداوند می‌فرماید: ما هرگز تو را به افکندن سلاح امر نکرده‌ایم، باید به سوی بنی‌قریظه حرکت کنی؛ آنگاه افزود: من به سوی آنان رفته و در خانه‌هایشان زلزله می‌افکنم. پس رسول اللَّه صلی الله علیه و آله به بلال فرمان داد که اذان سر دهد و آنگاه خطاب به مسلمانان فرمودند: «هر کس که از ما اطاعت می کند، نباید نماز عصر را جز در سرزمین بنی‌قریظه بخواند». صحابه بی‌درنگ مسلح و بسیج شده و همراه پیامبر صلی الله علیه و آله حرکت کردند. این باب را به این سبب «باب الجنائز» گفته‌اند که مکان نماز بر مردگان (مکان جنائز) در مجاورت آن قرار دارد و همچنین پس از اقامه نماز بر میت، تشییع کنندگان مجبور بودند وی را از این باب به سوی «قبرستان بقیع» ببرند و لذا آن را «باب الجبر» هم نامیده‌اند. این در به «باب عثمان» نیز معروف بود؛ زیرا رو به روی خانه عثمان بن عفّان قرار داشت. باب جبرئیل علیه السلام اکنون در جای پیشین و اصلی خود نیست، بلکه در توسعه نخستین مسجد، پس از غزوه خیبر، حدود چهار متر پایین‌تر، به سمت شمال منتقل شد که موقعیت آن اکنون منتهی‌الیه دیوار شرقی خانه فاطمه علیها السلام و حجره و ضریح پیامبر صلی الله علیه و آله است. «۲» در توسعه عثمان‌بن عفان از این مکان نیز حدود سه متر همراه با دیوار شرقی تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۱۴ عقب‌تر رفت و لذا محلّ اوّلی آن، داخل مسجد قرار گرفت. «۱» در توسعه عبدالمجید عثمانی (۱۲۶۵ ق.) برای سهولت ورود و خروج زائران یا برای امکان اقامه نماز در بیرون مسجد، بسته شد و درِ دیگری به موازات آن، حدود سه تا چهار متر پایین‌تر، به طرف شمال، در همان دیوار باز شد که امروزه این در پابرجا و به «باب جبرئیل» مشهور است. در مکان پیشین این در، که در دوره عثمانی تغییر یافت، پنجره‌ای گذاشته و بالای آن به خط زیبایی این آیه را نوشتند: إِنَّ اللَّهَ وَ مَلائِکَتَهُ یُصَلُّونَ عَلَی النَّبِیِّ یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَیْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلِیماً. «۲» این کار به

این دلیل انجام شـد که مکان اصـلیِ باب جبرئیل علیه السـلام در دوره عثمان مشـخص باشـد. از آنجا که اکنون دیواری میان دو درِ کنونیِ بقیع و جبرئیل روبه‌روی آن پنجره کشـیده و اتاقکی بزرگ برای قرار دادن ابزار و ادوات نظافت مسـجد و خادمان ساخته‌اند، آن پنجره در دیـد قرار نـدارد. البته نشـانه دیگری نیز برای مکان پیشـین آن در دوره عثمان وجود دارد و آن این است که بالای آیه یاد شـده، دایره‌ای مکتوب به نام «عزرائیل علیه السـلام» به خط زیبا و در زمینه سبز دیده می‌شود و این دقیقاً نشانه مکان باب جبرئیل علیه السـلام در دوره عثمـان است. پنجره‌های دیگری که گفته شـد، از شـمال این پنجره، نام «اسـرافیل علیه السـلام» و در جنوب نام «میکائیل علیه السـلام» بالای آن دیده می‌شود. نام «عزرائیل علیه السـلام» که نشانه مکان اصلی باب جبرئیل در دوره عثمان می‌باشد، میان این دو پنجره قرار گرفته است، که البته از بیرون دیوار یاد شده دیده نمی‌شود. ۲/ ۱۳- دوران عمر بن خطاب عمر بن خطاب در سمت شـرق و غرب، دو در به درهای مسـجدالنبی صـلی الله علیه و آله افزود. تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۱۵ «باب‌النّساء» را بعد از باب جبرئیل علیه السـلام و «باب السّلام» را بعـد از باب الرّحمه قرار داد و مکان باب عاتکه و باب جبرئیل علیه السـلام را تغییر نداد. باب النِّساء به «باب رَیْطه» دختر سـفاح عباسـی مشهور بود؛ زیرا رو به روی خانه وی قرار داشت. نام دیگر آن باب ابی‌بکر بوده؛ زیرا خانه ریطه همان خانه ابوبکر بوده است. «۱» باب النسای کنونی مقداری عقب‌تر از مکان اصلی آن است و جای نخست آن به پشت ایوان صـفّه متصـل بوده است. زنـان اغلب از این در داخـل مسـجد شـده و اکنون نیز ساعاتی از روز برای ورود آنان اختصاص یافته است. شایـان یـادآوری است در دوران عثمـان به درهای مسـجد افزوده نشـد. ۳/ ۱۳- دوران عمر بن عبـدالعزیز عمر بن عبـدالعزیز، حاکم مـدینه، در دوران ولیـد بن عبدالملک از ۸۶ تا ۹۶ ق. اقـدام به توسعه و ترمیم مسـجد النّبی صـلی الله علیه و آله کرد. در این زمان تعداد درهای مسـجد به ۲۰ رسـید، که در سمت شرق ۹ در و در غرب ۷ در و در سـمت شمال ۴ در بود. «۲» ۴/ ۱۳- دوران عثمانی در دوران عثمانی، غیر از پنج درِ اصلی، دیگر درها بسته شد. آن‌ها عبارت بودند از: در غرب؛ باب السّلام و باب الرَّحمه. در شرق؛ بـاب النّسـاء و بـاب جبرئیـل علیه السـلام. در شـمال؛ بـاب التوسّل یا باب المجیـدی. «۳» ۵/ ۱۳- دوران سـعودی در سال‌هـای آغازین حکومت سـعودی، تعداد درهای مسجد به ۱۱ رسید، یعنی به ۵ درِ پیشین ۶ در افزوده شد؛ در شـرق، باب البقیع، که مقابل پای مبارک پیامبر صـلی الله علیه و آله و کنار مناره گنبد سبز است. در شـرق ابواب صدیق (سه ورودی) در شمال، باب عثمان، باب عمر بن خطاب، باب عبدالعزیز و باب ملک سـعود. تاریخ و آثار اسـلامی، ص: ۲۱۶ در توسـعه دوم؛ یعنی دوران فهد بن عبدالعزیز، ۴۲ در به درهای مسـجد و ورودی افزوده شد. اکنون درهای مسـجدالنبی صلی الله علیه و آله به این شرح است: الف- درهای شرقی (محدوده اصلی مسجد): ۱. باب جبرئیل ۲. باب‌النساء ۳. باب‌البقیع ب- درهای شـرقی (محدوده جدید): ۸- ۴. باب ملک عبدالعزیز (با ۵ ورودی) ۹. باب ابوذر ۱۴- ۱۰. باب علی علیه السلام (با ۵ ورودی ویژه زنان) ج- درهای غربی (محدوده اصـلی مسجد): ۱۵. باب السلام ۱۶. باب الرحمه ۱۹- ۱۷. ابواب صـدیق (سه ورودی) د- درهای غربی (محدوده جدید): ۲۰. باب سعود ۲۱. باب عقیق ۲۲. باب سـلطان عبدالحمید ه- درهای شمالی (محدوده جدید): ۲۷- ۲۳. باب عمر بن خطاب (با ۵ ورودی ویژه زنان) ۲۸. باب بدر ۳۲- ۲۹. باب ملک فهد (با ۵ ورودی) ۳۴. باب احد ۲۹- ۳۵. باب عثمان (با ۵ ورودی ویژه زنان) ۴۰. باب عثمان ۴۱. باب مجیدی ۴۲. باب عمر.

۱۴- مئذنه‌ها (مناره‌ها)

در دوران پیامبر صـلی الله علیه و آله، بلال حبشـی بر سـتونی که داخل خانه عبداللّه بن عمر بود، اذان می‌گفت. این امر پیش از تغییر قبله بود. بعدها غلام عباس بن عبدالمطّلب، که وی را «کلاب» می‌گفتند، نخستین مناره را برای مسـجد ساخت. عمر بن عبدالعزیز نیز چهـار منـاره در چهـار گـوشه مسـجد بنـا کرد که سـلیمان بن عبـدالملک پس از وی یکی از آن‌هـا را تخریب نمود. ابن زبـاله طول

مناره‌ها را اینگونه شرح داده و نوشته است: مناره شرقی و غربی ۵۵ ذراع (۲۵ متر). مناره غربی ۵۳ ذراع (۲۴ متر). همچنین تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۱۷ عرض و پهنای مناره‌ها ۸* ۸ ذراع؛ یعنی سه متر بوده است. «۱» این مناره‌ها در چند دوره تعمیر و بازسازی شده‌اند. در دوران عثمانی تعداد آنها به پنج رسید که اکنون دو مناره از آن زمان موجود است: ۱- مناره باب البقیع (اصلی)، در ضلع شرقی دیوار مسجد، که از آثار سلطان اشرف قایتبای (۸۸۶ ق.) است. این مناره با شصت متر ارتفاع در کنار قبّهٔ الخضراء (گنبد سبز) قرار دارد. ۲- مناره باب السلام، در ضلع غربی دیوار مسجد در مجاورت باب السلام واقع است. این مناره توسط عمر بن عبدالعزیز بنا و در سال (۷۰۶ ق.) بازسازی شد. ۳- مناره شکیبیّه، در ضلع شمال شرقی، و هفتاد متر ارتفاع داشت. ۴- مناره سلیمانیه، در ضلع شمال غربی بنا گردید و آن نیز هفتاد متر ارتفاع داشت. در دوران سعودی، ۷ مناره جدید به این صورت ساخته شد: این تمهید ند کن الله اکبر رل شود؟؟؟ ۲ مناره در میانه دیوار شمالی، ۲ مناره در ضلع شمال شرقی و غربی، ۲ مناره در جنوب غربی و ۲ مناره در شمال صحن دوم. به این ترتیب، اکنون ۹ مناره بر فراز مسجد النّبی صلی الله علیه و آله است که دو مناره آن به دوره عثمانی در گوشه جنوب‌غربی و شرقی (حد اوّلیه مسجد) تعلّق دارد.

۱۵- قبهٔ الخضراء

پایه‌گذار این گنبد، ممالیک مصر بودند که آن را بر ستون‌های اطراف مرقد، به صورت هشت ضلعی استوار ساختند. در دوران سلطان عبد الحمید عثمانی گنبد مقبره پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ترمیم و به نحو اساسی‌تری بنا نهاده شد؛ چون جدار خارجی آن، با پوشش سبز مزیّن گردید، این گنبد به «قبهٔ الخضراء» معروف شد. تمامی سطوح داخلی گنبد به‌طور بسیار زیبایی تزیین و کاشی‌کاری و خطاطی شده است. قبهٔ الخضراء از دوران عثمانی همچنان باقی مانده است. از آنجا که ساخت چنین بناهایی بر روی قبور، به اعتقاد تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۱۸ وهابیت حرام است، لذا در بازسازی، نصب چراغ و روشنایی و حتی نظافت ظاهری، اعتنای چندانی به آن نمی‌شود. البته روشن است که این باور در نزد مسلمانان؛ شیعی و سنّی، پذیرفته نیست.

۱۶- گنبد زرقاء «۱»

قبّه یا گنبد زرقاء رااحمد بن برهان، در سال ۶۷۸ ق. روی محراب عثمان، در دیوار جنوبی ساخت. در دوران ملک ناصر قلاوون (۷۶۵ ق.) تجدید و بازسازی شد و تمام آن، در دوّمین آتش‌سوزی مسجد النّبی صلی الله علیه و آله، در آتش سوخت که بار دیگر گنبدی به همان رنگ به‌جای آن نصب و در سال ۸۹۲ ق. نیز بازسازی شد. «۲» اکنون این گنبد در مجاورت گنبد خضرا قرار دارد. (تصویر شماره ۴۵)

آتش‌سوزی‌های مسجدالنّبی صلی الله علیه و آله

الف- نخستین آتش‌سوزی

مسجدالنبی صلی الله علیه و آله در شب دوم رمضان سال ۶۵۴ ق. در دوران المستعصم باللَّه عباسی دچار آتش‌سوزی شد. علّت آن بی‌احتیاطی یکی از خادمان مسجد بود که برای روشن کردن قنادیل با آتش وارد گردید و آتش به لوازمی که در مسجد بود

سرایت کرد و سوخت و به سرعت به سقف رسید؛ مردم مدینه برای خاموش کردن آن با شتاب خود را به مسجد رساندند، لیکن موفق نشدند. در این آتش سوزی، منبر پیامبر صلی الله علیه و آله، درها، خزاین، ضریح، صندوقها و قفسه‌های کتاب‌ها، پوشش مرقد، سقف، قنادیل و ... سوخت؛ پس از این واقعه، بلافاصله از سوی حکمرانان مصر و یمن برای ترمیم و تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۱۹ بازسازی آن گام‌هایی برداشته شد. «۱» سلطان اشرف قایتبای و دیگر ممالیک با تلاش فراوان مسجد را کاملًا بازسازی و ترمیم کردند.

ب- دومین آتش‌سوزی

در روز سیزدهم رمضان ۸۸۶ ق. مسجدالنّبی صلی الله علیه و آله باز دچار آتش‌سوزی شد که این بار علت آن رعد و برق بود. در این حادثه تمامی مسجد دچار حریق شد؛ مناره اصلی نیز فرو ریخت و حتی گروهی کشته و یا زخمی شدند. سلطان اشرف قایتبای باز به امر بازسازی مسجد همّت گماشت. مناره اصلی از نو برپا شد؛ دیوارها، ستون‌ها و سقف‌ها دوباره ساخته شدند. گنبدی نیز بر فراز محراب عثمانی استوار و به وسیله سه گنبد دیگر در اطراف آن، که «مجاریـد» نامیده می‌شد مستحکم‌تر گردید. همچنین در ورودی باب السّلام دو گنبد به‌پا شد و حتی محدوده اطراف مسجد را با تأسیس مدارس، کاروانسراها و ... رونق بخشیدند. این تعمیرات دو سال زمان برد. سلطان قایتبای در سال ۸۸۹ ق. خود برای بازدید و زیارت، به مدینه آمد. گفتنی است که ده سال بعد، باز بر اثر رعد و برق، در مناره اصلی آتش‌سوزی رخ داد و آن مناره فرو ریخت که قایتبای آن را ترمیم کرد. «۲»

سیر تاریخی توسعه مسجد النّبی صلی الله علیه و آله از آغاز تا کنون

۱- دوران پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (۷ ق.)

همان‌گونه که در مبحث ساخت مسجد النّبی صلی الله علیه و آله گفتیم، طول مسجد هفتاد و عرض آن شصت ذرع؛ یعنی برابر با ۳۵* ۳۰ متر «۳» بود که مساحت آن به ۴۲۰۰ ذرع برابر تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۲۰ ۱۰۲۰ مترمربع می‌رسید. پیامبر صلی الله علیه و آله در سال هفتم هجرت؛ یعنی پس از بازگشت از غزوه خیبر، به توسعه مسجد پرداختند و سه ستون از سمت غرب و شمال به مسجد اضافه کردند و آن را به صورت مربع درآوردند؛ یعنی طول و عرض آن را به ۱۰۰ ذرع «۱» برابر با ۴۹ متر رسانیدند که مساحت آن ۱۰ /۰۰۰ ذرع برابر با ۲۴۵۰ مترمربع گردید. افزوده‌های پیامبر صلی الله علیه و آله در این دوران، ۱۴۱۰ مترمربع بوده است.

۲- خلیفه دوم (۱۷ ق.)

عمر بن خطاب دو ستون از سمت غرب و چند ستون از سمت شمال بر مسجد افزود. وی طول مسجد را به ۱۴۰ ذراع و عرض آن را به ۱۲۰ ذراع؛ یعنی برابر با ۵۹* ۶۹ متر مربع رسانید که مجموع مساحت آن ۱۶۸۰۰ ذراع برابر با ۴۰۸۸ مترمربع گردید. افزوده‌های او به ۱۶۵۴ مترمربع می‌رسید. وی صحنی بدون سقف برای مسجد قرار داد. برای این توسعه، خانه‌های اطراف و به‌ویژه برخی از خانه‌های همسران حضرت رسول صلی الله علیه و آله را خرید و همه را خراب کرد. «۲» عمر بن خطاب در این توسعه سه در بر

درهای مسجدالنّبی صلی الله علیه و آله افزود.

۳- خلیفه سوم (۲۹ ق.)

عثمان بن عفان یک ستون از سمت غرب و چندین ستون در سمت قبله، به مسجد افزود و در آن‌جا محرابی نیز ساخت که به نام او مشهور گردید. افزوده‌های او تنها از آخر روضه، از سمت مقبره تا دیوار جنوبی کنونی؛ یعنی از رو به روی حجره و مقبره پیامبر صلی الله علیه و آله در شرق تا مکان اولیه باب السّلام در غرب است. وی در سمت شمال نیز مقدار کمی بر صحن مسجد اضافه کرد. بنای توسعه او ۵۰۰ مترمربع بود که مساحت مسجد را به ۴۶۰۰ مترمربع می‌رساند. در این زمان، دیوارهای مسجد با سنگ تزیین و ستون‌ها نیز با تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۲۱ سنگ‌های منقوش پوشانیده شد. او نخستین کسی است که مسجد را تزیین کرد. «۱» مردم و صحابه می گفتند: خلیفه مسجد رسول اللَّه صلی الله علیه و آله را توسعه می‌دهد ولی سنت‌های او را به فراموشی می‌سپارد! «۲»

۴- عمر بن عبدالعزیز (۸۸ ق.)

عمر بن عبدالعزیز، تعمیرات و توسعه‌های عمده‌ای در مسجدالنبی صلی الله علیه و آله انجام داد. وی‌بقایای خانه‌های همسران پیامبر صلی الله علیه و آله وخانه فاطمه علیها السلام وسایر خانه‌های‌چسبیده‌به مسجد را خرید وبر مسجد افزود. آنگاه حجره‌ومقبره آن حضرت را محصور ساخت و دیواری مُخَمَّسْ (پنج ضلعی) گرد آن کشید. بیشتر افزوده‌های او در غرب بود ولی در شرق نیز شش ستون و درشمال چهارده ستون افزود ودیوارهای مسجد را نیز کاشی‌کاری کرد. مجموع افزوده‌های او ۲۳۷۰ متر مربع بود که مساحت مسجد را به ۶۹۵۰ مترمربع رسانید.

۵- مهدی عباسی (۱۶۰ ق.)

پس از دوران عبدالملک بن مروان، کسی جز مهدی عباسی به مساحت مسجد نیفزود. وی در سال ۱۶۰ ق. به والی خود در مدینه فرمان داد تا به توسعه مسجدالنّبی صلی الله علیه و آله بپردازد. او نیز ۱۰۰ ذراع به شمال مسجد افزود و در جهت‌های دیگر چیزی اضافه نکرد. در مجموع، ده ستون در صحن مسجد و پنج سقف برای زنان در شمال آن قرار داد. افزوده‌های او ۲۴۵۰ مترمربع بود و مساحت مسجد را به ۹۴۰۰ مترمربع رسانید.

۶- ملک اشرف قایتبای (۸۴۵- ۹۰۰ ق.)

ملک اشرف قایتبای از کسانی بود که برای ترمیم و توسعه مسجد النبی صلی الله علیه و آله تلاش زیادی کرد. وی افزون بر دو نوبت بازسازی پس از آتش‌سوزی، محدوده وسیعی به حجره شریف پیامبر صلی الله علیه و آله افزود و پیرامون آن را با نرده و یا شبکه محصور کرد. او همچنین تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۲۲ با قرار دادن پایه‌های ستون‌ها در داخل حجره، گنبدی را بر مقبره مطهّر پیامبر صلی الله علیه و آله بنا کرد که بعدها سلطان محمود عثمانی گنبد خضراء را بر آن نهاد. توسعه مسجد در این دوران، از سمت

شرق حدود ۱۲۰ مترمربع بوده است؛ «۱» لذا مساحت مسجدالنبی صلی الله علیه و آله را به ۹۵۲۰ مترمربع رسانید.

۷- عثمانی (۸۸۸- ۱۲۸۰ ق.)

در دوران سلطان سلیم‌اول، سلیمان و سلیم دوم، از پادشاهان معروف عثمانی تعمیرات و توسعه‌های مختصری؛ از جمله ترمیم گنبدها، مناره‌ها، درهای ورودی، ستون‌های مسجدالنبی صلی الله علیه و آله، محراب‌ها و ... انجام گرفت ولی تعمیرات عمده و توسعه مسجد، در زمان سلطان عبدالمجید عثمانی بود. او از شمال محدوده‌ای مسقّف بر مسجد افزود که از مناره مجیدیّه تا مناره سلیمانیّه امتداد می‌یافت. در این محدوده، مدارس قرآن کریم ایجاد کرد و برای روشن ساختن قندیل‌ها مخازن روغن قرار داد که در توسعه سعودی، تمام این آثار خراب شد. باب جبرئیل علیه السلام را قدری پایین‌تر باز کرد. وی این توسعه‌ها را از ۱۲۶۵ ق. آغاز و سرانجام با نوشتن خطوط دیوارها و کاشی‌کاری‌ها و نماسازی‌های دیگر، آن را در سال ۱۲۸۰ ق. به پایان رسانید. «۲» مقدار افزوده شده به مسجد در این دوران، ۱۲۹۳ مترمربع بود که مساحت مسجدالنّبی صلی الله علیه و آله را به حدود ۱۰۹۴۰ مترمربع می‌رسانید. «۳» (تصویر شماره ۴۶)

۸- سعودی (۱۲۷۲- ۱۴۱۶ ق.)

عمده‌ترین توسعه‌های مسجد النبی صلی الله علیه و آله در دوران حکمرانی خاندان آل سعود بود که مساحت آن را به ده‌ها برابر افزایش داد. در جریان این توسعه‌ها، که عمدتاً از زمان تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۲۳ ملک عبدالعزیز (۱۳۴۸ ق.) آغاز و در ۱۳۷۹ ش. با دو مرحله توسعه پایان یافت، بسیاری از اماکن تاریخی، خانه‌های صحابه و ائمه‌اطهار علیهم السلام تخریب و در طرح توسعه قرارگرفت. توسعه‌های سعودی بیشتر از سمت شمال، غرب و شرق بود. نخستین توسعه از شوال سال ۱۳۷۰ ق. آغاز شد. در این توسعه، که حدود دو سال به طول انجامید، مساحتی بالغ بر ۱۶ هزار مترمربع تخریب شد که ۶۲۵۰ متر آن از دوران عثمانی‌ها بود. در مجموع ۱۶۳۵۰ متر مربع توسعه یافت که مساحت مسجد به ۲۳۵۷۰ متر رسید. مبلغ ۳۰ میلیون ریال سعودی برای خرید خانه‌ها و مغازه‌ها و هموار ساختن زمین هزینه شد. در این توسعه، دو صحن و دو مناره اضافه شد و ۷ خیابان نیز به همراه سه میدان در اطراف مسجد ساختند. در سال ۱۳۷۵ ش. از توسعه جدید بهره‌برداری گردید و ۶۰۲۵ مترمربع به مساحت مسجد افزوده شد. دومین توسعه در دوران ملک سعود انجام گرفت که ۳۵۰۰۰ متر مربع به عنوان نمازگاه به مسجد اضافه شد و در مرحله بعد ۵۵۵۰ مترمربع دیگر مسقّف گردید. در توسعه سوم سعودی، که در دوران ملک خالد بن عبدالعزیز انجام شد، حدود ۴۳۰۰۰ مترمربع از فضای اطراف تخریب گردید. بزرگترین توسعه در دوران فهد بن عبدالعزیز در دو مرحله انجام شد. در این توسعه که از ۱۴۰۶ ق. آغاز شد. کلیه بازارها، مغازه‌ها و خانه‌های تاریخی اطراف مسجد تا شعاع یک کیلومتری، به مساحت ۱۰۰ هزار مترمربع و به مبلغ ۷۰۰ میلیون ریال خریده شد و همه آن‌ها تخریب و بر مسجدالنّبی صلی الله علیه و آله و اطراف آن افزوده شد. مجموع آثار تخریب شده در اطراف مسجدالنبی صلی الله علیه و آله تا این زمان، که نگارنده آن‌ها را شناسایی کرده، نزدیک به چهل اثر تاریخی است. اگرچه جمعیت روز افزون زائران این مسجد، حکام عربستان را از توسعه ناچار ساخته است اما آنان می‌توانستند برای حفظ آن آثار مهم، که هویّت تاریخی مسلمانان جهان است، لااقل نام آن‌ها را با نشان یا اسم مکان بر روی سنگفرش‌ها ثبت کنند. این در حالی است که هیأت‌های مختلف باستانشناسی عربستان، همه روزه در مناطق شمالی و جنوبی این کشور در صدد کشف آثار تاریخی دوران قبل از اسلام‌اند، که البته باید حفظ آثار اسلامی برای یک سرزمین اسلامی در اولویت باشد. تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۲۴

در توسعه دوم فهد بن عبد العزیز، پشت‌بام نیز برای اقامه نماز بازسازی شد، که ۶۸۰۰۰ مترمربع مساحت داشت، ۸۷۵۰ متر آن برای گنبدها و بقیه؛ یعنی ۵۸۲۵۰ مترمربع نیز برای نمازگزاران مهیا شد. اکنون ۹۰ هزار نمازگزار می‌توانند بر روی پشت‌بام نماز بگزارند و با پله‌های برقی نصب شده در اطراف مسجد، به آن راه یابند. در این توسعه چندین گنبد متحرّک نیز برفراز شبستان‌ها قرار گرفت که به وسیله ریل‌های برقی، در هنگام نیاز باز و بسته می‌شوند. در داخل دو صحن نیز چترهای متحرک برای ایجاد سایه قرار داده شد. خدمات رفاهی در اطراف مسجد نیز قابل توجه است. در دو طبقه زیرزمین، وضوخانه و دستشویی ساختند و مساحت زیادی در زیر صحن‌های پیرامونی مسجد، به منظور ایستگاه‌های ماشین‌ها و وسایل نقلیه ایجاد شد. علاوه بر آن، در زیر مسجد، زیرگذر بزرگی برای ارتباط دو طرف مسجد، احداث شد که سی ورودی برای آن باز شده است. علاوه بر شبستان‌هایی که در این توسعه به مسجد افزوده شد، بخش‌های عمده‌ای به میدان‌ها و مساحت‌های پیرامونی، برای اقامه نماز اختصاص یافت، که مساحت آن‌ها به ۲۳۵۰۰۰ متر مربع می‌رسد و چهارصد هزار نمازگزار در آنجا می‌توانند نماز اقامه کنند. در تمامی سطح مسجد و صحن‌ها و میدان‌های اطراف، که محل اقامه نماز است، سیستم بسیار وسیع و پیشرفته خنک‌کننده تعبیه شده است. ایستگاه این مجموعه عظیم، که ۷۰۰ هزار مترمربع را به خود اختصاص می‌دهد، در هفت کیلومتری مسجد قرار دارد که با شبکه‌های زیرزمینی، هوای خنک و مطبوع را به ستون‌ها وارد و به فضا منتقل می‌کند. در یک جمع‌بندی، مساحت‌های توسعه در دوران اخیر را، که در دو مرحله انجام شده، می‌توان اینگونه بیان کرد: مساحت افزوده شده به مسجد ۱۰۰۰۰۰ مترمربع. پشت بام ۶۷۰۰۰ متر مربع.- پیرامون مسجد ۲۳۵۰۰۰ متر مربع که مجموع آن به بیش از ۴۰۰۰۰۰ مترمربع می‌رسد و یک میلیون نمازگزار را در خود جای می‌دهد. تعداد مناره‌ها؛ ۱۰ مناره به ارتفاع ۱۰۴ متر. گنبدهای متحرک؛ ۲۷ گنبد و درهای ورودی؛ به ۴۲ می‌رسد. هزینه‌های مصرف‌شده در این توسعه، ۳۰ میلیارد ریال سعودی بوده است. «۱» (تصاویر شماره ۴۷- ۴۸- ۴۹- ۵۰- ۵۱) تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۲۵ ؟؟؟ جدول در پایان این فایل است. جدول توسعه و مساحت مسجدالنّبی صلی الله علیه و آله از ابتدا تاکنون (۱۴۱۶ ه‍ ق) تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۲۶ ۱. مکان الجنائز ۲. مهبط جبرئیل ۳. مکان اصلی باب جبرئیل (در دوران پیامبر صلی الله علیه و آله) ۴. مکان باب جبرئیل در توسعه پس از غزوه خیبر ۵. مکان باب جبرئیل در عصر عثمانی و سعودی ۶. مکان اصلی باب الرحمه در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله ۷. مکان کنونی باب الرحمه ۸. باب الشمالی در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله ۹. باب عاتکه در دوران پیامبر صلی الله علیه و آله ۱۰. مکان اصلی باب النساء در دوران خلیفه دوم ۱۱. مکان کنونی باب النساء ۱۲. مکان اصلی باب السلام در عصر خلیفه دوم ۱۳. مکان کنونی باب السلام ۱۴. باب البقیع ۱۵. ابواب صدیق در دوران سعودی ۱۶. مئذنه بلال حبشی پس از تغییر قبله ۱۷. منبر پیامبر صلی الله علیه و آله ۱۸. محراب النبی صلی الله علیه و آله ۱۹. محراب عثمان بن عفان ۲۰. محراب سلیمانی یا حنفی ۲۱. مناره اصلی (دوران عثمانی) ۲۲. مناره باب السلام (دوران عثمانی ۲۳. مناره باب الرحمه ۲۴. ستون سریر ۲۵. ستون حرس (امام علی علیه السلام) ۲۶. ستون وفود ۲۷. ستون توبه ۲۸. ستون عایشه ۲۹. ستون مخلقه ۳۰. ستون مقام جبرئیل علیه السلام ۳۱. ستون تهجد ۳۲. قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله ۳۳. قبر خلیفه اول، ابوبکر بن ابی قحافه ۳۴. قبر خلیفه دوم، عمر بن خطاب. تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۲۷ ؟؟؟؟ نقشه توسعه، درها، ستون‌ها و سایر آثار مسجدالنّبی صلی الله علیه و آله از آغاز تا دوره عثمانی

فهرست آثار و اماکن اسلامی اطراف مسجد النّبی صلی الله علیه و آله که به دنبال توسعه در دوران سعودی تخریب شده‌اند:

اشاره

همان‌گونه که اشاره شد، در دوران سعودی، آثار تاریخی و اماکن مهم و مقدسی تخریب گردید که برخی از آن‌ها در همسایگی

مسجد النّبی صلی الله علیه و آله یا داخل آن بود. این امر به‌ویژه در تعریض و احداث خیابان‌های اطراف مسجد در توسعه اول و دوم سعودی انجام شد. بسیاری از این آثار متعلّق به صدر اسلام بوده و از شاخصه‌های فرهنگ و تمدن اسلام محسوب شده و شناسنامه و پیشینه تاریخی این سرزمین بوده‌اند. در این‌جا تنها به نام آن‌ها اکتفا کرده و سپس در فصلی مستقل «۱» به تاریخچه و چگونگی تخریب آن‌ها خواهیم پرداخت.

الف– آثار و اماکن تخریب شده در توسعه جنوبی و جنوب شرقی مسجد النبی صلی الله علیه و آله:

۱. خانه ابو ایوب انصاری (اقامتگاه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله). ۲. خانه امام جعفر صادق علیه السلام. ۳. خانه حسن بن زید علوی و کتابخانه عارف حکمت پاشا. ۴. خانه عبداللَّه بن عمر.

ب– آثار و اماکن تخریب شده در توسعه شمالی و شمال شرقی مسجد النبی صلی الله علیه و آله:

۵. مسجد عثمان بن عفان. ۶. مقبره عبداللَّه، پدر گرامی پیامبر صلی الله علیه و آله. ۷. قصر بنی جدیله (در کنار چاه حاء). ۸. قصر بنی یوسف (شمال بقیع). ۹. مدرسه حمیدیه (از آثار سلطان عبدالحمید عثمانی). ۱۰. المکاتیب القرآن (مدارس آموزش قرآن برای اطفال، از دوران عثمانی). تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۲۹ ۱۱. مسجد بلال بن رباح. ۱۲. چاه حاء. ۱۳. مُزَوَّلَه، (ساعت آفتابی برای شناخت اوقات پنج‌گانه نماز، از قرن هفتم). ۱۴. مئذنه‌های دوران عثمانی (دو مناره).

ج– آثار و اماکن تخریب شده در توسعه غربی مسجد النبی صلی الله علیه و آله:

۱۵. خانه مروان بن حکم. ۱۶. کتابخانه بشیر آغا (دوران عثمانی). ۱۷. کتابخانه محمودیه (دوران عثمانی). ۱۸. مدرسه محمودیه (دوران عثمانی). ۱۹. مدرسه بشیر آغا (از آثار عثمانی) ۲۰. مسجد مالک بن سنان. ۲۱. مسجد و خانه سیده فاطمه صغری. ۲۲. چاه زمزم در صحن اول مسجد.

د– آثار و اماکن تخریب شده در توسعه شرقی مسجد النبی صلی الله علیه و آله:

۲۳. محله بنی‌هاشم؛ (در مقابل «باب جبرئیل علیه السلام» و «باب النساء» خانه‌ها و کوچه‌های تنگ و بسیار قدیمی وجود داشت که به محل بنی‌هاشم معروف بود. این کوچه تا قبرستان بقیع امتداد داشت و در دوران‌های مختلف همچنان محفوظ و بعضی از خانه‌های آن نیز بازسازی شده بود. مالکان مغازه‌ها و دکانهای آن نیز از سادات علوی بودند. در سال‌های میان ۱۳۶۴ تا ۱۳۶۶ ش. این محله به کلی تخریب و فضای آن تا قبرستان بقیع باز و در طرح توسعه صحن‌های اطراف قرار گرفت. و بخشی از آن نیز در توسعه شرقی مسجد وارد شد. هم اکنون از باب‌البقیع، قبرستان بقیع به‌طور مستقیم دیده می‌شود. (تصویر شماره ۱/ ۵۱) ۲۴. خانه خالد بن ولید. تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۳۰ ۲۵. خانه عثمان بن عفان. ۲۶. خانه ابوبکر بن ابی قحافه. ۲۷. خانه رَیْطَه دختر سفاح عباسی. ۲۸. خانه عثمان بن عفان صغری. ۲۹. مقبره پدر و عموی صلاح الدین ایوبی. ۳۰. کتابخانه‌ای در میهمانسرای عثمان بن عفان. ۳۱. چاه انس بن مالک.

فصل سوم: خانه‌ها و مساجد تخریب شده در دوران سعودی

الف- خانه‌های تخریب شده در پیرامون مسجد النبی صلی الله علیه و آله

اشاره

هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله مسجد النبی را بنا کردند، هر یک از صحابه در کنار مسجد، خانه‌ای برای خود ساختند و در آن را به مسجد گشودند. صحابه و تابعان و تابع تابعان، در این خانه‌ها می‌زیستند و پس از زمانی، آن‌ها را خرید و فروش می‌کردند و برخی خانه‌ها در توسعه مسجد تخریب می‌شد. تعدادی از خانه‌های تاریخی مجاور مسجد النّبی صلی الله علیه و آله تا دوران سعودی نیز باقی بود و در طرح توسعه اول و دوم همه تخریب شدند.

۱. ابو ایّوب انصاری

این خانه حدود هفت ماه، در ابتدای هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله، افتخار میزبانی آن حضرت را داشته است. بنای آن را به «تُبّع» پادشاه «حِمْیَر» به نام اسعد بن مَلِکیکَرْب نسبت می‌دهند. این خانه در چند متری دیوار جنوبی (قبله مسجد النبی صلی الله علیه و آله) در مجاورت باب البقیع‌بود. پس ازمرگ ابو ایّوب، خانه وی به افلح ازغلامان پیامبر صلی الله علیه و آله منتقل‌شد و مغیرهٔبن عبدالرحمان آن را به هزار دینار خرید. «۱» بعدها ملک شهاب‌الدین غازی برادر نورالدین محمود زنگی شهید، در آن مدرسه‌ای به نام «شهابیه» ساخت. «۲» طبقه زیرین این خانه تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۳۴ دوطبقه در دوران سعودی به مغازه‌ای تبدیل شده بود. کنار آن نیز کتابخانه عارف حکمت پاشا قرار داشت.

۲. امام صادق علیه السلام

این خانه در جنوب شرقی مسجد النّبی صلی الله علیه و آله قرار داشت و به خانه ابو ایّوب انصاری متّصل بود. آن را حارث بن نعمان به امام صادق علیه السلام داد. در قرن نهم هجرت، شیخ حرم نبوی در حیاط آن ساکن شد. تا آن زمان اثر محراب و نمازگاه امام صادق علیه السلام در آن باقی بود. «۱» از اینجا کوچه‌های بنی هاشم آغاز می‌شد و تا بقیع امتداد می‌یافت.

۳. حسن بن زید

حسن بن زید بن علی علیه السلام این مکان را که قبلًا اطم یا قلعه‌ای بود در پشت دیوار قبله مسجد النبی صلی الله علیه و آله خرید و آن را به خانه‌ای تبدیل کرد. در دوران عثمانی، عارف حکمت پاشا آن را از بازماندگان وی خرید و کتابخانه‌ای در آن احداث کرد که از لحاظ منابع، به‌ویژه نسخ خطی منحصر به فرد و دارای ارزش و امتیاز ویژه‌ای بود، «۲» کتب این کتابخانه پس از تخریب به مکتبه ملک عبدالعزیز، در خیابان مناخه (پانصد متری باب‌السّلام) منتقل شد.

۴. ابوبکر بن ابی قُحافه

پیامبر صلی الله علیه و آله خانه‌ای در غرب مسجد النّبی صلی الله علیه و آله به ابوبکر دادند و او در همین خانه از تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۳۵ دنیا رفت. به گفته سمهودی، این خانه بعدها به خاندان عُمر و فرزندان او واگذار گردید. «۱» البته امروزه محل

آن با تابلویی در کنار ابواب صدیق در بین باب‌السلام و باب‌الرحمه با نام «خوخهٔ ابوبکر» حفظ شده است. «۲»

۵. عمر بن خطّاب

این خانه میان باب الرّحمه و باب السّلام در غرب مسجد النّبی صلی الله علیه و آله قرار داشته و موقعیت آن کنار «ابواب صدیق» کنونی بوده است. سلطان محمود عثمانی مدرسه‌ای بالای این خانه ساخت که به نام او مشهور شد. «۳»

۶. عبداللَّه بن عمر بن خطاب

این خانه درجنوب مسجد وسمت قبله قرار داشته که آن‌را «دار العشره» می‌نامیدند. مکان آن، مَرْبَد (محل خشکانیدن خرما) بوده که عثمان بن عفان هنگام توسعه مسجد، به حفصه داد و این در ازای خانه او بود که به مسجد افزوده شد. «۴»

۷. خالد بن ولید

این خانه کنار خانه ابوبکر و در غرب مسجد بود، که به «زاویهٔ السّمان» شهرت داشت. خالد بن ولید از تنگی و کوچکی آن به پیامبر صلی الله علیه و آله شکایت کرد و آن حضرت فرمود: بنای آن را بالا ببر و او چنین کرد. «۵»

۸. مروان بن حکم

خانه مروان کنار باب السّلام بود و به همین دلیل باب السّلام به «باب مروان» تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۳۶ نیز مشهور شد. وی در دوره معاویه حاکم مدینه بود که چشمه «زرقاء» را در مدینه جاری ساخت و اطراف مسجد نبوی را با سنگ تزیین کرد. «۱»

۹. عثمان بن عفان

خلیفه سوم در این خانه، که در شرق مسجد النبی صلی الله علیه و آله بود، محاصره و کشته شد. گویند محکم‌تر از خانه وی در مدینه نبوده است؛ زیرا دیوارهای آن از سنگ و با شکوه بوده است. خانه عثمان تا دوران سعودی به «رباط «۲» عجم» معروف بود و قبر پدر و عموی صلاح‌الدین؛ یعنی اسدالدّین شیرکوه، در آن قرار داشت. «۳»

۱۰. طلحهٔ بن عبیداللَّه

طلحه میان خانه عبداللَّه بن جعفر و عمرو بن زبیر بن عوام خانه‌ای داشت که میان فرزندانش تقسیم شد. «۴»

۱۱. عمار بن یاسر

خانه عمار بن یاسر، در گوشه غربی مسجد النّبی بود که امّ سلمه، همسر پیامبر صلی الله علیه و آله به وی بخشیده بود. «۵» بعدها فرزندان عمار آن را به ارث برده و فروختند. این خانه در کنار گوشه غربی مسجد النّبی صلی الله علیه و آله بود.

۱۲. رَیْطَه دختر سفّاح عباسی

رَیْطَه دختر سفاح عباسی، رو به روی «باب النّساء» خانه‌ای داشت که به این سبب باب النّساء به «باب الرّیطه» نیز معروف بود. «۶»

۱۳. رباح پدر بلال حبشی

خانه رباح، غلام پیامبر صلی الله علیه و آله «۱» و پدر بلال حبشی، نزدیک باب السلام بود که در سال ۸۴۰ ق. به مدرسه «باسطیه» تبدیل شد. «۲»

۱۴. مقداد بن اسود

این خانه کنار خانه رباح در کوچه عاصم بود که همراه آن خانه به مدرسه باسطیه تبدیل شد.

سقیفه بنی ساعده

سقیفه بنی‌ساعده به قبیله بنی‌ساعده، که از انصار بودند، اختصاص داشت. سعد بن عباده رییس این طایفه، در این محل برای مشورت در امور مهم قبیله خود با بزرگان حضور می‌یافت. مکان سقیفه در «باب شامی» و کنار چاه «بضاعه» قرار داشت و مسجدی نیز به همان نام در کنار آن بوده است. در سال ۱۰۳۰ ق. علی پاشا در محل سقیفه بنایی ساخت و این بنا تااوایل سده سیزده هجری بر پا بود. «۳» سقیفه، که درشمال غربی مسجد النّبی صلی الله علیه و آله و در فاصله ۳۰۰ متری آن بود، در توسعه اول وهابیان، در تخریب خیابان سحیمی از میان رفت. اکنون ساختمان بلدیه (شهرداری) به‌جای آن بنا شده و تقریباً در فاصله ۱۵۰ متری، رو به روی کتابخانه ملک عبدالعزیز کنونی‌است. (تصاویر شماره ۵۲- ۵۳) تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۳۸ نقشه مکان سقیفه و مسجد بنی‌ساعده تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۳۹ موقعیت تقریبی خانه‌های تاریخی صدر اسلام در اطراف مسجدالنّبی صلی الله علیه و آله

ب- مساجد تخریب شده در دوران سعودی

اشاره

افزون بر آثار تاریخی و اسلامیِ پیرامون مسجد النّبی صلی الله علیه و آله، که در دوران وهابیان تخریب شده و پیشتر به آن‌ها اشاره کردیم، در درون و بیرون مدینه نیز مساجد، خانه‌ها، آثار و بناهای تاریخی و اسلامی فراوانی وجود داشته که حامل کوله‌باری از قرن‌ها حوادث بوده‌اند. بسیاری از این آثار که به فرمان امرا و سلاطین در دوران‌های مختلف تعمیر و بازسازی شده، به وسیله وهابیان تخریب گردیده‌اند.

۱. بنوعدیّ بن نَجّار: دارالنّابغه

این مسجد در «دارالنّابغه» یعنی کنار مقبره «عبداللَّه بن عبدالمطّلب»، پدر گرامی رسول اللَّه صلی الله علیه و آله قرار داشت. گویند پیامبر صلی الله علیه و آله در این مسجد نماز گزارده‌اند. «۱» مسجد دارالنابغه در خیابان مناخه و مقابل باب السّلام بود که همراه مقبره پدر پیامبر صلی الله علیه و آله در تعریض و توسعه خیابان یاد شده، در سال ۱۳۶۴ ش. تخریب شد.

۲. بنو ظفر: بَغْله

پیامبر صلی الله علیه و آله در مسجدی که به بنی ظفر، از قبیله اوس تعلّق داشت و در شرق بقیع، کنار تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۴۱ باغ برادران العائده و آل رفاعی واقع شده بود، نماز گزاردند. «۱» برخی گفته‌اند: سوره «مائده» در این مکان بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد، از این‌رو، به مسجد مائده نیز مشهور گشت. دلیل نامگذاری آن به بغله (: قاطر ماده)، این است که گویند جای پای قاطر پیامبر صلی الله علیه و آله بر آن سنگ باقی مانده بود. «۲» محل آن، در پانصد متریِ خیابان ملک عبدالعزیز؛ خیابانی که در مجاورت شمال بقیع‌بوده و از شارع ستین به آن راه دارد، قرار داشته است، اکنون ساختمان مربوط به هیأت امر به معروف و نهی از منکر، در آغاز شارع ملک عبدالعزیز (سمت راست)، در جای آن ساخته شده است.

۳. مسجد دار سعد بن خیثمه

پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام اقامت در قبا، میهمانان خود را در منزل سعد بن خیثمه پذیرایی کردند و در آن جا بسیار نماز گزاردند. «۳» این مکان را به سبب نماز پیامبر صلی الله علیه و آله، مسجد دار سعدبن خیثمه می‌خواندند، که در توسعه جنوبی مسجد قبا، همراه خانه سعد بن خیثمه تخریب و به شبستان مسجد ملحق شد.

۴. بنو حارثه

این مسجد در کنار شارع الشهدا، کمی پایین‌تر از مسجد شیخان و المستراح بوده است.

۵. عرفه: عمره

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله سال‌هایی که عازم حج نبودند، در روز عرفه، گوشه‌ای نشسته و نظاره‌گر حاجیان می‌شدند؛ بعدها در جای نشستن آن حضرت مسجدی بنا شد تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۴۲ که به عرفه یا عرفات شهرت یافت. «۱» این مسجد را که عمره نیز می‌گفتند، در پشت مسجد قبا، از سمت قبله (جنوب)، قرار داشته و در توسعه میدان قبا تخریب شده است.

۶. مَضْرع: وادی

این مسجد در شرق (پایین) جبل الرماة، در احد قرار داشته است. هنگامی که حضرت حمزه علیه السلام در کناره شرقی این تپه با نیزه مجروح گردید و خود را تا این مکان رسانید و سپس به شهادت رسید؛ در مکان شهادت عموی بزرگوار پیامبر صلی الله علیه و آله مسجدی ساخته و آن را «مسجدالمَصْرَع» خواندند. سمهودی سنگ نبشته‌ای را که بر قبر حمزه قرار داشته، در این مسجد دیده است. «۲» این مسجد در تعریض و تسطیح منطقه کناری شهدای احد خراب شد.

۷. حمزه سید الشهدا علیه السلام

این مسجد که مدفن اولیّه حضرت حمزه علیه السلام و عبداللَّه بن جحش بوده، بر اثر سیلی در دوران مروان، خلیفه اموی، تخریب شد و به گفته رفعت پاشا، جنازه حمزه را به مکان کنونی، که به مزار شهدای احد معروف است، منتقل ساختند. در سال ۵۷۰ ق. مادر خلیفه الناصر عباسی، بر محلّ کنونی آن قبر مسجدی ساخت که دارای گنبد و دری آهنین بود و قبر عموی پیامبرخدا صلی الله

علیه و آله در درون ضریحی قرار داشت. طبق نوشته یکی از قلم به‌دستان وابسته به حکومت، چون زائران دیوارهای این مسجد را مسح و لمس کرده، نذر و هدایا می‌دادند، بنابراین، مسؤولان، آن را خراب کرده، مسجد دیگری در کنار آن بنا کردند که اکنون به مسجد احد، مسجد علی و مسجد حمزه معروف است. چون قبرهای شهدا آشکار و مکشوف شد و نیاز به تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۴۳ حفظ آن‌ها بود، در سال ۱۳۸۳ ق. دیواری بر گرد قبرها کشیدند و آن را محصور ساختند. «۱»

۸. جبل رماة

در دوران گذشته، به یاد تیر اندازان مستقر در تپه عینین یا رماة، که در منطقه احد واقع است، مسجدی در گوشه شرقی آن ساخته شد و به مسجد جبل رماة شهرت یافت. نیم دیوارهای خشتی آن، که ارتفاعی حدود ۵/ ۱ متر داشت، تا سال ۱۳۷۱ ش. بر روی تپه موجود بود لیکن در سال‌های پس از آن، همه را تخریب و محو کردند. امروزه با اندکی دقت، پایه‌های آن را، که یک چهار دیواری ۴ متری است، می‌توان دید.

۹. بنو زریق

می‌گویند پیامبر صلی الله علیه و آله در این مسجد نماز گزارده و قرآن تلاوت کرده‌اند. به گفته برخی روایات، نخستین مسجدی است که در آن قرآن تلاوت شده است. «۲» مسجد بنو زریق که رو به روی باب‌السّلام و در خیابان مناخه قرار داشته، در توسعه اطراف مسجد النّبی صلی الله علیه و آله تخریب و مکان آن به هتل تبدیل شده است.

۱۰. ابَیّ بن کَعب: مسجد البقیع

این مسجد، داخل قبرستان بقیع و غرب مدفن عقیل و همسران پیامبر صلی الله علیه و آله بوده و به ابی بن کعب؛ صحابی بزرگ حضرت رسول صلی الله علیه و آله و یار با وفای علی علیه السلام تعلّق داشته است. پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد ایشان گفته‌اند: «أُبيَّ أَقْرَؤُنا»؛ «بهترین قاری ما ابی بن کعب است.» «۳» گویند پیامبر در این‌جا بسیار نماز می‌گزارد. «۴» مکان آن در امتداد دیوار غربی بقیع تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۴۴ و به عبارتی، تقریباً رو به روی قبور ائمه شیعه در سمت غرب بوده که همراه تخریب گنبد و بارگاه‌های بقیع، این مسجد نیز خراب شد.

۱۱. بنی ساعده

ابن شبّه نقل کرده که پیامبر صلی الله علیه و آله در مسجد بنی‌ساعده نماز گزاردند. عبداللّه بن عیاش روایت کرده که آن حضرت در سقیفه بنی‌ساعده می‌نشست و سهل بن سعد با کاسه‌ای از آب، ایشان را سیراب می‌کرد. «۱» مسجد بنی‌ساعده را علی‌پاشا در سال ۱۰۳۰ ق. تکمیل و تجدید بنا کرد. «۲» مکان دقیق آن در خیابان سحیمی؛ شمال غربی مسجدالنّبی صلی الله علیه و آله واقع بود که در توسعه اطراف مسجد تخریب شد.

۱۲. فَیْفاء الخَبار

پیامبر صلی الله علیه و آله در غزوه «ذات العشیره» هنگام تعقیب بنی‌دینار، وقتی بر فیفاء الخبار (در وادی عقیق) وارد شدند؛ زیر

درختی در «ذات السّاق» فرود آمده، در آن‌جا نماز گزاردند. «۳» در جای نماز آن حضرت مسجدی ساخته شد.

۱۳. فاطمه صغری

محل سکونت فاطمه صغری، دختر حضرت امام حسین علیه السلام، که به مسجد تبدیل شده بود، در توسعه غربی مسجد النّبی صلی الله علیه و آله تخریب گردید.

۱۴. قشله: عسکریّه

مسجد قشله نیز یکی از نمازگاه‌های پیامبر صلی الله علیه و آله بوده، که در دوران وهابیان، همراه پادگان عثمانی، تخریب شد. «۱»

۱۵. بلال بن رباح

این مسجد هم یکی از نمازگاه‌های پیامبر صلی الله علیه و آله در اعیاد مقدسه بوده که در این دوران تخریب و ساختمان پست عنبریه جایگزین آن شده است. «۲»

۱۶. ثَنیّهٔ الوَداع

مسجد ثَنیّهٔ الوَداع، بر کوه ذباب واقع شده و میان مسجدالرّایه و مقبره «محمد نفس زکیه»، مکان بدرقه سپاهیان بوده است. پیامبر صلی الله علیه و آله در این ثنیه، برای بدرقه سپاهیانی که عازم نبرد مؤته و تبوک بودند، حاضر شده‌اند.

۱۷. عثمان بن عفّان

جای مسجد عثمان بن عفان، از نمازگاه‌های اعیاد پیامبر صلی الله علیه و آله بوده که بعدها به صورت مسجد در آمد و در توسعه اطراف مسجد النبی صلی الله علیه و آله تخریب گردید.

۱۸. علی عُرَیضی

مسجد علی عریضی محلّ سکونت و عبادت علیّ‌بن جعفر، برادر امام موسی کاظم علیهما السلام بوده و در شش کیلومتری مدینه، در سمت فرودگاه قدیم و در قریه معروف به عُریض قرار داشته است. مسجد یاد شده در سال ۱۳۸۳ ش. تخریب شد. «۳»

فصل چهارم مساجد تاریخی مدینه منوره

الف– منطقه قُبا و مساجد آن (جنوب مدینه)

اشاره

قُبا، قریه‌ای است در دو کیلومتریِ جنوب مدینه. کسانی که از مکه به مدینه می‌آیند، ابتدا وارد این قریه شده و سپس به مدینه

می‌روند، که البته امروزه به سبب بزرگراه مدینه- مکه، از کنار آن می‌گذرند. قبا، نام چاهی در آنجا بوده که بنی عمرو بن عوف از انصار در آنجا ساکن بوده‌اند. «۱» مزارع، نخلستان‌ها، چاه‌ها و آب‌های شیرین، این منطقه را از دیرباز آبادان ساخته است. این قریه نخستین مکانی قبل از مدینه است که قدوم پیامبر صلی الله علیه و آله را مبارک داشت و ساکنان آن به استقبال پیامبر خدا صلی الله علیه و آله رفتند. نخستین کلامی که مردم از آن حضرت شنیدند این بود: «آشکارا سلام کنید. از طعام خود به دیگران بخورانید. صله رحم کنید و شب هنگام، وقتی‌مردم درخواب‌اند نماز بگزارید. پس‌به‌سلامت واردبهشت‌شوید.» «۲» پیامبر صلی الله علیه و آله بر «کلثوم بن هِدم» «۳» وارد شدند «۴» و خانه «سعد بن خیثمه» را محل پذیرایی تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۵۰ و دیدار مردم قرار دادند. ایشان تصمیم گرفتند برای شناسایی بهترِ منطقه یثرب و موقعیت یهود، چند روزی در این قریه اقامت گزینند و این انگیزه‌ای شد تا نخستین پایگاه عبادی را در آخرین ایستگاه هجرت به دست خود بنا کنند. دیری نپایید که علی علیه السلام نیز در این روزها وارد قبا شد و به گفته ابن اسحاق کنار پیامبر صلی الله علیه و آله در خانه کلثوم بن هدم ساکن گردید و ابوبکر بن ابی قحافه که از قبل، همراه پیامبر صلی الله علیه و آله بود نیز در منزل خُبیب بن اساف، در سُنح (یک مایلی مدینه) استقرار یافت. «۱»

۱. مسجد قُبا

پیامبر صلی الله علیه و آله کنار خانه کلثوم بن هدم، «مِرْبدی» «۲» را، که به وی متعلّق بود، خرید و پی‌ریزی و بنای مسجد قبا را آغاز کرد. این امر بنا به تقاضای ساکنان این محل انجام گرفت. ایشان مساحت مسجد را در خط سیر شتر خویش مشخص کردند. «۳» و خود خط قبله را تعیین نمودند و دوش به دوش اصحاب، به ساختن آن پرداختند. مسجد در شمال خانه کلثوم‌بن هدم و در غرب خانه سعدبن خیثمه «۴» قرار داشت. دیوارهای آن با سنگ و خشت بر افراشته شد و سقفش بر روی سه ردیف ستون استوار گردید. جای محراب پیامبر صلی الله علیه و آله را نیز، قبل از تغییر قبله، در دیوار شمالی مسجد قرار دادند. «۵» به گفته ابن شبه، طول و عرض آن مساوی و ۶۶ ذراع؛ یعنی حدود ۳۴ متر بود. ارتفاع دیوار ۱۷ ذراع (هشت متر)، طول حیاط از داخل پنجاه ذراع (۲۴ متر) و عرض آن تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۵۱ به ۲۶ ذراع (سیزده متر) می‌رسید. «۱» رسول اللَّه صلی الله علیه و آله در ساخت مسجد به حدّی خود را به زحمت می‌انداختند و خشت‌ها را بر دوش می‌کشیدند که اصحاب متأثر شده و از ایشان خواستند تا کناری بنشینند و فقط ناظر امور باشند؛ امّا آن حضرت نمی‌پذیرفتند «۲» و همراه صحابه چنین زمزمه می‌کردند: قَد أَفْلَحَ مَنْ يَعْمُرُ المَساجِدا يَقْرَأُ القُرآنَ قائِماً وَ قاعِدا ... «رستگار کسی است که مسجد بنا کند و در آن نشسته و ایستاده قرآن بخواند. کسی که برای ساختن آن خود را به تلاش می‌اندازد با کسی که در کنار نشسته و نظاره می‌کند تا مبادا خاک بر دامانش بنشیند مساوی نیستند.» عبداللَّه بن رواحه هنگام بنای مسجد قبا می‌خواند: قَدْ أفلَحَ مَن يُعالِجُ المَساجدا پیامبرخدا تکرار می‌کردند «الْمَساجِدا» عبداللَّه می‌خواند: يَقْرَأُ القُرآنَ قائماً وَ قاعدا پیامبر صلی الله علیه و آله نیز تکرار می‌کردند: «وَ قاعِدا» عبداللَّه می‌خواند: وَلا يَبيتُ اللَّيل عَنْهُ راقِدا پیامبرخدا تکرار می‌کردند: «وَ راقِدا» «۳» درمیان اصحاب، شش تن ازیاران فداکار رسول‌گرامی صلی الله علیه و آله؛ ازجمله سلمان فارسی، تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۵۲ مقداد بن اسود و عمار بن یاسر در ساختن این مسجد بیش از دیگران تلاش می‌کردند. همچنین به نقل بعضی از مورّخان، زنان نیز در ساختن مسجد قبا فعالیت داشتند. سرانجام خداوند با نزول این آیات، اجر و پاداش سازندگان آن را عطا فرمود: ... لَمَسْجِدٌ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ ... فِيهِ رِجالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَّهِّرِينَ. «۱» به نقل بسیاری از مفسّران، این آیه در سال نهم هجرت و در شأن این مسجد نازل شده است «۲» و آن هنگامی بود که گروهی از منافقان در آن سال از غیبت پیامبر صلی الله علیه و آله، که برای جنگ تبوک خارج شده بودند، استفاده کرده و در مقابل مسجد قبا مسجدی ساختند تا تحت پوشش آن، به توطئه علیه اسلام و مسلمانان بپردازند. آنان حتی برای کسب مشروعیت اقدام خود، از پیامبر صلی الله علیه و آله خواستند تا در آن مسجد نماز بگزارد، امّا در این هنگام خداوند به پیامبرش وحی فرستاد که: لا تَقُمْ فِيهِ أَبَداً لَمَسْجِدٌ أُسِّسَ عَلَى

التَّقْوی .... «۳» «ای پیامبر، هرگز در آن‌جا نماز برپا نکن؛ زیرا آن مسجدی که در نخستین روز (هجرت) بر اساس تقوی بنا شده، محق‌تر و سزاوارتر است که در آن به نماز بایستی تا مسجدی که بر شالوده نفاق و تفرقه و گمراهی بنا شده باشد ... در آن مسجد مردانی هستند که دوست دارند پاك باشند و خداوند پاکان را دوست دارد.» پیامبر صلی الله علیه و آله وقتی از توطئه آنان به وسیله وحی آگاه شد، فرمان داد تا آن مسجد را، که تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۵۳ پس از نزول آیه مورد اشاره، «مسجد ضرار» نام گرفت، تخریب کنند. اصحاب نیز هجوم برده و آن را خراب کردند و سپس سوزاندند. «۱» گفتنی است، منظور از «أَوَّلِ یَوْم»، در قرآن کریم اوّلین روزهای هجرت است و قبا نخستین مسجدی است که به دست پیامبر صلی الله علیه و آله و مهاجران و انصار ساخته شد. در فضیلت مسجد قبا روایات زیادی وجود دارد. از جمله این که: دو رکعت نماز در مسجد قبا برابر با یك عمره است. «۲» همچنین روایت شده که پیامبرخدا هر شنبه با پای پیاده یا سواره به مسجد قبا می‌آمد و در آن نماز می‌گزارد. «۳» پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرمود: «دو رکعت نماز در مسجد قبا برای من بهتر از آن است که دوبار به بیت‌المقدس بروم. اگر می‌دانستند در قبا چیست جگرهای شتران را می‌زدند و به سوی آن می‌تاختند تا از فضیلتش بهره‌مند شوند.» «۴» مسجد قبا در دوران عثمان بن عفّان تعمیر و گسترش یافت. «۵» در زمان عمر ابن عبدالعزیز (۸۷ ق.) و نیز پس از آن، در دوران‌های دیگر تا زمان سعودی، بارها تعمیر و گسترش و بازسازی شد «۶» ولی در دوران سعودی تعمیری اساسی یافت. این توسعه از سال ۱۴۰۵ ق. شروع شد و مساحت آن از ۱۳۵۲ متر به ۷۴۶۵ متر مربع رسید و ۵۶ گنبد بر آن ساخته شد که قطر هر یك ۳۰/ ۵ متر و ارتفاع آن نیز بین ۲۴- ۱۸ متر بود. چهار مناره نیز به ارتفاع ۴۲ متر بر گوشه‌های آن ساختند. خانه کلثوم بن هدم، که پیامبر صلی الله علیه و آله در اولین روزها تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۵۴ در آن ساکن شدند و مسجد دار سعد بن خیثمه تخریب و به مسجد اضافه شد. هشت ستون از شبستان متعلّق به دوران خلیفه سوم و عمر بن عبدالعزیز است. محل محراب و نماز پیامبر صلی الله علیه و آله به سوی بیت‌المقدس که در شبستان کنونی و کنار ستون سوم قرار داشته، به صورت محرابی ساخته شد و پلکانی بر بالای آن قرار یافت. این محراب در دوران سعودی محو و تنها یك ایوان نیم متری به جای آن ساختند. محل نماز پیامبر صلی الله علیه و آله در شبستان جنوبی، نزدیك ستون سوم کنونی بوده است. در رکن غربی قبله، مسجد علی علیه السلام یا مسجد دار سعدبن خیثمه بوده که پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام در آن نماز گزارده‌اند. همچنین فاطمه علیها السلام دختر گرامی آن حضرت، در این مسجد گندم آسیاب کرده و نان می‌پخته‌اند. این مسجد تا مسجد النبی صلی الله علیه و آله حدود ۵/ ۳ کیلومتر فاصله دارد و حدود ۲۰ هزار نمازگزار را در خود جای می‌دهد. (تصویر شماره ۵۴)

۲. جمعه: عاتکه

پیامبر صلی الله علیه و آله وقتی از قبا به سوی مدینه می‌رفتند، میان قبیله «بنی سالم بن عوف» نماز جمعه خواندند. به گفته ابن اسحاق، این اولین نماز جمعه‌ای بود که در مدینه اقامه کردند. «۱» این مسجد در میان وادی رانوناء ساخته شد، که به همین سبب آن را مسجد بنی‌سالم و یا مسجد وادی و نیز عاتکه نامیدند. موقعیت آن در شمال مسجد قبا و حدود ۷۰۰ متری آن است. در شمال آن، خانه یا دژ «عتبان بن مالك»، یکی از صحابه پیامبرخدا صلی الله علیه و آله بود که وی از آن حضرت درخواست کرد تا در آن‌جا نماز بگزارند و پیامبر صلی الله علیه و آله نیز چنین کردند. این مسجد حدود ۸۰ متر مربع مساحت داشته و تا دوران عثمانی چندین نوبت بازسازی شده است. «۲» در سال ۱۴۱۲ ق. در دوران فهد بن عبدالعزیز بنای قدیمی تخریب و بنای جدید و زیبایی به مساحت ۵۰۰ متر مربع رسید که ۶۰۰ نمازگزار را در خود جای می‌دهد. برای تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۵۵ این مسجد گنبدی بزرگ، با مناره‌ای ۲۵ متری ساخته شد. اکنون (۱۳۸۳ ش.) مجدداً به علّت فرسودگی بنا، کار بازسازی‌های آن به پایان رسید و خیابانی نیز در مجاورت آن ساخته شد. (تصویر شماره ۵۵)

۳. بناتُ النَّجار

بنات النَّجّار دختر عمّه‌های پیامبر صلی الله علیه و آله بودند. وقتی رسول گرامی صلی الله علیه و آله از مکّه به مدینه هجرت کردند، دختران طایفه نجّار به استقبال آن حضرت رفته و با ابیات زیبایی به ایشان خوش‌آمد گفتند: طَلَعَ الْبدرُ عَلَيْنا مِنْ ثَنيَّاتُ الوَداع وَجَبَ الشُكْرَ عَلَيْنا ما دَعا لِلَّه داع أَيُّها المَبْعُوثُ فينا جِئْتَ بِالْأَمْرِ المُطاع جِئْتَ شَرَّفْتَ الْمَدِينَهْ مَرْحَباً يا خَيْرَ داع «ماه چهارده از ثنیۀالوداع بر ما طلوع کرد و شکر آن بر ما واجب است، از آن‌رو کسی ما را به سوی خدا دعوت می‌کند. ای کسی که در میان ما مبعوث شده‌ای، امر تو مطاع است. تو با آمدنت، به مدینه شرافت بخشیدی، خوش آمدی، ای بهترین دعوت شده.» «۱» به یاد این واقعه مسجدی بدون سقف ساختند که متعلّق به این خاندان و قبیله شد. چهار دیواری مخروبه آن، داخل محوّطه پشت مسجد جمعه و در جنوبِ آن، تا سال ۱۳۷۸ ش. موجود بود که در طرح توسعه اطراف مسجد جمعه در دوران سعودی تخریب شد. «۲»

۴. مَصْبَح

مسجد مَصْبَح را بالای تپه مرتفعی در جنوب غربی قبا و پشت مخازن آب عین زرقاء (چشمه زرقاء) ساخته بودند. شاید دلیل نامگذاری آن، به سبب زمان هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله باشد، که هنگام صبح به این مکان وارد شده‌اند. در غرب این مسجد، قلعه مصبح و ثنیۀالوداع بوده در این مکان از پیامبرخدا صلی الله علیه و آله هنگام ورود به قبا استقبال کردند. دیوارهای ویران شده آن باقی و سقف آن از میان رفته بود که در سال‌های اخیر تخریب شد و اکنون اثری از آن دیده نمی‌شود.

ب- مساجد پیرامونی مسجد النبی صلی الله علیه و آله (جنوب غربی مدینه)

۱. مساجد مصلّا و نمازگاه‌های پیامبر صلی الله علیه و آله در اعیاد اسلامی (جنوب غربی مسجدالنّبی)

اشاره

آن حضرت پس از ورود به مدینه، نماز اعیاد فطر و قربان را در جنوب غربی مسجد النّبی صلی الله علیه و آله، در منطقه مناخه اقامه می‌کردند. پس از چندی، برای بزرگداشت و حفظ نمازگاه پیامبر صلی الله علیه و آله، بر آن مکان‌ها مساجدی ساختند که تعداد آن‌ها به ۸ رسید. امروز تنها ۴ مسجد از آن‌ها باقی است. ابن زباله از ابراهیم بن امیه روایت کرده است که پیامبر صلی الله علیه و آله در اعیاد فطر و قربان به این ترتیب نماز می‌گزاردند: ۱. سال اول: در «حارَّةُ الدُّوس»، نزد خانه ابن ابی الجنوب. (مسجد القشله، که به دست وهابیان تخریب شد). ۲. سال دوم: نزدیک خانه حکیم. (مسجد غمامه کنونی). ۳. سال سوم: نزدیک خانه عبداللَّه بن درَّةٔ المزنی. (مسجد عمر بن خطاب کنونی). ۴. سال چهارم: نزدیک خانه‌هایی بود که در کنار محلّه الحناطین قرار داشتند. تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۵۷ (مسجد مالک بن سنان که در توسعه دوران سعودی تخریب گردید). ۵. سال پنجم: در کنار خانه ابی یسار، (مسجد عثمان بن عفان، که در توسعه سعودی خراب شد). ۶. سال ششم: نزدیک دارالشفاء. (مسجد علی بن ابی‌طالب علیه السلام کنونی). ۷. سال هفتم: در مکان قلعه بنی زریق، در گوشه چپ. (مسجد بلال بن رباح، که در توسعه سعودی خراب شد). ۸. سال هشتم: در محلّ سکونت محمد بن عبداللَّه بن کثیر بن صلت. (مسجد ابوبکر بن ابی قحافه کنونی). ۹. سال نهم: در مسجد مصلّا، (مسجد غمامه کنونی). «۱» اکنون به تفصیل تاریخچه مساجدی که در محل اقامه نماز اعیاد آن حضرت ساخته شده، بر اساس

ترتیب سال‌های هجری ارائه می گردد.

۱/ ۱– قشله عسکریه

در نزدیکی میدان و مسجد عنبریه کنونی، یعنی در یک کیلومتری جنوب غربی مسجد النّبی، پیامبر صلی الله علیه و آله نخستین نماز عیـد را (در سال اول هجرت) در محله معروف به «حارّهٔ الـدّوس» اقامه کردنـد. بعـدها در آن‌جا مسـجدی ساخته شـد که در دوران عثمانی آن مسجد داخل پادگانی قرار گرفت. تا این که در دوران سعودی مسجد و پادگان تخریب شد.

۲/ ۱– غَمامه

از انس بن مالک خادم پیامبر صـلی الله علیه و آله روایت شده است که آن حضـرت هنگام خشـکسالی، برای استسقا و خواندن نماز بـاران، کنـار خانه فردی به نام حکیم نماز گزاردنـد. هنوز ایشان از نماز خود فارغ نشـده بودنـد که ابرها سایه افکنـد و باران باریـد. تاریخ و آثار اسـلامی، ص: ۲۵۸ به همین سـبب بعدها در آن مکان مسـجدی ساختند و آن را «غمامه»، یعنی ابر باران‌زا نامیدند. «۱» پیامبر صـلی الله علیه و آله همچنین در سال دوم هجرت، نماز عیـد را در این مکان اقامه کردنـد. «عمر بن عبدالعزیز» مأمور شد بر هر مصلّا و نمازگاهی که پیامبرخدا صلی الله علیه و آله در آن نماز گزارده، بنایی بسازد. از این رو، مسجد مذکور را بنیاد نهاد و تعمیر کرد. در قرن دوم هجری و نیز در سال‌هـــای ۷۴۸ تا ۷۵۳ ق. و نیز در دوران حکـومت عثمــانی «۲» و دولت سـعودی (۱۴۱۱ ق.) بازسازی شد. مساحت مسـجد اکنون ۷۷۳ مترمربع و دارای شـش گنبـد کوچـک و بزرگ است که آن را از دیگر مسـجدها ممتـاز می‌سازد. مسـجد علی علیه السـلام و مسجد عمر بن خطاب در دو طرف آن قرار گرفته‌اند. اکنون اطراف مسجد را میراث فرهنگی با دیوارهـایی از آجر و نخل، به صورت نمادین تحت حفاظی قرار داده است. مکان این مسـجد در مقابل باب السـلام در جنوب غربی مسجد النبی (حدود ۳۰۰ متری) آن است. (تصویر شماره ۵۶)

۳/ ۱– عمر بن خطاب

این مسـجد در جنوب مسـجد غمامه واقع شده و محل خانه عبداللَّه بن درّهٔ المزنی بوده است. پیامبر صلی الله علیه و آله در سال سوم هجرت نماز عیـد را در آن‌جا اقامه کردند. مسـجد یاد شده اکنون نزدیک پل المدرّج در جنوب مسـجد غمامه پا برجاست. بنای آن از دوران عثمانی است که در سال ۱۲۶۷ ق. سلطان عبدالمجید و در این دوران (۱۴۰۱ ق.)، حکومت سعودی تعمیر کردند. مساحت آن به ۳۳۵ متر مربع می‌رسـد. «۳» اکنون میراث فرهنگی مـدینه گرداگرد آن دیواری بـا آجر و نخـل سـاخته و دری نیز بر آن دیوار قرار داده اسـت که هنگـام نمـاز گشـوده می‌شـود. به نظر می‌رسـد به سـبب تاریـخ و آثـار اسـلامی، ص: ۲۵۹ ساخت‌وساز هتل‌های پیرامونی، این مکان هم تخریب شود و به جای آن، هتلی چند طبقه سر به آسمان بکشد. (تصویر شماره ۵۷)

۴/ ۱– مالک بن سنان

رسول گرامی اسـلام صلی الله علیه و آله، در سال چهارم هجرت، در محله «الحناطین»، کنار خانه مالک بن سنان نماز عید خواندند،

که در نمازگاه ایشان مسجدی ساخته شد. این مسجد، هنگام تعریض خیابان‌های غرب مسجد النّبی صلی الله علیه و آله در دوران سعودی تخریب شد.

۵/ ۱– عثمان بن عفّان

پیامبر صلی الله علیه و آله در سال پنجم، درآن مکان، که در باب الشامی بوده، نماز عید خوانده‌اند. مسجدی که بر آن ساختند، در دوران وهابیان و در تعریض خیابان مجاور آن، تخریب شد. مکان دقیق آن، در نزدیکی کتابخانه کنونی ملك عبدالعزیز؛ یعنی رو به روی باب السّلام و در شارع المناخه بوده است. «۱»

۶/ ۱– علی بن ابی‌طالب علیه السلام

پیامبر صلی الله علیه و آله ششمین نماز عید را در دارالشفا (محلّ کنونی مسجد علی علیه السلام) اقامه کردند و بر اساس روایتی، امام علی علیه السلام در آن‌جا نماز عید خواندند. این مکان در نزدیکی محل مسجد غمامه بود که عمر بن عبدالعزیز بر آن مسجدی ساخت و آن مسجد در قرن نهم رو به تخریب رفت و زائرانی را که در آن نواحی از دنیا می‌رفتند، آن‌جا دفن می‌کردند. در سال ۸۸۱ ق. امیر مدینه منوّره آن را تعمیر و حکمرانان دوره عثمانی نیز اهتمامی خاص به تعمیر و حفظ آن داشتند. «۲» در دوران سعودی (۱۴۱۱ ق.) این مسجد به صورتی زیبا و تقریباً سه برابر بنای قبلی ۶۹۰ متر مربع بازسازی شد. تابلوی مسجد «سیّدنا علی»، تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۶۰ در دایره‌ای بر بالای مسجد دیده می‌شود. این مسجد در کنار خیابان، در سمت چپ کسی است که از جنوب غربی صحن مسجد النبی صلی الله علیه و آله خارج می‌شود. (تصویر شماره ۵۸)

۷/ ۱– بلال بن رباح

پیامبر صلی الله علیه و آله در سال هفتم هجرت، در کنار قلعه یا اطْم بنی زریق، در محله خالدیه کنونی نماز عید اقامه کردند. «۱» مسجد یاد شده در توسعه سعودی، میان بنای شهرداری و مسجد غمامه تخریب و به ایستگاه اتوبوس‌ها و ماشین‌های شهرداری تبدیل شد.

۸/ ۱– مسجد ابوبکر بن ابی قحافه

پیامبر صلی الله علیه و آله در سال هشتم هجرت، نماز عید را در جای این مسجد اقامه کردند. از ابن‌عطا نقل شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله بر نجاشی، پادشاه حبشه، که در کشور خود فوت کرده بود، در این محل نماز گزاردند. گویند ابوبکر نیز در دوران خلافت خود، در این مکان نماز عید اقامه می‌کرد، ازاین‌رو، مسجدی را که در آن مکان ساختند به نام وی معروف شد. بنای نخستین مسجد را عمر بن عبدالعزیزساخت و سلطان محمود و عبدالمجید عثمانی در سال‌های ۱۲۵۴ و ۱۲۶۷ ق. آن را بازسازی کردند. «۲» اکنون نیز در این مسجد که در ۴۰ متری مسجد غمامه و نزدیک‌ترین مسجد به آن است و ۳۰۰ متر مساحت دارد نماز اقامه می‌گردد. (نقشه و تصویر شماره ۵۹- ۶۰- ۱/ ۶۰)

۲. مساجد جنوب غربی مسجدالنبی صلی الله علیه و آله

۱/ ۲– سُقیا

«سـقیا» نام مسـجد؛ چاه و روستایی است در حرّه غربی مدینه منوّره. ترمذی از امام علی علیه السلام نقل کرده که پیامبرخدا صلی الله علیه و آله در حرّه سـقیا؛ وضو ساختند و رو به قبله ایستاده، گفتند: تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۶۱ «خدایا! ابراهیم بنده و دوست تو بود که برای اهل مکّه طلب برکت و خیر کرد؛ من نیز بنده و رسول تو هستم و برای اهل مدینه دعای خیر می‌کنم که به آنان همانند اهـل مکّه، برکت دهی. خـدایا! بـا یک برکت برای آنان دو برکت قرار ده.» «۱» همچنین در روایات احمـد بن حنبل و طبرانی آمده است: پیامبر صـلی الله علیه و آله کنار چاه سـقیا نمازگزارد و بعدها در مکان نماز آن حضـرت مسجدی ساختند. ابن زباله نقل کرده است: پیـامبر صـلی الله علیه و آله برای نبرد بـدر از سـربازان خود در کنـار چاه‌هـای سـقیا سـان دیـد و در این مکـان نماز گزارد. در سال‌های گذشـته، این مسجد مدت‌ها به زباله‌دانی تبدیل شده بود که شهرداری مدینه در سال ۱۳۸۲ ضمن بازسازی محوّطه راه‌آهن (سکهٔ القـدیم) مسـجد سـقیا را نیز تعمیر و تنظیف کرد. موقعیت کنونی آن، داخـل محوطه راه‌آهن؛ یعنی مقابـل میـدان عنـبریه، در جنوب غربی مـدینه و حـدود یک کیلومتر بالاتر از مسـجد غمامه است. ساختمان قدیمی و متروکه راه آهن دوره عثمانی، که اکنون بازسازی شده، در روبه‌روی آن دیده می‌شود. نمای آن سـفید و دارای دو گنبد و دری بسـیار کوچک و مساحتی حدود ۶ متر دارد که می‌توان در آن نمـاز گزارد، این مسـجد توجه کسـی را به خود جلب نکرده و نام و نشانی هم بر آن دیـده نمی‌شود. (تصویرهای شماره ۶۱، ۶۲ و ۱/ ۶۲)

۲/ ۲– مَغْسَله: بنی‌دینار

این مسـجد از آنِ طایفه بنی دینار بن نجّار، از قبیله خزرج بود و پیامبر صلی الله علیه و آله در آن بسیار نماز گزارده‌اند. «۲» چون این مکان در باغی به نام «مغیسـله» بود؛ مسجد آن را به این نام خواندند. سمهودی کتیبه‌ای به خط کوفی در آن‌جا دیده که بر آن نوشته شده بود: «هذا مسـجد رسول اللّه صلی‌اللّه علیه و سلّم». مساحت مسجد ۵/ ۲ متر بود «۳» که در سال‌های تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۶۲ بعد، مئذنه‌ای نیز بر آن ساخته شد. مسـجد، داخل باغ مذکور، پشت مقرّ دارالرعایه، کمی بالاتر از میدان عنبریه در شارع عنبریه (عمر بن خطاب) قرار دارد. در سال‌های اخیر بازسازی شد و در آن نماز اقامه می‌گردد. (تصویر شماره ۶۳)

۳– مساجد شرق و شمال شرق مسجدالنبی صلی الله علیه و آله

۱/ ۳– الاجابَهْ: مباهله ۳

پیامبر صـلی الله علیه و آله روزی در مکان این مسجد وارد و پس از اقامه نماز به مدت طولانی دعاکرده و گفتند: از خداوند سه‌چیز خواسـتم‌که دو خواسـته‌ام را عطـا و دیگری را منع کردنـد. این مسـجد به سـبب اجـابت دعای پیامبر صـلی الله علیه و آله به «الاجابَه» معروف شد. «۱» پیامبر صـلی الله علیه و آله در همین مکان برای مباهله با مسـیحیان نجران و به منظور آشکار ساختن حقّانیت خود و دین اسـلام، همراه اهل بیت؛ یعنی علی، فاطمه، حسن و حسـین علیهم السـلام حضور یافتند. در این حادثه مهم و تاریخی، مسـیحیان

نجران بـا دیـدن آثار روحانی و معنوی و چهره مصـمّم و صادقانه اهل بیت پیامبر علیهم السـلام حاضـر به مباهله نشـده و به پرداخت جزیه تن دادند. «۲» موقعیّت کنونی این مسـجد در سمت راست شارع ستّین (ملک فیصل کنونی) و کمی بالاتر از (۵۰۰ متری) ضلع شمـال شـرقی بقیع است. فندق‌الـدّخیل در سـمت راست و مستشـفی الولادهٔ والأطفـال نیز در سـمت چپ آن خیابـان واقع است. این مسجد در دوران عثمانی ترمیم شد و مساحت آن ۲۰۰ متر بود که در سال ۱۳۷۶ ش. تخریب و مساحت آن به ۱۰۰۰ متر مربع رسید و گنبد و مناره‌ای هم بر آن ساخته شد. تابلو و نام مسجد به فهد بن عبدالعزیز تغییر یافت که البته در سال ۱۳۸۲ ش. بار دیگر نام آن به الاجابه بر گشت. (تصویر شماره ۶۴)

۲/ ۳– ابوذر غفاری

بر اساس روایت بیهقی و احمد بن حنبل، پیامبر صـلی الله علیه و آله در مکانی به نام صدقه وضو ساخت و پس از نماز، به سـجده‌ای طولانی پرداخت. آنگاه فرمود: «جبرئیل به من بشارت داد که هرکس بر من درود و صـلوات فرسـتد، خداوند بر او درود می‌فرستد و کسـی که بر من سلام کند، خداوند بر او درود و سلام فرستد و من به خاطر این مسأله سجده شکر کردم.» مسجدی که بعدها به یاد این واقعه ساختند، به سـجده معروف شد و به سبب سکونت ابوذر در آنجا، به مسجد ابوذر نیز شهرت یافت. داخل خیابان ابوذر، در نزدیکی کمربندی ملک فیصل در سـمت شمال شرقی مسجد النبی و حدود ۸۰۰ متری آن است. این مسجد در ۱۴۲۲ ق. در دوران فهـد بن عبـدالعزیز ترمیم و بازسازی کامل شـد و مساحت آن به ۳۵۰ متر افزایش یافت. این مسـجد یک مناره دارد. (تصویر شـماره ۶۵)

ج– منطقه غزوه احزاب و مساجد آن (شمال غربی مدینه)

اشاره

در شوال سـال پنجم هجری، مشـرکان بـا همکاری یهود و با تلاش گسترده خود، تمامی طوایف و قبایل موجود در شـبه جزیره را بر ضدّ اسلام و مسلمانان بسیج کردند. چون در این جنگ، تمامی احزاب و قبایل حضور داشتند، آن را «غزوه احزاب» نامیدند. پیشنهاد سلمان فارسـی و کندن خندق در اطراف مدینه، سـپاه شـرک را زمین‌گیر کرد و محاصـره شهر جز از دست دادن بزرگان و پهلوانان سپاه مشـرکان نتیجه‌ای در پی نداشت و کفّار ناگزیر به مکّه بازگشـتند. «۱» منطقه این نبرد، مقابل کوه «سـلع» در شـمال غرب مدینه قرار داشت. مسیر خنـدق نیز از نزدیکی مسجد المسـتراح (در شـارع سـید الشـهدا) به سـوی احـد آغـاز و به صورت تاریـخ و آثـار اسلامی، ص: ۲۶۴ نیم‌دایره‌ای، با عبور از بخشـی از کوه سلع، در برابر مساجد سبع (شارع السیح) پایان می‌یافت. در این مسیر اکنون حیّ الخنـدق (محلّه خنـدق) واقع و دارای خانه‌هایی بسـیار قـدیمی است و تابلوی حیّ الخنـدق نیز بر آن دیده می‌شود. این محله در کنار کوه سـلع است. (تصویرهای شماره ۶۶– ۶۷) طول خندق ۵/ ۲ کیلومـتر و عمق آن ۳ مـتر و عرض آن ۴ مـتر بوده است. به این صورت نیمی از مدینه در محاصره خندق درآمد و کوه سلع نیز محل استقرار و جان پناه سپاهیان اسلام و در پشت آنان واقع گردید. «۱» فرماندهان و بزرگان سپاه در چند نقطه و دامنه این کوه مستقر و یا به روایت دیگر در آن مکان‌ها نماز می‌گزاردند. بعدها به یاد جانفشانی‌های این عـده، مساجـدی در آن‌جا ساختنـد که به نام هریک از آن صـحابه معروف شـد. مساجد مورد نظر، صـرف نظر از تغییرات مختصـری در فضاهـای مجـاور، جز مسـجد ابـوبکر، همچنـان محفوظ مانـده است. گفتنی است، کمی پـایین‌تر از این شـش مسجد، مسجدی بسیار بزرگ، با دو مناره و گنبد ساخته شد که امسال (۱۳۸۴ ش.) به بهره‌برداری می‌رسد. محتمل است پنج مسجد

باقی‌مانده نیز تخریب شوند. (تصویرهای شماره ۶۸- ۶۹)

۱- مسجدهای هفتگانه (مساجد سبعه)

۱/ ۱- فتح

این مسجد بر دامنه شمال غربی کوه سلع و در جنوب غربی خندق واقع شده و به وادی بطحان مشرف است. خداوند- تبارک و تعالی- دعای رسول گرامی را برای پیروزی در جنگ بر فراز این تپه مستجاب ساخت و خبر فتح و پیروزی سپاه اسلام در این تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۶۵ محل به آن حضرت رسید. پیامبر صلی الله علیه و آله سه روز در این مکان دعا کردند و دعای ایشان مستجاب شد. «۱» دعای پیامبر صلی الله علیه و آله چنین بود: «اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ هَدَیْتَنِی مِنَ الضَّلالَهِ فَلا ...». «خدایا! تو را سپاس که ما را ره نمودی و هدایت کردی. کسی که تو را کوچک شمارد بزرگ و گرامی نمی‌شود و کسی که گرامی‌ات شمارد خوار نمی‌شود. کسی که تو را خوار کند عزیز نمی‌شود و کسی که عزیزت کند خوار نمی گردد. کسی که تو را کوچک شمارد یاری نمی‌شود و ....» از دعاهای دیگر آن حضرت است: «اللَّهُمَّ مُنْزِلَ الْکِتابِ وَ مُنْشِیءَ السَّحابِ ...». «۲» این دعاها هنگامی درخواست شد که کار بر مسلمانان سخت و مقاومت در خندق طولانی گردید. سرانجام مشرکان رو به هزیمت گذاشتند و این امر با امدادهای غیبی و تلاش مجاهدان تحقق یافت. پیامبر صلی الله علیه و آله در وسط جای مسجد فتح؛ یعنی در صحن کنونی آن، کنار ستونی نماز خوانده، دعا می‌فرمودند. «۳» بعضی نیز گفته‌اند: سوره فتح در این مکان بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد و در روایت دیگری است که آیه إِنْ تَسْتَفْتِحُوا فَقَدْ جاءَکُمُ الْفَتْحُ ... در این جا نازل شده است و آن را به این سبب «مسجدالفتح» نامیده‌اند. این مسجد راعمر بن عبدالعزیز (۸۸ ه.) تعمیر کرد و رواقی با سه ستون بر آن نهاد، سپس سیف‌الدین ابی‌الهیجاء، در سال ۵۶۵ ق. آن را تجدید بنا کرد. حکومت عثمانی نیز به عمران و آبادانی آن همّت گمارد. «۴» در داخل محراب مسجد فتح، بوی بسیار خوشی به مشام می‌رسد که همانند این بو در دو نقطه دیگر، یکی در شکاف کوه احد که پیامبر صلی الله علیه و آله را پنهان ساختند و دیگری در غار حِرا استشمام می‌شود. (تصویر شماره ۷۰)

۲/ ۱- سلمان فارسی

مسجد سلمان پس از مسجد فتح و در جنوب آن است. «۱» مساحت آن حدود ۴۰ متر می‌باشد.

۳/ ۱- علیّ بن ابی‌طالب علیه السلام

به روایت سمهودی‌این مسجد در جنوب مسجد سلمان فارسی بوده و بنای آن، به مرور رو به تخریب رفت. زین الدین ضیغم امیر مدینه، در سال ۹۷۶ ق. آن را تجدید بنا کرد و سقفی بر آن نهاد. مساحت این مسجد ۳۵ متر بوده است. «۲» موقعیت مشهور امروزی آن با گفته سمهودی مطابقت ندارد؛ زیرا مسجد علی علیه السلام را امروزه آن مسجدی می‌دانند که کمی بالاتر از مسجد فاطمه علیها السلام بر روی بلندی و ارتفاعی قرار دارد و با پله‌هایی به آن راه می‌یابند. امروزه به سبب ساخت مسجد جدید امکان حضور در آن مسجد نیست و جلو آن را نرده ساخته‌اند. سمهودی این مسجد را مسجد ابوبکر و مسجد معروف ابوبکر را مسجد علی علیه

السلام می‌داند. اگر گفته سمهودی صحیح باشد، مسجد علی علیه السلام در سال ۱۳۸۰ ش تخریب شده است و اگر اشتهار امروزین صحیح باشد. مسجد ابوبکر را خراب کرده‌اند. «۳»

۴/ ۱– ابوبکر بن ابی‌قحافه

این مسجد، پس از مسجد سلمان و در جنوب آن قرار داشته که سوّمین مسجد از سمت مسجد فتح است. سمهودی آن را مسجد علی علیه السلام دانسته است ولی امروزه به ابوبکر معروف است. در سال ۱۳۸۰ این مسجد تخریب و اکنون اتوبوس‌های زائران در آن‌جا توقف می کنند. اگر گفته سمهودی صحیح باشد، مسجد ابوبکر آن مسجدی است که در انتهای مساجد سبعه بر روی بلندی قرار گرفته است.

۵/ ۱– عمر بن خطّاب

مسجد عمر بن خطاب در مجاورت مسجد ابوبکر به سمت جنوب و چهارمین مسجد است.

۶/ ۱– فاطمه علیها السلام

در مغرب مسجد علی علیه السلام، به یاد دختر گرامی پیامبر صلی الله علیه و آله مسجدی کوچک و بدون سقف ساخته‌اند. حضرت فاطمه علیها السلام هنگام جنگ خندق در این مکان برای پدر و همسرشان علی علیه السلام غذا و نان تهیه می کردند. این مسجد پایین‌ترین مساجد این منطقه و کنار خیابان اصلی قرار دارد. در سال‌های قبل در مسجد باز و مؤمنان به اهل‌بیت و دوستداران فاطمه علیها السلام در آن نماز می گزاردند. اما چند سالی است که درِ آن را با بتون و آجر بسته‌اند.

۷/ ۱– ذو قبلتین

پیامبر صلی الله علیه و آله در شانزدهمین یا هفدهمین ماه از هجرت، در میان قبیله بنی سلمه و مسجد آنان به نماز ایستاد. آن حضرت، به‌ویژه شب‌ها از خداوند می‌خواستند تا مسلمانان را از سرزنش یهودیان برهاند. به روایتی، در روز دوشنبه، نیمه ماه رجب، میان نماز ظهر، آیات تغییر قبله بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد: قَدْ نَری تَقَلُّبَ وَجْهِکَ فِی السَّماءِ فَلَنُوَلِّیَنَّکَ قِبْلَهً تَرْضاها فَوَلِّ وَجْهَکَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ .... «۱» پیامبر خدا، هنگام نزول این آیات، در حالی که دو رکعت از نماز ظهر را خوانده بودند، به‌صورت نیم دایره برگشتند و رو به سمت جنوب کردند. لذا مردان درمکان زنان؛ یعنی صفوف عقب و زنان در مکان مردان، یعنی صفوف جلو واقع شدند و همراه تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۶۸ پیامبر صلی الله علیه و آله دو رکعت نماز باقیمانده ظهر را به سوی مسجدالحرام به صورت فرادی اقامه کردند. به سبب نزول این آیات، آن مسجد به ذو قبلتین مشهور شد؛ «۱» زیرا یک نماز را به دو قبله خواندند. خبر نزول آیاتِ تغییر قبله، که باعث خشنودی مسلمانان شده بود، شتابان به مسجد قبا و مسجد النّبی صلی الله علیه و آله و دیگر مساجد رسید و مسلمانان نماز عصر را رو به سوی مسجدالحرام اقامه کردند. مسجد ذو قبلتین در حرّهٔ الوبره، شمال غربی مدینه و غرب مساجد سبعه (کوه سلع) قرار دارد. این مسجد را شاهین جمالی، شیخ خدام حرم پیامبر صلی الله علیه و آله در

سال‌های ۸۹۳ ق. مسقّف کرد و در دوران سلیمان عثمانی ۹۵۰ ه. ق. مجدداً تعمیر و تجدید بنا شد. «۲» در سال ۱۳۷۰ ق. نیز مناره‌ای در زاویه شمال شرقی صحن آن بر پا و نمای مسجد به‌کلی بازسازی گردید. قبله بیت‌المقدس در سمت راست ورودی مسجد بوده که قبلًا سنگی به عنوان نشانه آن نصب کرده بودند. از آنجا که زائران آن را مسح و لمس کرده و به آن تبرّک می‌جستند، در سال ۱۳۹۸ ق. آن سنگ را برداشتند و آیات تغییر قبله را با خطوطی زیبا و زرّین بر دیوار شمالی نگاشتند که البته در سال‌های اخیر آن را نیز برداشته‌اند. مساحت مسجد اکنون ۳۹۲۰ متر مربع است که دو گنبد بزرگ به قطر ۸/ ۷ و ارتفاع ۸/ ۱۸ متر نیز بر آن استوار گشته است. (تصویر شماره ۱/ ۷۰)

۲- مساجد دیگر منطقه احزاب

۱/ ۲- الرّایه: ذِباب «۳»

پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام جنگ خندق، بالای کوه ذباب نماز گزارده، «۴» بر اعمال خندق نیز تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۶۹ نظارت می‌کردند. این مسجد بر مکان استقرار پیامبر صلی الله علیه و آله ساخته شد. کوه یاد شده کوچک و در شرق کوه سلع و پشت مساجد سبعه است. سبب نامگذاری آن به مسجدالرّایه (پرچم)، این است که یزید بن هرمز در قرن اول هجری، پشت این کوه با موالیان می‌جنگید. وی پرچمی در دست داشت که بر فراز آن مستقر ساخته بود. «۱» این مسجد در شارع سلطانه (ابوبکر) در سمت راست کسی است که به سمت شمال می‌رود. پمپ بنزین زغیبی (محطه بنزین) بعد از آن قرار دارد. مسجد در سمت چپ بر بالای دامنه کوه الرایه یا ذباب است که در دوران اخیر بازسازی شده است و در آن نماز اقامه می‌گردد. (تصویر شماره ۷۱)

۲/ ۲- مسجد بنی حرام کبیر

حدود ۵۰۰ متری جنوب مساجد سبعه، در حیّ الخندق و در سمت چپ کسی است که در شارع السیح به سوی پایین (مسجد النبی صلی الله علیه و آله) می‌رود. پهلوی مدرسه «المتوسطه للبنات» مسجدی متعلق به طایفه بنی‌حرام است. پیامبر صلی الله علیه و آله در مسجد آنان نماز گزارده‌اند. «۲» این مسجد در دوران عثمانی تعمیر «۳» و سپس رو به ویرانی رفت. در دوران آل‌سعود، ۱۴۱۱ ق. بازسازی شد، مساحت آن ۲۰۰ متر است و امروزه در آن نماز جماعت می‌خوانند. (تصویر شماره ۷۲) کمی پایین‌تر از آن، در دامنه کوه، غاری متعلّق به این طایفه بوده که پیامبر صلی الله علیه و آله لحظاتی در آن‌جا استراحت کرده‌اند. این غار اکنون موجود نیست.

د- منطقه احد و مساجد پیرامون آن

۱. المستراح (محلّ استراحت)

پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام بازگشت از نبرد احد، در میان راه، از سختی و رنجی که جنگ و راه طولانی بر ایشان عارض ساخته بود، در مکانی به استراحت نشستند. «۱» در آن مکان مسجدی ساختند «۲» که می‌توان از شارع سید الشهدا (راه قدیمی احد)، که اکنون از زیرگذر تقاطع شارع فیصل می‌گذرد، به آن راه یافت. پس از حدود دو کیلومتر از ابتدای تقاطع یاد شده این مسجد در کنار خیابان قرار دارد و بنای آن در دوران اخیر (۱۴۱۱ ق.) بازسازی شده و مسجد بزرگ‌تری به مساحت ۵۰۰ متر به جای آن قرار گرفته است. در شبستان مسجد، شش ستون که به وسیله نیم هلالی‌هایی به هم وصل است، به مسجد، زیباییِ ویژه

بخشیده است. سقف آن با آجر و دیواره‌ها با گچبری‌هایی تزیین گشته است. امروزه در این مکان نماز جماعت برپا می‌شود و رونق دارد. گفتنی است اینجا موقعیت خاص استراتژیکی داشته و خندق معروف از اینجا آغاز شده که منازل بنوحارثه بوده است. (تصویر شماره ۷۳)

۲. الدِّرْع: الشَّیخان

ابن شبّه روایت کرده است که پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام عزیمت به سوی احد در شیخان بیتوته کرده و نماز عصر و عشا و نماز صبحِ قبل از روز جنگ را در این مکان خوانده‌اند. آن را بدین سبب شیخان نامیده‌اند که در کنار منزل دو پیرمرد و پیر زن یهودی بوده است. وجه تسمیه آن به «الدّرع» چنین است که آن حضرت هنگام بیتوته و اقامه نماز زره خود تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۷۱ را از تن درآورده و در آن جا نهاده بودند. «۱» این مسجد حدود ۲۰۰ متر پایین‌تر از المستراح؛ یعنی در جانب چپ کسی است که به سوی کوه و مقابر شهدای احد، در شارع الشهدا می‌رود. امروزه اطراف آن مطابخ یا آشپزخانه‌های بزرگی قرار دارد. بنای کنونی آن از دوران عثمانی است و رواق کوچکی دارد که البته در ۱۴۱۸ ق. در دوران سعودی اندکی بازسازی شد. امروزه در این مسجد، اقامه می‌شود. (تصویر شماره ۶۲)

۳. عَیْنَیْن

بر سمت شرقی «جبل‌الرُّماة» یا «جبل عَیْنَیْن» در محل و سنگر تیراندازان سپاه اسلام، در جنگ احد، مسجدی ساخته شد که اکنون جز دیواری کوتاه از آن باقی نمانده است. «۲» این مسجد در دوران عثمانی ترمیم شد لیکن به مرور زمان و بر اثر بی‌توجهی دست‌اندرکاران، تقریباً از میان رفت و در این زمان، بالای تپه (گوشه شرقی) جبل‌الرماة، که رو به روی مزار شهدای احد قرار دارد، دیواری کوتاه از خشت و گِل، مساحتی حدود دوازده متر را محصور ساخته‌اند. نگارنده بعضی از مردم بومی را دیده‌ام که به این مکان توجه داشته و در آن نماز می‌گزاردند. مکان یاد شده کمتر در دید کسی قرار می‌گیرد. احتمال می‌رود آن را در ماه‌های اخیر خراب کرده باشند.

۴. ثنایا: قُبّةُ الثنایا

پیامبرخدا صلی الله علیه و آله در جنگ احد مجروح شد و دندان پیشینش، در مکانی شکسته شد که بعدها در آن‌جا مسجدی ساختند. این مسجد دارای گنبدی بود که به مرور زمان منهدم شد. «۳» مکان آن در شمال مزار شهدای احد، به فاصله حدود ۱۰۰۰ متری بوده است.

۵. جبل احد: الفَسْح

پیامبر صلی الله علیه و آله نماز ظهر و عصرِ روز نبرد احد را در این مکان، که به کوه چسبیده بود، اقامه کردند. «۱» چون صحابه از فرط خستگی به صورت راحت و با فاصله به نماز می‌ایستادند و فضا را برای دیگر مسلمانان باز نمی‌کردند، آیه فَسح، در سوره مجادله «۲» نازل شد که خداوند از مسلمانان می‌خواست جا را برای دیگران، جهت اقامه نماز باز کنند، لذا از آن هنگام مسلمانان در صفوف خود، به صورتی بسیار به هم چسبیده و متراکم نماز گزاردند و این امر برای گروه‌های اهل سنت مرسوم و معمول شده است. بعدها به یاد آن واقعه، مسجدی ساختند که به مسجد الفسح یا مسجد جبل احد معروف شد. مکان آن، که اکنون جز

نیم‌دیواره‌ای مخروبه از آن باقی نمانده، در دامنه کوه احد، کنار منازل مسکونی پایه کوه، و نزدیک غاری است که پیامبر صلی الله علیه و آله را برای مداوای جراحت خود در آن پنهان ساختند. «۳» (تصویر شماره ۷۵)

۶. بنو حارثه

این مسجد به طایفه بنو حارثهٔ بن الخزرج متعلق است که در امتداد «عُرَیض» تا «وادی قناهٔ» در شمال و شرق مدینه ساکن بوده‌اند. نیروهای اسلام در مسیر غزوه احد از میان‌منطقه مسکونی‌این‌قبیله عبورکرده‌اند وگویندپیامبر صلی الله علیه و آله در این مکان نماز گزارده‌اند. «۴» این مسجد کنار شارع الشهدا، کمی پایین‌تر از مسجد شیخان و مستراح بوده و بقایای قلعه‌ای متعلّق به عثمانی‌ها نیز در مجاورت آن قرار داشته است. «۵» اکنون از آن‌جا به تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۷۳ عنوان پادگان و آموزش نظامی استفاده می‌شود.

ه- منطقه غزوه بنی‌قریظه، بنی‌نضیر و مساجد آن

اشاره

یهودیان بنی‌نضیر، دو طایفه‌ای هستندکه درکنار اعراب در مدینه زندگی می‌کردند: * قبیله بنی‌نضیر در جنوب‌شرقی مدینه، کنار وادی مذینب ساکن بودند که امروزه در شارع قربان (امیر عبدالمحسن) واقع شده و ۳/ ۵ کیلومتر با مسجد النبی صلی الله علیه و آله فاصله دارد. * قبیله بنی‌قریظه، در عوالی، جنوب شرقی مدینه، کنار وادی مهزور (حدود ۴ کیلومتری مسجد النبی) می‌زیستند، که اکنون خیابان آن منطقه به نام علی علیه السلام و نیز عوالی معروف است. در گذشته، معیشت اصلی بنی‌نضیر کشاورزی و نخل‌کاری بوده که اکنون نیز نخلستان‌های آن منطقه موجود و آبادان است و بنی‌قریظه نیز به کار تجارت اشتغال داشتند. این دو منطقه جزو بهترین و آبادترین مناطق مدینه است. قلعه‌های بنی‌نضیر اکنون نیز در منطقه موجود است. اگرچه تنها دیواره‌ها و بقایای برخی از آثار آنان، که ظاهراً در دوران‌های بعد بازسازی و سپس رو به تخریب رفته‌اند، در کنار شارع قربان دیده می‌شوند و منطقه وسیعی را در دو سوی خیابان اشغال کرده‌اند. نخلستان‌های زیادی در اطراف شارع قربان و پیرامون قلعه‌های مستحکم بنی‌نضیر وجود دارند که همان نخلستان‌های معروف بنی‌نضیر هستند، اگرچه نخل‌های آن چون انسانها در حال تغییر و تحول در اعصار مختلف بوده‌اند. پیامبر صلی الله علیه و آله پس از محاصره این دو قبیله و انجام غزوه‌هایی که به نام آن دو قبیله معروف است، به علت پیمان‌شکنی، آنان را از مدینه اخراج کرد. امروزه منطقه کوچک بنی‌قریظه و آثار موجود از قلعه‌ها و حصارهای آنان نشان می‌دهد که نباید بنی‌قریظه چندان جمعیت زیادی در آن دوران داشته باشند و نهایتاً این منطقه با حدود ۲ کیلومتر مساحت می‌تواند بی‌اعتباری موضوع زدن گردن ۷۰۰ تا ۹۰۰ تن از مردان جنگی بنی‌قریظه را، که می‌باید از جمعیتی حدود ۳ تا ۴ هزار نفر برخاسته باشند، گوشزد نماید. در هر حال، به هنگام محاصره آنان، پیامبر صلی الله علیه و آله در برخی نقاط نماز گزارده و یا مستقر شده‌اند که در آن مکان‌ها مساجدی ساخته‌اند. (تصویرهای شماره ۷۶- ۷۷)

۱- مسجد بنی‌قریظه

پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام محاصره بنی‌قریظه، که در جنوب شرقی مدینه، در منطقه عوالی ساکن بودند، در مکانی نماز خواندند. «۱» در مکان نمازِ ایشان مسجدی ساختند که به سبب این غزوه، به بنوقریظه معروف شد. این مسجد بر اساس پژوهش

پژوهشگران جدید مدینه؛ مانند الیاس عبدالغنی و دیگران، همان مسجدی است که به اشتباه آن را مسجد فضیخ می‌دانند «۲» مسجد یاد شده در شارع العوالی، کمی بالاتر از مشربه امّ ابراهیم در سمت راست کسی است که به سوی مستشفی الوطنی می‌رود. پس از طی مسافت اندکی در داخل کوچه و کنار نخلستان، به مکان مخروبه مسجد می‌رسیم که در سال ۱۳۸۰ کاملًا تخریب شده و هیچ اثری از آن باقی نیست. این مسجد یک بار در دوره عثمانی و بار دیگر در دوره سعودی بازسازی شد. (تصویرهای شماره ۷۸- ۷۹)

۲- مشربه امّ ابراهیم

ابن زباله و یحیی و ابن شبّه از ابن غسّان و ... روایت کرده‌اند که پیامبرخدا صلی الله علیه و آله در مشربه امّ ابراهیم نماز گزاردند. در این مکان، ماریه قبطیّه، همسر گرامی آن حضرت، ابراهیم را به دنیا آورد. مشربه باغی بوده که بعضی از مورّخان گفته‌اند به ماریه تعلّق داشته است. در حقیقت، این محل، خانه او بوده است. در کنار مشربه مورد نظر، که در منطقه «العوالی» و میان «نخیلات بنی‌قاسم» (برادر امام حسن عسکری علیه السلام) قرار داشته، مقبره اهالی منطقه نیز بوده است. «۳» لذا بنا بر قولی نه معتبر، نجمه خاتون مادر امام رضا علیه السلام در این مکان دفن شده است. از مشربه امّ ابراهیم با عنوان مسجد امّ ابراهیم نیز یاد شده که تا اواخر دوران عثمانی مورد عنایت کامل بوده ولی در دوران سعودی مورد بی‌توجهی قرار گرفته است. مخروبه تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۷۵ این مشربه، که تنها دارای یک چهار دیواری و یک درِ قفل شده است، در انتهای خیابان العوالی و سمت چپ کسی قرار دارد که از مستشفی الزهرا به سوی مستشفی الوطنی می‌رود. (تصویر شماره ۸۰)

۳- فضیخ: رد الشمس: بنی‌نضیر

فضیخ، در لغت به معنای «عصیر العنب» (شراب انگور) است و بعضی نیز به شیره خرما گفته‌اند. آیات تحریم قطعیِ شراب در همین مکان نازل شد. هنگامی که سپاهیان اسلام، همراه پیامبر صلی الله علیه و آله برای غزوه بنی‌نضیر خارج شدند، در این مکان توقف کرده و بعضی به سبب حرام نبودن شراب مشغول میگساری شدند؛ در این حال آیات تحریم شراب نازل شد و ابو ایّوب انصاری خبر آن را به این عدّه رسانید. به این سبب مسجدی که در این‌جا ساخته شد، به «فضیخ» شهرت یافت. پیامبر صلی الله علیه و آله در مدت شش شبانه روزی که بنی‌نضیر را در محاصره داشتند، در این مکان به نماز و عبادت ایستادند. «۱» به سبب همین غزوه، این مسجد به بنی‌نضیر نیز معروف است. اما نام دیگر آن ردّ الشمس، به سبب حادثه‌ای است که راویان و مورّخان شیعه و سنی نقل کرده‌اند. آن ماجرا در همین غزوه رخ داد. بر اساس روایت آنان، در این مکان، پیامبر صلی الله علیه و آله در هنگام عصر، سر بر زانوی علی علیه السلام به خواب رفتند و نزدیک غروب خورشید، که بیدار شدند، فهمیدند علی علیه السلام برای آن‌که پیامبر صلی الله علیه و آله بیدار نشود، نماز عصر را نخوانده است؛ لذا از خداوند خواستند، اگر علی علیه السلام در طاعت اوست، خورشید را بازگرداند تا او نماز عصر را بخواند. اسماء گوید: «من دیدم که خورشید پس از غروب کردن بر کوه‌ها و زمین نورافشانی کرد و علی علیه السلام نماز عصر را به‌جا آورد.» «۲» تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۷۶ اما برخی از پژوهشگران آثار مدینه، این مسجد را «شمس» ثبت کرده‌اند، نه «ردّالشمس» و گفته‌اند چون نور خورشید در زمان طلوع به این مسجد می‌تابیده، آن را شمس نامیده‌اند. «۱» این مسجد در جنوب شرقی مسجد قبا، حدود یک کیلومتری آن و در محله معروف قربان، که خیابانی هم به این نام در آنجا وجود دارد، در کنار وادی مزینب ساخته شده که اکنون جز یک چهاردیواری از آن نمانده است. «۲» گفتنی است، معمولًا زائران ایرانی، به گمان آن‌که مسجدی که بالاتر از مشربه امّ ابراهیم، در عوالی است، همان مسجد فضیخ یا ردّ الشمس است، به زیارت آن می‌روند، در حالی که آن مسجد جز مسجد بنی‌قریظه نیست و البته در سال گذشته نیز تخریب شده است. (تصویر شماره ۸۱)

فصل پنجم: مقابر و زیارتگاه‌های مدینه

الف- قبرستان بقیع

اشاره

برای بقیع، معانی گوناگون نوشته‌اند؛ از جمله: به مکانی وسیع گفته می‌شود که در آن درخت و ریشه آن باشد. «۱» قبرستان عمومی مدینه را، که زمینی مملو از آن درختان بوده «بقیع الغرقد» نامیده‌اند. غرقد نام نوعی درخت بوده که در آنجا می‌روییده است. برخی نیز بقیع را از بقعه گرفته‌اند؛ «۲» زیرا قبور آن دارای بقعه بوده است. شمال غربی این قبرستان را، که عمّه‌های پیامبر صلی الله علیه و آله در آن مدفون‌اند «بقیع‌العمّات» نام نهاده‌اند. این قسمت، پیشتر به وسیله دیواری، از بقیع جدا بوده و در سال ۱۳۷۳ ق. دیوار آن را برداشتند. جنوب شرقی بقیع را، که محل دفن مردگان یهود و غیر مسلمان بوده «حش کوکب» خوانده‌اند. بعدها در دوران اموی، دیوار آن را خراب و به بقیع ملحق کردند. بقیع الغرقد تاریخچه‌ای دیرینه در دل شبه جزیره دارد؛ زیرا تاریخ‌نگاران پیشینه آن را به دوران جاهلّیت بازگردانده‌اند. در ابتدا این مکان قبرستان مردم یثرب بوده و قبل از اسلام اموات خود را در آن به خاک می‌سپردند. پس از اسلام، تنها به دفن اموات تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۸۰ مسلمانان اختصاص یافت و یهودیان و غیر مسلمانان را در حش کوکب به خاک می‌سپردند. قبرستان بقیع، که به صورت مستطیل شکل و بسیار کوچک بوده، بیرون از دیوار شهر قرار داشته «۱» و مساحت آن ۳۴۹۳ متر مربع بوده است. (تصویر شماره ۸۲)

فضایل بقیع

قبرستان تاریک و خاموش بقیع، آرامگاه چهار امام معصوم شیعه و بسیاری از صحابه بزرگوار، یاران ائمه اطهار علیهم السلام و شهدای گرانقدر صدر اسلام است. در این قبرستان، بیش از ۱۰۰۰ و به روایتی ۱۰۰۰۰ نفر از صحابه گرامی پیامبر صلی الله علیه و آله، تابعان، قاریان، سادات بنی‌هاشم و ... مدفون‌اند. بیشتر قبور آنان جز چند تن، گمنام و ناشناخته است. از امّ‌قیس نقل شده که همراه پیامبر صلی الله علیه و آله به بقیع آمدم، فرمود: «ام قیس، از این قبرستان در آخرت ۷۰۰۰۰ نفر برانگیخته شده و بدون حساب به بهشت می‌روند، در حالی که صورت‌های آنان مانند ماه شب بدر می‌درخشد.» «۲» همچنین از رسول گرامی اسلام روایت شده که از این مکان در روز قیامت نوری بلند می‌شود که میان آسمان‌ها و زمین را روشن می‌کند. روایت دیگری است که آن حضرت در بقیع ایستاد و فرمود: «السَّلامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ الْقُبُورِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُسْلِمِينَ». «۳» مُوَيهبه، غلام حضرت رسول صلی الله علیه و آله گوید: تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۸۱ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مرا در دل شب از خواب بیدار کرد و فرمود: مأمورم تا برای اهل بقیع استغفار کنم، پس همراه من بیا. همراه ایشان رفتم، وقتی رو به روی قبور بقیع ایستاد، گفت: «السَّلامُ عَلَيكُمْ يا أَهْلَ المَقابِر، لَيَهن لَكُم ما أَصْبَحتُم فِيهِ مِمّا أَصْبَحَ النّاسُ فِيهِ أَقْبَلَتِ الفِتَنُ كَقِطَعِ اللَّيْلِ المُظْلِمِ يَتَّبِعُ آخِرَها أَوَّلَها الآخِرَةُ شَرٌّ مِنَ الْأُولى . پس مدّتی طولانی برای آنان به استغفار پرداخت. یکی از همسران پیامبر صلی الله علیه و آله نیز نقل کرده است که آن حضرت هر شب به زیارت قبور بقیع می‌رفتند. «۱» عایشه گوید: «پیامبر صلی الله علیه و آله برخی شب‌ها از منزل بیرون می‌رفتند، من گمان می‌بردم که به منزل همسران دیگر می‌رود؛ لذا حساس شده و ایشان را سایه‌وار تعقیب کردم تا دیدم به زیارت اهل بقیع رفته‌اند. هنگامی که از تعقیب من آگاه شدند، گفتند: «تو گمان می‌کنی به تو ظلم خواهم کرد، خیر، من از سوی خدا مأمور شده‌ام که برای اهل بقیع استغفار کنم.» «۲» در کتب زیارات و ادعیه آمده است که هنگام زیارت بقیع به سبب قداست آن مکان، که روزی قدم‌های مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله بر آن نهاده شده و بهترین اولیای خدا در آن مدفون شده‌اند، با پاهای برهنه وارد شوید. پیامبرخدا صلی

الله علیه و آله فرمودند: کسی که در مقبره ما (بقیع) مدفون شود، از شفاعت من برخوردار گردد؛ «۳» لذا شایسته است بر کسانی که مورد شفاعت پیامبر صلی الله علیه و آله قرار خواهند گرفت، کمال احترام و خضوع را رعایت کرد.

گنبد و بارگاه‌های بقیع

اشاره

طبق تصاویری که جهانگردان، سفرنامه‌نویسان و ... ارائه کرده‌اند، بیشتر قبور بقیع تا دوران سعودی دارای گنبد و ضریح آهنین، مسی یا نقره‌ای بوده و کتیبه‌ها و سنگ تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۸۲ نبشته‌هایی نیز داشته‌اند که نام و نشان صاحب قبر بر آن ثبت شده بود. متأسفانه با تسلّط تفکّر وهابیت در سرزمین حجاز، بسیاری از آثار تاریخی، که در اعتقادات ایشان جایگاهی نداشت، تخریب شد. آنان پس از تسلّط بر حجاز، بقعه‌های بقیع، شهدای احد، محمد نفس زکیّه، عبداللَّه، پدر گرامی پیامبر صلی الله علیه و آله و ... نیز بقاع مکه و سایر نقاط را تحت عنوان شرک و بدعت تخریب کرده‌اند. مروان بن حکم نخستین کسی بود که به برداشتن سنگ قبر اوّلین مدفون بقیع یعنی «عثمان بن مظعون» اقدام کرد که سنگ قبر او با دست مبارک پیامبرخدا صلی الله علیه و آله نهاده شده بود. در این‌جا قبوری که در بقیع دارای بقعه و بارگاه بوده و در این دوران دستخوش تخریب واقع شده‌اند، معرفی می‌گردند. (تصویر شماره ۸۳)

الف- بقعه و بارگاه ائمه علیهم السلام

پیش از آن که بر فراز قبور امامان شیعه؛ یعنی امام حسن، امام سجاد، امام باقر و امام صادق علیهم السلام گنبد وبارگاهی ساخته شود، سنگ نبشته‌ای برآن بوده که بعضی از جهانگردان و مورّخان آن را دیده‌اند. قدیمی‌ترین مورّخی که از این سنگ نبشته گزارش می‌دهد، مسعودی است. او که در قرن چهارم فوت کرده است، می‌گوید: بر قبور ایشان سنگ نبشته‌ای دیدم که بر آن نوشته بود: «بسم اللَّه الرَّحمن الرَّحیم، الحمد للَّهِ مُبِید الأُمَمْ و مُحیِی الرُّمَمْ، هَذا قُبر فاطمة بنت رَسُول اللَّه و قبر الحسن بن علیّ بن أبی‌طالب علیه السلام و علیّ بن الحسین علیه السلام و محمد بن علی علیه السلام و جعفر بن محمد علیه السلام». «۱» ابن نجّار (متوفّای ۶۴۳ ق.) از بنای گنبد و بقعه‌ای در ابتدای بقیع یاد می‌کند که هر روز صبح، درهای آن برای زیارت باز می‌شده است. مطری گوید: گنبد آن را خلیفه النّاصر عباسی ساخته است. «۲» تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۸۳ ابن جبیر و ابن بطوطه، دو جهانگرد مسلمان نیز از گنبد مرتفعی که بر قبر «عباس» و «امام حسن علیه السلام» بوده، گزارش کرده‌اند. «۱» میرزا حسین فراهانی، از سیّاحان عصر قاجار نیز در سفرنامه خود می‌نویسد: «چهار ائمه اثنی عشر، در بقعه بزرگی که به‌طور هشت ضلعی ساخته شده واقع‌اند و گنبد اندرون آن سفیدکاری است. بنای این بقعه معلوم نیست که از چه وقت بوده است.» «۲» علی بن موسی، از دیگر سفرنامه‌نویسان عصر عثمانی، قبه و بارگاه اهل بیت را بزرگ‌ترین قبّه‌های بقیع ذکر کرده است که بعضی از سادات علوی و بزرگان و امرای مدینه کنار آن به خاک سپرده شده‌اند. «۳» (تصویر شماره ۸۴)

ب- بقعه و بارگاه سایر قبور

قبور دیگری که منابع از گنبد و بارگاه آن‌ها گزارش کرده‌اند، عبارت‌اند از: ۱- دختران و همسران پیامبر صلی الله علیه و آله ۲- عقیل و مالک بن انس ۳- ابراهیم فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله ۴- فاطمه بنت اسد ۵- عثمان بن عفان ۶- عثمان بن مظعون ...

به خاک آرمیدگان بقیع

۱- عثمان بن مظعون

نخستین کسی که به فرموده پیامبر صلی الله علیه و آله در قبرستان بقیع دفن شد، عثمان بن مظعون، صحابه بزرگوار ایشان بود. او را در خانه محمد بن زید- در گوشه خانه عقیل، که وسط بقیع بوده- به خاک سپردند. پیامبر صلی الله علیه و آله سنگی بالا وپایین قبر وی قرارداده، فرمودند: «اهل‌بیت مرا در این‌جا دفن کنید.» «۴» هنگامی که مروان، والی مدینه شد، آن سنگ‌ها تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۸۴ را برداشت و سوگند یاد کرد که نمی‌گذارد بر قبر عثمان بن مظعون سنگی باشد و به این وسیله شناخته شود. «۱» برخی از شیعیان، قبری را که در انتهای محدوده نخستین بقیع واقع شده- واهل‌سنت آن را از آنِ خلیفه سوم، عثمان بن عفّان می‌دانند- به اشتباه گفته‌اند که آن قبر عثمان‌بن مظعون است.

۲- ابراهیم فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله

ابراهیم، که مادرش «ماریه قبطیه» بود، در ذی‌حجه سال هفتم هجری به دنیا آمد. اما بسیار زود؛ یعنی در هیجده ماهگی از دنیا رفت. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: او را در بقیع، کنار عثمان‌بن مظعون دفن کنند. در بهشت برای او مرضعه‌ای (شیر دهی) است که شیرخوردن او را تمام خواهد کرد. در روایت آمده است: پیامبر صلی الله علیه و آله چهار تکبیر بر او گفت و بر قبر وی آب پاشید. ابراهیم نخستین کسی بود که بر قبرش آب پاشیدند. «۲»

۳- رقیّه

رقیّه، دختر پیامبر صلی الله علیه و آله ابتدا همسر عتبهٔ بن ابی‌لهب بود، که بعد از اسلام، از همسرش جدا شد و به عقد عثمان بن عفّان درآمد. «۳» روایت شده که فاطمه علیها السلام کنار قبر رقیّه می‌گریست و پیامبر صلی الله علیه و آله با جامه خود اشک چشمان او را پاک می‌کردند. «۴» گفتنی است رقیّه هنگام جنگ بدر از دنیا رفت و عثمان بن تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۸۵ عفّان، همسر وی، که به سبب مریضی رقیّه از جنگ بازمانده بود، او را به خاک سپرد. «۱» پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: او را کنار عثمان بن مظعون به خاک بسپارید.

۴- امّ کلثوم

هنگامی که امّ کلثوم دختر پیامبر صلی الله علیه و آله وفات یافت، در کنار خواهرش رقیّه مدفون شد. اسماء بنت عمیس او را غسل داد و علی علیه السلام و فضل بن عباس در قبرش نهادند. «۲» امّ‌کلثوم نیز همسر عتبهٔ بن ابی‌لهب بود که بعد از اسلام از همسرش

جدا شد و پس از فوت رقیه به عقد عثمان بن عفّان درآمد. «۳»

۵- زینب

زینب، بزرگترین فرزند رسول‌اللّه صلی الله علیه و آله بود که پیش از اسلام به ازدواج ابوالعاص‌بن ربیع درآمد. پیامبر به مدینه هجرت کرد و ابوالعاص، به رغم علاقه‌ای که به زینب داشت مسلمان نشد و در مکه ماند. او در جنگ بدر به اسارت مسلمانان درآمد و پس از چندی مسلمان شد و به زینب پیوست. دختر گرامی پیامبر صلی الله علیه و آله در سال هشتم هجرت از دنیا رفت و پیامبر صلی الله علیه و آله نیز بر او نمازگزارد و کنار دو خواهر دیگرش؛ یعنی در جوار عثمان‌بن مظعون به خاکش سپرد. «۴»

۶- فاطمه بنت اسد

مادر بزرگوار علی بن ابی‌طالب علیه السلام و همسر فداکار ابوطالب، به منزله مادر پیامبر صلی الله علیه و آله تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۸۶ بود. آن حضرت فرمود: اگر مادرم فاطمه از دنیا رفت مرا خبر دهید؛ وقتی او وفات یافت، پیامبر صلی الله علیه و آله بر جنازه‌اش حاضر شدند. هنگامی که برای ایشان قبری حفر شد، پیامبر صلی الله علیه و آله به پشت، داخل آن خوابیدند و قرآن خواندند؛ آنگاه پیراهن خود را کف قبر پهن کرده و فاطمه بنت اسد را بر آن خوابانیدند، سپس بر او نماز گزارده، فرمودند: هیچ‌کس جز فاطمه بنت اسد از فشار قبر در امان نمی‌ماند. «۱» پیامبر صلی الله علیه و آله در وفات مادر گرامی حضرت علی علیه السلام بی‌تابی فراوان می‌کردند. وقتی دلیل آن را پرسیدند، فرمود: «او به راستی مادرم بود؛ چرا که کودکان خود را گرسنه می‌داشت و مرا سیر می‌کرد، آنان را خاک آلود می‌گذاشت و مرا شسته و آراسته می‌داشت، به راستی که او مادرم بود.» «۲» سمهودی روایت می‌کند، آن حضرت بر قبر فاطمه نشست و فرمود: «رَحِمَكِ اللَّهُ يا أُمِّي بَعْدَ أُمّي، اللَّهَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ وَ هُوَ حَيٌّ لا يَمُوتُ اغفِر لِأُمّي فاطِمَةَ بِنتَ أَسَدٍ وَ وَسِّعْ عَلَيْها مَدْخَلَها بِحَقِّ نَبِيِّكَ وَ الْأَنْبِياءُ الَّذينَ مِنْ قَبْلِي وَ هُوَ حيٌّ لا يَمُوتُ فَإِنَّكَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ». «۳» شایان یادآوری است که فاطمه بنت اسد در سال سوم هجرت از دنیا رفت. قبر مادر گرامی علی بن ابی‌طالب علیه السلام، در کنار قبر عباس بن عبدالمطّلب و ائمه بزرگوار شیعه است. بعضی از تاریخ نگاران و پژوهشگران قبّه و بارگاه فاطمه بنت اسد را در شمال شرقی؛ آخرین حدّ کنونی بقیع دانسته‌اند و بیشتر اهل سنت نیز بر همین نظریه‌اند. «۴» کسانی که بر این باورند، این قبر را از آن فاطمه علیها السلام دختر پیامبر صلی الله علیه و آله می‌دانند. «۵» واللّه اعلم بالصواب.

۷- امام حسن مجتبی علیه السلام

از قبرهای بسیار محترم و عزیز بقیع، قبر امام حسن بن علی بن ابی‌طالب علیهما السلام دوّمین امام شیعه و نواده حضرت رسول صلی الله علیه و آله است. آن امام همام، در نیمه ماه رمضان سال سوم تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۸۷ هجرت متولد شد و پیامبر صلی الله علیه و آله او را حسن نامید. آن مظلوم را، همسرش جعده، دختر اشعث مسموم کرد و پس از چهل روز، در هشتم ماه صفر، سال پنجاه هجری به شهادت رسید. «۱» از نوفل‌بن فرات نقل شده‌که حسن‌بن علی علیه السلام به برادر خود حسین علیه السلام وصیت کرد که درکنار قبر جدش پیامبر دفن شود؛ اگر بنی‌امیه منعش کردند، در بقیع به‌خاک بسپارد. هنگامی که امام حسن علیه السلام وفات یافتند، مروان گفت نمی‌گذارم فرزند علی را در جایی دفن کنند که فرزند عفان را نگذاشتند. امام حسین علیه السلام نیز

ایشان را در بقیع و در مقابر بنی‌هاشم دفن کردند. «۲» قبر شریف آن حضرت در ابتدای بقیع و بالای قبر عباس بن عبدالمطّلب است که سه امام دیگر نیز بعدها کنار ایشان به خاک سپرده شدند.

۸- امام زین العابدین علیه السلام

علی بن الحسین علیهما السلام، چهارمین امام بزرگوار شیعه است. او در سال ۳۸ هجری در مدینه متولد شد و در سن ۵۷ سالگی، در سال ۹۵ ق. به توطئه هشام، خلیفه اموی، مسموم گردید و به شهادت رسید و کنار عمویش حسن علیه السلام به خاک سپرده شد.

۹- امام باقر علیه السلام

پیشوای پنجم شیعیان، در روز دوشنبه، سوم صفر سال ۵۷ ق. به دنیا آمد و در دوشنبه، هفتم ذی‌حجه سال ۱۱۴ ق. وفات یافت. آن حضرت را کنار پدر گرامی‌اش به خاک سپردند.

۱۰- امام صادق علیه السلام

ششمین پیشوای بزرگ شیعیان، امام صادق علیه السلام در هفتم ربیع‌الاول سال ۸۳ ق. در مدینه به دنیا آمد و در سال ۱۴۸ ق. وفات یافت. او را در کنار پدرش دفن کردند. قبور ائمه تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۸۸ به این ترتیب است که: اول قبر امام حسن، دوم قبر امام سجّاد، سوم قبر امام باقر و بالأخره چهارم قبر امام صادق علیهم السلام است. «۱»

۱۱- عباس بن عبدالمطّلب

عباس بن عبد المطّلب، عموی پیامبر صلی الله علیه و آله سه سال پیش از عام الفیل به‌دنیا آمد «۲» و در دوازدهم رجب سال ۳۲ ق. در سن ۸۷ سالگی درگذشت. قبر او در مزار بنی‌هاشم، «۳» کمی جلوتر از قبور چهار امام شیعه واقع شده و سنگ قبرش بزرگتر از دیگر قبور می‌باشد. قبر فاطمه بنت اسد در سمت راست او واقع شده و این مکان پیشتر «مسجد بنی‌قباله» بوده است.

۲۰- ۱۲- قبور همسران رسول اللَّه صلی الله علیه و آله

این قبرها در «خانه عقیل» بوده و سنگ آن‌ها بعدها در این مکان یافت شده است. غیر از میمونه‌وخدیجه علیهما السلام، دیگر همسران پیامبر صلی الله علیه و آله دراین محل مدفون‌اند که عبارت‌اند از: امّ سلمه، امّ حبیبه، عایشه، سوده، جویریه، حفصه، صفیّه، زینب و ماریّه قبطیّه. این قبرها، همگی در کنار هم و کمی بالاتر از قبور دختران پیامبر صلی الله علیه و آله قرار دارند.

۲۱- صفیّه بنت عبد المطّلب

عمه گرامی حضرت رسول صلی الله علیه و آله در سال بیستم هجرت از دنیا رفت. قبر او در بقیع، نزدیک در ورودی خانه «مغیرهٔ بن شعبه» و متّصل به دیوار شرقی بقیع بوده است. این قسمت درگذشته ازبقیع جدا بوده وبه سبب وجود قبر عمّه‌های پیامبر صلی الله علیه و آله تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۸۹ به «بقیع‌العمّات» مشهور شده است. قبر صفیه سمت چپ کسی است که از درِ کنونی وارد قبرستان می‌شود.

۲۲ و ۲۳- عاتکه و جمانه بنت عبد المطّلب

عاتکه یکی دیگر از عمّه‌های پیامبر صلی الله علیه و آله است که همراه خواهرش صفیّه، کنار دیوار شرقی مدفون‌اند. گویند جمانه نیز در آن جا به خاک سپرده شده است. «۱»

۲۴- امّ البنین

قبر مادر گرامی ابوالفضل، عباس بن علی‌بن ابی‌طالب علیهم السلام کنار قبور عمه‌های پیامبر صلی الله علیه و آله است. لازم به یادآوری است که امّ البنین از همسران فداکار علی علیه السلام و مادری مهربان برای فرزندان فاطمه علیها السلام بوده است. همه فرزندان او، در کربلا و در رکاب امام حسین علیه السلام به شهادت رسیدند.

۲۵- عقیل بن ابی‌طالب

عقیل برادر امام علی علیه السلام خانه‌ای در وسط بقیع داشت. هنگامی که از دنیا رفت او را در «دار عقیل» مدفون ساختند. بعدها بیشتر بنی‌هاشم نیز کنار او به خاک سپرده شدند. موقعیت آن در سمت چپ قبور همسران پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است. در قبرستان باب الصغیر دمشق نیز قبری منسوب به عقیل وجود دارد.

۲۶- عبداللّه بن جعفر بن ابی‌طالب

قبر فرزند جعفر طیار، برادرزاده و داماد علی علیه السلام کنار قبر عمویش عقیل واقع است. گویند وی بخشنده‌ترینِ عرب بوده و در سن نود سالگی؛ یعنی در سال هشتاد هجری در مدینه از دنیا رفت. «۲» در «باب الصّغیر» دمشق نیز قبری به او منسوب است که با توجه به تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۹۰ اسناد و قرائن، ایشان در مدینه به خاک سپرده شده‌اند. «۱»

۲۷- محمد بن زید بن علی علیه السلام

محمد بن زید، نواده بزرگوار امام سجّاد علیه السلام، خانه‌ای کنار خانه عقیل داشته است. هنگامی‌که وی در خانه خود مشغول حفاری بود، به سنگ قبری برخورد کرد که بر آن نوشته بود: «هذا قَبْرُ امّ سَلَمَهٔ زوجُ النبیّ صلی الله علیه و آله» پس او وصیت کرد همان‌جا دفنش کنند و چنین کردند.

۲۸- مالک بن انس

مالك‌بن انس پیشوای مـذهب مالكی (متوفّای ۱۷۴ ق.) در نزدیكی «خـانه عقیـل» دفن شـده است. قبر وی كمی بالاتر از قبر عقیل و سمت چپ آن قرار دارد.

۲۹- نافع الفقیه

ابو عبداللَّه نافع الفقیه تابعی، در سال ۱۲۰ ق. درگذشت و او را در مجاورت قبر «مالك بن انس» به خاك سپردند.

۳۰- سفیان بن حارث

وی كه یكی از صحابه پیامبرخدا صلی الله علیه و آله بود، در سال بیست هجری وفات یافت و در دار عقیل به خاك سپرده شد. «۲» عقیل نیز وقتی وفات یافت، كنار او دفن شد. درآن هنگام به این مكان «مشهد عقیل» می گفتند.

۳۱- مجروحان احد

برخی از مجروحان نبرد احد، كه پس از چندی در مدینه به شهادت رسیدند، در تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۹۱ قبرستان بقیع دفن شدند. این شـهدا، كه تعداد دقیق آنان مشـخص نیست، در شـمال شرقی بقیع، حدود بیست متر بالاتر از قبر ابراهیم فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله و سمت چپ آن، به خاك سپرده شده‌اند.

۳۲- شهدای واقعه حرّه

در سال ۶۳ هجری به دسـتور یزیـد بن معاویه، «مسـلم بن عقبه مُرّی» برای سـركوبی مردم مدینه، كه بر ضدّ حكومت یزید قیام كرده بودند، عازم این شهر شد و در «حرّه واقم» «۱» به قتل عام مردم مدینه پرداخت. در این قتل عام، حدود هفت هزار نفر از ساكنان شهر مدینه، كه بیشترشان از انصار، مهاجر، سادات و شیعیان بودند، كشته شدند و نوامیس مردم مورد تجاوز سپاه بنی‌امیه قرار گرفت. «۲» قبور شهدای حرّه كمی بالاتر از قبور مجروحان احد است.

۳۳- عثمان بن عفّان

هنگامی كه عثمان به قتل رسید، حامیانش خواستند او را كنار قبر پیامبر صلی الله علیه و آله دفن كنند لیكن ناراضیان مانع شدند؛ لذا او را به سوی بقیع بردند و در آخر بقیع دفن كردند. «۳» بنی‌امیه دیوار این قسمت را، كه دیوار انتهایی بقیع بود، خراب و قبرستان را وسیع كردند. قبر خلیفه سوم تقریباً در نیمه دوم قبرسـتان واقع شده است. بعضـی از پژوهشـگران شیعی آن را قبر «عثمان بن مظعون»

دانسته‌اند که به یقین صحت نـدارد و نظر اهـل سـنت، که آن‌جارا مقبره خلیفه سوم می‌داننـد، صـحیح‌است و ما درگذشـته درمورد مکان‌قبرعثمان‌بن مظعون سخن گفتیم.

۳۴- عبداللَّه بن مسعود

عبـداللَّه بن مسـعود در حـال احتضـار وصـیت کرد که او را کنار قبر «عثمان بن مظعون» دفن کننـد. «۱» عبداللَّه بن مسـعود از صحابه بزرگ پیامبر صلی الله علیه و آله، فقیه، قاضی، قاری قرآن و از یاران و شیعیان علی علیه السلام بود که در ۳۲ ق. وفات یافت.

۳۵- ابو سعید خُدْری

او یکی از صـحابه گرانقدر پیامبر صلی الله علیه و آله و از شیعیان علی علیه السلام بود. پیش از وفات، همراه فرزندش به بقیع رفت و در آخرین نقطه قبرسـتان؛ جایی که هیـچ کس دفن نشده بود، ایسـتاد و به فرزندش گفت: هرگاه از دنیا رفتم، این‌جا دفنم کنید. «۲» قبر وی در آخرین نقطه شمال شرقی بقیع است.

۳۶- حلیمه سعدیه

مادر رضاعی حضـرت محمد، از طایفه «سـعد بن بکر» بود. او در آخرین نقطه بقیع؛ شـمال شرقی آن و کمی بالاتر از شهدای حرّه و احد- تقریباً رو به روی قبر عثمان‌بن عفّان- دفن شد. این قبر گنبد بزرگی داشته که پس از سلطه وهابیان تخریب گردید. «۳»

۳۷- اسماعیل بن جعفر الصادق علیه السلام

اشاره

قبر فرزنـد امام صادق علیه السـلام در مقابل درِ کنونی بقیع؛ یعنی بیرون آن، قرار داشـته است. در سال ۱۳۹۵ ق. در توسعه سعودی، این قبر تخریب و به درون بقیع، در مجاورت قبور شهدای حرّه و احُد منتقل شد.

دیگر قبور بقیع

همـان‌گونه که پیشتر گفتیم، بیش از ده هزار نفر از صـحابه، تابعان، قاریان، سادات، بنی‌هاشم، نوادگان ائمه و ... در بقیع مدفون‌انـد. «۱» معروف‌ترین آن‌ها عبارت‌انـد از: ۳۸- سـعد بن معاذ. احتمالًا کنار قبر حلیمه سـعدیه یا ابو سـعید خـدری، در آخر بقیع دفن شده است. ۳۹- ابیّ بن کعب. احتمالًا ایشان در منزل خود، که بعدها به مسـجد تبدیل شد، دفن شده‌اند. موقعیت مسـجد ابیّ بن کعب رو به روی قبـور ائمه و سـمت راست درِ ورودی بقیع بوده است. ۴۰- مقـداد بن اسود ۴۱- خالد بن سـعید ۴۲- مالـک بن حارث ۴۳- ابوالهیثم التیهان ۴۴- جابر بن عبداللَّه انصاری ۴۵- خزیمه ذوالشهادتین ۴۶- زید بن حارثه ۴۷- ابودجانه انصاری ۴۸- سعد بن عباده خزرجی ۴۹- زید بن ارقم ۵۰- حسان بن ثابت ۵۳- ۵۱- حمیده و رقیه همسران مسلم و عبدالرحمان بن عقیل ۵۴- حسن مثنی ۵۵-

زید بن علی بن الحسین علیه السلام ۵۶- جعفر بن حسن علیه السلام ۵۷- خنیس بن حذافه ۵۸- صهیب بن سنان ۵۹- ابو طلحه انصاری ۶۰- اسید بن حُضیر ۶۱- معاذ بن جبل ۶۲- قتادهٔ بن نعمان ۶۳- ارقم بن ابی ارقم ۶۴- مسطح بن اثاثه ۶۵- زید بن ثابت ۶۶- محمد بن مسلمه ۶۷- فرزندان امام باقر علیه السلام ۶۸- فرزندان امام موسی کاظم علیه السلام ۶۹- نوادگان امام سجاد علیه السلام ۷۰- نوادگان امام صادق علیه السلام ۷۱- فرزندان عباس بن علی علیه السلام ۷۲- سالم، غلام ابو حذیفه «رَحِمَ اللَّهُ عَلی کُلّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَهٍٔ دُفِنَ فِی الْبَقِیعِ. اللَّهُمَّ احْشُرْنا مَعَهُمْ». تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۹۴ نقشه؟؟؟؟ نقشه قبرستان بقیع

بیت الأحزان

فاطمه علیها السلام، دختر گرامی و معصوم پیامبرخدا صلی الله علیه و آله، در فراغ پدر بزرگوار خود و شِکوه از اوضاع زمانه، به گفته برخی روایات، در گوشه‌ای از بقیع به گریه و زاری می‌پرداخت. این محل، که چونان خانه‌ای بدون سقف بود، بعدها مقبره او نام گرفت و سپس به «مسجد فاطمه» مشهور شد. مکان آن، کنار قبر عباس و ائمه شیعه بوده است. دختر پیامبر صلی الله علیه و آله شبانه روز در منزل خود، در حال گریه و زاری بود. بعضی نزد علی علیه السلام آمده، از آن حضرت خواستند که از فاطمه بخواهد یا شب گریه کند و روز آرام باشد و یا روزها بگرید و شب‌ها آرام گیرد. لذا علی علیه السلام ایشان را با رضایت خود در محلی نزدیک خانه عقیل در بقیع ساکن کرد و این مکان بعدها نام «بیت‌الأحزان» به خود گرفت. در دوران عثمانی، ضریحی کوچک از آهن در این محل قرار داده شد که زائران آن را زیارت کرده و از آن تبرّک می‌جستند. در دوران سعودی، همراه با تخریب گنبد و بارگاه‌های بقیع، آن ضریح را برداشتند.

ب- زیارتگاه شهدای احد

در سال سوم هجری، مشرکان و در رأس آنان، ابوسفیان، برای جبران شکست فاحشی که در جنگ بدر از مسلمانان متحمّل شده بودند، به فکر انتقام‌جویی و بسیج نیروها پرداختند و با سپاهی متشکل از پنج هزار نیروی جنگ‌جو، به فرماندهی ابوسفیان، برای نبرد به سوی مدینه روان گشتند. سپاه دشمن در شمال شهر، کنار کوه احد استقرار یافت. این کوه با هفت کیلومتر طول، یکی از طولانی‌ترین و بزرگترین کوه‌های مدینه است که مستقل بوده و به کوه‌های مجاور متصل نیست. «۱» پیامبر صلی الله علیه و آله به رغم این‌که رویا رویی با سپاه مکّه را در خارج از شهر، به مصلحت تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۹۶ نمی‌دانستند، امّا به سبب اهمیت قائل شدن برای امر شور و مشورت، نظر فرماندهان سپاه را پذیرفتند. نیروهای سپاه اسلام، که تعداد آنان هفتصد نفر بود، پیشقدم شده و در دامنه احد استقرار یافتند و آن را چون یک دژ مستحکم طبیعی، پشت سر سپاه خود قرار دادند. در سمت چپ استقرار نیروهای اسلام، تپه یاکوه کوچکی‌است به‌نام «جبل‌العَینیْن». از این تپه تا نخلستان‌های درهم تنیده و غیر قابل عبور، مَعْبر یا تنگه کوچکی بود که پیامبر صلی الله علیه و آله برای تأمین عقبه سپاه، پنجاه تیرانداز را به فرماندهی «عبداللَّه بن جبیر» بر این تپه گمارد تا به حفاظت از آن گذرگاه بپردازند؛ لذا این تپه به «جبل‌الرمّاهٔ» معروف شد. این عدّه به رغم تأکید آن حضرت، مبنی بر رها نساختن تنگه؛ چه در حال پیروزی و چه هنگام شکست، به گمان این‌که کار دشمن تمام شده، به طمع جمع‌آوری غنایم، تنگه را رها کردند. سواران دشمن نیز به فرماندهی خالد بن ولید، که در پی چنین فرصتی بودند، با یک حمله غافل‌گیرانه، از تنگه عبور کرده و از پشت به سپاه اسلام هجوم آوردند. این هجوم حساب‌شده دشمن و غفلت نیروهای محافظ تنگه، سرنوشت سپاه اسلام را تغییر داد و پیروزی آنان را به شکستی دردناک بدل کرد. تپه یاد شده، که همچنان موجود است، رو به رو و سمت جنوب مقبره شهدای احد و کوه احد واقع شده و امروزه زائران بالای آن رفته و خاطره آن نبرد بزرگ را در ذهن خود مجسم می‌سازند. در این جنگ، ضایعات جبران‌ناپذیری به سپاه اسلام وارد شد؛ از جمله: شهادت یکی از بهترین حامیان پیامبرخدا صلی الله علیه و آله؛ یعنی

حضـرت حمزه سیدالشـهدا به همراه پرچمدار اسلام، مُصْعَب بن عُمَیْر، عبداللَّه بن جحش و فرمانده تیراندازان و نگهبانان تنگه؛ یعنی عبداللَّه بن جبیر و بیش از هفتاد تن از بهترین صـحابه پیامبر خدا. صـلی الله علیه و آله پیامبر صلی الله علیه و آله میان انبوه دشمن تنها ماند و جز علی علیه السـلام و معدود یاران پایدارو مقاوم وی، که همواره کنار آن حضـرت حضور داشـتند و شجاعانه از جان ایشان حفاظت می‌کردند، بقیه صـحابه گریختند و به دامنه احد عقب‌نشـینی کردند. در این درگیری، پیشانی و دندان آن حضرت شکست. علی علیه السـلام ناگزیر ایشان را به سـمت احد برد و در شـکافی به استراحت پرداختند و جراحات ایشان را مداوا کردند. این غار یا شکاف، امروزه در شمال مقابر شهدا و در دامنه احد است. (تصویر شماره ۸۵) تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۹۷ به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله حمزه علیه السـلام و دیگر شـهدا را، که همه مُثله شـده بودنـد، پس ازاقـامه نمـاز، در همان معرکه جنگ وبا لباس‌های خود به‌خاک سپردند. «۱» عموی گرانقدر رسول‌اللَّه صـلی الله علیه و آله ابتدا به وسـیله نیزه وحشـی، غلام جبیر بن مطعم، کنار جبل الرمّاهٔ مجروح شد و خود را تا دامنه این تپه کشانید و سـپس به دیدار خدا شتافت. پیامبر صلی الله علیه و آله بر جنازه او، که گوش و بینی‌اش بریده و سـینه‌اش دریده شده بود، با تأثر و خشم ایسـتادند «۲» و فرمودند: هرگز چنین مصـیبتی به من نرسیده است و تاکنون جـایی نایسـتاده‌ام که از جایگـاه کنونی خشـمگین‌تر باشم. «۳» سـپس فرمـود: جبرئیـل علیـه السـلام مرا خـبر داد که نـام حمزه را در آسـمان‌های هفتگانه چنین نوشـته‌اند: «حمزهٔ بن عبـدالمطّلب، اسـداللَّه و اسد رسوله». آنگاه فرمان دادند جسدش را با پارچه‌ای کفن کرده و آنگاه هفتاد تکبیر بر وی گفتند. سـید و سالار شهدای احد را همراه مصعب بن عمیر در یک قبر دفن کردند. بعضی گفته‌اند عبـداللَّه بن جحش نیز که خواهرزاده حمزه علیه السـلام بود، همراه آنـان به خاک سپرده شـد. کسانی نیز گفته‌انـد: هیـچ‌کس همراه ایشان در قبر دفن نشـد. «۴» بعدها در مکانی که عموی پیامبر صـلی الله علیه و آله به شـهادت رسـید، مسجدی ساختند که دیوارهای مخروبه آن، تـا دوران سـعودی همچنـان پا برجا بود. این مسـجد که به «المَصْـرَع» شـهرت داشت، در تعریض خیابان کنار جبل‌الرماهٔ تخریب شد. «۵» برخی گویند: دندان پیامبر صـلی الله علیه و آله نیز در این جا شکسته شده است. «۶» قبور این سه بزرگوار رو به رو و شمال تپه جبل‌الرماهٔ، کمی جلوتر (حدود تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۹۸ پنجاه متر) از دیگر شهدا قرار دارد. در دوران عثمانی، بر مقبره عموی پیامبر صـلی الله علیه و آله، گنبـد و بارگاه زیبایی وجود داشت که سـلطان اشـرف قایتبای آن را در سال ۸۹۳ ق. تعمیر کرد و توسـعه داد و داخـل آن تـابوت و ضـریحی آهنیـن نهـاد. در دوران سـعودی، بـه اعـتراف نویسـنده‌ای سـعودی؛ یعنی «یاسـین الخیاری»، مردم، کنار این مقبره که به «مسـجد حمزه علیه السـلام» معروف بود، نـذر می‌پختند و قبور را لمس و مسح می‌کردند، لذا مسؤولان برای جلوگیری از این اعمال که آن را خلاف شرع قلمداد می‌کنند گنبد و بارگاه وی را تخریب کرده و قبر دیگر شهدا را با زمین یکسان ساختند. سـرانجام در سال ۱۳۸۳ ق. برای عدم دسترسـی زائران، اطراف قبور شـهدای احد دیواری کشـیدند و آن را محصور کردند. «۱» اکنون این دیوار بـا دری آهنین مـانع تمـاس و نزدیکی زائران با قبور محترم شـهدای احـد است. ۱. قبر حضرت حمزه علیه السـلام. مصـعب بن عمیر. عبد اللَّه بن جحش: مکان اصـلی مسـجد حمزه که در دوران سعودی تخریب شد. ۲. قبور سایر شهدا. ۳. مسـجد احد: حضـرت علی علیه السـلام: حضـرت حمزه علیه السلام [جدید الاحداث . ۴. پناهگاه حضـرت رسول صلی الله علیه و آله هنگام جراحت و عقب نشـینی (شکاف باریک در کوه). ۵. مکان مسـجد المصرع: الوادی- مکان شهادت حضرت حمزه علیه السلام که در دوران سعودی تخریب شده است. ۶. مکان مسـجد الرماهٔ: مکان استقرار تیر اندازان سپاه اسلام، که امروزه بقایای مخروبه و تنهـا دیواره یک متری آن وجود دارد. ۷. مکان مسـجد الفسح: مسجد جبل احد؛ این مسجد در قرون گذشته رو به ویرانی رفته است و اکنون چهـار دیواری مخروبه آن دیـده می‌شود. ۸. مکان مسـجد ثنایا: قبهٔ الثنایا؛ مکانی است که دندان حضـرت رسول صلی الله علیه و آله شکسته شد. ۹. مسـجد المستراح: مکانی است که پیامبر صلی الله علیه و آله پس از بازگشت از نبرد احد در این مکان به استراحت پرداختنـد. این مسـجد اکنون در کنار مدرسه عمرو بن جموح قرار دارد. ۱۰. مسجد الدرع: البدائع: شیخان؛ پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام عزیمت به سوی احـد، در این مکان نماز عصـر، عشا و صـبح را اقامه کردند و زره و لباس جنگی خود را

برای این امر در این مکان گذاردند. تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۲۹۹ نقشه تقریبی صحنه نبرد و آثار تاریخی منطقه احد

ج- آرامگاه‌ها و مقابر تخریب شده (دوران سعودی)

۱. مقبره عبداللَّه بن عبد المطّلب

پـدر گرامی رسول اللَّه صـلی الله علیه و آله در جـایی به نـام «دار النّـابغه» در خیابـان مناخه رحلت کرد و در همان‌جا دفن شـد. کنار مقبره او مسجدی به همین نام وجود داشت که به روایت ابن شبّه، پیامبر صلی الله علیه و آله در آن نماز گزاردند. «۱» جای دقیق آن، رو به روی باب السّلام؛ ۳۰۰ متری جنوب غربی مسـجد النّبی صلی الله علیه و آله، در خیابان مناخه بوده‌که پس ازتخریب، در ۱۳۵۵ ش، تبدیل به محل توقّف (پارکینگ) ماشـین‌های سـنگین شد و سرانجام در بازسازی مسجدالنّبی صلی الله علیه و آله و پیرامون آن، به آن‌جا ملحق گردید.

۲. مقبره محمد بن عبداللَّه محض (نفس زکیّه)

محمـد بن عبـداللَّه بن حسن بن حسن علیه السـلام مشـهور به «محمـد نفس زکیه»، از نوادگـان امام دوم شـیعیان و از بزرگان و زهّاد بنی‌هـاشم بود. منصور دوانیقی، پیش از به خلافـت رسـیدن، در دو نوبت با وی بیعت کرد، امّا آنگاه که به خلافت رسـید، به تعقیب محمـدبن عبـداللَّه محض و برادرش ابراهیم پرداخت و بسـیاری از سادات و نوادگان امام علی علیه السـلام را به زنـدان انـداخت. در جمادی الآخر ۱۴۵ ق. محمـد نفس زکیه بر ضـدّ خلیفه و حکومت عباسـی قیام کرد. جمع زیادی از مردم مـدینه به او پیوسـتند و به عنوان «مهـدی» با محمـد بیعت کردنـد. محمد نفس زکیه در این قیام پیروز شد و مدینه و حتی مکّه را به تصـرف در آورد. منصور، عیسـی بن موسـی را بـا چهـار هزار نفر برای سـرکوبی او فرسـتاد. وی پس از چنـدی مـدینه را محاصـره و در نبردی نابرابر آن نواده بزرگوار امام حسن علیه السلام و یارانش را در تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۳۰۱ رمضان ۱۴۵ هجری به شهادت رساند. «۱» جنازه وی را در شـرق کوه‌هـای سـلع (پشـت مساجـد سـبعه) دفـن کردنـد. این بقعه و آرامگـاه، که به محله «استسـقاء» معروف بـود، در دوران سعودی تخریب گردید.

۳. آرامگاه علی عُرَیْضی بن جعفر بن محمد علیه السلام

«عُرَیض»، قریه‌ای در شرق مدینه است. چون علی بن جعفر علیه السلام، برادر امام موسی کاظم علیه السلام در آن مکان ساکن بوده، لذا به «علی عُریضی» مشهور گشته است. او از زهاد عصر خود بود و ولایت برادر و برادر زادگانش را تا امام دهم بر خود پذیرا شد. نقل کرده‌اند با وجود کثرت سن، ارادت خاصـی نسبت به امام جواد علیه السـلام داشـته است. علی بن جعفر از پدر، برادر و از پسرِ برادرش امام رضا علیه السـلام روایت می‌کرده است. مقبره وی سـمت فرودگاه مدینه در شش کیلومتری مسجدالنبی صلی الله علیه و آله قرار داشت. گنبد و بارگاه وی تا سال‌ها پیش موجود بود و در دهه گذشته گنبد و مقبره تخریب و مسجدی نیز که به نام وی در آن منطقه ساخته بودند، متأسفانه در ۱۳۸۲ ش. به‌طور کلی تخریب گردید. اکنون بقایای سنگ‌های قدیمیِ مسجد در اطراف انباشته شده است. (تصویرهای شماره ۸۶- ۸۷)

۴. مقبره عبداللَّه بن عباس در طائف

عبداللَّه بن عباس بن عبدالمطّلب، پسر عموی گرامی پیامبر صلی الله علیه و آله مفسّر، فقیه، محدّث و مشهور به «حَبْر امَّت» در طائف وفات یافت و در آن‌جا دفن شد. گنبد و بارگاه عالی به رنگ سفید با ضریحی بر قبر او قرار داشت که در دوران سعودی تخریب و قبر وی با زمین یکسان شد. تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۳۰۲ نقشه جدید آثار تاریخی مدینهٔ النبی صلی الله علیه و آله تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۳۰۳ ۱- مسجد شریف نبوی این تمهید خ رضی الله عنهم د فهرس یک صدق الله العظیم الله اکبر ون و د فهرس یک صفحه تمهید ی الحمد لله ید؟؟؟ ۲- مسجد قبا در شارع قبا ۳- مسجد ذو قبلتین در شارع سلطانیه ۴- مسجد فتح: احزاب ۵- مسجد سلمان فارسی ۶- مسجد ابی بکر ۷- مسجد عمر بن خطاب ۸- مسجد فاطمه علیها السلام ۹- مسجد علی بن ابی‌طالب علیه السلام ۱۰- مسجد جمعه: بنی‌سالم در شارع قبا ۱۱- مسجد شجره در شارع عروه به سوی جده ۱۲- مسجد سقیا میدان عنبریه ۱۳- مسجد غمامه: مصلی اعیاد ۱۴- مسجد ابی‌بکر: مصلی اعیاد ۱۵- مسجد علی علیه السلام: مصلی اعیاد ۱۶- مسجد عمر بن خطاب: مصلی اعیاد ۱۷- مسجد فضیخ: شمس در شارع عوالی ۱۸- مسجد ابوذر غفاری در شارع ابوذر ۱۹- مسجد بنی‌ساعده و سقیفه بنی‌ساعده ۲۰- بقیع الغرقد ۲۱- مکان قبلی قبر اسماعیل بن جعفر الصادق علیه السلام ۲۲- قبر ابی سعید خدری در پایان بقیع ۲۳- مقبره محمد نفس زکیه نوه امام حسن ۲۴- مقبره حمزه و شهدای احد ۲۵- چاه قضاعه- تخریب شده است. ۲۶- چاه حاء- تخریب شده است. ۲۷- چاه بصه- تخریب شده است. ۲۸- چاه اریس- تخریب شده است. ۲۹- چاه سقیا- تخریب شده است. ۳۰- هیأت امر به معروف ۳۱- محکمه شرعی ۳۲- کتابخانه عمومی مدینه ۳۳- جبل الرایه- مسجد ذباب ۳۴- میدان عنبریه

فصل ششم: کوه‌ها، وادی‌ها و ثنایای مدینهٔ النّبی صلی الله علیه و آله

الف- کوه‌ها

۱. احد

از کوه‌های مشهور و مهمّ مدینه، کوه احُد است که در شمال شرقی شهر و چهار کیلومتری مسجدالنّبی صلی الله علیه و آله قرار دارد. چون این کوه از میان کوه‌های پیرامون مدینه، تنها کوهِ جدا و مستقل است، آن را «احُد» نامیده‌اند. «۱» این کوه با هفت کیلومتر طول (از شرق به غرب) طولانی‌ترین کوه در شبه جزیره است که قلّه‌های بزرگی داشته و رنگ آن به قرمز متمایل وعرض آن نیز میان ۱ تا ۳ کیلومتراست. ارتفاع آن از سطح زمین ۳۰۰ متر و از سطح دریا ۱۰۰۰ متر فاصله دارد و در مجموع ۱۹ کیلومتر مربع مساحت آن است. گویند بالای این کوه نقره‌های طبیعی یافت می‌شود که برای حفظ آب‌های جاری در آن پدید آمده است. از پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد فضل و اهمیت این کوه احادیث فراوانی نقل شده است. از جمله: «کوه احد ما را دوست دارد و ما نیز آن را دوست داریم.» «۲» تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۳۰۸ در روایتی دیگر، از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است: «کوه احد از کوه‌های بهشت است.» همچنین پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «کوه احد دری است از درهای بهشت و کوه عیر ما را دوست نمی‌دارد ما نیز آن را دوست نمی‌داریم، چون دری است از درهای جهنم.» «۱» قبر و قبه هارون، برادر موسی علیه السلام، بر فراز کوه واقع شده که گویند وی هنگام عزیمت به حج، در این کوه وفات یافته و دفن شده است. «۲» از غزوات مهم پیامبر صلی الله علیه و آله به نام این کوه مشهور است که در سال سوم هجری رخ داد و کوه احد پناهگاه مهمّی برای لشکریان اسلام و به‌ویژه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بود. در دامنه آن، یعنی شمال مقابر شهدای احد، شکاف کوچکی است که رسول گرامی صلی الله علیه و آله به هنگام جراحت در جنگ احد توسط حضرت علی علیه السلام به این شکاف برده شدند و در آنجا زخم‌های ایشان مداوا شد. این مکان قابل دیدن است. امروزه از طریق بزرگراه فهد بن عبدالعزیز می‌توان به کوه احد و مزار شهدا رفت، که البته از شارع سید الشهدا نیز می‌توان به آن‌جا راه یافت.

۲. جبل عَینَین: الرُّماهٔ

کوه کوچکی است در جنوب قبور شـهدای احد، در کنار وادی قنات، به صورت مستقل و در فاصله تقریباً یک کیلومتری کوه احد. به طول ۱۷۵ و بـه عرض ۵۵ متر، بـا ارتفاع ۲۰ متر و مساحت ۳۸۰ مـترمربع. در نبرد مهم احـد، این تپه نقش مهم و مؤثری به عنوان یک گـذرگاه استراتژیک ایفا کرده است؛ چنانکه پیشتر گفتیم «۳» پیامبر صـلی الله علیه و آله برای این که نیروهای دشـمن از پشت سر به سپاه اسـلام هجوم نیاورنـد، تعـداد پنجاه نفر از تیرانـدازان را به فرمانـدهی «عبـداللَّه بن جـبیر» بر این کوه گمـارد تـا از تنگه محافظت کنند، لذا به سبب استقرار این نیروها، تپه یاد شده به «جبل‌الرّماهٔ» معروف شد. تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۳۰۹ در شرق این تپه، به یاد محلّ قتل حضـرت حمزه علیه السلام مسجدی ساختند و آن را «مسجدالمَصْرَع» نامیدند. در بالای این تپه؛ یعنی در آخرین نقطه آن، در سال‌های گذشـته آثار و پایه‌های مسـجدی به طول و عرض دوازده متر دیـده می‌شـد. این‌جا محل تیراندازان و «مسـجد جبـل الرمـاهٔ یـا جبـل عینین» بوده است. در طول قرون متمـادی، بر روی این تپه خانه‌هـایی سـاخته شـده و به مرور زمان رو به خرابی رفته‌اند. بر اساس تصاویر موجود، طول و ارتفاع این تپه از اندازه کنونی آن بسیار بزرگتر و بیشتر بوده است. (تصویر شماره ۸۸)

۳. سَلْع

این کوه نیز یکی از کوه‌های مهم و استراتژیک شمال‌غرب مدینه است که شاهد یکی از جنگ‌های پیروزی آفرین سپاه اسلام؛ یعنی نبرد بزرگ «احزاب» یا «خندق» بوده است. کوه سلع به عنوان یک اسـتحکام طبیعیِ پشت سر سپاه اسلام قرار گرفت و خندق نیز در مقابـل دشـمن حفر گردیـد. در دامنه آن، قبیله بنی‌حرام می‌زیسـتند. در صـخره‌های غربی آن، غار و کهف بنی‌حرام بوده که از میان رفته است. مساجد هفتگانه بر دامنه این کوه ساخته شده است.

۴. سُلَیع

کوه کوچکی در جنوب کوه سلع است که به آن «عثعث» نیز گفته‌اند. در دوران عثمانی قلعه فرمانروای مدینه بر آن ساخته شده بود. «۱» بر فراز آن، یکی از برج‌های قلعه باب شامی مـدینه بوده که اکنون نیز آثار این قلعه و برج بر جای مانـده است. موقعیّت این کوه در نزدیکی کتابخانه «ملک عبدالعزیز» (سـمت باب‌السّـلام) است و به سـبب احداث بناها و برج‌های بزرگ، تنها بخشـی از آن دیده می‌شود.

۵. عَیْر

کوه بزرگی به نام «عَیْر» در جنوب مدینه- شرق «وادی عقیق»- و نزدیک «مسجد شجره» است. از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده که «کوه عیر» یکی از درهـای جهنّم است؛ این کوه بر مـا خشـمگین است و ما نیز بر آن. «۱» «عَیْر» در لغت به معنـای «خَرِ چموش و وحشی» است. «۲» این خر از آنِ «مویلع» کافر بوده که خداوند بر قنات یا ملک او آتشی زده و آن را سوزانده است. در حقیقت وی مورد غضب خداوند قرار گرفته است. «۳»

۶. ثَوْر

کوه کوچک و سرخی است در پشت کوه احد، در شمال مدینه. پیامبر صلی الله علیه و آله میان «عیر» تا «ثور» را حرم (مدینه) قرار داد. «۴»

۷. ذِباب «۵»

این کوه در مشرق کوه سلع (مساجد سبعه) است و مسجد الرّایه یا مسجد ذِباب بر فراز آن است. «ذباب» نام پرنده و یا سمت برنده شمشیر است و در بعضی از جاها به معنای زنبور عسل نیز آمده است. برخی گویند نام کسی است که در دوران اموی بر این کوه گردن زده‌شد. پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام غزوه خندق، پرچم فرماندهی‌را برآن استوار ساخت.

۸. کوه‌های جماوات الثّلاثه

این کوه‌ها عبارت‌اند از: جماء تضارع، جماء امّ خالد و جماء العاقر. در «جماء امّ خالد» قبر یکی از رسولانِ عیسی، به نام اسود بن سواد است. ابن شبّه نیز کتیبه‌ای به این تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۳۱۱ عبارت بر آن دیده است: «من رسولِ پیامبر خدا عیسی بن مریم بر مردم این قریه بوده‌ام». «۱» لشکریان قریش از «جماء عاقر» نیز برای جنگ با پیامبر صلی الله علیه و آله در احد ساماندهی و آماده شده‌اند.

ب- وادی‌ها «۲»

۱. عَقیق

این وادی به سه بخش «صغیر»، «کبیر» و «اکبر» تقسیم شده است. «۳» قسمت اکبر آن در اختیار حضرت علی علیه السلام بوده که ۲۳ چاه در آن کنده بودند. این چاه‌ها در منطقه مسجد شجره کنونی بوده و به همین جهت هنوز مسجد شجره به «مسجد ابیار» یا «آبار علی» معروف است. این سه وادی در ابتدا به اقطاع بلال بن حارث المزنی در آمد و پس از وی، به دست ابو بکر و عمر افتاد. از پیامبر صلی الله علیه و آله احادیث زیادی در فضل این وادی نقل شده و آن حضرت آن را مبارک خوانده‌اند. «۴» از ایشان نقل شده است که جبرئیل علیه السلام در شبی نازل شد و از جانب خداوند فرمود: در این وادی مبارک نماز بگزار. «۵» گفتنی است آب این وادی از طائف سرازیر شده و سپس از سمت غربی مدینه می‌گذرد. بنابراین، طولانی‌ترین وادی‌های حجاز است. «۶» به سبب آب این وادی، مناطق پیرامونیِ آن حاصل‌خیز و دارای آب وهوایی خوب هستند. قصر عروةبن زبیر، سعید بن عاص و مروان بن حکم در کنار این وادی ساخته شده بود.

۲. بُطْحان «۱»

این وادی به «ابی جَیده» نیز مشهور است. آغاز آن، از نزدیکی شرق قبا و پایان آن، نزدیک «مسجد فتح» یا مساجد سبعه بوده که به وادی عقیق می‌پیوسته است. پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: «بطحان برکه‌ای از برکه‌های بهشت است». «۲»

۳. رانُوناء

مسجد جمعه که پیامبر صلی الله علیه و آله نخستین نماز جمعه را در آن برگزار کرده‌اند، در میان این وادی قرار داشته است.

وادی‌های دیگر مدینه عبارت‌اند از: ۴- وادی مُذَیْنب، در جنوب شرق مدینه و محل سکونت بنی‌نضیر. ۵- وادی مَهْزور، در شرق مدینه و محل سکونت بنی‌قریظه. ۶- وادی قناۀ، در منطقه احد و کنار تپه جبل الرماۀ و قبور شهدای احد. برای استفاده از آب این وادی‌ها چندین سد ساخته شده است.

ج- ثنیه‌ها «۳»

۱. ثنیّۀ الوداع

این ثنیه در خارج باب شامی؛ میان «مسجد الرّایه» «۴» و محل دفن «محمد نفس زکیه» است و امروزه در تقاطع شارع سیدالشهدا و شارع ابوبکر واقع شده و سمت راست کسی تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۳۱۳ است که از تونل زیرگذر مناخه خارج می‌شود. از مسجدالنبی صلی الله علیه و آله تا آنجا، ۷۰۰ متر فاصله است. قبل از اسلام، این محل به «ثنیّۀالرکاب» شهرت داشته «۱» و پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام عزیمت برای غزوه تبوک در آن‌جا اردو زده و به سامان‌دهی سپاه پرداختند. «ثنیّۀ الوداع» مکان وداع و خروج لشکریان و خارج‌شوندگان از مدینه بوده است. هنگام غزوه خیبر، زنان پیامبر صلی الله علیه و آله در این ثنیه با ایشان وداع کردند. مسجدی نیز به نام ثنیۀالوداع در این مکان ساختند که در سال ۱۴۰۶ ق. در توسعه خیابان تخریب شد.

۲. العَثْعَث

این ثنیه بر کوهی به نام «عثعث» میان کوه «سُلیع» و کوه «سلع» در مدینه قرار داشته و به سُلیع نزدیکتر بوده است. «۲»

۳. ثنیّۀ الشرید

ثنیۀ الشرید در شرق کوه عیر و آخرین نقطه و خط هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است. گفتنی است، از این ثنیه‌ها هیچ آثار و نشانی وجود ندارد.

د- حصار و دروازه‌های مدینه

در دوران گذشته، برای حفاظت از هجوم دشمنان و تأمین امنیت، دیوارهایی پیرامون شهرها می‌ساختند و بیشتر در پشت این دیوارها خندقی می‌کندند تا دشمن نتواند به راحتی وارد شهر شود. پیرامون مدینه یا یثرب نیز دیواری مرتفع ساخته و در طول تاریخ از سوی حکمرانان و امرای شهر بازسازی و مرمت شده است. سلطان محمود عثمانی، در سال ۱۱۶۲ ق. این دیوار را تعمیر و ارتفاع آن را به ۲۵ متر رسانید؛ برای آن، چهل برج ساخت که بر شهر مشرف بود. در سال ۱۳۰۵ ق. سلطان عبدالحمید عثمانی از تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۳۱۴ ناحیه «باب العنبریه» بر این دیوار افزود و پس از آن که دروازه یاد شده را تجدید بنا کرد، آن را «باب الحمیدی» نامید. حصار شهر از دو بخش داخلی و خارجی تشکیل شده بود که دیوار داخلی از چهار سمت مدینه را در محاصره داشت و شش دروازه برای آن تعبیه کرده بودند؛ از جمله: ۱- باب الشامی (در شرق قلعه شامی) ۲- باب المجیدی (کنار حرم مطهر) ۳- باب الجمعه یا باب البقیع (پشت بقیع) ۴- باب المصری ۵- باب الحمام ۶- باب صبری پاشا. دیوار و حصار خارجیِ شهر از «باب العوالی» تا «باب قبا» امتداد یافته و از «باب العنبریه» نیز به سوی «السیح» تا «باب الکومه» و از شرق به «باب الصدقات» متصل می‌شد. دروازه‌های این حصار عبارت بودند از: ۱- باب العوالی (متصل به دیوار جنوبی بقیع) ۲- باب قبا (نزدیک مسجد عمربن خطاب) ۳-

باب العنبریّه (وردی غرب شهر) ۴- باب الکومه یا باب الجبل (غرب قلعه شامی) ۵- باب الصّدقات (در شرق شهر). «۱» پس از توسعه مدینه، این حصار ونیز دروازه‌ها برداشته شده است. (تصویر شماره ۸۹)

فصل هفتم: مساجد و مناطق تاریخی اطراف مدینهٔ النبی صلی الله علیه و آله

۱- مسجد شجره: ذو الحُلَیْفه (آبار علی علیه السلام)

این مسجد، که امروزه به نامهای «شجره»؛ «ذوالحُلَیفه» و «ابیار علی» مشهور است، یکی از مساجد بسیار مهم خارج از مدینه بوده و به عنوان یکی از میقات‌ها و مساجد احرام از اهمیت بسزایی برخوردار است. وجه تسمیه آن به نام‌های فوق چنین است: الف- شجره؛ از آن‌رو آن را چنین خوانند که پیامبر صلی الله علیه و آله در آن‌جا، کنار درختی به نام «سَـمَره» فرود آمد و احرام بست. «۱» ب- احرام؛ به سبب آن‌که حاجیان برای تشرف به حج، در این مسجد احرام می‌بندند. ج- ذو الحُلَیفه؛ «حُلیفه» نام آبی است میان دو قبیله قریش، که پیامبرخدا صلی الله علیه و آله دوست داشتند برای بستن احرام، کنار درختی در این محل فرود آیند. «۲» د- ابیار علی علیه السلام: از آن جهت به این نام شهرت یافت که حضرت علی علیه السلام برای آبیاری نخلستان‌ها، چاه‌های فراوانی در این منطقه کندند و ابیار نیز اسم جمع «بئر» یعنی چاه است. فیروز آبادی که در قرن هشتم آن را توصیف کرده، گوید: این مسجد جز به نام تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۳۱۸ «ابیار علی علیه السلام» شناخته نیست. «۱» پیامبر خدا صلی الله علیه و آله سه بار در این مکان مُحرم شده‌اند: ۱. هنگام صلح حدیبیه (سال ششم هجری) ۲. عمره ناشده (سال هفتم هجری)- ۳. حَجّهٔالوداع (سال دهم هجری). «۲» زین الدین الاستدار، در سال ۹۶۱ ق. بنای مسجد را بازسازی کرد و در پیرامون آن دیواری بزرگ ساخت که تا پایان دوره عثمانی همچنان پا بر جا بود. طول این مسجد، از جنوب تا شمال، ۵۲ ذراع (۶۵/ ۲۵ متر) و از شرق به غرب نیز به همین مقدار بوده است. «۳» در دوران فهد بن عبدالعزیز بگونه بسیار زیبایی بازسازی شد. اکنون مساحت آن به ۸۸۰۰۰ مترمربع رسیده که ۵۰۰۰ نمازگزار در آن جای می‌گیرند. (تصویرهای شماره ۹۰- ۹۱)

۲- مسجد مَعْرس

مَعرس به معنای محل خواب صبحگاهی است. پیامبر صلی الله علیه و آله بیشتر در راه انجام عمره، واجب و یا پس از بازگشت از غزوات، در این مکان استراحت می‌کردند. «۴» به مرور زمان بقایای این مسجد رو به ویرانی گذاشت و جز چند تکه سنگ چیده شده بر روی هم، اثری از آن نماند. اکنون مکان آن، در پشت مسجد شجره، به فاصله یکصد متری، صاف و تنها درختی علامت آن است.

۳- مسجد سَرِف

این مسجد که میان راه مکّه و وادی مهزور واقع‌است، محلّ وفات و دفن «میمونه»، تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۳۱۹ همسر پیامبر صلی الله علیه و آله در سال ۳۹ ق. است. سمهودی آن مسجد و قبر را زیارت کرده است. «۱» سَرِف اردوگاهی نیز برای لشگریان اسلام بوده است که عمدتاً پیامبر صلی الله علیه و آله در غزوه‌های خارج مدینه، همراه لشگریان در این‌جا اردو می‌زده‌اند.

۴- مسجد علی عُرَیْضی

در «عُرَیض» «۲» کنار مقبره علی عریضی، فرزند بزرگوار امام صادق علیه السلام، مسجدی قرار داشته که به «علی عریضی» مشهور

بوده است. این مسجد که در شش کیلومتری جاده فرودگاه مدینه در دنباله شرقی کوه احد، در محله مشهور «عُریض» موجود بود، در سال ۱۳۸۲ ش. تخریب شد.

۵- منطقه فدک

فدک از مناطق بسیار حاصلخیز بوده که به یهودیان تعلق داشته است. هنگامی که غزوه خیبر رخ داد، یهودیان فدک، که از شکست هم‌کیشان خود در این جنگ آگاهی یافتند، نماینده‌ای نزد رسول اللَّه صلی الله علیه و آله فرستادند و از او امان خواستند. آن حضرت نیز محیصهٔ بن حرام را فرستاد و فدک را از آنان گرفت. طی قراردادی که بسته شد، نیمی از فدک جزو اموال خاص پیامبر صلی الله علیه و آله شد و نیمی دیگر به مسلمانان واگذار گردید. «۳» پیامبر صلی الله علیه و آله نیز فدک را به فاطمه علیها السلام واگذار کرد. «۴» امام علی علیه السلام گوید: در زیر این آسمان، تنها فدک به ما تعلّق داشت که آن را از ما تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۳۲۰ دریغ کردند. «۱» فدک تا مدینه ۱۳۰ کیلومتر و تا خیبر حدود ده کیلومتر فاصله دارد. امروزه این سرزمین، بسیار حاصلخیز و آباد است وآب‌های گوارای آن بسته‌بندی شده و در سرتاسر عربستان عرضه می‌شود. براین بطری‌ها این عبارت دیده می‌شود: «ماء لوادی فاطمهٔ علیها السلام». (تصویر شماره ۹۲)

۶- منطقه خیبر

در زبان یهود، «خیبر» به معنای حصن و قلعه بوده و جمع آن «خیابر» است. برخی گویند: این اسم برای منطقه خیبر، از نام «خیبر بن قانیهٔ بن مهلائیل بن ارم» گرفته شده است. «۲» غزوه معروف خیبر، در سال هفتم هجرت، در این منطقه رخ داد و پیامبر صلی الله علیه و آله قلعه‌های آن منطقه را، که هفت قلعه بود، یکی پس از دیگری فتح کردند. در این غزوه، یهودیان تمامی اموال و مزارع خود را رها کرده و از مدینه تبعید شدند. «۳» هنگامی که عمر به خلافت رسید، باقی‌مانده یهود را از خیبر به شام تبعید و منطقه را میان مسلمانان و نیز همسران پیامبر صلی الله علیه و آله تقسیم کرد. خیبر در ۱۲۰ کیلومتری جنوب مدینه واقع شده و تا فدک ده کیلومتر فاصله دارد. (تصویر شماره ۹۳)

۷- زیارتگاه یَنبوع

یَنبوع یا یَنْبُع در غرب مدینه (در ساحل دریای سرخ) و ۲۱۳ کیلومتری مکه واقع شده و امروزه به عنوان یک شهر بندری، از رونقی برخوردار است. از آن‌جا که این قریه تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۳۲۱ چشمه‌ها و آب‌های فراوانی داشته، به این نام شهرت یافته است. «۱» هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله غنایم جنگی را میان مجاهدان تقسیم می‌کردند. این مکان سهم علی علیه السلام شد و آن حضرت با کندن چاه‌هایی به ایجاد نخلستان پرداخته و در آمد آن را به یتیمان و مستمندان بنی‌هاشم اختصاص دادند. ایشان تا پیش از خلافت، عمدتاً در این مکان سکونت یافته و به کار مشغول بوده‌اند. در آن مکان مسجدی ساختند که به گفته ابن رشید، پیامبر صلی الله علیه و آله در مکان آن نماز گزارده بودند. «۲» امروزه در ینبوع، که یکی از زیارتگاه‌های مهم و فراموش شده است، چند تن از فرزندان ائمه و سادات جلیل القدر به خاک سپرده شده‌اند. معروف‌ترین آنان عبارت‌اند از: ۱. عمر الاطرف، آخرین فرزند امام علی علیه السلام و فردی بسیار با تقوا و زاهد بوده است. ۲- علی اصغر، کوچک‌ترین فرزند امام سجاد علیه السلام. ۳- احمد بن علی‌بن علی‌بن محمدبن عون‌بن محمد حنفیّه. ۴- داوود بن محمد بن عبداللَّه بن عبیداللَّه‌بن حسن‌بن عبیداللَّه‌بن عباس‌بن علی علیه السلام که در زمان اخیضر، علیه جور و ستم او قیام کرد و به دست ادریس بن موسی در این مکان به قتل رسید و مدفون شد. «۳» تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۳۲۲ نقشه جدید مدینه تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۳۲۳

منابع و مآخذ

الف) عربی

۱. آلبانی، محمد ناصرالدین صحیح سنن نسائی، ریاض، زهیرالشادیش، المکتب التربیهٔ العربی لدول الخلیج: چاپ اول ۱۴۰۹ ۲. ابن ابی شیبه، حافظ عبداللَّه بن محمد (م ۲۳۵)، المُصنّف فی الاحادیث والآثار، تحقیق سعید محمداللحام، بیروت: دارالفکر، چاپ اول ۱۴۰۹ ق ۳. ابن ابی الحدید، عزّالدین ابو حامد (۶۵۵- ۵۸۶ ه.) شرح نهج‌البلاغه، تحقیق: ابوالفضل ابراهیم، قاهره: دار احیاء الکتب العربی، ۱۳۷۸ ق. ۴. ابن اثیر جزری الشیبانی، عزالدین ابی الحسن (م ۶۳۰ ه.)، الکامل فی التاریخ، بیروت: دار صادر، دار بیروت ۱۹۵۶ ق ۵. ابن اثیر جزری، مجد الدّین ابی السعادات (۶۰۶- ۵۵۴)، النهایهٔ فی غریب الحدیث و الأثر، تحقیق طاهر احمد الرادی. محمود محمد الطناحی، بیروت: مکتبهٔ العلمیه [بی‌تا] ۶. ابن بابویه قمی، ابی جعفر محمد، من لا یحضره الفقیه، تحقیق: موسوی الخراسانی، نجف: چاپ چهارم ۱۳۷۷ ق. ۷. ابن بطوطه، ابو عبداللَّه محمد بن ابراهیم (۷۵۶- ۶۸۳ ق.)، رحله ابن بطوطه، بیروت: دار تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۳۲۴ بیروت- دار صادر ۱۳۷۹ ق. ۸. ابن جبیر، ابی الحسن محمد، رسالهٔ اعتبار الناسک فی ذکر الآثار الکریمهٔ و المناسک، معروف به «الرحلهٔ ابن جبیر»، بیروت: دار مکتبهٔ الهلال، چاپ دوم ۱۹۸۶ م. ۹. ابن جوزی، یوسف بن حسام الدّین قز اوغلی سبط (۶۵۴- ۵۸۲ ه.)، تذکرهٔ خواص الامهٔ فی معرفهٔ الائمهٔ، فی هامشه مطالب السئول، محمد بن طلحه نصیبی شافعی، چاپ سنگی ۱۲۸۵ ش. ۱۰. ابن حجر عسقلانی، الاصابهٔ فی تمییز الصحابه، مصر: مصطفی محمد، ۱۳۵۸ ق. ۱۱. همو، تهذیب التّهذیب، هند: مجلس دائرهٔ المعارف النظامیه، حیدرآباد دکن ۱۳۲۵ ق. ۱۲. همو، فتح الباری بشرح صحیح البخاری، التزام، عبدالرحمان محمد، بیروت: دار احیاء، چاپ دوم ۱۴۰۸ ق. ۱۳. همو، المطالب العالیّهٔ بزوائد المسانید الثمانیّهٔ، مکّهٔ المکرمه، دار ابن باز [بی‌تا]. ۱۴. ابن حجر هیتمی، شهاب الدین (۹۷۴- ۹۰۹ ه.)، الصّواعق المحرقه فی الرّد علی اهل البدع و الزندقه، مصر: مطبعهٔ الیمینیه، احمد البابی الحلبی، چاپ سنگی ۱۳۱۲ ق. ۱۵. همو، تحفهٔ الزّوار الی قبر النّبیّ المختار، تحقیق: سید ابو عمه، مصر: دارالصحاب للتراث بطنطا، چاپ اول ۱۴۱۲ ق. ۱۶. ابن حجر هیثمی، نورالدین علی بن ابی‌بکر (۸۷۵ ه.)، موارد الظمان الی زوائد ابن حَبّان، حققه و نشره محمد عبدالرزاق حمزه، بیروت: دارالکتب العلمیه [بی‌تا]. ۱۷. ابن حزم اندلسی، ابو محمد علی بن احمد بن یعید، المُحلَّی بالآثار، تحقیق عبدالغفار سلیمان البغدادی بیروت: دار الکتب ۱۴۰۸ ق. ۱۸. ابن حنبل، احمد بن محمد (۱۶۴- ۲۴۱ ه.)، المسند، شرح و وضع فهارسه احمد محمد شاکر، مصر: دارالمعارف للطباعهٔ و النشر، چاپ دوم ۱۳۶۸ ق. ۱۹. ابن حیان، حافظ ابی محمد جعفر (م ۳۶۹ ه.)، اخلاق النبی (ص)، دراسهٔ و تحقیق سید الحمیلی، بیروت: دار الکتاب العربی، چاپ سوم ۱۴۰۹ ق. ۲۰. ابن خردادبه، ابی القاسم عبیداللَّه بن عبداللَّه، المسالک و الممالک، وضع مقدمته و تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۳۲۵ هوامشه محمد مخزوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی ۱۴۰۸ ق. ۲۱. ابن خلدون، ابو زید عبدالرحمن بن محمد (۷۳۴- ۸۰۸ ه.)، العبر و دیوان المبتدا و الخبر فی ایام العرب و العجم و البربر ومن عاصرهم من ذوی السلطان الاکبر، بیروت: دار الکتب ۱۹۵۶ م. ۲۲. ابن رسته، احمد بن‌عمر، الاعلاق النفیسه، تصحیح و ستنفلد، لیدن: ای جی بریل ۱۸۹۱ م. ۲۳. ابن رشید فهری البستی، ابی عبداللَّه محمد بن عمر، ملء العَیْبه بما جُمع بطول الغَیبهٔ فی الوجههٔ الوجیههٔ الی الحرمین مکهٔ و طیّبهٔ، تحقیق: محمد الحبیب بن الخوجه، بیروت: دارالمغرب الاسلامی، چاپ اول ۱۴۰۸ ق. ۲۴. ابن سلیمان، محمد بن محمد، جمع الفوائد من جامع الاصول و مجمع الزوائد، قبرس: بنک فیصل الاسلامی ۱۴۰۵ ق. ۲۵. ابن شبه النمیری البصری، ابوزید عمر (۱۷۳- ۲۶۲ ه.)، تاریخ المدینهٔ المنورهٔ، حققه فهیم محمد شلتوت، بیروت: دار التراث، چاپ اول ۱۴۱۰ ق. ۲۶. ابن شهرآشوب، ابی جعفر رشیدالدین (م ۵۸۸ ه.)، المناقب الائمهٔ: المناقب آل ابی طالب، قم: مطبعهٔ العلمیه [بی‌تا]. ۲۷. ابن صباغ مالکی، علی بن محمد بن احمد المغربی المالکی (م ۸۵۵ ه.)، الفصول المهمهٔ فی

معرفة احوال الائمة، نجف: مکتبة الحیدریه، چاپ سوم ۱۳۸۱ ق. ۲۸. ابن ظهیرة المخزومی القرشی، جمال الدین محمد جاراللَّه بن محمد، الجامع اللطیف فی فضل مکة و اهلها وبناء البیت الشریف، بیروت: المکتبة الشعبیه، چاپ پنجم ۱۳۹۹ ق. ۲۹. ابن عبدالبر، ابو عمر یوسف بن عبداللَّه نمری قرطبی اشعری (۳۶۸ ه. ۴۶۰)، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، مصر: مطبعة مصطفی ۱۳۵۸ ق. ۳۰. ابن عبدربه الاندلسی، احمد بن محمد (م ۳۲۸ ه.)، العقد الفرید، تحقیق عبدالمجید استرحیتی، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ سوم ۱۴۰۷ ق. ۳۱. ابن علان شافعی الاشعری الملکی، محمد بن علان (م ۱۰۵۷ ه.)، دلیل الفالحین لطرق تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۳۲۶ ریاض الصالحین، تصحیح وتعلیق محمود حسن ربیع، مصر: مصطفی البابی الحلبی [بی‌تا]. ۳۲. ابن قتیبه دینوری، ابی محمد عبداللَّه بن مسلم (۲۷۶ – ۳۱۳ ه.)، المعارف، حققه و قدم له ثروت عکاشه، مصر: دارالمعارف، چاپ دوم ۱۹۶۹ م. ۳۳. همو، الامامة والسیاسة، (منسوب به ابن قتیبه)، قم: منشورات الشریف الرضی و مصر: مصطفی البابی الحلبی، چاپ دوم ۱۳۷۷ ق. ۳۴. همو، تأویل مختلف الحدیث، تحقیق عبدالقادر احمد عطا، بیروت: مؤسسة الکتب الثقافیّه ۱۴۰۸ ق. ۳۵. ابن قیم جوزی، زادالمعاد فی هدی خیر العباد، فهرسه محمد ادیب الجاور، بیروت: مؤسسة الرساله ۱۴۱۲ ق. و تحقیق محمد حامد الفقی، قاهره: مطبعة السنة المحمدیه ۱۳۷۳ ق. ۳۶. ابن‌کثیرالقرشی الدمشقی الشافعی، عماد الدین ابوالفداء اسماعیل بن عمر (۷۰۰– ۷۷۴ ه.)، البدایة و النهایة فی التاریخ، مصر: مطبعة السعادة ۱۳۵۱ ق. و بیروت ۱۴۰۹ ق. ۳۷. ابن ماجه، ابی عبداللَّه محمد بن یزید، السنن، به اهتمام محمد فؤاد عبدالباقی و محمد الاعظمی، ریاض ۱۳۰۴ ق. ۳۸. ابن منظور، امام علّامه، لسان العرب، تحقیق علی سیری، بیروت: دار احیاءالتراث العربی، چاپ اول ۱۴۰۸ ق. ۳۹. ابن موسی، علی، رسالة فی وصف المدینة المنورة، فی ذیل رسائل فی تاریخ المدینه، جمعها و قدم لها حمد الجاسر، ریاض: منشورات دارالیمامه ۱۳۹۳ ق. ۴۰. ابن نجّار، امام حافظ بن محمود، اخبار مدینة الرسول، المعروف بالدُّرّة الثمینه– تحقیق صالح محمد جمال، مکة المکرمه: مکتبة الثقافه، چاپ سوم ۱۴۰۱ ق. ۴۱. ابن وردی، زین‌الدّین عمربن مظفر (م ۷۴۹)، تاریخ ابن وردی، نجف: المطبعةالحیدریه، چاپ دوم ۱۳۸۹ ق. ۴۲. ابن هشام، ابو محمد عبدالملک بن ایوب حمیری (۲۱۸ ه.)، السّیرة النبویّة، تحقیق تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۳۲۷ محی الدین عبدالمجید، قاهره ۱۳۵۶ ق. و تحقیق مصطفی السقاء و دیگران، بیروت: دار الوفاق ۱۳۵۵ ق. ۴۳. ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیّین، شرح و تحقیق سید احمد صفر، بیروت: مؤسسة الاعلمی، چاپ دوم ۱۴۰۸ ق. ۴۴. همو، الاغانی، تحقیق سید جابر، مکّه مکرمه: دار ابن باز [بی تا]. ۴۵. ابو نعیم اصفهانی، احمد بن عبداللَّه (م ۴۳۰ ه.)، حلیة الاولیاء و طبقات الاصفیاء، مصر: مکتبةالخانجی و مطبعة السعادة ۱۳۵۱ ق. دار الکتاب العربیه، بیروت: چاپ دوم ۱۳۸۷ ق. ۴۶. امینی، عبدالحسین (۱۲۸۱– ۱۳۴۹)، الغدیر فی کتاب والسنة و الادب، بیروت: دارالکتاب العربی، چاپ سوم ۱۳۴۶ ق. ۴۷. باسلامَه، حسین بن عبداللَّه، تاریخ عمارة المسجدالحرام بما احتوی من مقام ابراهیم و بئر زمزم والمنبر و غیر ذلک، جده: تهامه، چاپ دوم ۱۴۰۰ ق. ۴۸. بحرانی، هاشم بن سعید بن سلیمان (۶۹۵ ه.)، غایة المرام و حجة الخصام فی تعیین الامام من طریق الخاص و العام، تهران: معارف اسلامی [بی تا]. ۴۹. بخاری، محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن بردزبه الجعفی، صحیح البخاری، مصر: نشر احیاء کتب السنه، چاپ دوم ۱۴۱۰ ق. ۵۰. بکداش، سائد، فضل ماء زمزم و ذکر تاریخه و اسمائه، مکه: المکتبة المکیه ۱۴۱۳ ق. ۵۱. البکری الشافعی الاشعری المصری، محمد بن عبدالرحمن، الدُرَّةُ المکَلَّلَة فی فتح مکة المشرفة المُبَجَّله، مقدمه و تصحیح محمد حجازی، مصر: مکتبة الثقافیة الدینیه، چاپ اول ۱۴۰۷ ق. ۵۲. بکری، احمد موسی و دیگران، جغرافیة المملکة العربیة السعودیه، ریاض: وزارت المعارف ۱۳۹۴ ق. ۵۳. بلاذری، ابی الحسن احمد بن یحیی بن جابر (ف ۲۷۹)، انساب الاشراف، حققه محمد باقر المحمودی، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، چاپ دوم ۱۹۷۴ م. تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۳۲۸ ۵۴. بیرونی، ابوریحان محمد بن احمد (م ۴۴۰)، الآثار الباقیة عن القرون الخالیة، بغداد: مکتبة المثنی [بی تا]. ۵۵. بیضون، ابراهیم، زکار، سهیل، تاریخ العرب السیاسی من فجر الاسلام حتی سقوط البغداد، بیروت: دارالفکر چاپ اول ۱۳۹۴ ق. ۵۶. بن‌سلام، احمدسعید، المدینةالمنورة فی‌القرن‌الرابع عشرالهجری، مدینه: ۱۴۱۴ ق. ۵۷. بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین (۳۸۴– ۴۵۸)، دلائل‌النبوّة، بیروت: [بی‌ن– بی‌ت و

ترجمه مهـدوی دامغـانی، تهران: علمی فرهنگی ۱۳۶۱ ش. ۵۸. جاحـظ، ابوعثمـان عمرو بـن بحر (۱۶۰ - ۲۵۵)، العثمانیّـهٔ، تحقیق عبدالسلام هارون، بیروت: دارالجیل، چاپ اول ۱۴۰۱ ق. ۵۹. جندی المکی، ابی سعید المفضل بن محمد (م ۳۰۷)، فضائل المدینه، تصـحیح محمـد مطیـع الحافـظ، غزوه بـدیر، دمشق: دار الفکر، چـاپ اول ۱۴۰۵ ق. ۶۰. جـواد علی، المفصّـل فی تاریـخ العرب قبل الاسـلام، بیروت: دارالعلم للملاـئین ۱۹۶۸ م. ۶۱. حاکم حسـکانی نیشابوری، عبیـداللّه (سـده پنج)، شواهد التنزیل لقواعد التفضـیل، حققه شیخ محمد باقر المحمودی، بیروت: مؤسسهٔ الاعلمی للمطبوعات ۱۳۹۳ ق. ۶۲. حرّ عاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعهٔ الی تحصـیل مسائل الشریعهٔ، تهران: مکتبهٔ الاسلامیه، چاپ پنجم ۱۴۰ ق. ۶۳. خطیب بغـدادی، حافظ ابی‌بکر احمد بن علی (۳۹۲- ۴۶۳ ه.)، تاریخ البغداد او المدینهٔ السـلام، مصر: مطبعهٔ السعاده ۱۳۴۹ ق. ۶۴. خفاجی، محمدعبدالمنعم، سیرهٔ خاتم‌المرسلین، بیروت: دار الجیل، چاپ اول ۱۴۱۱ ق. ۶۵. الخیاری، احمد یاسین احمد، تاریخ معالم المدینهٔ المنورهٔ قدیماً و حدیثاً، تحقیق: عبیداللّه محمد امین کردی، مدینه: دارالعلم چاپ اول ۱۴۱۰ ق. ۶۶. دائرهٔ المعارف الاسلامیّه، احمد الشنتاوی، ابراهیم زکی خورشید، عبدالحمید یونس، تاریخ و آثار اسـلامی، ص: ۳۲۹ تهران: جهـان، بوذر جمهری [بی‌تا]. ۶۷. دائرهٔ المعارف الشیـعیّه، حسن الامین، بیروت: دارالتعارف للمطبوعـات، چاپ دوم ۱۳۹۳ ق. ۶۸. دیـار بکری حسن بن محمـد بن الحسن (ف ۹۶۶)، تاریـخ الخمیس فی احوال انفس النَّفیس، بیروت: مؤسسهٔ شـعبان للنشر و التوزیع [بی‌تا]. ۶۹. دیلمی، ابن محمـد الحسن بن الحسن محمـد، ارشـاد القلوب فی فضائل علی (ع)، نجف: مکتبـهٔ العلمیه ۱۳۷۰ ق. ۷۰. ذهبی، شـمس الـدین محمـد بن احمـد بن عثمان (م ۷۴۸)، تاریـخ الاسـلام و طبقات المشاهیر و الاعلام، عن نسخهٔ دارالکتب المصریه، کویت: ۱۹۶۱ م. ۷۱. رازی، ابی محمد عبدالرحمن بن حاتم بن ادریس (۲۴۰- ۳۲۷ م)، علل الحـدیث، مقدمه محب الدین الخطیب، بیروت: دارالمعرفه ۱۴۰۵ ق. ۷۲. رفعت پاشا، ابراهیم (۱۳۲۴ ق.)، مرآهٔ الحرمین او الرحلات الحجازیّهٔ و الحج و مشاعرهٔ الدینیه، مصـر: دارالکتب المصریه ۱۳۴۴ ق. ۷۳. زبیدی، محمد مرتضی الحسینی، تاج العروس من جواهر القاموس، تحقیق مصـطفی حجازی، بیروت: دارالهدایه ۱۳۹۳ ق. ۷۴. زیعلی الحنفی، جمال الـدین ابی محمـد عبـداللّه بن یوسف (م ۷۶۲)، نصب الرایـهٔ لاحـادیث الهدایـهٔ، بیروت: دار احیـاء التراث، چاپ سوم ۱۴۰۷ ق. ۷۵. سـعدی المقدسـی، ضیاء الدین محمد بن عبدالواحد بن احمد (۵۶۹ ه.)، فضائـل الاعمال، قاهره: دار الفـداء العربی [بی‌تا]. ۷۶. سهیلی، عبدالرحمان (۵۰۱- ۵۸۱ ق.)، الروض الانف فی شـرح السیرهٔ النبویـهٔ، تحقیق، عبـدالرحمان الوکیل، قاهره: دارالکتب الحدیثه ۱۳۸۷ ق. ۷۷. سـمهودی، ابوالحسن علی بن احمد (م ۹۱۱)، وفاء الوفا باخبار دار المصـطفی، حققه و فصَّله محمد محیی الدین عبدالحمید، چاپ اول، قاهره: مطبعهٔ السعادهٔ ۱۳۷۴ ق. ۷۸. همو، الوفاء بما یجب بحضرهٔ المصطفی، فی رسائل تاریخ المدینه، حمد الجاسر، تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۳۳۰ ریاض: دار الیمـامه ۱۳۹۳ ق. ۷۹. سـیوطی، جلاـل الـدین عبـدالرحمان بـن ابی‌بکر (م ۹۱۱)، لبـاب النقـول فی اسـباب النزول، تصـحیح احمد عبـدالشافی، بیروت: دارالکتب العلمیـهٔ [بی‌تا]. ۸۰. الشـامی، صالح‌الاحمـد، اهل‌الصـفه بعیـداً عن‌الوهم و الخیال، بیروت: دار اعتصام. ۱۴۰۷ ق. ۸۱. شـریف مرتضی، علی بن حسین بن موسی (۳۵۵- ۴۳۶)، الامالی: غرر الفوائـد و درر القلائد، تحقیق محمد ابوالفضـل ابراهیم، مصـر: داراحیاء الکتب العربی، عیسـی البابی ۱۳۷۳ ق. ۸۲. الصاعـدی، سعود بن عبـدالمحیی و مطرالمحمدی، احد- الآثار، المعرکه، التحقیقات، مـدینه: دارالمجتمع ۱۴۱۳ ق. ۸۳. طباطبـائی حکیم، سـید محسن، مسـتمسک العروهٔ الوثقی، بیروت: دار احیـاء التراث چـاپ دوم ۱۳۹۱ ق. ۸۴. طبرسـی، ابـو منصور احمـد بن علی (سـده ۶)، الاحتجـاج علی اهل اللجاج، محمـد حسـین خلف، رمضانعلی کاشانی، ایران: چاپ سنگی، دارالطباعه ۱۳۰۲ ش. ۸۵. طبری، محمد بن جریر بن یزید (۲۲۴- ۳۱۰ ه)، الرسل و الملوک: تاریـخ الطبری، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ دوم ۱۴۰۸ ق. و مصر: مطبعهٔ الاستقامه ۱۳۵۷ ق. ۸۶. همو، تهذیب الآثار، مسند عمر بن خطاب، السفر الثانی، اخرج احادیثه محمد محمود شاکر، قاهره: المؤسسهٔ السعودیهٔ [بی‌تا]. ۸۷. طبری، حافظ ابی العباس احمد بن عبـداللّه محب‌الدین (۶۱۵ ق.)، القری لقاصـد ام‌القری، تحقیـق مصـطفی السـقاء، بیروت: دارالفکر چـاپ دوم ۱۴۰۳ ق. ۸۸. طریحی نجفی، فخرالـدین بن محمـد بن علی بن احمد (۱۰۸۵ ه.)، مجمـع البحرین و مطلع النیرین، تحقیق: احمـد الحسـینی، تهران: مرتضوی

۱۳۶۲ ش. ۸۹. طوسی، ابی‌جعفر محمد بن الحسن، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعهٔ شیخ مفید، تحقیق موسوی الخراسانی، تهران: دارالکتب الاسلامیه ۱۳۶۵ ش. تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۳۳۱ ۹۰. عبدالغنی، محمد الیاس، بیوت الصحابهٔ حول المسجد النبوی الشریف، المدینهٔ المنورهٔ، مطابع الرشید، ۱۴۱۲ ق. ۹۱. تاریخ مکهٔ المکرّمهٔ قدیماً وحدیثاً، المدینهٔ المنورهٔ، مطابع الرشید، ۱۴۲۲ ق. ۹۲. همو، تاریخ المسجد النبوی الشریف، المدینهٔ المنورهٔ، مطابع الرشید، ۱۴۲۴ ق. ۹۳. العاملی، جعفر مرتضی، الصحیح من سیرهٔ النبی الاعظم، قم: ۱۴۰۳ ق. ۹۴. عسّاف، احمد محمد، خلاصهٔ الاثر فی سیرهٔ سید البشر، بیروت: دار احیاء العلوم، چاپ اول ۱۴۰۸ ق. ۹۵. غزّالی، ابوحامد محمد بن محمد، احیاء العلوم، بیروت: دارالفکر، چاپ دوم ۱۴۰۹ ق. ۹۶. فاسی المکی المالکی، ابی‌الطیب تقی الدین محمد بن احمد بن علی (۷۷۵- ۸۲۳ ه.)، شفاء الغرام باخبار البلد الحرام، حققه عمر عبدالسلام تدمری- بیروت: دارالکتاب العربی، چاپ اول ۱۴۰۵ ق. ۹۷. فاکهی، ابی عبداللّه، محمد بن اسحاق، اخبار مکهٔ فی قدیم الدهر و حدیثهٔ، تحقیق عبدالملک بن عبداللّه بن دهیش، مکه: مکتبهٔ النهضهٔ الحدیثه، چاپ اول ۱۴۰۷ ق. ۹۸. فروخ، عمر، تاریخ صدر الاسلام و الدولهٔ الامویهٔ، بیروت، دارالعلم للملائین، چاپ اول ۱۹۷۰ م. ۹۹. فیروزآبادی، مجدالدین ابوطاهر محمد بن یعقوب (۷۲۹- ۸۱۷ ه.)، المغانم المطابهٔ فی معالم طابهٔ، تحقیق حمد الجاسر، ریاض: دارالیمامه ۱۳۸۹ ق. ۱۰۰. کاندهلوی، محمد یوسف، حیاهٔ الصحابه، بیروت: دارالمعرفه [بی‌تا]. ۱۰۱. کلبی، هشام بن سائب، الاصنام، تحقیق احمد زکی پاشا، قاهره: ۱۹۲۵ م. ۱۰۲. کلینی، ابی جعفر محمد بن یعقوب (م ۳۲۸)، الفروع من الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم ۱۳۶۳ ش. ۱۰۳. گنجی شافعی، ابوعبداللّه محمد بن یوسف (ف ۶۵۸)، کفایهٔالطالب فی مناقب علی بن ابی‌طالب علیه السلام، تحشیه طباطبائی [بی‌م. بی‌ن. بی‌ت . ۱۰۴. لبیب البتنونی، محمد، الرحلهٔ الحجازیهٔ، عباس حلمی پاشا الثانی خدیو مصر، قاهره: تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۳۳۲ مکتبهٔ الثقافیهٔ الدینیه [بی‌تا]. ۱۰۵. العاملی، محسن الامین، مفتاح الجنّات فی الادعیهٔ و الاعمال و الصّلوات و الزّیارات، بیروت: مؤسسهٔ الاعلمی، چاپ اول [بی‌تا]. ۱۰۶. متقی الهندی، علاءالدین متقی بن حسام الدین، کنزالعُمال فی سنن و الاقوال والافعال، بیروت: مؤسسهٔ الرساله ۱۴۰۹ ق. ۱۰۷. مجلسی، محمد باقر (۱۱۱۱ ه.)، بحارالانوار، نهض مشروحه سید جواد العلوی و محمد الاخوندی، تهران: ۱۳۸۸ ق. ۱۰۸. مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین شافعی (ف ۳۴۵ ه.)، مروج الذهب و معادن الجوهر، مصر: مطبعهٔ البهیهٔ المصریهٔ، ادارهٔ الملتزم ۱۳۴۶ ق؛ لبنان، دارالقلم ۱۴۰۸ ق. ۱۰۹. همو، التّنبیه و الاشراف، بیروت: مکتبهٔ خیاط ۱۹۶۵ م. ۱۱۰. مسلم، امام محمد، الصحیح، بشرح الامام النووی، بیروت: دارالفکر [بی‌تا]. ۱۱۱. مصعب زبیری، ابی‌عبداللّه مصعب، کتاب نسب قریش، تحقیق لیوی بردفینسال، مصر، دار المعارف، [بی‌تا]. ۱۱۲. مفید، محمد بن نعمان (۳۳۶- ۴۱۳ ه.)، الارشاد، صححه و اخرجه سید کاظم الموسوی المیاموی، شیخ محمد الآخوندی، بیروت: دارالکتب اسلامیه ۱۳۷۷ ق. ۱۱۳. مقدسی، طاهر بن مطهر (م ۱۰۱۰ ه.)، البدء و التّاریخ، پاریس: تحت اشراف کلمان هوار فرانسوی ۱۹۰۷ م؛ ایران: مکتبهٔ الاسلامیه ۱۹۶۲ م. ۱۱۴. ملا خاطر، ابراهیم، فضائل المدینهٔ المنورهٔ، دمشق- مدینه: مؤسسهٔ علوم القرآن ۱۴۰۴ ق. ۱۱۵. نسائی، سنن، به شرح جلال الدین سیوطی، بیروت: دارالکتب العلمیه [بی‌تا]. ۱۱۶. نهروانی المکی الحنفی، قطب الدین، الاعلام باعلام بیت‌اللّه الحرام، بیروت: دارالرائق التراث العربی [بی‌تا]. ۱۱۷. واقدی، محمد بن عمر بن سعد بن کاتب (م ۲۰۷ ه.)، المغازی، تحقیق مارس جونس، بیروت: [بی‌تا]. تاریخ و آثار اسلامی، ص: ۳۳۳ ۱۱۸. وزارهٔ الاعلام الشؤون الاعلامیهٔ الاعلام الداخلی، فی خدمهٔ ضیوف الرحمن، ریاض: دارالموسوعهٔ العربیه ۱۴۱۱ ق. ۱۱۹. ولی، طه، المسجد فی الاسلام، بیروت: دارالعلم للملائین ۱۴۰۹ ق. ۱۲۰. همدانی، احمد الرحمانی، فاطمهٔ الزهراء بهجهٔ قلب المصطفی من المهد الی اللحد، بیروت: النعمان ۱۴۱۱ ق. ۱۲۱. یاسین، محمود، الرحلهٔ الحج و العمرهٔ، بیروت: دارالهجره، چاپ اول ۱۴۰۸ ق. ۱۲۲. یاقوت حموی، شهاب الدین ابو عبداللّه (۵۷۴- ۶۲۶ ه.)، معجم البلدان، تهران: کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران [بی‌تا]؛ مصر: تصحیح محمد الخانجی، احمد ناجی الجمالی ۱۳۲۳ ق، بیروت: دارالفکر [بی‌تا]. ۱۲۳. یعقوبی، احمد بن یعقوب بن جعفر، الشهیر بابن واضح الاخباری (ف ۲۸۴ ه.)، تاریخ الیعقوبی، نجف: مکتبهٔ المرتضویهٔ ۱۳۵۸ ق؛ بیروت: دار صادر، دار بیروت ۱۳۷۹ ق. ۱۲۴. همو، کتاب

البلـدان، بیروت: دار احیـاء الـتراث العربی ۱۴۰۸ ق. ۱۲۵. یلماز طرجان، الکعبـهٔ المشـرفهٔ، دراسـهٔ اثریـهٌ لمجموعـهِٔ اقفالِها و مفاتیحها المحفوظهٔ فی متحف طوب قابی باستانبول، استانبول: ۱۴۱۴ ق.

ب) فارسی

۱۲۶. ابو یوسف قاضـی انصاری، یعقوب بن ابراهیم (۱۱۲– ۱۸۲ ه)، الخراج، ترجمه میر علی اصـغر شعاع، افغانستان: مدیریت جریده وزارت مالیه ۱۳۳۵ ق. ۱۲۷. ازرقی، ابوالولیـد محمـد بن عبـداللّٰه بن احمـد، اخبـار مکه و ماجاء فیها من الآثار، تحقیق رشـد الصالح ملخس، ترجمـه محمـود مهـدوی دامغـانی، تهران: بنیـاد ۱۳۶۸ ش. ۱۲۸. شـوقی ضـیف، العصـرالجاهلی، ترجمه علیرضـا ذکـاوتی قراگوزلو، تهران: امیرکـبیر ۱۳۶۴ ش. ۱۲۹. فراهانی، میرزا عبدالحسـین (۱۳۰۳)، سـفرنامه فراهـانی به ققفازیه– مکه، به اهتمام حافظ فرمانفرماییان، دانشـگاه تهران، دانشـکده ادبیات ۱۳۴۲ ش. تاریـخ و آثار اسـلامی، ص: ۳۳۴ ۱۳۰. کَمّونه حسـینی، سید عبدالرزاق، آرامگاههای خاندان پاك پیامبر (ص) و بزرگان صـحابه و تابعین، ترجمه عبدالعلی صاحبی، مشـهد: آستان قدس رضوی ۱۳۷۱ ش. ۱۳۱. مصاحب، غلامحسـین (۱۲۸۹ ه.)/ دائرهٔ المعـارف فارسـی، تهران: فرانکلین ۱۳۴۵ ش. ۱۳۲. نجفی، محمد باقر/ مدینه شناسـی، بی‌نا، ۱۳۶۳ ش.

ج) خارجی

-. ۱۳۳ فی -۱۱۳۴. leone-. Avechc concurs Desprciccipaui orientaltites, M. Th. Houtsma, ۱۹۱۳, v
Ej. Brill. Leiden. New York. Robenhurn ۱۹۸۷. ۱۳۵- Caetanny, . لا-: ۱۹۷۲. ۱۳۶ -Carl Brokelmann
Julius- .London and Bradford, ۱۹۶۴. ۱۳۷ -Glubb, John Bagot -.hildeshiem .new york
lonodn cruzen pres, ۱۹۷۳ .. . hodder and stoughton first printed ۱۹۷۰. ۱۳۸- Wellhosen, .

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم جاهِـدُوا بِـأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِـکُمْ فی سَبیـلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُـونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شـما بهتر است اگر بدانید حضـرت رضا (علیه السّـلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسـته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار–ترجمه و شـرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصـفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصـفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السـلام) بخصوص حضـرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعـالی فرجه الشـریف) شـهره بوده و لـذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسـی بنیانگـذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشـد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهنـد. مرکز تحقیقات قائمیه اصـفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسـی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگـان حوزه و دانشـگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مـذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهـداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السـلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسـی دقیق تر مسائـل دینی، جـایگزین کردن مطالب سودمنـد به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد

بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیتهای گسترده مرکز : الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و... د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و... ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری

مانند آزاد کردن بنده دارد».

